



فصلنامه علمی - پژوهشی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۲۹. پاییز ۱۳۹۴

شاپا: ۱۷۳۵-۲۲۴X

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

مدیرمسئول: محمد رضا فضلی

سر دبیر: سید نصراله سجادی

مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

صفحه آرا: پردیس واهب زاده

چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

نشانی الکترونیکی: strategic.studies@msy.gov.ir

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است
و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجوادی پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت

ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز مطالعات و

پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت سیببگلو، حمید امیدی، علی کاشی، محمد مهدی شمسایی، ذبیح اله صدفی، مرتضی قلیچ، ستار پروین، مسعود دارابی، رضا امیدی، گلمراد مرادی، محمد خبیری، مهدی نادری نسب، علی حیرانی، حمید معرفتی، مجید جلالی فراهانی، احسان زارعیان، حسن قره خانی، محمدرسول خدادادی، اسفندیار خسروی زاده، علی گری، حمید معرفتی، سید محمد حسین رضوی، لیلا میرآقاسی، مریم قاضی نژاد، شراره مهدی زاده، مستوره صداقت، فرشته پورمحسنی کلوری، ناهید طالبی، مهتا اسکندر نژاد، فرزانه حاتمی، ناهید اتقیا، نسرين عزيزيان، مرجان صفاری، مریم نجار نهاوندی و لاله سامع سیاهکلرودی

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقاله های فصلنامه

۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به بالا تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است.
یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
بحث و نتیجه گیری: ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پراکنش و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کوتاه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر.
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) "عنوان رساله". مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) "عنوان مقاله". نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

فهرست

الگوی سیاست گذاری و مدیریت یکپارچه مشارکتی (شبکه ای) برای سازماندهی امور جوانان در ایران علی اکبر تاج مزینانی	۹
بررسی وضعیت اشتغال پذیری جوانان ایران زهره توحیدی، علی اکبر سروش، سید حسن الحسینی	۳۱
طرد عینی و ذهنی جوانان در ایران مریم قاضی نژاد، فاطمه رهنما، کیانا کلهر	۴۹
بررسی نقش تشکل های غیر دولتی جوانان « YNGOs » در کسب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران روح اله مدبر، مهدی ذاکریان	۷۷
پیش بینی ازدواج موفق: نقش عوامل زناشویی موثر مبتنی بر بافت فرهنگی - اجتماعی جواد خدادادی سنگده، علی محمد نظری، خدابخش احمدی	۹۷
دیدگاه دانش آموزان دبیرستانی پیرامون منابع تأثیرگذار بر هویت دینی شان (مطالعه موردی شهرستان کرج) فاطمه عابدی، مرتضی منادی	۱۰۹
راهکارهای توسعه فرهنگ زیست محیطی در ورزش سارا بوژمهرانی، سید محمد حسین رضوی	۱۲۹
تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین الملل محمد بابایی، رضا سیمبر، مریم رضایی، سجاد سلیمانی کشایه	۱۴۳
تدوین راهبردها و تعیین موقعیت راهبردی کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران لقمان کشاورز، ابوالفضل فراهانی، مرتضی رضایی صوفی، حسین ذکایی	۱۶۱
مقایسه کیفیت خواب و وضعیت شناختی سالمندان زن و مرد با سطوح فعالیت بدنی متفاوت مهدی کهندل، افسانه صنعت کاران، آرزو علی کرم	۱۸۵
چالش ها و فرصت های فراروی ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن حمید رضا صادقی پور، محبوبه جهانیان، سیده راضیه موسوی	۲۰۱
تدوین الگوی ساختاری مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون و هیئت های کشتی ایران سیده فریده هادوی، ابوالفضل فراهانی، حمید سیفی	۲۱۵

الگوی سیاست گذاری و مدیریت یکپارچه مشارکتی (شبکه ای) برای سازماندهی امور جوانان در ایران

علی اکبر تاج مزینانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۴

نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور در حوزه جوانان با چالش ها و مشکلات متعددی روبروست که علی رغم تلاش های صورت گرفته، مانع از کارآمدی کامل آن شده است. این چالش ها دارای ماهیت و ابعاد متنوعی است، اما بسیاری از آنها ریشه در ابعاد ساختاری سازماندهی امور جوانان دارند. مقاله حاضر در پی پرداختن به این چالش ها با تأکید بر مسائل ساختاری و پیشنهاد ساختار مناسب جهت بهینه سازی کارکردهای آن می باشد و در این راستا از دو مبنای نظری تحول در نظریه های حوزه مدیریت دولتی و عمومی و همچنین تحولات نظریه های مشارکت جوانان برای تبیین و توجیه الگوی مدنظر خود جهت سازماندهی امور جوانان بهره می گیرد. همچنین، برای انجام تحقیق و تدوین مقاله حاضر از تکنیک های مطالعه تطبیقی، تحلیل محتوا و مرور ادبیات استفاده شده است.

در بخش تطبیقی، بررسی عناوین و ماهیت نهادهای دولتی متولی امور جوانان در سطح جهان به شناسایی شش الگوی اصلی منجر گردید. در حوزه داخلی، جمع بندی چالش های موجود نشان داد که در مجموع برای تبیین ناکارآمدی و عدم موفقیت در حوزه سیاست گذاری و برنامه ریزی امور جوانان علل مختلفی را می توان برشمرد که در چهار دسته عوامل بافتاری، رفتاری، هنجاری و ساختاری قابل طبقه بندی است.

بر این اساس، الگویی با عنوان "الگوی سازماندهی یکپارچه/مشارکتی (شبکه ای)" برای ساختار سازماندهی امور جوانان در کشور پیشنهاد شده است که اولاً، بتواند چالش ها و مشکلات گذشته را تا حدود زیادی مرتفع نماید؛ ثانیاً، با بهره گیری از تجربیات بین المللی در جهت توسعه هرچه بیشتر این حوزه مثمرتر واقع گردد.

واژگان کلیدی: جوانان، سیاستگذاری و برنامه ریزی امور جوانان، الگوی سازماندهی یکپارچه مشارکتی، سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان

مقدمه

در حال حاضر، بیش از دو دهه از تأسیس "شورای عالی جوانان" به عنوان نقطه عطفی در سازماندهی امور جوانان در جمهوری اسلامی ایران در قالب ساختارهای حکومتی می گذرد و متعاقب آن سپهر حکمرانی کشور شاهد شکل گیری نهادهای مختلفی در حوزه امور جوانان نظیر "مرکز ملی جوانان"، "سازمان ملی جوانان" و ستاد ساماندهی امور جوانان بوده است. در آخرین تحول ساختاری در این زمینه، با ادغام "سازمان ملی جوانان" و "سازمان تربیت بدنی"، سازماندهی امور جوانان کشور به معاونتی در زیرمجموعه وزارت ورزش و جوانان واگذار شده است.

علی رغم تلاش های صورت گرفته طی دو دهه گذشته، همچنان بخش جوانان کشور از مسائل و مشکلات مختلفی رنج می برد و این امر باعث شده است تا تلاش های مزبور قرین موفقیت نباشد. اگرچه چالش ها و مشکلات موجود که در کنار یکدیگر باعث ناکارآمدی نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور در حوزه جوانان شده، دارای ماهیت و ابعاد متنوعی است، اما بسیاری از آنها ریشه در ابعاد ساختاری سازماندهی امور جوانان دارند. ابهام در جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاست گذاری و برنامه ریزی امور جوانان و افزایش این ابهام در اثر تغییر و تحولات ساختاری و مدیریتی پی در پی شاید مهم ترین چالش این حوزه باشد که به نوبه خود در قالب ابهام در جایگاه اسناد خاص جوانان در نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور و همچنین نامشخص بودن جایگاه برنامه های خاص جوانان در نظام بودجه ریزی کشور بروز و ظهور می یابد. در اثر این ابهامات و چالش ها، نظام خاصی برای نظارت و ارزیابی سیاست ها، برنامه ها و اقدامات مرتبط با جوانان وجود نداشته و برای اجرایی شدن آنها نیز هیچ گونه ضمانت اجرایی به چشم نمی خورد. علاوه بر این، نحوه نقش آفرینی خود جوانان، سازمان های مردم نهاد جوانان (سمن ها) و نهادهای ملی نمایندگی کننده منافع آنان نیز در نظام سازماندهی امور جوانان گنگ و نامشخص است و مجموعه حاکمیت به تصمیم ر روشنی در این زمینه دست نیافته که این امر در برخورد نوسانی و حرکت پاندولی موجود در این حوزه کاملاً مشهود است. مقاله حاضر در پی پرداختن به این مسائل ساختاری در بخش جوانان جمهوری اسلامی ایران و پیشنهاد ساختار مناسب جهت بهینه سازی کارکردهای آن می باشد. برای این منظور، پاسخ به پرسش های زیر در دستورکار مقاله حاضر قرار دارد:

- چالش های اصلی پیش روی ساختارهای رسمی متولی امور جوانان در کشور طی دو دهه گذشته چه بوده است؟
- الگوهای ساختاری سازماندهی امور جوانان در سایر کشورهای جهان چگونه است؟
- با توجه به چالش های موجود و تجربیات جهانی چه الگویی برای ساختار رسمی سازماندهی امور جوانان در کشور مناسب است؟

روش شناسی پژوهش

برای انجام تحقیق و تدوین مقاله حاضر از تکنیک های مطالعه تطبیقی، تحلیل محتوا و مرور ادبیات استفاده شده است. برای این منظور، در مرحله اول فهرست جامعی از نهادهای رسمی متولی امور جوانان در جهان تهیه و الگوهای مختلف آن بررسی و تحلیل گردید. در مرحله دوم، دیدگاه های منتشر شده موافقان و مخالفان درباره الگوهای مختلف ساختار متولی امور جوانان در ایران در مقاطع تغییر ساختاری از جمله مذاکرات مجلس و گزارش های کارشناسی مورد تحلیل محتوا، بررسی و جمع بندی قرار گرفت. (جدول ضمیمه) سپس بر اساس تجربه دو دهه گذشته، چالش های اصلی پیش روی سازماندهی امور جوانان (ساختاری،

بافتاری، رفتاری، و هنجاری) با تأکید بر چالش های ساختاری احصا شده و در پرتو تجربه گذشته و الگوهای موجود بین المللی، برای ساختار دولتی متولی سازماندهی امور جوانان در ایران الگوی جدیدی پیشنهاد گردید.

مبانی نظری

نوع نگاه به مقوله سازماندهی امور جوانان و طراحی الگوی مناسب برای این منظور، کاملاً متأثر از رهیافت نظری است که در این زمینه اتخاذ می گردد. فقدان یک مبنای نظری روشن می تواند باعث نوسانات متعدد و مخرب در این عرصه شود و وجود این مبنای متقن به ویژه اگر بتوان درباره آن یک اجماع نخبگانی در مجموعه حاکمیت و همچنین در میان کلیه طرف های ذی ربط ایجاد نمود، تسهیلگر عملکرد بهینه نظام سیاست گذاری امور جوانان خواهد بود. بر این اساس، مقاله حاضر از دو مبنای نظری برای تبیین و توجیه الگوی مدنظر خود جهت سازماندهی امور جوانان بهره می گیرد. محور اول، به تحول در نظریه های حوزه مدیریت دولتی و عمومی مرتبط است و محور دوم، ناظر به تحولات نظریه های مشارکت جوانان می باشد. نظریه های مدیریت دولتی و عمومی در دهه های اخیر، شاهد تحولات چشمگیری بوده است که حوزه مدیریت و سازماندهی امور جوانان نیز از این قاعده مستثنی نیست. پس از غلبه یافتن "الگوی مدیریت دولتی نوین" در اثر به چالش کشیده شدن الگوی سنتی مدیریت دولتی به واسطه تحولات سیاسی و اقتصادی دهه های پایانی قرن بیستم، اکنون شاهد شیوع دیدگاه های جدیدتری در این زمینه هستیم که از آن با عناوینی همچون: "الگوی خدمات عمومی/دولتی نوین" (دنهارت و دنهارت، ۲۰۰۰) یا "الگوی مدیریت ارزش همگانی" (استوکر، ۲۰۰۶) یاد می گردد.

شاید بتوان گفت که شاه کلید این الگوی جدید در تمرکز بر مفهوم "شبکه" نهفته است و این مفهوم در حوزه سیاستگذاری و سازماندهی امور جوانان نیز بروز یافته است؛ به طوری که (ویلیامسون، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸) از گسترش فزاینده "شبکه سازی" به مثابه روند و الگویی رو به افزایش در زمینه سیاست گذاری امور جوانان یاد می کند. بر این اساس، اصطلاح شبکه سیاست یا "شبکه خط مشی" اکنون تبدیل به کلیدواژه ای پربسامد در حوزه سیاست گذاری و مدیریت عمومی گردیده و "تفکر شبکه ای در اداره امور عمومی" (رعنایی و مرتضوی، ۱۳۹۱) به طور گسترده ای مورد استقبال قرار گرفته است.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، این الگوی مدیریتی ریشه در نظریه شهروندی دموکراتیک دارد و اینکه فراتر از نگاه به افراد جامعه به عنوان ارباب رجوع نهادهای عمومی یا مشتریان یا رأی دهندگان صرف، باید آنها را شهروندانی تمام عیار در نظر گرفت که مایل و قادرند نقش های بی بدیلی در جامعه برعهده گیرند. دولت در این الگوی مدیریتی به جای تصدی گری کامل (پاروزنی) یا واگذاری مسئولیت های خود به بازار و بخش خصوصی و اکتفا به هدایت کلان، تلاش می کند تا با میانجیگری و کارگزاری منافع در میان شهروندان و گروه های اجتماعی و خلق ارزش های مشترک خدمت رسانی نماید. ساختارهای سازمانی ایفای این نقش از سازمان های سنتی بوروکراتیک فاصله گرفته و مبتنی بر همکاری با رهبری مشترک درونی و بیرونی است. این امر مستلزم ایجاد ائتلافی از نهادهای دولتی، غیرانتفاعی، و خصوصی برای رفع نیازهای مورد توافق همه طرف های ذی ربط یا شرکای اجتماعی است.

جدول ۱: مقایسه ویژگی های اصلی الگوهای مدیریتی در بخش عمومی

الگوهای مدیریتی	مدیریت دولتی/عمومی سستی	مدیریت عمومی/دولتی نوین	خدمات عمومی/دولتی نوین
ویژگی ها			
مبنای نظری و معرفت شناختی	نظریه سیاسی؛ تحلیل سیاسی و اجتماعی برگرفته از علوم اجتماعی اولیه	نظریه اقتصادی؛ گفتگوی پیچیده تر مبتنی بر علوم اجتماعی اولیه	نظریه دموکراتیک؛ رهیافت های متنوع به دانش (اثباتی، تفسیری، انتقادی و پسامدرن)
عقلانیت غالب و الگوهای مرتبط رفتار انسانی	عقلانیت اجمالی؛ «انسان اداری»	عقلانیت فنی و اقتصادی؛ «انسان اقتصادی» (تصمیم گیرنده پیگیر منافع شخصی)	عقلانیت راهبردی؛ آزمون های چندگانه عقلانیت (سیاسی، اقتصادی، سازمانی)
برداشت از منافع عمومی	به طور سیاسی تعریف شده و بیان شده در قانون	حاصل جمع منافع فردی	نتایج گفتگو پیرامون ارزش های مشترک
مخاطب پاسخگویی مسئولان دولتی	ارباب رجوع و رأی دهندگان	مشتریان	شهروندان
نقش دولت	پاروزنی (طراحی و اجرای سیاست ها)	هدایت (تسهیلگری فعالیت آزادانه نیروهای بازار)	خدمت رسانی (میانجیگری و کارگزاری منافع در میان شهروندان و گروه های اجتماعی و خلق ارزش های مشترک)
سازوکارهای دستیابی به اهداف سیاستی	اجرای برنامه ها از طریق دستگاه های دولتی	ایجاد سازوکارها و ساختارهای مشوق برای حصول اهداف سیاستی از طریق نهادهای خصوصی و غیرانتفاعی	ایجاد ائتلافی از نهادهای دولتی، غیرانتفاعی، و خصوصی برای رفع نیازهای مورد توافق
رهیافت به پاسخگویی	سلسله مراتبی: مدیران به رهبران سیاسی منتخب مردم پاسخگو هستند	بازارمحور: انباشت منافع شخصی به نتایج مطلوب گروه های وسیعی از شهروندان/مشتریان می انجامد (به مشتریان)	چندبعدی: مسئولان باید به قانون، ارزش های اجتماعی، هنجارهای سیاسی، معیارهای حرفه ای، و منافع شهروندان پایبند باشند
میزان آزادی عمل	محدود	گسترده جهت تحقق اهداف کارآفرینانه	ضرورت آزادی عمل همراه با محدودیت و پاسخگویی
ساختار سازمانی مفروض	سازمان های بوروکراتیک مبتنی بر اقتدار از بالا به پایین درون سازمان و کنترل یا تنظیم ارباب رجوع	سازمان های عمومی/دولتی غیرمتمرکز؛ کنترل همچنان درون سازمان می ماند	ساختارهای مبتنی بر همکاری با رهبری مشترک درونی و بیرونی
مبنای انگیزش مدیران و کارکنان دولتی	حقوق و مزایا؛ خدمات حمایتی	روح کارآفرینانه، تمایل ایدئولوژیک برای کاهش اندازه دولت	خدمات عمومی، تمایل برای کمک و خدمت به جامعه

همزمان با تحولات نظریه ها و الگوهای مدیریتی، نظریه ها و الگوهای مشارکت جوانان نیز در دهه های اخیر شاهد تحولاتی بوده است. البته نظریه هایی که در اینجا مدنظر است، بیشتر به گونه شناسی و سطح بندی مشارکت جوانان مرتبط است تا به تبیین چرایی مشارکت یا عدم مشارکت جوانان. نکته قابل ذکر اینکه بین تحول نظریه های مشارکت جوانان و تحول الگوهای مدیریتی نیز می توان ارتباط متقنی برقرار نمود؛ بدین معنا که شهروندی دموکراتیک که مبنای الگوی مدیریتی خدمات عمومی نوین است، مستلزم تحقق معنای واقعی مشارکت شهروندی است. در این زمینه، ارائه الگوی نردبان مشارکت جوانان توسط راجرت هارت^۱ که مبتنی بر مدل نردبان مشارکت شهروندی شری آرنشتاین (۱۹۶۹) بود، نقطه عطفی در این زمینه به شمار می آید. هارت نخستین کسی بود که مدل آرنشتاین را با مشارکت کودکان و جوانان تطبیق داد و با تغییراتی در آن و ترسیم نردبانی هشت پله کوشید تا سطوح مختلف مشارکت کودکان و نوجوانان را ترسیم نماید. (هارت، ۱۹۹۲: ۳۵)

۱- **فریب**^۲: پایین ترین پله نردبان، ناظر به مواردی است که بزرگسالان آگاهانه خواسته خود را بر درخواست و مطالبات جوانان بار می کنند. (هارت، ۱۹۹۲: ۴۰) در مواردی که فریب روی می دهد، طرح ها و پروژه ها توسط بزرگسالان طرح ریزی و اجرا می شود. جوانان درکی از مسائل موجود در ورای کنش ها، اقدامات و رویدادها ندارند. بزرگسالان از وجود جوانان بهره می گیرند، اما سهمی کلیدی برای مشارکت آنان در نظر نمی گیرند.

۲- **ظاهر سازی (تزئین)**^۳: پروژه ها توسط بزرگسالان طرح ریزی و اجرا می شود. جوانان ممکن است درکی محدود از موضوع، رویدادها و اقدامات داشته باشند، اما سهمی در سازماندهی اقدامات و برنامه ها ندارند. (هندو و شرمن، ۱۹۹۹: ۳) مانند زمانی که جوانان لباس ها یا تی شرت هایی را جهت ترویج و تبلیغ اندیشه و طرز تفکر یا مکتبی بپوشند، بدون آنکه آگاهی لازم یا اطلاعات کافی را در مورد آن داشته باشند (هارت، ۱۹۹۷: ۴۱) یا زمانی که جوانان، موفقیت هایی به دست می آورند و بزرگسالان جهت دستیابی به مقاصد خویش از آنان بهره می برند.

۳- **اقدام نمایشی**^۴: این درجه، به اعتقاد هارت، عام ترین شکل «عدم مشارکت» و رویه غالب در رویکرد بزرگسالان نسبت به جوانان می باشد. در این سطح، پروژه ها توسط بزرگسالان طرح ریزی و اجرا می شود. جوانان ممکن است طرف مشورت قرار گیرند، اما فرصتی در اختیار آنان جهت بررسی نتایج یا شکل دهی به طرح گذاشته نمی شود. (هندو و شرمن، ۱۹۹۹: ۴) این مورد، اغلب زمانی بروز می یابد که بزرگسالان در پی دادن فرصتی به جوانان برای بیان عقایدشان هستند، اما در مورد شیوه های اجرایی نمودن آن به اندازه کافی نیندیشیده اند یا به جوانان، فرصت لازم جهت انتخاب موضوع بحث و نحوه اظهار نظر و بیان عقیده یا طرح مسئله با همسالانشان جهت مشورت را نمی دهند.

۴- **به کار گماردن همراه با آگاه کردن**^۵: طرح ها توسط بزرگسالان طراحی و اجرا می شوند، در عین حال جوانان مقاصد طرح را دریافت، می دانند چه کسی تصمیمات را اتخاذ می کند و چرا؛ دارای نقش های معنی دار و مؤثری هستند و پس از اینکه طرح را درک کردند، در آن مشارکت می کنند.

1. Rogr Hart
2. Manipulation
3. Decoration
4. tokenism
5. Youth Assigned but informed

۵- **مشورت کردن و مطلع ساختن جوانان:** پروژه‌ها توسط بزرگسالان طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند، در عین حال جوانان فرایند طرح‌ریزی و اجرا را درک می‌کنند، با آنان مشورت می‌شود و نظراتشان جدی تلقی می‌گردد.

۶- **ابتکار طرح توسط بزرگسالان، تصمیم‌گیری مشترک با جوانان:** بزرگسالان پروژه را ابداع و طرح‌ریزی می‌کنند، اما با جوانان، به‌طور مساوی تصمیم می‌گیرند. جوانان، همکاران اصلی پروژه‌ها در نظر گرفته می‌شوند، ولی باز هم پروژه‌ها بیشتر توسط بزرگسالان اجرا می‌گردد و اغلب تحت کنترل آنهاست.

۷- **ابداع و هدایت توسط جوانان:** جوانان طرح‌های خودشان را با دخالت محدود یا بدون دخالت بزرگسالان طرح‌ریزی، اجرا و مدیریت می‌کنند.

۸- **ابتکار توسط جوانان، تصمیم مشترک با بزرگسالان:** جوانان پروژه‌ها را طرح‌ریزی و مدیریت می‌کنند، تصمیم مشترک با بزرگسالان می‌گیرند و از بزرگسالانی که آنها را درک می‌کنند و دارای مهارت‌های مرتبط هستند، به‌عنوان مشاور و مربی استفاده می‌کنند؛ چرا که اغلب نسبت به این مسئله آگاهی دارند که به منظور توفیق در اجرای ایده‌هایشان، نیازمند جلب حمایت بزرگسالان مؤثر و دلسوز هستند.

در این زمینه همچنین می‌توان به مدل شیر^۱ (۲۰۰۱: ۱۱۱-۱۰۷) برای سطح بندی مشارکت جوانان و میزان تعهد رسمی به جلب مشارکت آنان اشاره کرد. مدل «شیر» مبتنی بر پنج سطح مشارکت و هر سطح دارای سه درجه از تعهد است که به ترتیب عبارت است از: نقطه‌های آغاز^۲؛ فرصت‌ها^۳؛ الزام‌ها^۴.

- «نقطه آغاز» درجه‌ای است که در آن یک کارگزار، آماده اقدام برای تحقق مشارکت جوانان در آن سطح می‌باشد. این درجه تنها نقطه آغاز است و ممکن است تداوم نداشته یا بهره‌چندانی به همراه نداشته باشد.

- «فرصت» درجه‌ای است که در آن پیش‌نیازها (مثل منابع، مهارت‌ها و دانش لازم) تأمین می‌شود و با تأمین آن، کارگزار یا سازمان امکان می‌یابد عملاً در این سطح از مشارکت اقدام نمایند.

- «الزام» زمانی تحقق می‌یابد که ضرورت اقدام کارکنان در این سطح، به‌صورت سیاست پذیرفته‌شده سازمان در آید و سازمان در پی تحقق مشارکت جوانان در آن سطح به‌عنوان یک خط‌مشی یا دستورالعمل یا هر عنوان دیگری که «الزام» را برساند باشد. مدل «شیر» بر اساس مدارج و سطوح یاد شده در نمودار ۱ ترسیم شده است.

-
1. Youth consulted and informed
 2. Youth-initiated and directed
 3. Adult-initiated . Shared decision-making with youth
 4. Youth - initiated, shared decisions with adults
 5. Sheir
 6. Openings
 7. Opportunities
 8. Obligations

نمودار ۱: مدل شیر درباره سطوح مشارکت جوانان



در مجموع، مقاله حاضر مبتنی بر این مفروض است که در زمان حاضر لازم است از الگوی مدیریتی خدمات عمومی نوین و تفکر شبکه‌ای ملهم از آنان برای سازماندهی و مدیریت امور جوانان بهره گرفت. در همین راستا لازم است از مشارکت خود جوانان و نهادهای نمایندگی‌کننده منافع آنان نیز در سطوح مختلف نردبان مشارکتی به ویژه در سطوح عالی آن بهره برد، از حرکت‌های نمایشی و ظاهرسازی در این زمینه اجتناب نمود و زمینه مشارکت واقعی، کامل و مؤثر آنان را فراهم نمود.

الگوهای ساختار دولتی متولی سازماندهی امور جوانان در سطح جهان

برای دستیابی به دید وسیع‌تری از الگوهای حاکم بر ساختارهای دولتی سازماندهی امور جوانان در مناطق و کشورهای مختلف جهان، در این بخش اطلاعات مربوط به کشورهای مختلف جهان ارائه می‌شود. البته برای اجتناب از طولانی شدن مطلب، از ذکر فهرست کامل این نهادها به تفکیک کشورها اجتناب شده و فقط

برخی از نمونه های آنها در جدول ۲ درج شده است. بررسی عناوین و ماهیت نهادهای دولتی متولی امور جوانان حاکی از آن است که در مجموع می توان شش الگوی اصلی در این زمینه شناسایی نمود که شرح آنها در زیر آمده است:

جدول ۲: الگوهای ساختار دولتی متولی سازماندهی امور جوانان در سایر کشورها

الگوها	عناوین الگوها	فراوانی	کشورها و نهادها
الگوی اول	یک نهاد تخصصی خاص جوانان (غیروزارتی)	۲۰	آفریقای جنوبی (آژانس ملی توسعه امور جوانان)، انگلستان (واحد جوانان دفتر کابینه)، ایالت متحده امریکا (کارگروه بین دستگاهی برنامه های جوانان در کابینه دولت فدرال)، فیلیپین (کمیسون ملی جوانان)
الگوی دوم	یک وزارتخانه تخصصی مستقل خاص جوانان	۹	کویت (وزارت امور جوانان)، نیجریه (وزارت توسعه جوانان)، نیوزیلند (وزارت توسعه جوانان)، ونزوئلا (وزارت جوانان)
الگوی سوم	یک وزارتخانه ترکیبی ورزش و جوانان	۷۶	آذربایجان (وزارت ورزش و جوانان)، اندونزی (وزارت جوانان و ورزش)، ترکیه (وزارت ورزش و جوانان)، بوتسوانا (وزارت جوانان، ورزش و فرهنگ)، تونس (وزارت جوانان، ورزش، زنان و خانواده)، فرانسه (وزارت ورزش، جوانان، آموزش عمومی و زندگی اجتماعی)
الگوی چهارم	یک وزارتخانه ترکیبی از فرابخش جوانان و یک بخش سیاستی	۲۵	اتریش (وزارت اقتصاد، خانواده و جوانان)، ایتالیا (وزارت جوانان و خدمات ملی مدنی)، سنگال (وزارت جوانان، اشتغال و توسعه ارزش های مدنی)، کرواسی (وزارت امور اجتماعی و جوانان)
الگوی پنجم	یک معاونت یا دفتر خاص جوانان در یک وزارتخانه بدون ذکر جوانان در عنوان وزارتخانه	۴۵	آرژانتین (دفتر ملی جوانان وابسته به وزارت توسعه اجتماعی)، اسپانیا (موسسه جوانان وابسته به وزارت بهداشت، خدمات اجتماعی و برابری)، بلاروس (دفتر امور جوانان در وزارت آموزش)، یونان (دبیرخانه عمومی امور جوانان در وزارت آموزش و امور مذهبی)، لتونی (بخش جوانان وزارت آموزش و پرورش و علوم)
الگوی ششم	یک وزارتخانه ترکیبی از فرابخش جوانان و یک یا دو فرابخش دیگر	۸	آلمان (وزارت امور خانواده، شهروندان سالمند، زنان و جوانان)، ایرلند (وزارت امور جوانان و کودکان)، نروژ (وزارت کودکان، برابری و شمول اجتماعی)

الگوی اول: یک نهاد تخصصی خاص جوانان (غیر وزارتت)

در این الگو یک نهاد تخصصی به منظور رسیدگی به امور مرتبط با جوانان تشکیل می گردد و معمولاً زیر نظر بالاترین مقام اجرایی کشور فعالیت می نماید. این نهاد تخصصی دارای عناوین مختلفی نظیر سازمان، موسسه، آژانس، دبیرخانه و نظایر آن است؛ ولی وجه مشترک همه این ساختارها استقلال آنها از وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی است. نقش این نهادها بیشتر هماهنگی بین دستگاه های مختلف مرتبط با جوانان است، هرچند دارای نقش اجرایی محدودی در زمینه برخی طرح های الگویی، نمادین و فرابخشی در خصوص جوانان نیز هستند.

یکی از نکات قابل ذکر درباره این الگو این است که برخی از مسئولان این نهادها عضو کابینه اند و در جلسات هیأت دولت شرکت دارند. نکته دوم نیز به سطح سازمانی آنها ارتباط دارد که به لحاظ جایگاه تشکیلاتی، بعضی در حد یک دفتر، برخی در حد یک معاونت و برخی نیز یک سازمان مستقل محسوب می شوند. سومین نکته به نهادهایی مربوط است که عناوینی همچون شورا دارند، اما مرور وظایف آنها نشان می دهد که علاوه بر کارکردهای سیاستگذاری، برنامه ریزی و هماهنگی، دبیرخانه این نهادها دارای برخی کارکردهای اجرایی نیز می باشد. در صورتی که هر یک از دستگاه های اجرایی دارای طرح ها و برنامه های خاص جوانان باشند و یا در برنامه های عمومی خود به طور خاص جوانان را مدنظر قرار داده باشند، آنگاه نقش نهاد متولی امور جوانان آسان تر است و به هماهنگی برای پرکردن خلأها و انجام اقدامات مشترک بین دستگاهی محدود خواهد شد. در غیر این صورت، نقش دستورکار سازی در حوزه جوانان برای همه دستگاه های مرتبط با جوانان و پیگیری این دستورکارها تا مرحله اجرا و نظارت، بر عهده نهاد متولی امور جوانان خواهد بود که بی تردید، نقشی بسیار دشوار و نیازمند عزم ملی در بالاترین سطوح است.

الگوی دوم: یک وزارتخانه تخصصی مستقل خاص جوانان

در برخی از کشورهای مورد مطالعه، یک وزارتخانه مستقل به جوانان اختصاص یافته است و امور جوانان از طریق آن پیگیری می گردد. تعداد کشورهایی که از این الگو تبعیت می کنند به نسبت سایر الگوها کمتر است. عضویت وزیر جوانان در کابینه به عنوان نقطه قوت این الگو محسوب می شود، هرچند با عنایت به بین بخشی بودن امر مرتبط با جوانان، گنجاندن آنها در قالب یک وزارتخانه اجرایی در کنار سایر نهادهای اجرایی منطقی به نظر نمی رسد. این امر همچنین ممکن است باعث شود سایر وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی خود را در حوزه جوانان کمتر مسئول بدانند و وزارتخانه جوانان را مسئول کلیه امور مرتبط با جوانان تلقی نمایند.

الگوی سوم: یک وزارتخانه ترکیبی ورزش و جوانان

یکی از الگوهای پربسامد در سازماندهی امور جوانان به ترکیب حوزه ورزش و جوانان مربوط می شود. البته ذیل این الگو می توان از دو گونه فرعی صحبت کرد که در قالب یکی از آنها تنها موضوعات جوانان و ورزش در کنار یکدیگر آمده است و در قالب گونه دوم، یک یا دو موضوع بخشی (نظیر آموزش) یا فرابخشی (نظیر امور جنسیتی) دیگر نیز به موضوعات جوانان و ورزش اضافه شده است. اینکه چه موضوعی در کنار دو موضوع جوانان و ورزش قرار گیرد، به اقتضائات ملی کشورها مرتبط است؛ ولی موضوع فرهنگ دارای فراوانی بیشتری نسبت به سایر موضوعات می باشد و در چند مورد نیز موضوع آموزش در ترکیب با این دو موضوع مشاهده می شود.

نقطه قوت این الگو همانند الگوی قبلی به عضویت وزیر مربوطه در هیأت دولت برمی گردد. با وجود این، نقاط ضعفی را برای این الگو می توان برشمرد. برای مثال، امکان تقلیل امور جوانان به حوزه ورزش و سرگرمی در قالب این الگو وجود دارد. همچنین، کاملاً محتمل است که حوزه جوانان تحت الشعاع حوزه ورزش قرار گیرد به ویژه اگر در کشوری حوزه ورزش تحت مداخله و تصدی گری گسترده دولت قرار داشته باشد. در این صورت، جنس حوزه ورزش عمدتاً از جنس امور اجرایی بوده و با جنس مداخلات حوزه جوانان که بیشتر به سیاستگذاری، برنامه ریزی و انسجام بخشی بین دستگاهی مرتبط است، همخوانی لازم را ندارد. این الگو برای کشورهایی که در آنها بخش ورزش عمدتاً در تسلط بخش های غیردولتی است و نقش دولت در حوزه ورزش بیشتر به سیاستگذاری و نظارت برمی گردد، بیشتر مناسب است.

الگوی چهارم: یک وزارتخانه ترکیبی از فرابخش جوانان و یک بخش سیاستی

در این الگو موضوع فرابخشی جوانان در قالب یک وزارتخانه مشترک در کنار یک یا دو موضوع بخشی

دیگر نظیر اشتغال یا آموزش قرار می گیرد. مرور عناوین وزارتخانه ها حاکی از این امر است که موضوعات مرتبط با اشتغال، بیشترین فراوانی را در این ترکیب به خود اختصاص می دهد.

الگوی پنجم: یک معاونت یا دفتر خاص جوانان در یک وزارتخانه بدون ذکر جوانان در عنوان وزارتخانه

حدود یک چهارم از کشورهای جهان دارای وزارتخانه مستقل و یا وزارتخانه ای با عنوان ترکیبی جوانان نیستند، اما این موضوع به معنای بی توجهی به امور جوانان نیست. در این کشورها یکی از وزارتخانه ها نقش رهبری سایر وزارتخانه ها و دستگاه ها را در حوزه جوانان بر عهده می گیرد و هماهنگی لازم را بین آنها به عمل می آورد. معمولاً یک معاونت یا دفتر خاص و در پاره ای موارد، یک سازمان یا مؤسسه خاص با عنوان جوانان در ذیل وزارتخانه مزبور وجود دارد که امور مربوط را پیگیری می نماید.

وزارت آموزش (با انواع مختلف عناوین ذی ربط) بیشترین فراوانی را در این زمینه دارد، هرچند وزارتخانه هایی همچون: کار و امور اجتماعی، رفاه اجتماعی و توسعه اجتماعی نیز جزو وزارتخانه های مسئول در این الگو مشاهده می شوند. مرتبط بودن بخش اعظم جوانان با حوزه آموزش و مسئله بودن کار و اشتغال برای بخش بزرگی از آنان باعث سیردن این مسئولیت به وزارتخانه های ذی ربط می شود.

الگوی ششم: یک وزارتخانه ترکیبی از فرابخش جوانان و یک یا دو فرابخش دیگر

در برخی از کشورها، یک یا چند موضوع فرابخشی نظیر خانواده، سالمندان و کودکان در کنار موضوع فرابخشی جوانان قرار گرفته و یک وزارتخانه ترکیبی را تشکیل داده اند. در این گونه موارد معمولاً برای هر موضوع یا گروه هدف یک معاونت مجزا در نظر گرفته می شود و از آنجایی که جنس فعالیت در همه بخش ها با یکدیگر سنخیت دارد، موضوعی تحت الشعاع سایر موضوعات قرا نمی گیرد.

همان گونه که ملاحظه می شود تنوع بسیار زیادی در نوع الگوی ساختاری اتخاذ شده توسط کشورهای مختلف جهان برای نهاد دولتی متولی سازماندهی امور جوانان وجود دارد. این تنوع ناشی از عوامل مختلفی نظیر نظام سیاسی، مسائل اصلی سیاستی و سنت سیاست گذاری و برنامه ریزی آنهاست. هر یک از این الگوها دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و در شرایط مختلف ممکن است بازده متفاوتی داشته باشد. صرف فراوانی استفاده از یک الگو نیز نمی تواند دلیل محکمی بر بهینه بودن آن الگو باشد و همان طور که گفته شد باید به ملاحظات مختلفی در این زمینه توجه داشت.

چالش های سازماندهی امور جوانان در ایران

مرور تجربه دو دهه سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت امور جوانان در کشور نشان می دهد که علی رغم پیشرفت های به دست آمده در این حوزه، وجود برخی چالش های مهم مانع از تحقق کامل اهداف نظام سازماندهی این حوزه شده است.

یکی از مهم ترین چالش های پیش روی سیاست گذاری و سازماندهی امور جوانان در سطح کلان، به مشخص نبودن جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاست گذاری و برنامه ریزی امور جوانان در کشور مربوط می شود. بر اساس مصوبه شورای عالی فرهنگی، "شورای عالی جوانان" به عنوان عالی ترین مرجع سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان در حوزه امور جوانان معین گردیده و "سازمان ملی جوانان" (و اخیراً وزارت ورزش و جوانان) نیز به عنوان بازوی فکری و عملیاتی این شورا و هماهنگ کننده اصلی دستگاه های مختلف مرتبط با امور جوانان از سوی مجلس شورای اسلامی تعیین شده است. با وجود این، هم پوشانی هایی بین حیطه وظایف و اختیارات این نهادها و سایر نهادهای مشابه وجود دارد (برای مثال، شورای عالی

کار و شورای عالی آموزش و پرورش). با توجه به سابقه بیشتر، شناخته شده بودن، بخشی بودن و مشخص تر بودن جایگاه نهادهای مزبور، معمولاً مصوبات آن نهادها بیشتر در معرض اجرایی شدن قرار دارد و مصوبات "شورای عالی جوانان" به جز مواردی که صرفاً در حیطه اختیارات سازمان ملی جوانان و جانشین آن قرار دارد، امکان اجرایی شدن نمی یابد.

چالش دوم عبارت است از مشخص نبودن جایگاه اسناد خاص جوانان در نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور. به تبع ابهام در جایگاه شورای عالی و بازوی فکری و عملیاتی آن، اسناد و برنامه های مصوب آنها نیز از این ابهام رنج می برند. برای مثال، در سال ۱۳۸۴ و پس از تدوین "سند توسعه اشتغال جوانان" (از مجموعه اسناد ۱۳ گانه زیرمجموعه سند جامعه ساماندهی امور جوانان) در سازمان ملی جوانان و تصویب آن در شورای عالی جوانان، جلسات متعددی بین سازمان ملی جوانان و وزارت کار برگزار گردید تا نحوه ادغام این سند در سند توسعه اشتغال کل کشور (مصوب شورای عالی اشتغال) بررسی و مشخص گردد، چون اعتقاد بر این بود که باید هر دو سند از طریق یک سازوکار واحد دنبال شوند. این ابهام در مورد سایر حوزه ها نظیر بهداشت و سلامت، رفاه اجتماعی، آموزش و مشارکت نیز وجود دارد و باعث می شود اسناد خاص جوانان پس از تصویب، مجال اجرایی شدن پیدا نکنند.

ابهام در جایگاه برنامه های خاص جوانان در نظام بودجه ریزی کشور، سومین چالش مهم در این زمینه است. بودجه برنامه های مختلف از طریق لایحه پیشنهادی دولت (که به نوبه خود از پیشنهادهای تک تک دستگاه ها تشکیل شده است) به مجلس ارائه شده و مورد بررسی و تصویب قرار می گیرد. با توجه به دو ابهام پیش گفته، معمولاً وزارتخانه ها و سازمان های مختلف در هنگام پیشنهاد بودجه به معرفی برنامه های خاص خود پرداخته و توجهی به مفاد برنامه های خاص جوانان که مصوب شورای عالی جوانان است ندارند. همچنین، از آنجایی که سازمان ملی جوانان (و همچنین جایگزین آن، یعنی معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان) ماهیتاً به عنوان یک دستگاه اجرایی که مسئول اجرای کل برنامه های مصوب شورای عالی جوانان باشد شناخته نمی شود، غیر از بودجه محدود مربوط به وظایف مرتبط با هماهنگی دستگاه ها و پاره ای فعالیت های بعضاً حاشیه ای دیگر، بودجه ای برای اجرایی کردن اسناد و برنامه های مصوب دریافت نمی دارد. از این رو، بدون وجود بودجه خاص، مفاد این اسناد به برنامه های سالانه دستگاه ها راه نمی یابد. این امر باعث می شود که هر چند برنامه های مزبور بعضاً با مشارکت خود دستگاه ها تدوین شده و با حضور عالی ترین مقام آنها در شورای عالی جوانان یا هیأت دولت به تصویب رسیده است، اما در مقام اجرا با مشکل مواجه گردد.

علاوه بر این، با وجود تشکیل وزارت ورزش و جوانان، اعتبارات برنامه جوانان همچنان در بودجه ذیل فصل فرهنگ، هنر، رسانه های جمعی و گردشگری تأمین می شود. این امر باعث می شود تا توجه کافی به برنامه های جوانان صورت نگیرد و امور فرهنگی و هنری در فصل ذیربط در اولویت قرار گیرد. همچنین با وجود اینکه طبق ماده ۴۱ قانون برنامه پنجم توسعه دستگاه ها مکلف شده بودند در ذیل بودجه سنواتی خود با توجه به سند منشور جوانان مبلغی را به ساماندهی امور جوانان اختصاص دهند، برخی از دستگاه ها آن را انجام داده و برخی انجام ندادند و این ماده در لایحه بودجه سال ۹۲ به بعد دولت دیده نشده است. برای سال ۱۳۹۴ نیز، مجموع اعتبارات حوزه جوانان در وزارت ورزش و جوانان - به عنوان دستگاه اصلی - مبلغ ۳۳۶ میلیارد ریال است که تنها حدود ۱۲ درصد اعتبارات وزارت ورزش و جوانان را تشکیل می دهد.

چالش اصلی دیگر، فقدان نظارت و ارزیابی کارآمد در نظام ساماندهی امور جوانان است. پس از تصویب اسناد و برنامه های مرتبط با جوانان معمولاً هیچ سازوکار دقیق، باثبات و قدرتمندی برای نظارت و ارزیابی وجود ندارد که بر روند اجرایی شدن آنها نظارت کند و ارزیابی های علمی و متقنی را از زوایای مختلف

درباره آنها انجام دهد و نتیجه آنها را جهت اتخاذ تصمیمات بعدی به نهادهای ذی صلاح (به ویژه شورای عالی جوانان و هیأت دولت) منعکس نماید. در این زمینه، عدم دخالت و نقش آفرینی نهادهای مستقل از دولت (به ویژه نهادهای مدنی ملی نمایندگی کننده منافع جوانان) برای انجام ارزیابی های واقعی و مستقل نیز از جمله خلاهای جدی به شمار می آید.

پنجمین چالش به فقدان ضمانت اجرا برمی گردد. اسناد و برنامه های مصوب فاقد ضمانت اجرایی کافی هستند و دستگاه های مختلف با هیچ گونه پاداش یا مجازاتی در قبال انجام یا عدم انجام این اسناد مواجه نمی شوند. شورای عالی جوانان از لحاظ قانونی، یک بستر حمایت کننده برای مصوبات شورا می باشد، اما در عمل از آنجا که ضمانت اجرایی لازم برای اجرای این مصوبات در دستگاه ها به وجود نیامده است در بسیاری از مواقع حتی دستگاه های عضو شورا نیز این مصوبات را اجرا نمی کنند- این در حالی است که تاکنون این سیاست ها از طرف دولت به شکل لایحه و از طرف مجلس به عنوان طرح، مطرح نشده است.

نوسان بین تمرکزگرایی و منطقه گرایی در دستگاه های امور جوانان را نیز می توان از دیگر چالش های اساسی به شمار آورد. در خصوص اعمال سیاست های متمرکز یا منطقه ای در امور جوانان تاکنون روندهای متفاوتی وجود داشته است. تا قبل از تدوین، تصویب و ابلاغ رسمی قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) سیاست های مربوط به عدم تمرکز و توازن منطقه ای و سیاست های مربوط به آمایش سرزمینی و توسعه فضایی در برنامه های پنج ساله توسعه به طور شفاف و صریح پیش بینی نشده بود. در حوزه جوانان نیز تا سال ۱۳۸۵ لزوم تدوین یک سند استانی که بتواند همزمان نیازها و استلزامات بخشی، استانی و فرابخشی را تلفیق نموده باشد، احساس نشده بود. اما با اقدام دولت مبنی بر تأسیس و راه اندازی ستادهای استانی ساماندهی امور جوانان تقویت گردید و موضوع تدوین و اجرای اسناد استانی ساماندهی امور جوانان در دستور کار ستادهای استانی ساماندهی امور جوانان قرار گرفت. با این حال، تدوین و تصویب این اسناد همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد، ضمن اینکه در مقام اجرا مشکلات پیش گفته برای اسناد و برنامه های سطح ملی در مورد اسناد استانی نیز صادق خواهد بود.

هفتمین چالش جدی در این زمینه، به مسئله ابهام در جایگاه سازمان های مردم نهاد جوانان در نظام سازماندهی امور جوانان مربوط است. امروزه، موضوع مشارکت جوانان به یک اصل لاینفک در سیاست ها و برنامه های جوانان چه در سیاست ها و برنامه های ملی و چه در سیاست ها و برنامه های منطقه ای و بین المللی تبدیل شده است. از همین روی به منظور استفاده از ظرفیت مشارکت جوانان در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاست ها و برنامه هایی در حمایت از تشکیل، توسعه و تقویت سازمان های غیر دولتی جوانان، قوانین و مقرراتی به مانند قوانین بودجه سنواتی، اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و مدیریت خدمات کشوری وضع گردید. به رغم این مصوبات، هنوز تشکل های غیردولتی نتوانسته اند سهم قابل توجهی از بار مسئولیت امور اجرایی جامعه را بر عهده گیرند. برخی مشکلات سازمان های مردم نهاد جوانان شامل موارد زیر می شود:

الف) کم تجربگی سازمان های مردم نهاد جوانان و فقدان بلوغ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کافی آنها برای عهده دار شدن فعالیت های اجرایی؛

ب) عدم هماهنگی و همکاری لازم دستگاه های عضو شورای عالی جوانان در خصوص تشکل های غیردولتی جوانان؛

ج) عدم شفافیت در قوانین و مقررات مربوط به حمایت از تشکل های غیردولتی جوانان و قوانین واگذاری فعالیت های دولتی به آنان؛

د) عدم ارزیابی عملکرد دستگاه ها در خصوص واگذاری فعالیت ها به سمن ها؛

ه) عدم شناسایی فعالیت های قابل واگذاری به سمن ها توسط نهاد متولی امور جوانان و موظف نمودن دستگاه های اجرایی به انجام آن.

در سال ۱۳۸۲ نیاز به یک نهاد فراگیر و بزرگتری احساس شد که بتواند تمامی این سازمان ها را که در بخش های مختلف مرتبط با جوانان فعالیت می کردند، به دور هم گردآورد و فعالیت های مربوط به جوانان را مدیریت کند. از این رو، مجمع ملی جوانان در چارچوب "برنامه ملی جوانان" - مصوب شورای عالی جوانان - و با هدف ارتقای سطح مشارکت جوانان در نظام تصمیم سازی کشور از طریق گردهم آوردن نمایندگان تمامی نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان و همچنین تمامی افراد و شخصیت های دانشگاهی، علمی و پژوهشی برجسته در این حوزه، به عنوان یک نظام فراگیر و منسجم از ظرفیت های ملی موجود در زمینه امور جوانان تشکیل شد. لیکن این نهاد با روی کار آمدن دولت نهم منحل گردید و طرح های بعدی مانند طرح تأسیس و راه اندازی سمن سرای جوانان نیز به اجرا در نیامدند و نتوانستند این مهم را عملی سازند. چالش هشتم، عبارت است از برخورد سیاسی با مسئله جوانان. شورای عالی جوانان که یک نهاد هماهنگ کننده فرا بخشی و فرادستگاهی در حوزه جوانان محسوب می شود، روند ساماندهی امور جوانان در کشور را پیگیری می نماید و به عنوان مرجع سیاستگذاری و برنامه ریزی حوزه جوانان محسوب می گردد. سازمان متولی امور جوانان که در سابق سازمان ملی جوانان و اکنون وزارت ورزش و جوانان است نیز به عنوان هماهنگ کننده اصلی دستگاه های مختلف مرتبط با امور جوانان تعیین شده است. مروری بر تعداد جلسات شورای عالی جوانان در دوره های مختلف دولت نشان از نگاه سیاسی نسبت به مسئله جوانان دارد (جدول ۳). این امر بیش از همه تابع نوع نگاه روسای جمهور وقت به حوزه جوانان و همچنین نوع رابطه رئیس جمهور با رئیس سازمان/وزیر در دوره های مختلف است و به روشنی غلبه وجوه سیاسی بر ابعاد کارشناسی در سازماندهی امور جوانان را بازتاب می دهد.

جدول ۳: تعداد جلسات شورای عالی جوانان در دوره های مختلف

سال	دولت	نوع ساختار	رئیس وقت	تعداد جلسات
۱۳۷۱	پنجم	دبیرخانه شورای عالی جوانان	مرتضی میرباقری	۳
۱۳۷۲	ششم			۲
۱۳۷۳	ششم			۲
۱۳۷۴	ششم			۳
۱۳۷۵	ششم			۱
۱۳۷۶	هفتم	مرکز ملی جوانان	مرتضی میرباقری	۰
۱۳۷۷	هفتم			۰
۱۳۷۸	هفتم			۱

۰	مرتضی میرباقری	سازمان ملی جوانان (مشاور رئیس جمهور)	هفتم	۱۳۷۹
۰			هشتم	۱۳۸۰
۰			هشتم	۱۳۸۱
۳	هشتم		۱۳۸۲	
۷	رحیم عبادی		هشتم	۱۳۸۳
۴			نهم	۱۳۸۴-
۱	محمدجواد حاج علی اکبری	سازمان ملی جوانان(معاونت رئیس جمهور)	نهم	۱۳۸۵
۲			نهم	۱۳۸۶
۳			نهم	۱۳۸۷
۰	مهرداد بذریاش		دهم	۱۳۸۸
۱			دهم	۱۳۸۹
۱	محمد عباسی		وزارت ورزش و جوانان	دهم
۱		دهم		۱۳۹۱
۰	محمود گودرزی	یازدهم		۱۳۹۲
۱		یازدهم		۱۳۹۳

- تمامی جلسات شورای عالی جوانان در سال ۱۳۸۴ در زمان ریاست آقای رحیم عبادی بوده است و در شهریور همان سال آقای محمدجواد حاج علی اکبری جایگزین ایشان شدند.

تأثیر نوع علائق و رویکرد مدیریتی رئیس سازمان/وزیر بر نحوه سازماندهی امور جوانان نیز امری غیرقابل انکار است که می توان آن را چالشی مهم در این زمینه به شمار آورد. با توجه به اهداف و وظایف قانونی تعیین شده در آیین نامه اجرایی ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه و با توجه به تکالیف سازمان ملی جوانان به موجب برخی از مصوبات هیئت وزیران و همچنین تکالیف تعریف شده در ماده ۱۱۲ قانون برنامه چهارم توسعه می توان عملکرد سازمان ملی جوانان را در حوزه های مطالعات و تحقیقات، سیاستگذاری و قانونگذاری، برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی، هماهنگی های ملی فرابخشی دسته بندی و مورد ارزیابی قرار داد. با این حال، مرور ریز فعالیت های دوره های مختلف مدیریتی (که درج ریز جداول آنها از حوصله این مقاله خارج است) نشان می دهد که در دوره های مختلف، تمرکز خاصی بر برخی از وظایف و تکالیف در امور جوانان وجود داشته است. بر این اساس، در یک دوره بیشتر به مطالعات و تحقیقات توجه شده، در دوره دیگر سیاست گذاری و برنامه ریزی اولویت یافته و دوره ای نیز شاهد توجه ویژه به برگزاری انواع و اقسام جشنواره های ملی جوانان بوده است. همچنین، می توان دوره هایی از بی ثباتی و نوسان در رویکردها را نیز به علت نوسان و تغییر مداوم در ساختارها و مدیریت ها شاهد بود.

جمع بندی چالش ها

در مجموع می توان اذعان نمود که هرچند تجربه بیش از دو دهه تلاش برای سازماندهی امور جوانان در ایران قرین موفقیت هایی بوده است، اما به هیچ وجه به اهداف خود در حل مسائل جوانان نائل نگردیده است. در مجموع، برای این عدم موفقیت علل مختلفی را می توان برشمرد که در چهار دسته عوامل بافتاری،

رفتاری، هنجاری و ساختاری قابل طبقه بندی است. نمودار علت و معلولی/اسکلت ماهی شماره ۲ این عوامل را ترسیم نموده است.

بنابراین، مسئله ناکارآمدی نظام ساماندهی امور جوانان در سطح کلان به "علل بافتاری" مرتبط است. در واقع، عدم توفیق در این زمینه انعکاس ناکارآمدی نظام کلان اقتصادی و اجتماعی کشور است که در حوزه امور جوانان نیز بروز یافته است. برای مثال، زمانی که ساختار اقتصاد و بازار کار و یا نظام رفاه و تأمین اجتماعی در کشور با چالش های جدی مواجه باشد، سیاست خارجی در وضعیت متلاطم قرار داشته و تحریم های پی در پی بر اقتصاد وارد شود، نمی توان انتظار داشت که حوزه جوانان از این وضعیت مستثنی باشد. همچنین، ضعف فرهنگ اداری کار گروهی و بین بخشی در کشور باعث می شود که در حوزه هایی که جنس کار سیاست گذاری و هماهنگی عمدتاً فرابخشی و بین دستگاهی بوده و مستلزم کار گروهی گسترده است، توفیقات کم تری نسبت به حوزه های صرفاً بخشی و بیشتر اجرایی وجود داشته باشد. این مسئله برای مثال، گریبانگیر حوزه هایی فرابخشی نظیر محیط زیست و فرهنگ نیز می باشد و دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و سازمان حفاظت محیط زیست هم در پیاده سازی سیاست ها و برنامه های مصوب خود با چالش های متعدد و مشابهی مواجه هستند. سرانجام اینکه ضعف بخش خصوصی و بخش سوم (شامل نهادهای مدنی و داوطلبی، تعاونی ها و خیریه ها) در کاستن از بار دولت و ایفای نقش در جهت توسعه امور جوانان نیز عاملی قابل توجه است. البته شایان ذکر است که رویکرد دولت ها نیز هرچند در ارتباط با این دو بخش متفاوت و دارای نوسان بوده است، اما در مجموع زمینه لازم را برای توانمند شدن آنها برای نقش آفرینی فعال فراهم نکرده است.

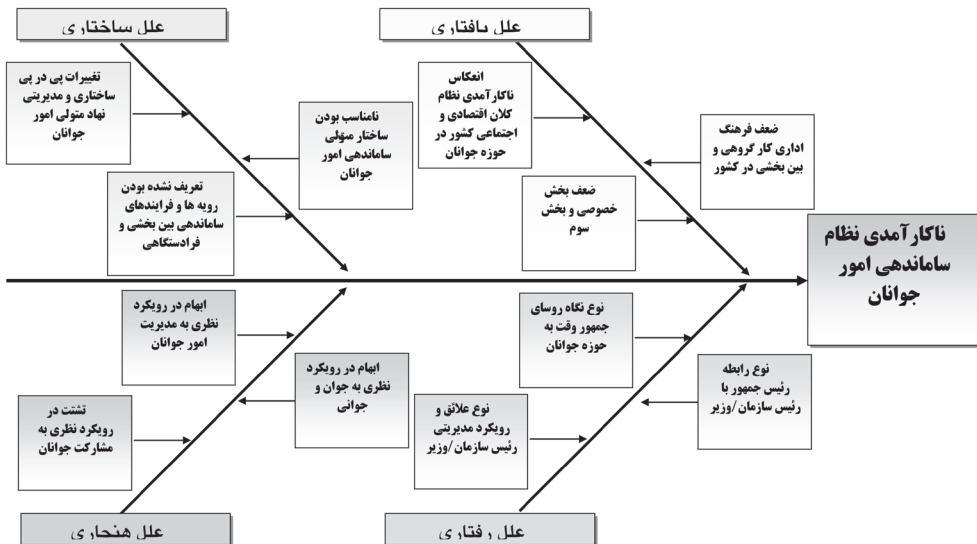
همچنین، بخشی از این مسئله ناشی از "علل رفتاری" است که شامل اموری همچون نوع رابطه رئیس جمهور با رئیس سازمان ملی جوانان/وزیر ورزش و جوانان، نوع نگاه روسای جمهور وقت به حوزه جوانان و نوع علائق و رویکرد مدیریتی رئیس سازمان ملی جوانان/وزیر ورزش و جوانان می شود. برای مثال، همان گونه که در جدول مربوط به پراکندگی جلسات شورای عالی جوانان می توان مشاهده کرد، حتی در دوره وجود یک ساختار یکسان (یعنی سازمان ملی جوانان) تعداد و نوع جلسات این شورا بسیار متفاوت است و در حالی که از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ فقط یک جلسه برگزار شده است، فقط در فاصله اواسط سال ۱۳۸۲ تا اواسط سال ۱۳۸۴ تعداد چهارده جلسه برگزار کرده و برنامه های متعدد مرتبط با ساماندهی امور جوانان را به تصویب رسانده است. علاوه بر این، تفاوت های قابل اعتنایی در رویکرد و علائق مدیریتی مسئولان عالیرتبه نهاد اصلی متولی امور جوانان می توان مشاهده کرد. برخی از آنان توجه و علاقه زیادی به بعد پژوهشی و مطالعاتی داشته و به دنبال انجام طرح های پژوهشی هرچه بیشتر و بزرگتر بوده اند، برخی عمده تلاش خود را مصروف تدوین اسناد و برنامه های مرتبط با سازماندهی امور جوانان و تصویب آن در شورای عالی جوانان نموده اند، برخی عمدتاً خود را درگیر حوزه ای محدود از اجرا نظیر برگزاری جشنواره های متعدد و مختلف نموده اند و دوره ای نیز علائق ورزشی مسئولان باعث توجه بیشتر به مسائل و حاشیه های این حوزه شده است.

در سطحی بنیادی تر، "علل هنجاری" نقش مهمی در نحوه سازماندهی امور جوانان در نظام سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرایی کشور دارد. ابهام در رویکرد نظری به جوان و جوانی، یکی از این علل است که برای مثال، گاهی اوقات باعث می شود جوان و جوانی بیشتر به مثابه فرصت و منبع توسعه و گاهی نیز به عنوان تهدید و منشأ مشکل تلقی شود. ابهام در رویکرد نظری به مدیریت امور جوانان را نیز می توان در زمره علل هنجاری در نظر گرفت، زیرا همان گونه که در بخش مبانی نظری بیان شد، انتخاب یکی از سه رویکرد مدیریت دولتی سنتی، مدیریت دولتی نوین و خدمات عمومی نوین در ابعاد مختلف از جمله نقش و میزان مداخله دولت، استلزامات متفاوتی دارد. همین ابهام ها باعث ایجاد تشتت در رویکرد نظری به مشارکت

جوانان و در نتیجه، ابهام در جایگاه سازمان های مردم نهاد نمایندگی کننده منافع جوانان در سازماندهی امور مربوط به خود شده و حتی ضربه های جبران ناپذیری به سرمایه اجتماعی جوانان وارد ساخته است. در پایان، اینکه "علل ساختاری" نیز در بروز این ناکامی نقش غیر قابل انکاری دارد. نامناسب بودن ساختار متولی ساماندهی امور جوانان به ویژه در دوره ادغام با حوزه ورزش - که در قالب هایی نظیر مشخص نبودن جایگاه نهادهای رسمی متولی سیاست گذاری و برنامه ریزی امور جوانان و همچنین مشخص نبودن جایگاه اسناد خاص جوانان در نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور بروز یافته است - تغییرات پی در پی ساختاری و مدیریتی نهاد متولی امور جوانان (که از جمله باعث عدم انباشت تجربیات مطالعاتی و سیاستی و سردرگمی و کاهش انگیزه کارکنان این نهاد شده است) و تعریف نشده بودن رویه ها و فرایندهای سازماندهی افقی و عمودی (از جمله ابهام در جایگاه برنامه های خاص جوانان در نظام بودجه ریزی کشور، فقدان نظارت و ارزیابی کارآمد در نظام سازماندهی امور جوانان، فقدان ضمانت اجرای اسناد و برنامه ها و همچنین نوسان بین تمرکزگرایی و منطقه گرایی در دستگاه های امور جوانان قابل مشاهده است) بر خروجی این خرده نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی آثار سوئی را بر جای گذاشته است.

نکته ای که در جمع بندی مطالب این بخش باید به آن اشاره کرد این است که علل ساختاری تنها بخشی از این ناکامی را تبیین می نماید و برای ریشه یابی این مسئله باید مجموعه عوامل را در نظر گرفت. این نکته برای تفکر درباره آینده نیز بسیار حائز اهمیت است و ما را به این امر رهنمون می سازد که با تغییر و بهینه سازی ساختار، صرفاً بخشی از علل برطرف می شود و نمی توان از صرف تغییر ساختاری انتظار معجزه داشت.

نمودار ۲: علل عدم موفقیت تجربه دو دهه سازماندهی امور جوانان در ایران



الگوی پیشنهادی سازماندهی امور جوانان در ایران

با توجه به مطالبی که در بخش های پیشین در زمینه مرور دیدگاه های نظری، مقایسه تجربیات بین المللی

و احصای چالش های ملی در حوزه سیاست گذاری و سازماندهی امور جوانان ارائه گردید، اکنون می توان الگویی را برای ساختار سازماندهی امور جوانان در کشور پیشنهاد داد که اولاً، بتواند چالش ها و مشکلات گذشته را تا حدود زیادی مرتفع نماید؛ ثانیاً، با بهره گیری از تجربیات مثبت و منفی بین المللی در جهت توسعه هرچه بیشتر این حوزه مثمرتر واقع گردد. نمودار ۳، ترسیم کننده اجزای مختلف الگوی پیشنهادی با عنوان "الگوی سازماندهی یکپارچه مشارکتی (شبکه ای)" است.

به لحاظ نظری، الگوی پیشنهادی مبتنی بر الگوی مدیریتی "خدمات عمومی نوین" و "تفکر شبکه ای" برخاسته از آن می باشد. برخی از ویژگی های برجسته این الگو با توجه به محورهای ذکر شده در جدول مقایسه ویژگی های الگوهای مختلف مدیریتی (شماره ۱) در اینجا به اختصار توضیح داده می شود:

توجه به نقش جدی برای همه طرف های ذی مدخل یا به عبارتی، شرکای اجتماعی در حوزه جوانان از جمله نهادهای مدنی نمایندگی کننده منافع جوانان در کنار استفاده بهینه از ظرفیت های بخش خصوصی و بخش سوم، نشانگر رویکرد تکثرگرایانه و شهروندی دموکراتیک در این الگوست. در این الگو درباره منافع عمومی جوانان در پشت درهای بسته بوروکراسی اداری دولتی تصمیم گرفته نمی شود، بلکه این منافع از خلال گفتگوی چندجانبه و مشترک بین همه طرف ها (از جمله خود جوانان) کشف شده و به سمت تعریف ارزش های مشترک گام برداشته خواهد شد.

حاکم سازی نگاه رنگین کمانی به مشارکت جوانان و سازمان های مدنی آنان که زمینه خروج از وضعیت رکود مشارکتی فعلی را میسر می سازد و همچنین، احیای "مجمع ملی جوانان" به عنوان نهاد فراگیر ملی جوانان جهت ایفای نقش واسط بین دولت و جامعه مدنی از ضروریات تحقق الگوی پیشنهادی است - ساختار این نهاد و جزئیات ساختاری و کارکردی آن در اسناد پیشین (از جمله برنامه ملی جوانان ۳-۱۳۸۲) موجود است. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲) اطلاعات مربوط به این نهادها در سطح بین المللی نیز پیش از این بررسی و تحلیل شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷) و می توان با روزآمدسازی تجربه قبلی در این زمینه اقدام نمود و بر چالش ضعف در نمایندگی منافع جوانان در نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور فائق آمد.

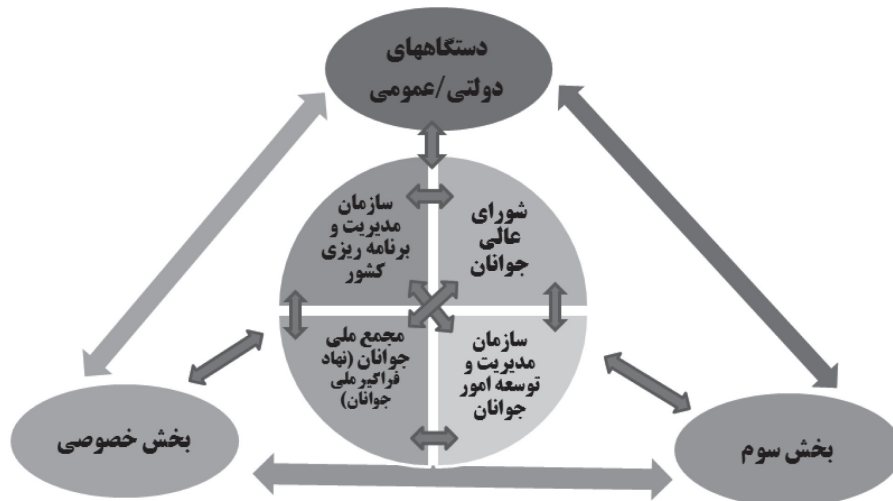
از آنجایی که مشکلات حوزه جوانان در ایران گسترده است، دستیابی به اهداف سیاستی تنها با تکیه بر دولت میسر نیست و مستلزم ایجاد ائتلافی از سازمان های دولتی، خصوصی و مدنی است که در این الگو پیشنهاد شده و در جدول ۲ نیز به نحوه نقش آفرینی آنها اشاره شده است. با این حال، نقش دولت همچنان در این زمینه پررنگ خواهد ماند و بر خلاف الگوی "مدیریت دولتی نوین" که دارای خاستگاه نئولیبرالی است و خواستار حذف گسترده نقش های خدماتی دولت و تقلیل آن به هدایت و تسهیلگری نیروهای بازار است، دولت همچنان باید به ارائه خدمات عمومی به جوانان ادامه دهد. با این حال، جهت گیری این خدمات به سمت "توانمندسازی" جوانان و نهادهای مرتبط با آنان جهت نقش آفرینی در فرایند توسعه (برای پیشرفت خود و همچنین کمک به توسعه کل جامعه) و همچنین خلق ارزش های مشترک در میان شهروندان به منظور فعال سازی ظرفیت های توسعه ای آنان در مسیر حل مسائل پیش روی نسل جوان است.

در کانون الگوی پیشنهادی، چهار نهاد شورای عالی جوانان، سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و مجمع ملی جوانان وجود دارد که نقش آنها تکمیل کننده یکدیگر است. در بالاترین سطح، "شورای عالی جوانان" باید نقش سیاست گذاری و نظارت کلان را در این حوزه برعهده داشته باشد، اما لازم است در بالاترین سطوح سیاسی و مدیریتی برای رفع چالش های پیش روی آن تدابیر لازم اندیشیده شود. همان طور که در بخش گذشته مشاهده شد، تشکیل جلسات و میزان فعال بودن این شورا کاملاً متأثر از متغیرهای رفتار سیاسی و اداری روسای جمهور وقت و روسای سازمان یا وزرای وقت ورزش و جوانان است. بهترین ساختارها نیز ممکن است در وضعیت بی ثباتی مدیریتی یا ناهمخوانی خطوط سیاسی

یا عدم اعتقاد به ضرورت ملی مقوله سازماندهی امور جوانان ناکارآمد شود. نکته دوم در این خصوص، به جایگاه این شورا و اسناد مصوب آن برمی گردد. به نظر می رسد بخشی از این چالش به نحوه ورود شورا به مسائل حوزه جوانان مرتبط باشد. بر این اساس، لازم است شورا در خصوص موضوعات و مسائل بین بخشی ورود مستقل داشته و اسناد خاصی را خود به طور مستقل تصویب نماید؛ اما درباره موضوعاتی که شوراهای مجامع سیاست گذاری مستقلی نظیر شورای عالی اشتغال، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انفورماتیک وجود دارد، ورود مستقل این شورا تأثیر چندانی ندارد. این در حالی است که در گذشته، شورای عالی جوانان در همه این حوزه ها نیز ورود مستقل داشته و اسناد مستقلی را تصویب کرده است که هیچ کدام اجرایی نگردیده است، چون نحوه ارتباط آنها با سایر اسناد ملی این حوزه ها مشخص نیست و اساساً شوراهای مستقل دیگری برای آنها در نظام سیاست گذاری و برنامه ریزی کشور در نظر گرفته شده است. البته این موضوع نافی ارتباط نظام مند شورای عالی جوانان با شوراهای مزبور نیست و لازم است در مراحل تدوین، تصویب، اجرا و نظارت بر سیاست ها و برنامه های مرتبط با جوانان در سایر شوراهای ذی ربط ارتباط و تعامل نظام مند و نزدیکی بین آنها وجود داشته باشد.

نکته بسیار مهم دیگر درباره تدوین سیاست ها و برنامه های مرتبط با جوانان این است که در مورد اسناد و برنامه های بخشی لازم است که پیشنهاد این برنامه ها و تدوین آنها از طریق خود دستگاه های اجرایی صورت پذیرد. تجربه قبلی تدوین برنامه ها در سازمان ملی جوانان و سپس تصویب آنها در شورای عالی جوانان و متعاقب آن ابلاغ به دستگاه ها نشان می دهد که این مسیر در نهایت، به اجرا منتهی نمی شود، چون اسناد ابلاغ شده به عنوان اسنادی غیر خودی و وصله هایی ناچسب در میان مجموعه برنامه های دستگاه ذی ربط تلقی می شود. کار نهاد متولی امور جوانان در این زمینه آن است که در مواردی که احساس ضرورت می کند، به حساس سازی دستگاه ها مبادرت ورزد، برای آنها تعیین دستورکار نماید- در صورت نیاز، این دستورکار را نیز از طریق شورای عالی جوانان رسمیت ببخشد- و بر سایر مراحل این فرایند نیز نظارت نماید. بدیهی است که در صورت دخیل ساختن مجلس شورای اسلامی در فرایند تصویب تکالیف قانونی برای دستگاه های مختلف می تواند در امر تخصیص بودجه و تقویت ضمانت اجرا مؤثر واقع شود.

نمودار ۳: الگوی سازماندهی یکپارچه مشارکتی (شبکه ای)



عنصر دوم در کانون این شبکه، "سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان" است. در الگوی جدید پیشنهاد می شود که حوزه جوانان، از وزارت ورزش و جوانان تفکیک شود و به سازمان مستقلی به عنوان یکی از معاونت های رئیس جمهور تبدیل شود. در حال حاضر، امور جوانان به شدت تحت الشعاع حوزه ورزش قرار گرفته و لازم است به عنوان اولین گام، این تفکیک صورت گیرد. به لحاظ نامگذاری، بهتر است از واژه "ملی" در عنوان این سازمان استفاده نشود، از این جهت که در ادبیات بین المللی معمولاً سازمان های غیردولتی فراگیر جوانان از این واژه در عنوان خود استفاده می کنند. همچنین، قید دو واژه "مدیریت" و "توسعه" در عنوان سازمان نیز نشان دهنده ماهیت عمدتاً غیراجرایی این نهاد می باشد.

به لحاظ کارکردها، سازمان پیشنهادی اولاً، نقش اصلی را در تعیین دستورکار سیاست گذاری و برنامه ریزی برعهده خواهد داشت. انجام این نقش مستلزم نقش جدی این نهاد در حوزه مطالعه و تحقیق و رصد امور جوانان است که باید از موضع یک نهاد تخصصی و فرباخشی به انجام آن مبادرت ورزد. در حالی که تک دستگاه های اجرایی درگیر امور روزمره خود هستند، لازم است نهادی تخصصی از موضعی کل نگرانه امور جوانان را تحت نظر داشته باشد و برای رسیدگی به موازی کاری ها، خلأها و حوزه های نوین نیازمند توجه، با همکاری سایر اجزای شبکه سیاستی امور جوانان اقدام به تدوین سیاست ها و برنامه های لازم نماید. این سازمان دارای حداقل کارکردهای اجرایی خواهد بود، زیرا اقدامات اجرایی باید از طریق دستگاه های متعدد اجرایی صورت پذیرد و نقش اجرایی سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان به برخی طرح های بین بخشی، بین دستگاهی و الگویی محدود خواهد بود. طرح های الگویی نیز پس از راه اندازی و پایلوت شدن قابل واگذاری به بازیگران مختلف موجود در شبکه سیاستی جوانان است. در خصوص اجرای سیاست ها و برنامه های مرتبط با جوانان باید نقشی جدی به نهاد فراگیر ملی جوانان و سمن های مرتبط با آن واگذار شود و سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان و تک تک دستگاه های اجرایی باید در جهت توانمندسازی و واگذاری تدریجی برخی فعالیت های خود به این نهادها گام بردارند. در سطح محلی لازم است نقشی قابل اعتنا برای شهرداری ها در حوزه اجرا در نظر گرفته شود تا به فرایند تمرکززدایی و توجه به اقتضائات محلی نیز کمک شود.

"هماهنگی افقی" و "هماهنگی عمودی"^۱ بین همه اجزای این شبکه، مهم ترین کارکرد سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان است که این هماهنگی ها از طریق "ستاد ملی و ستادهای استانی ساماندهی امور جوانان" قابل انجام است.

بودجه ریزی در جهت تحقق سیاست ها و برنامه های مصوب مرتبط با جوانان، یکی از چالش های جدی موجود در مسیر ساماندهی امور جوانان است. رفع این چالش مستلزم نقش آفرینی جدی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و مجلس شورای اسلامی است. ضروری است از یک سو، کلیه دستگاه های اجرایی ذی ربط ملزم به گنجانیدن ردیف بودجه ای خاصی در زمینه ساماندهی امور جوانان باشند و از سوی دیگر، به طور سالانه با همکاری و همراهی سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و مجلس شورای اسلامی بر تحقق این امر در بودجه های سنواتی دستگاه ها نظارت صورت گیرد.

۱. منظور از هماهنگی عمودی، سازوکاری «زنجیره ای» در نظام سیاست گذاری امور جوانان است که نقش هر یک از سطوح دولت مرکزی، دستگاه های منطقه ای (استانداری ها) و نهادهای محلی (مثل شهرداری ها) را در چرخه سیاست گذاری و برنامه ریزی امور جوانان مشخص می نماید و امکان هماهنگی میان آنها را فراهم می سازد. هماهنگی افقی نیز به سازوکاری در نظام سیاست گذاری امور جوانان اطلاق می شود که تکلیف تقسیم کار ملی بین دستگاه های دولتی و عمومی (در سطح مرکزی) را در چرخه سیاست گذاری و برنامه ریزی امور جوانان مشخص می کند و امکان هماهنگی و سیاست گذاری منسجم و مدیریت یکپارچه آن را فراهم می سازد.

جدول ۴: تقسیم کار نهادی بین اجزای الگوی سازماندهی یکپارچه مشارکتی (شبکه ای) بر اساس چرخه سیاستگذاری و برنامه ریزی

بخش سوم	بخش خصوصی	دستگاههای دولتی/ عمومی	مجلس شورای اسلامی	سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور	مجمع ملی جوانان (نهاد فراگیر ملی جوانان)	سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان	شورای عالی جوانان	
			*		*	*	*	تعیین دستورکار
					*	*		مطالعه و تحقیق (رصد امور جوانان)
*	*	*		*	*	*		تدوین/طراحی
			*				*	تصویب
		*	*	*		*		بودجه ریزی
*	*	*			*	(طرح های بین بخشی و الگویی)		اجرا
				*	*	(ستاد ملی و ستادهای استانی ساماندهی امور جوانان)		هماهنگی
			*	*	*	*	*	نظارت و ارزیابی
*	*	*			*			مشاوره

در نظام شبکه ای سیاستگذاری و سازماندهی امور جوانان مقوله پاسخگویی نیز دارای ماهیتی چندبعدی و چندسویه است و تنها به پاسخگویی سلسله مراتبی به بالا خلاصه نمی شود، بلکه همان گونه که نیومن (۱۳۹۱) بیان می دارد، شامل پاسخگویی به پایین (به اجتماعات محلی، شهروندان یا استفاده کنندگان خدمات که عبارت اند از خود جوانان) و پاسخگویی به کنار (به همکاران یا شرکا در داخل شبکه خط مشی) نیز می شود. ابعاد پاسخگویی نیز متنوع و شامل ابعاد قانونی، مالی، عملکردی، سیاسی و اخلاقی است (دانائی فرد، ۱۳۸۹) که باید به طور مستمر در جهت ایجاد شفافیت و افزایش اعتماد عمومی به انجام رسد.

در همین رابطه، اگرچه باید سازمان مدیریت و توسعه امور جوانان نقشی محوری در ارزیابی و نظارت بر

نحوه اجرایی شدن سیاست ها و برنامه های مرتبط با جوانان را در دستگاه های مختلف داشته باشد و گزارش آن را به شورای عالی جوانان منعکس نماید، اما باید ارزیابی های مستقلی نیز از سوی نهادهای مدنی (به ویژه مجمع ملی جوانان) و نهادهای آکادمیک و دانشگاهی صورت گیرد.

در نهایت اینکه مشاوره نه به عنوان یک مرحله مجزا در چرخه سیاستگذاری و برنامه ریزی، بلکه به عنوان عنصری سیال و فراگیر در کل مراحل آن باید مورد توجه جدی قرار گیرد و سازوکارهای لازم برای اخذ مشاوره از تمامی طرف های ذی نفع و شرکای اجتماعی اندیشیده شود.

انتظار می رود که پیاده سازی الگوی پیشنهادی تا حدود زیادی مسائل و چالش های ساختاری پیش روی سازماندهی امور جوانان در کشور را مرتفع نماید، اما همان طور که در پایان بخش قبلی تذکر داده شد، علل ساختاری تنها بخشی از علل عدم موفقیت تجربه گذشته در این زمینه است و باید برای رفع سایر علل نیز تدابیر لازم اندیشیده شود. از این رو، لازم است تلاشی جدی تر و همه جانبه توسط کلیه طرف های ذی ربط از جمله دانشگاهیان و متخصصان امور جوانان، فعالان مدنی حوزه جوانان و مدیران و کارشناسان دخیل در این حوزه صورت گیرد تا در سطحی بنیادی، تغییراتی مثبت در بعد هنجاری، نگرشی و رفتاری حاصل شود که به نوبه خود می تواند تغییر ساختاری را نیز به همراه داشته یا آن را قرین موفقیت سازد. با این حال، این تقدم و تأخر رتبه ای است و به لحاظ زمانی می توان هر دو را با هم در دستورکار قرار داد.

منابع

- تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۹۰) مرور ادبیات درباره وضعیت جوانان در ایران و تعیین موضوعات اولویت دار در ارتباط با جوانان کشور. تهران: انتشارات نمایندگی یونیسف در ایران
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲) برنامه ملی جوانان ۳-۱۳۸۲. تهران: سازمان ملی جوانان
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۷) نهادهای فراگیر ملی جوانان در جهان : اهداف، وظایف، ساختار و فعالیت ها. تهران: سازمان ملی جوانان
- نیومن، ژانت (۱۳۹۱) پاسخگویی برای رفاه، در: الکاک، پیت و همکاران، کتاب مرجع سیاست گذاری اجتماعی. علی اکبر تاج مزینانی، محسن قاسمی و مرتضی قلیچ. جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- رعنائی، حبیب ا.. و مرتضوی، مهدی (۱۳۹۱) تفکر شبکه ای در اداره امور عمومی. تهران: مرکز پژوهش های شورای اسلامی
- دانائی فرد، حسن (۱۳۸۹) چالش های مدیریت دولتی در ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

- Arnstein, Sherry (1969) **A Ladder of Participation**. Journal of American Institute of Planners. 35. pp. 216-224.
- Denhardt, Robert, B. and Denhardt, Janet, Vinzant (2000) **The New Public Service: Serving Rather than Steering**. Public Administration Review. Vol. 60, No. 6.
- Hart, R. (1992) **Children's Participation from Tokenism to Citizenship**. Florence: UNICEF Innocenti Research Centre
- Hart, R. (1997) **The Theory and Practice of involving young citizens in Community Development and Environmental Care**. Earthscan
- Shier, H. (2001) **Pathways to Participation: Openings, Opportunities and Obligations**. Children and Society. Volume 15, pp107-111.
- Stoker, G. (2006) **Public Value Management: A New Narrative for Networked Governance?**. American Review of Public Administration. Volume 36, Number 1. pp 41-57.
- Williamson, H. (2002) “ **Supporting young people in Europe: principles, policy and practice-vol.1**”. The Council of Europe international reviews of national youth policy 1997-2001 – a synthesis report. Council of Europe Publishing
- Williamson, H. (2008).” **Supporting young people in Europe: principles, policy and practice-vol.2**”. The Council of Europe international reviews of national youth policy.

بررسی وضعیت اشتغال پذیری جوانان ایران

زهره توحیدی^۱
 علی اکبر سروش^۲
 سید حسن الحسینی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۶

پژوهش حاضر با هدف «شناخت عوامل مؤثر بر اشتغال پذیری» و «بررسی وضعیت اشتغال پذیری جوانان» انجام شده است. سؤالات اصلی که تلاش شده به آن پاسخ داده شود، عبارت اند از: «وضعیت اشتغال پذیری جوانان ساکن استان های تهران، مازندران، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و لرستان چگونه است؟» و «چه ویژگی ها یا شاخص هایی برای سنجش میزان اشتغال پذیری جوانان کشورمان قابل تعریف است؟» برای یافتن پاسخ این سؤالات، از دو روش کمی (پیمایش با ۱۵۰۰ نمونه در سطح ملی) و روش کیفی (گروه متمرکز) بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط معناداری بین نوع شغل با استان محل سکونت جوانان، بین شاخص دانش های پایه و شاخص اشتغال پذیری با استان محل سکونت جوانان وجود دارد؛ به گونه ای که جوانان ساکن استان های کمتر توسعه یافته تفاوت بسیاری دارند. به علاوه، فرهنگ کار حاکم بر جامعه پذیری با جوانان ساکن استان های توسعه یافته تفاوت بسیاری دارند. به علاوه، فرهنگ کار حاکم بر جامعه (به دلیل ارزش نبودن سختکوشی و پشتکار)، محرومیت های مالی (به دلیل بازماندن از افزایش دانش یا مهارت و راه انداختن کسب و کار)، عملکرد نظام آموزشی (به دلیل عدم تمرکز کارآمد بر مهارت آموزی و عدم هماهنگی با بازار کار) و در نهایت، عدم ثبات و یکپارچگی در سیاست گذاری های کلان کشوری باعث کاهش سطح اشتغال پذیری جوانان است. همچنین، این پژوهش مدعی است که انگاره جوانان از نقاط ضعف و قوت خودشان در چارچوب مفهوم اشتغال پذیری نادرست و آگاهی آنان از فضای کسب و کار ضعیف است و این امر از دلایل مهم کاهش سطح اشتغال پذیری آنان به شمار می آید.

واژگان کلیدی: اشتغال پذیری، عوامل فردی اشتغال پذیری، عوامل محیطی - شخصی اشتغال پذیری و عوامل بیرونی اشتغال پذیری

مقدمه

از آنجا که اشتغال، مانعی در برابر فقر، محرومیت و بزهکاری و راهی برای توسعه و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی است و در سطح فردی، کار کردن باعث شکوفایی ظرفیت افراد و افزایش شأن فردی و اجتماعی آنها می‌شود، سیاست‌گذاری در راستای توسعه اشتغال «بهترین سیاست ضد فقر، ضد جرم و حمایت خانواده» به حساب می‌آید (McQuid & Lindsay, ۲۰۰۵: ۲۰۲) و سیاست‌گذاری در راستای توسعه اشتغال دغدغه تمامی دولت‌هاست. یکی از مفاهیمی که بتازگی در چارچوب نظریه‌های مرتبط با اشتغال شکل گرفته، مفهوم «اشتغال‌پذیری»^۱ است.

طرح و اهمیت مسئله

در اکثر دولت‌های مدرن، بخش بزرگی از بودجه، امکانات و توان انسانی و ساختاری دولت صرف پرداختن به مسئله اشتغال می‌شود و اکثر اعضای جامعه نیز دغدغه اشتغال خود و آینده شغلی فرزندان‌شان را در سر دارند. دلایل بسیاری وجود دارد که موجب شده دولت در سطح کلان و اعضای جامعه در سطح خرد و فردی به مسئله اشتغال توجه داشته باشند. نقش اشتغال در تأمین معاش افراد، اولین و شاید مهمترین دلیلی است که در این ارتباط به ذهن می‌رسد- اما تنها دلیل نیست. به دلیل همین اهمیت کلیدی است که علوم مختلف از اقتصاد تا مدیریت به موضوع اشتغال پرداخته و درباره آن اندیشیده‌اند.

یکی از جدیدترین رویکردها به مسئله اشتغال -که حاصل مطالعات میان رشته‌ای است- نگاه مبتنی بر ظرفیت‌ها و بسترهای لازم برای اشتغال است که مفهوم «اشتغال‌پذیری» از آن متولد شده است. این مفهوم به «امکان به استخدام درآمدن» یا به عبارت درست‌تر، «امکان و ظرفیت یافتن شغل، حفظ و پیشرفت در آن» اشاره دارد.

آنچه باعث شده اشتغال‌پذیری به عنوان استراتژی کارآمدی برای بهبود شاخص اشتغال و مبارزه با فقر و محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، ظرفیت خاص این مفهوم است. اشتغال‌پذیری از سویی، راهی مناسب برای مبارزه با بیکاری، فقر، محرومیت اجتماعی و بزهکاری است و از سوی دیگر، پاسخی متناسب به تغییر در مناسبات بازار کار به شمار می‌آید. رشد جمعیت در دهه‌های گذشته و ناهماهنگی آن با ظرفیت اقتصاد ملی، ضرورت پرداختن به افزایش قابلیت‌ها و امکانات برای یافتن شغل در بازار کار فعلی کشور را بیشتر کرده است.

به علاوه، اشتغال‌پذیری مفهومی است که به دلیل تأکید بر افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، ارزشی چندگانه دارد. در جهان امروز، نیروی انسانی بازوی اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی است، به ویژه آنکه دنیای کسب و کار و جهان اقتصاد بسیار تخصصی شده است. این نیروی انسانی است که می‌تواند موجب توسعه یک جامعه و موفقیت آن در رقابت جهانی در عرصه اقتصادی باشد؛ به طوری که آکادمی آموزش عالی^۲، در تشریح اهمیت افزایش اشتغال‌پذیری اعضای جامعه می‌گوید: «در قرن بیستویکم منابع طبیعی ما همان مردمانمان هستند که پتانسیل هایشان بکر و گسترده است». (آکادمی آموزشی عالی، ۲۰۰۷: ۷) توسعه مهارت‌ها، ویژگی‌ها و رویکردهای افراد در راستای افزایش سطح اشتغال‌پذیری و رفع موانع زمینه‌ای و بهبود اشتغال‌پذیری، راهی برای توسعه نیروی انسانی و به تبع آن توسعه اقتصادی و اجتماعی است.

با توجه به ظرفیت‌ها و ارزش‌هایی که «اشتغال‌پذیری» برای پرداختن به مسئله اشتغال در جامعه جوان

1. Employability

2. HEA

ایران دارد، مطالعه علمی و دقیق آن اهمیت بسیار دارد. در جامعه ما از یک سو، نرخ جمعیت جوان و فعال بالاست^۱ و از سویی دیگر، سطح تحصیلات جامعه در حال افزایش است که در کنار آن، با رشد بیکاری جوانان تحصیلکرده مواجه شده ایم^۲. در نتیجه، توسعه ظرفیت ها و فراهم کردن بسترها در سطح فردی، محیطی و کلان می تواند رویکردی جدید به مسئله اشتغال جوانان باشد. به همین دلیل، شناخت شاخص های بومی اشتغال پذیری و بررسی وضعیت اشتغال پذیری جوانان، موضوع مهمی است که این پژوهش کوشیده، به آن بپردازد.

چارچوب مفهومی

می توان ادعا کرد که در حال حاضر توافق چندانی بر سر ماهیت دقیق اشتغال پذیری وجود ندارد. تعاریف متنوعی از اشتغال پذیری ارائه می شود که هر کدام بر وجهی از این مفهوم تأکید می کنند و یا مؤلفه های مختلفی را در آن مؤثر می دانند. برای مثال، در سمیناری که در سال ۲۰۰۸ در لندن به منظور بحث در مورد مسئله مهارت های اشتغال پذیری برگزار شد، اتفاق نظری بین کارشناسان و فعالان این عرصه بر سر مفهوم اشتغال پذیری وجود نداشت. با این وجود، این امر، بدان معنا نیست که نمی توان اشتراکات معنایی در تعاریف موجود پیدا کرد. گرچه انتظاراتی که گروه های مختلف درگیر با مسئله اشتغال پذیری، از آن دارند، گوناگون است، اما بر سر این نکته اجماع نظر وجود دارد که اشتغال پذیری «باید بازتاب دهنده مهارت ها، ویژگی ها و رفتارهای ضروری برای یافتن و حفظ شغل باشد». به علاوه، در دوره کنونی، این اتفاق نظر نیز وجود دارد که اشتغال پذیری فقط برای ورود به بازار کار نیست، بلکه تداوم حضور و پیشرفت در آن، نیز هست. (LSN, 2008:1)

با توجه به گستردگی تعاریف ارائه شده از اشتغال پذیری، برای چارچوب یافتن ذهن، معرفی دو مدل اصلی برای پژوهش در این مورد مفید است: «مدل وندر هیجیدی و همکاران» و «مدل فیوگیت و همکاران». در مدل وندر هیجیدی و همکاران، رویکرد شایستگی محور برای اشتغال پذیری انتخاب شده است. شایستگی به گمان آنها مجموعه قابل مشاهده های از عملکردها و نگرش ها شامل دانش فردی، مهارت ها، نگرش ها و رفتارهاست. در واقع، آنها شایستگی را در سطح فردی قرار دادند و ابعاد زیر را برای اشتغال پذیری در نظر گرفتند: پیش بینی و بهینه سازی، انعطاف پذیری شخصی، برخورداری از حس سازمانی، تعادل و توازن و تخصص حرفه ای. (زاهدی و اکبرپور: ۱۳۸۸، ۴) این مدل، رویکردی کاملاً فردی به مسئله اشتغال پذیری دارد و تنها بر قابلیت های افراد برای یافتن شغل و انجام وظایف شغلی توجه می کند.

در مدل فوگیت و همکاران، هویت حرفه ای، انطباق پذیری شخصی و سرمایه اجتماعی و انسانی، سه شاخص اشتغال پذیری هستند (همان). فوگیت و همکارانش در این مدل، اشتغال پذیری را فقط امری فردی نمی بیند، بلکه برای اشتغال پذیری بعد اجتماعی و گفتمانی نیز قائل اند.

دو رویکرد عمده در پرداختن به مسئله اشتغال پذیری قابل تشخیص است: اول، رویکردی که تنها به قابلیت های فردی توجه دارد. این رویکرد، اشتغال پذیری را به عنوان مهارت ها، ویژگی ها و دانش های فردی می شناسد (همچون مدل وندر هیجیدی و همکاران). دوم، رویکردی که بر عواملی خارج از کنترل فرد نیز توجه دارد. در این رویکرد، بستری که فرد در آن زندگی و رشد می کند و به آن مفید می شود و عوامل کلان اقتصادی و سیاست گذاری نیز مورد تأکید است (همچون مدل فیوگیت و همکاران). اگر نگاهی تاریخی نیز به تحولات مفهوم اشتغال پذیری بیندازیم، می توان رد پای دو رویکرد یاد شده را

۱. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت بین ۱۵-۶۴ ساله ایران ۷۰/۹ درصد است.

۲. بر اساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، نرخ بیکاری دانش آموختگان از نرخ بیکاری کل کشور بالاتر است.

تشخیص داد. اشتغال‌پذیری از حدود صد سال پیش تا کنون به کار گرفته شده و در دوره‌های مختلف زمانی، تغییر معنا داده است. گزیر^۱ (۲۰۰۱)، هفت موج در تحولات مفهوم اشتغال‌پذیری از زمان شکل‌گیری تا به امروز شناسایی و به صورت زیر معرفی کرده است: «اشتغال‌پذیری دوگانه»، «مراقبت‌گری اجتماعی»، «سیاست‌گذاری نیروی انسانی»، «اشتغال‌پذیری سیال»، «عملکرد بازار نیروی کار»، «اشتغال‌پذیری ابتکاری»، «اشتغال‌پذیری برهم‌کنشی». (Gazier: 1998a,b, 2001, quoted, McQuid & Lindsay: 2005, 200-201)

تعاریف اولیه‌ای که از مفهوم اشتغال‌پذیری ارائه شده، فرد محور بوده است. تا اواخر دهه ۹۰ میلادی، مسئله اشتغال‌پذیری این‌طور دیده می‌شد که افراد جویای کار، کارمندان و کارگران، خود باید مهارت‌های لازم را برای یافتن شغل یا حفظ شغل خود و پیشرفت در آن داشته باشند. همین رویکرد فردمحورانه، در طول زمان توسعه یافت و تکمیل شد. مطالعات و پژوهش‌هایی که حول اشتغال‌پذیری صورت گرفت، این مفهوم را گسترده و کامل کرد؛ به طوری که تأکید صرف بر مهارت‌ها به توجه همزمان به مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی افراد (مثل انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری) تغییر یافت. اما با گذشت زمان، نظریات افرادی چون هیلج و پولارد (۱۹۹۸)، گزیر (۲۰۰۱) و مک‌کوید و لیندسی (۲۰۰۵)، این بحث را پیش کشید که اشتغال‌پذیری نمی‌تواند فقط مسئله‌ای فردی باشد، بلکه باید با نگاهی کلان‌تر به آن نگریسته شود. در این مباحث جدید، بر این نکته تأکید شد که وضعیت اشتغال افراد را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن کل بازار کار دید. لذا آنها بر اهمیت مسائل زمینه‌ای از جمله فرهنگ کار و وضعیت کلی بازار کار از جمله نظام استخدامی توجه کردند.

هیلج و پولارد اعلام کردند «اشتغال‌پذیری، بستری است که در آن، افراد به دنبال کار می‌گردند» (Hillage & Pollard: 1998, 12) نکته کلیدی در بحث اشتغال‌پذیری است. برای مثال، شرایط محیطی فرد و فضای بازار کار را نمی‌توان نادیده گرفت. گزیر معتقد است که اشتغال‌پذیری، نتیجه برهم‌کنشی «افراد»، «دیگر کنشگران» و «شرایط بازار کار» است. (Gazier: 2001, quoted, McQuid & Lindsay: 2005, 202) مک‌کوید و لیندسی نیز بر این نظرند که علاوه بر «مهارت‌های فردی»، «شرایط زمینهای خود شخص» و «عوامل بیرونی چون تقاضای اقتصاد کلان» در بحث از اشتغال‌پذیری باید دیده شوند. (McQuid & Lindsay: 2005, 207) رویکرد جدید بر این تأکید می‌کند که در نظام اقتصادی مدرن، فرد برای یافتن شغل لاجرم در بازار کار، به دنبال شغل می‌گردد و هر بحثی از وضعیت اشتغال افراد تنها در چارچوب بازار کار می‌تواند معنا داشته باشد. بازار کار نیز فقط یک طرف «عرضه» نیست، بلکه نظامی دو سویه است. بازار کار هم طرف عرضه دارد و هم تقاضا. لذا نمی‌توان بیتوجه به طرف «تقاضا» تمامی تحلیل را بر یک طرف بنا نهاد. به همین دلیل برای داشتن تحلیلی جامع و همه‌جانبه از اشتغال‌پذیری باید طرف تقاضا برای نیروی انسانی را هم مورد بررسی قرار دهد. مشخص است که «تقاضا» در بازار کار تحت تأثیر وضعیت کلی اقتصاد محلی و ملی قرار دارد. بنابراین، اقتصاد در سطح کلان آن بر وضعیت اشتغال‌پذیری افراد تأثیرگذار است. این بدان معناست که فردی واجد مهارت‌ها و صلاحیت‌های بسیار، ممکن است در رکود اقتصادی، شغل خود را از دست بدهد و یا اصلاً نتواند شغلی بیابد.

همچنین، اشتغال‌پذیری را نباید فقط به معنای داشتن شغل، تقلیل داد، بلکه همان‌طور که در مباحث اقتصادی حول مفهوم اشتغال مطرح است، فرد باید متناسب با توانایی‌اش صاحب شغلی باشد، وگرنه در زمره بیکاری پنهان قرار می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، اگر فردی شغلی پای‌نتر از توانایی‌هایش داشته باشد، وی دچار بیکاری پنهان است. به همین ترتیب، اشتغال‌پذیری به معنای آن است که فرد متناسب با دانش تخصصی و توان کاری

اش شغلی داشته باشد و در صورت لزوم باز هم بتواند شغل مشابهی بیابد. در این راستا، اهمیت و اثرگذاری وضعیت اقتصاد ملی و محلی بیشتر خود را نشان می دهد، زیرا بسیار محتمل است که فردی به دلیل مهارت ها و دانش بالا شغلی بیابد، اما آن شغل، در واقع بیکاری پنهان باشد. به همین دلیل، برخی پژوهشگران اعلام کرده اند که «اشتغال پذیری همان استخدام شدن نیست». (ESECT: 2005, 6) «در بریتانیا، شاخص عملی کلیدی [در سنجش اشتغال پذیری افراد]، تناسب شغل با مدرک تحصیلی است». (Ibid)

البته تنها عامل مؤثر بر وضعیت بازار کار، اقتصاد کلان ملی و محلی نیست، بلکه عوامل متعدد دیگری نیز بر بازار کار تأثیر می گذارد. نمون های که مک کوید و لیندسی به درستی بر آن تأکید می کنند، تأثیر الگوهای استخدامی در بازار کار است. تبعیض های رایج مثل تبعیض های نژادی، دینی، مذهبی، جنسیتی و غیره عدم انعطاف در وضعیت کار مثل عدم دسترسی به کار پاره وقت، عدم دسترسی به شیفت های کاری مختلف و غیره همگی بر بازار کار تأثیر دارند. (McQuid & Lindsay: 2005, 206-207) لذا برای مثال، فردی از اقلیتی قومی، علیرغم مهارت ها و ویژگی های بسیار، ممکن است به دلیل تبعیض قومی نتواند شغل مناسبی برای خود بیابد.

مک کوید و لیندسی از این هم فراتر می روند و تأکید می کنند که فقط بازار کار و عرضه و تقاضای نیروی انسانی نیست که بر اشتغال پذیری تأثیر می گذارد، بلکه شرایط محیطی خود فرد نیز بر اشتغال پذیری وی اثرگذار است. به عبارت دیگر، نمی توان «فرد» را فقط به عنوان مجموع های از مهارت ها و ویژگی ها دید، بلکه زندگی شخصی او نیز بر اشتغال پذیریش تأثیر دارد. وی در این مورد، اشاره می کند که لزوم مراقبت از افراد کهنسال یا کودکان، تعهد حمایت مالی از بستگان، برخورداری از سرمایه اجتماعی و غیره از عوامل محیطی شخص اند که بر اشتغال پذیری افراد تأثیر می گذارند. (Ibid, 210) برای مثال، در نظر بگیرید که زنی علیرغم داشتن مهارت ها و ویژگی های شخصی مناسب برای استخدام اما به علت آن که مجبور است از فرزند خردسالش مراقبت کند، به ویژه در صورت نبود انعطاف در بازار کار نمی تواند شاغل به کاری شود.

آنچه که بحث مک کوید و لیندسی درباره تأثیر عوامل محیطی شخصی بر اشتغال پذیری افراد را تکمیل می کند، مفهوم «هویت حرفه ای» فیوگیت و همکارانش است. آنها معتقدند که «هویت های حرفه ای در شکلی روایی صورت بندی می شوند. روایت های گوناگون از هویت حرف های، داستان های مختلفی هستند که مردم برای چارچوب بندی کردن، معنابخشی و تداوم گذشته، حال و آینده حرفه ای خود و در ارتباط با تجربیاتشان خلق می کنند. روایت های هویتی، انگیزه ها و به ویژه خودهای ممکن و میل به تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان ارزشمند چون کارفرمایان را در افراد شکل میدهد». (Fugate, et, al: 2004, 20) بنابراین، هویت های حرفه ای متفاوتی که افراد برای خود تعریف می کنند، «خود»های متفاوتی را سامان می دهند. همین «خود» است که جویای کار می شود، در روابط شغلی ایفای نقش می کند و مسئولیت های کاری را انجام می دهد. بنابراین، هویت حرفه ای بر اشتغال پذیری فرد اثر می گذارد. فیوگیت و همکارانش به استناد تحقیقات برزونسکی (۱۹۹۰، ۱۹۹۲ و برزونسکی و آدام: ۱۹۹۹) از سه سبک هویت حرفه ای یاد می کنند.

«مطالعات مربوط به سبکهای مختلف هویت نشان می دهد که مردم در پذیرندگیشان نسبت به دلالت های بالقوه نهفته در کنش هایشان برای هویتی که اتخاذ می کنند، متفاوت هستند. افراد با سبک هویتی «اطلاعاتگرا» گرایش دارند که به طور فعالی اطلاعاتی که به آنها مرتبط می شود را جستجو و استفاده کنند، در حالی که افراد با سبک هویتی «هنجارگرا» گرایش دارند که منطبق با انتظارات دیگران عمل کنند و آنهایی که سبک هویتی «اجتنابگرا» دارند، مایلند که از خود-واکنشی اجتناب کنند. بنابراین، کارمندان با سبک هویتی اطلاعاتگرا بیشتر علاقه مندند که اطلاعاتشان را افزایش دهند و درونی کنند. همین باعث می شود که جایگاه آنها در زمینه شغلی به طور خاص و حرفه ای به طور عام بهبود یابد. همچنین، آنها بیشتر خود را برای مواجهه با استرس های شغلی آماده می کنند». (Ibid, p 21)

هویت حرفه ای افراد متأثر از شرایط محیطی فرد است. لذا شرایط محیطی نه فقط اثر مستقیم بر وضعیت اشتغال‌پذیری افراد دارد که به طور غیرمستقیم به عنوان یک عامل، هویت حرفه ای آنها را زیر نفوذ دارد. برای مثال، زنی که تعهد و مسئولیت مالی بر خود احساس نمی‌کند، با مردی که وظیفه تأمین معاش خانواده بر دوش دارد، شرایط محیطی متفاوتی دارند و به تبع آن هویت‌های حرفه ای متفاوتی نیز برای خود تعریف می‌کنند. در مجموع، جامعترین تعریفی که از اشتغال‌پذیری می‌توان مبنای پژوهش قرار داد، از این قرار است: «اشتغال‌پذیری، توانایی شخص برای به‌دست آوردن اولین شغل و یا استخدام شدن اولیه وی، حفظ شغل، جابجایی بین نقش‌ها و فعالیت‌های کاری در یک سازمان و عنداللزوم کسب شغل جدید و در شکل ایده‌آل آن تثبیت کار مناسب و در حد کفایت انجام کار مؤثر است». (Hillage & Pollard, 1998) عواملی که «توانایی شخص» را برمی‌سازند، شامل عوامل فردی، عوامل محیطی و عوامل بیرونی است.

عوامل فردی شامل ویژگی‌ها و مهارت‌های ضروری اشتغال‌پذیری (صلاحیت‌های شخصی، مهارت‌های پایه ای قابل انتقال، مهارت‌های کلیدی قابل انتقال، مهارت‌های سطح بالای قابل انتقال، شایستگی و دانش کاری پایه)، ویژگی‌های دموگرافیک (سن، جنسیت و غیره)، سلامت و رفاه (سلامت، معلولیت)، جستجوی کار (استفاده مؤثر از خدمات رسمی کاریابی، استفاده مؤثر از منابع اطلاعاتی، آگاهی و استفاده مؤثر از شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی، توانایی تکمیل فرم‌های استخدام و رزومه و غیره)، انطباق‌پذیری و تحرک (تحرک جغرافیایی، انعطاف‌پذیری از نظر درآمد و شغلی از جمله ساعت کار) و غیره است. (McQuid & Lindsay, 2005, 209-210)

شرایط محیطی شامل شرایط زندگی خانوادگی (وظیفه نگهداری مستقیم، مسئولیت‌ها، وظیفه نگهداری کودکان، بستگان سالخورده و غیره، ...)، فرهنگ کار (وجود فرهنگی که کار کردن را ترغیب می‌کند و ...)، دسترسی به منابع (دسترسی به وسایل حمل و نقل، دسترسی به سرمایه مالی، دسترسی به سرمایه اجتماعی) و غیره است. (Ibid)

عوامل بیرونی شامل وضعیت تقاضا در بازار کار (همچون سطح تقاضاهای محلی و منطقه‌ای، ماهیت و تحولات در تقاضاهای محلی و منطقه‌ای، ساختار شغلی مشاغل مورد تقاضا، بخش‌هایی که تقاضا بیشتر وجود دارد، جغرافیا و موقعیت شغل نسبت مناطق مرکزی، میزان رقابت برای مشاغل، اقدامات کارفرمایان و رقبا، آنان، ترجیحات متغیر مشتریان) و عوامل اقتصادی کلان (همچون ثبات اقتصاد کلان، میزان اعتماد به زمان بازدهی کسب و کارها، سطح و ماهیت تقاضا در اقتصاد ملی و وضعیت فرصت‌های شغلی از جمله شرایط کار، ساعات کاری و امتیازات کارهای شیفی، فرصت‌های ارتقای شغلی، دامنه مشاغل پاره‌وقت، موقت و مقطعی)، عوامل جذب نیرو و استخدام (همچون رویه‌های جذب نیرو توسط کارفرمایان، گزینش‌های عمومی و اولویت‌های کارفرمایان، کانال‌های شناخت کارفرمایان، شناخت نسبت به مشخصه‌ها، تمایزها و تفاوت‌های مدنظر کارفرمایان، شناخت از شبکه‌ها و مجاری غیررسمی کارفرمایان و سیاست‌های اشتغال در بخش عمومی و خصوصی در محیط زندگی فرد) است. (Ibid, 10-209)

البته با توجه به تأکیدی که در این تعریف از اشتغال‌پذیری بر عواملی زمینه‌ای و بیرونی وجود دارد، توجه به مناسبات و اقتضائات اجتماعی خاص هر جامعه ضروری است. لذا، شاخص‌های ابعاد سه‌گانه اشتغال‌پذیری باید متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران تنظیم گردد.

سؤالات پژوهش

این پژوهش با توجه به ویژگی اکتشافی که دارد، نمی‌تواند فرضیه داشته باشد. بلکه سؤالاتی برای

پاسخگویی پیش روی این پژوهش قرار دارد.

سؤال اصلی

۱. وضعیت اشتغال پذیری جوانان ساکن استان های تهران، مازندران، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و لرستان چگونه است؟

۲. چه ویژگی ها یا شاخص هایی برای سنجش میزان اشتغال پذیری جوانان کشورمان قابل تعریف است؟

سؤالات فرعی

وضعیت بعد فردی جوانان ساکن استان های تهران، مازندران، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و لرستان چگونه است؟

وضعیت بعد محیطی جوانان ساکن استان های تهران، مازندران، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و لرستان چگونه است؟

وضعیت بعد بیرونی جوانان ساکن استان های تهران، مازندران، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و لرستان چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

همانگونه که اشاره شد، با توجه به گستردگی دامنه شاخص های مورد بررسی در ارزیابی وضعیت اشتغال پذیری افراد، ضرورت داشت که پژوهش به یک روش خاص محدود نشود. به همین دلیل، روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، روش تلفیقی بود. «تحقیق تلفیقی به عنوان یک شیوه بر جمع آوری، تحلیل و تلفیق اطلاعات کمی و کیفی در یک پژوهش مجزا یا مجموعه ای از پژوهش ها تمرکزی کند و مهمترین فرض آن این است که به کارگیری ترکیب رویکردهای کمی و کیفی، درک بهتری نسبت به زمانی که هر رویکرد را جداگانه به کار ببریم، از موضوع به دست می دهد». (کرسول و کلارک، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۴) لذا، برای جمع آوری داده های مورد نیاز این پژوهش، در دو بخش کمی و کیفی کار شد.

در گام اول، لازم بود که شاخص های اشتغال پذیری متناسب با مناسبات و اقتضائات بومی بازبینی شود. به این منظور، مجموعه مصاحبه هایی با کارفرمایان و متخصصین حوزه اقتصاد و مدیریت منابع انسانی انجام شد که بر اساس یافته های آن مصاحبه ها ابعاد و شاخص های اشتغال پذیری تدوین شد.

متغیرهای مورد بررسی

عوامل فردی: ویژگی های دموگرافیک، سلامت (درگیر نبودن با بیماری های خاص)، میل و قدرت یادگیری، ویژگی های شخصیتی (انطباق پذیری، مسئولیت پذیری، میل به یادگیری)، مهارت های عمومی و توانایی های ذهنی (مهارت های گفتاری و شنیداری، قدرت حل مسئله، کار گروهی)، رویکرد مثبت به کار، دانش های پایه (زبان مادری، آشنایی با زبان انگلیسی، توانایی با کار کامپیوتر و اینترنت).

عوامل محیطی: شرایط زندگی (وظیفه نگهداری کودک، معلول یا کهنسال و مسئولیت خانوادگی)، فرهنگ کار، دسترسی به منابع (دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی، سرمایه های مالی و عدم تبعیض اجتماعی).

عوامل بیرونی: نظام تقاضا (رونق اقتصاد محلی و ملی)، نظام آموزشی، سیاست گذاری های کلان (یکپارچگی و ثبات سیاست های اشتغال و غیره).

در گام دوم، به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز در بخش کمی پژوهش، پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری این پیمایش جوانان (در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال) کل کشور بودند. از آنجا که متغیرهای زمینه ای

و محیطی در اشتغال‌پذیری جوانان مؤثرند، لازم بود در نمونه‌گیری نیز آن دو متغیر مورد توجه قرار گیرند. متغیرهای زمینه‌ای عبارت‌اند از: سن، جنس، تحصیلات، شغل و تحصیلات والدین و متغیرهای محیطی نیز بر اساس ویژگی‌ها و شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی در ایران عبارت‌اند از: دین و مذهب، قومیت یا گویش، سطح توسعه یافتگی و جایگاه استان نسبت به مرکز. بر اساس این معیارها، پنج استان تهران، خراسان شمالی، مازندران، سیستان و بلوچستان و لرستان انتخاب شدند. همچنین، در هر استان، جوانان ساکن مرکز استان و یکی از شهرهای غیرمرکز مورد پرسش قرار گرفتند. بنابراین، نمونه‌گیری در این پژوهش، به صورت چند مرحله‌ای انجام شد. به این ترتیب که در مرحله اول به تناسب متغیرهای محیطی جوامع هدف، استان‌های مرتبط، سپس بر اساس متغیرهای زمینه‌ای، گروه‌های مربوطه و به تناسب جمعیت هر گروه، حجم نمونه تعیین گردید و سپس به صورت تصادفی، نمونه‌ها انتخاب شدند.

برای تعیین حجم نمونه پیمایش از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۲۶۷ نفر در هر یک از گروه‌ها (استان‌های هدف) به دست آمد که با گرد کردن آن به رقم ۲۷۰ نفر رسیدیم - مجموع آن ۱۳۵۰ نمونه می‌شود. البته با در نظر گرفتن احتمال خطا در حین اجرای پیمایش، ۱۰ درصد به تعداد پرسشنامه‌های هر یک از استان‌های هدف افزوده شد.

پرسشنامه‌ای که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، محقق‌ساخت بوده است که برای طراحی آن، همانطور که گفته شد، مفهوم اشتغال‌پذیری به کمک مصاحبه با کارفرمایان، فعالان کارآفرینی و نخبگان این حوزه، بومی و شاخص‌های آن به صورت گویه تدوین شد و سپس مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. از این پرسشنامه، برای سنجش بعد فردی اشتغال‌پذیری، برخی شاخص‌های قابل کمی‌سازی بعد محیطی (شرایط زندگی و دسترسی به منابع) و شاخص نظام آموزشی از بعد بیرونی اشتغال‌پذیری استفاده شد.

از سوی دیگر، برای سنجش برخی از شاخص‌های بعد محیطی (فرهنگ کار) و شاخص‌های بعد بیرونی (نظام آموزشی، نظام تقاضا و سیاست‌گذاری کلان) روش کیفی به کار گرفته شد. از آنجا که از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته ابزار بخش کیفی پژوهش است، محورهای آن با توجه به چارچوب مفهومی پژوهش طراحی گردید.

در نهایت، به منظور جمع‌بندی نتایج به دست آمده و اطمینان از جامع و مانع بودن آنها، داده‌های به دست آمده، از طریق گروه متمرکز مورد بازبینی و تدقیق قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

متغیرهای زمینه‌ای اصلی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفتند، شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر، مادر و همسر بود که در اینجا برای جلوگیری از اطناب کلام تنها به جنس، گروه‌های سنی و تحصیلات اشاره می‌کنیم. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، جوانان با تحصیلات کارشناسی بیشترین فراوانی را دارند.

جدول ۱: متغیرهای زمینه‌ای (جنس، گروه‌های سنی، تحصیلات)

متغیرهای زمینه	موارد	فراوانی	درصد
جنس	زن	۶۹۲	۴۷/۱
	مرد	۷۷۷	۵۲/۹

۲۲/۸	۳۳۲	۱۹-۱۵	گروههای سنی
۳۶	۵۲۵	۲۴-۲۰	
۴۱/۲	۶۰۰	۳۰-۲۵	
۰/۱	۱	بیسواد	تحصیلات
۰/۸	۱۲	ابتدایی	
۴/۶	۶۸	راهنمایی	
۴/۷	۷۰	دبیرستان	
۳۹/۹	۵۸۸	دیپلم	
۱۳/۵	۱۹۹	کاردانی	
۲۶/۴	۳۹۰	کارشناسی	
۳/۷	۵۴	کارشناسی ارشد	
۰/۱	۱	دکتری	

یکی دیگر از یافته های این پژوهش در خصوص، وضعیت اشتغال جوانان بود که جزئیات آن در جدول زیر آمده است. همانگونه که مشخص است، از میان ۵۹۴ پاسخگوی بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۲۲۱ نفر شاغل نیستند.

جدول ۲: وضعیت اشتغال جوانان به تفکیک گروه سنی

شاغل/غیر شاغل سن	غیر شاغل	شاغل	مجموع
۱۹-۱۵	۲۸۰	۴۹	۳۲۹
۲۴-۲۰	۲۹۳	۲۲۶	۵۱۹
۳۰-۲۵	۲۲۱	۳۷۳	۵۹۴
مجموع	۷۹۴	۶۴۸	۱۴۴۲
درصد	%۵۵	%۴۵	%۱۰۰

با توجه به گستردگی ابعاد و شاخص های مورد بررسی در این پژوهش و به منظور جلوگیری از آشفتگی ذهنی، یافته های به دست آمده را در ذیل سه بُعد اشتغال پذیری تشریح می کنیم.

وضعیت بعد فردی اشتغال‌پذیری: یافته‌های پیمایش نشان داد، پایینترین نمره در بُعد فردی اشتغال‌پذیری متعلق به شاخص دانش‌های پایه است. همانگونه که در جدول زیر مشخص است، هیچ یک از جوانان به لحاظ سطح دانش‌های پایه که بر اساس توانایی کار با نرم‌افزارهای کامپیوتری و اینترنت و آشنایی با زبان انگلیسی سنجیده شده بود، در سطح بالایی قرار نداشتند.

جدول ۳: وضعیت شاخص‌های بعد فردی اشتغال‌پذیری به تفکیک استان محل سکونت

شاخص‌های بُعد فردی اشتغال‌پذیری	استان‌های هدف	تهران	خراسان شمالی	مازندران	سیستان و بلوچستان	لرستان	مجموع
	معیار	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
انطباق‌پذیری	کم	۲/۴	۱/۱	۱/۴	۰/۷	۲/۱	۱/۵
	متوسط	۵۶/۴	۴۶/۶	۴۷/۱	۳۵/۵	۴۰/۷	۴۵/۳
	زیاد	۴۱/۲	۵۲/۳	۵۱/۵	۶۳/۸	۵۷/۲	۵۳/۲
مسئولیت‌پذیری	کم	۰/۷	۰/۴	۰/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۳
	متوسط	۵۲/۴	۳۹/۳	۳۷/۶	۳۸/۲	۴۹/۳	۴۳/۴
	زیاد	۴۶/۹	۶۰/۴	۶۲	۶۱/۸	۵۰/۷	۵۶/۴
کار گروهی	کم	۰/۰	۰/۰	۰/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۱
	متوسط	۳۶/۶	۳۴/۹	۳۹/۲	۲۸/۲	۴۶/۵	۳۷
	زیاد	۶۳/۴	۶۵/۱	۶۰/۴	۷۱/۸	۳۵/۵	۶۲/۹
رویکرد به کار	کم	۴/۱	۱/۸	۰/۷	۰/۰	۲/۸	۱/۹
	متوسط	۲۸/۳	۲۲/۵	۱۲/۷	۲۸/۲	۳۲/۴	۲۱
	زیاد	۶۷/۶	۷۵/۷	۸۶/۶	۷۱/۸	۶۴/۸	۷۷/۱
میل به یادگیری	کم	۱/۱	۰/۷	۱/۴	۱/۱	۰/۷	۱
	متوسط	۲۶/۳	۲۳/۲	۱۷/۳	۱۵/۸	۲۹/۴	۲۲/۳
	زیاد	۷۲/۶	۷۶/۱	۸۱/۳	۸۳/۲	۶۹/۹	۷۶/۷
حل مسئله	کم	۰/۰	۰/۰	۰/۳	۰/۰	۲/۱	۰/۵
	متوسط	۲۲/۸	۲۱/۹	۱۱	۱۱/۷	۲۵/۳	۱۸/۵
	زیاد	۷۷/۲	۷۸/۱	۸۸/۷	۸۸/۳	۷۲/۷	۸۱
دانش‌های پایه	کم	۱/۸	۲/۸	۲/۱	۲/۹	۳/۴	۲/۶
	متوسط	۹۸/۲	۹۷/۲	۹۷/۹	۹۷/۱	۹۶/۶	۹۷/۴
	زیاد	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰

وضعیت بعد شرایط محیطی اشتغال‌پذیری: آنگونه که در چارچوب مفهومی تبیین شد، وضعیت سلامت

افراد بر سطح اشتغال پذیری آنها تأثیر می گذارد. یافته ها نشان داد که ۶/۱ درصد جوانان درگیر بیماری های خاص و ۳/۳ درصد دچار معلولیت مانع اشتغال هستند. همچنین، ۶۱/۴ درصد از جوانان ابراز داشته اند که به دلیل نداشتن سرمایه مالی کافی حداقل از یکی از این موارد بازمانده اند: ادامه تحصیل، راه انداختن کسب و کار و یا استفاده از کلاس های آموزشی. این یافته، نشان می دهد که عدم دسترسی به منابع لازم برای یافتن شغل، یکی از عوامل اثرگذار در کاهش اشتغال پذیری جوانان است. از سوی دیگر، ۵۹/۷ درصد جوانان نقشی برای خود در خانواده تعریف می کنند که متضمن لزوم تلاش برای همکاری در تأمین معاش خانواده نیست. این رقم، مجموع افرادی است که خود را «فرزند که باید به مسائل شخصی اش بپردازد»، «زن خانواده که باید کمک خرج باشد» و سایر می داند.

جدول ۴: نقش اصلی جوان در خانواده

نقش اصلی در خانواده	فراوانی	درصد
سرپرست خانواده	۲۱۳	۱۴/۵
زن خانواده که فقط وظایف خانگی دارد	۱۱۵	۷/۸
زن خانواده که باید کمک خرج خانواده باشد	۹۲	۶/۳
فرزند خانواده که باید به مسائل شخصی اش بپردازد	۷۴۲	۵۰/۴
فرزند خانواده که باید کمک خرج باشد	۲۳۴	۱۵/۹
سایر	۴۰	۲/۸
مجموع	۱۴۳۶	۱۰۰

تفکیک یافته ها در این سؤال بر حسب گروه های سنی و استان هدف، نکات ارزشمندی را به دست می دهد که شرح آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۵: نقش خانوادگی به تفکیک در گروه سنی و استان محل سکونت

استان سن	تهران	خراسان شمالی	مازندران	سیستان و بلوچستان	لرستان	مجموع	واجد نقش خانوادگی با مسئولیت حداقل کمک در تأمین معاش
۱۹-۱۵	۱۴	۱۱	۱۰	۱۹	۲	۵۶	
	۷۷	۷۲	۶۴	۳۴	۱۸	۲۶۵	
۲۴-۲۰	۳۳	۴۵	۲۸	۴۷	۳۲	۱۸۵	
	۸۷	۵۱	۶۵	۷۵	۴۸	۳۲۶	
۳۰-۲۵	۳۷	۵۷	۶۶	۵۷	۱۱۶	۳۳۳	
	۴۸	۳۴	۵۲	۵۱	۷۰	۲۵۵	

به علاوه، بنا به نظر کارشناسان، صاحب نظران و مدیران اجرایی کشور، سخت کوشی و پشتکار برای جوانان ایرانی، ارزش به حساب نمی آید. بنابراین، یافته ها نشان می دهد که از یک سو، نگرش جوانان نسبت به نقش اجتماعی خود متضمن تقلا برای یافتن شغل نیست و از سوی دیگر، شاخص رویکرد به کار نیز در بین جوانان چندان مطلوب نیست. از کنار هم گذاشتن این گزاره ها می توان چنین استنباط کرد که نوع فرهنگ کاری که در بین جوانان ایرانی حاکم است، آنها را به سمت سختکوشی و کار سوق نمی دهد.

وضعیت بعد بیرونی اشتغال پذیری: یافته های پژوهش در بخش کیفی نشان داد، سیاست گذاری های کلان در حوزه هایی که بر نظام تقاضای نیروی کار تأثیر می گذارد، از سویی دچار آشفتگی هستند و جهت گیری مشخص و روشنی ندارند و از سوی دیگر، راهبردها و سیاست های کلان در هماهنگی و هم جهتی با یکدیگر قرار ندارند. در واقع، ضعف در ثبات در سیاست گذاری و ضعف در یکپارچه سازی تصویب و اجرای سیاست های کلان و خرد بر وضعیت اشتغال پذیری جوانان تأثیر گذاشته است.

نظام آموزشی شاخص دیگری از عوامل بیرونی مؤثر بر اشتغال پذیری است. در این پژوهش، تأثیر نظام آموزشی در دوره های ابتدایی، متوسطه و عالی بر وضعیت اشتغال پذیری جوانان، به وسیله پرسشنامه و مصاحبه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته های پیمایش نشان داد که ۶۲/۵ درصد از جوانان شاغل، شغل شان متناسب با تحصیلات شان نیست. همچنین، تنها، ۴۲/۴ درصد از دانش آموزان و ۴۳/۸ درصد از دانشجویان به یافتن شغلی متناسب با تحصیلات شان در آینده، امید دارند. این ارقام نشان می دهند که بحرانی در توازن و هماهنگی بین نظام آموزشی و بازار کار وجود دارد. از سوی دیگر، ۳۳ درصد از دانش آموزان و ۳۸/۹ درصد از دانشجویان ابراز داشته اند که با وجود آن که به رشته تحصیلی شان علاقه ندارند، اما بر اساس آینده شغلی، آن رشته را انتخاب کردند و ۳۴/۶ درصد از دانش آموزان و ۱۷/۹ درصد از دانشجویان، بیان کرده اند که علی رغم بی علاقه گی به رشته تحصیلی شان بنا به خواست خانواده، آن رشته را انتخاب کرده اند. به علاوه، ۵۷/۲ درصد از دانش آموزان ابراز داشته اند که از مشاوری مناسبی هنگام انتخاب رشته از طرف مدرسه، برخوردار نبوده اند.

بحث و تفسیر

یافته های پژوهش با استفاده از دو آزمون آماری واریانس یک طرفه و کای اسکوتر مورد تحلیل قرار گرفتند که در ادامه به آنها اشاره می شود.

همانگونه که در جدول زیر مشخص است، سطح معناداری نمره اشتغال پذیری با استان محل سکونت جوانان و شاخص دانش های پایه با استان محل سکونت جوانان، کمتر از ۰/۵ است. لذا می توان نتیجه گرفت که جوانان ساکن استان های هدف از نظر بعد فردی اشتغال پذیری و شاخص دانش های پایه با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

جدول ۶: واریانس یک طرفه بین بعد فردی اشتغال پذیری و شاخص دانش پایه در نسبت با استان محل سکونت

آماره ها	موارد مورد تحلیل	(درجه آزادی) Df	F	(سطح معنی Sig داری)	نتیجه
بین گروه ها (استان های مورد مطالعه)	تفاوت شاخص دانش های پایه و استان محل سکونت جوانان	۴	۳/۰۱	۰/۰۱۷	اثبات
	تفاوت بعد فردی اشتغال پذیری و استان محل سکونت جوانان	۴	۱۸/۱۵	۰/۰	اثبات

جدول زیر نشان نیز می دهد که پراکنش سطح اشتغال پذیری و وضعیت اشتغال جوانان (شاغل/غیرشاغل) با هم رابطه معناداری دارند. با توجه به این که سطح معناداری پراکنش سطح اشتغال پذیری و وضعیت اشتغال جوانان، ۰/۰ است (کمتر از ۰/۵) می توان نتیجه گرفت که جوانان شاغل و غیرشاغل از نظر سطح اشتغال پذیری با یکدیگر متفاوت هستند.

جدول ۷: کای اسکوتر بین سطح اشتغال پذیری و وضعیت اشتغال جوانان

آماره ها	ارزش	df	Sig (سطح معناداری)
کای اسکوتر فرد	۲۲/۳۲	۲	۰/۰

از سوی دیگر، یافته های پیمایش بدون اثبات از طریق آزمون آماری نیز قابل تحلیل هستند. برای مثال، یافته ها نشان داد که ۳۲/۳ درصد از نمونه های مورد بررسی با هیچ نرمافزار کامپیوتری آشنایی نداشتند، ۸۲/۴ درصد از آنها هیچ دوره آموزشی کوتاه مدتی را نگذرانده اند، ۳۷/۶ درصد از آنها هیچ آشنایی با زبان انگلیسی نداشتند و ۱۷/۳ درصد اصلاً توانایی کار با اینترنت نداشتند- در حالی که بیش از نیمی از پاسخ دهندگان بر این نظر بودند که شایستگی لازم برای کسب شغل مناسب را دارند.

این امر، بدان معناست که جوانان درک درستی از توانایی ها و قابلیت های خود ندارند. از سوی دیگر، این مسئله به معنای ناآگاهی جوانان از فضای بازار کار هم هست. در واقع، زمانی که از تحصیلات و مهارت لازم و کافی برای یافتن شغل مناسب بحث می کنیم، به صورت تلویحی از تناسب بین آن دو هم سخن می گوئیم. به عبارت روشن تر، آنچه که لازم و کافی بودن تحصیلات و مهارت را تعیین می کند، تقاضایی است که در بازار کار برای نیروی انسانی وجود دارد. به همین دلیل است که نداشتن آگاهی از تناسب بین تحصیلات و مهارت و زمینه های شغلی، به معنای نشناختن بازار کار نیز هست. اگر جوانی بر خلاف آنچه در عرصه عمل و در واقعیت بازار کار در جریان است، این تصور را داشته باشد که تحصیلاتش برای یافتن شغل مناسب کافی است، عملاً نخواهد توانست که شغل مناسبی بیابد. این ناآگاهی از فضای بازار کار، مسئله ای است که شدیداً بر سطح اشتغال پذیری جوانان تأثیر گذاشته و از عمده عواملی است که موجب بالا بودن نرخ بیکاری جوانان تحصیل کرده شده است.

به علاوه، باید در نظر داشت که با توجه به گروه سنی مورد بررسی یعنی افراد بین ۱۵ تا ۳۰ سال، ارقام مذکور درباره آشنایی با کامپیوتر، اینترنت و زبان انگلیسی نشان دهنده برخوردار نبودن بخشی از جامعه جوان کشور از هر نوع آموزش غیررسمی است. اگر در نظر داشته باشیم که ۱۹/۱ درصد از نمونه های مورد بررسی اعلام کرده اند که به دلیل نداشتن سرمایه، محروم از استفاده از کلاس های آموزشی غیررسمی بوده اند، مشخص می شود که بخشی بزرگی از کسانی که هیچ نوع آموزش غیررسمی ای نداشته اند، بنا به دلایل غیر مالی به سراغ آموزش های بیشتر نبوده اند.

به بحث درباره معضل ناآگاهی جوانان نسبت به فضای کسب و کار برگردیم. باید گفت که ناآگاهی جوانان نسبت به فضای کسب و کار در کنار مشکلات دیگر، تشدید می شود. بنا به یافته های این پژوهش، نظام آموزشی در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی، دانش آموزان را به درستی هدایت تحصیلی نمی کند. باورهای نادرستی درباره آینده شغلی برخی رشته های تحصیلی وجود دارد و علایق و استعداد دانش آموزان در انتخاب رشته مورد توجه قرار نمی گیرد. این بی توجهی نظام آموزشی به هدایت تحصیلی متناسب با آینده شغلی،

علاقی و استعدادهای دانش‌آموزان، در کنار ناآگاهی خود دانش‌آموزان موجب می‌شود که بسیاری از دانش‌آموزان راه غلطی را در ادامه تحصیل خود در دانشگاه پیش بگیرند و بدین ترتیب، مدرک تحصیلی‌ای به دست آورند که نتوانند از طریق آن، شغل مورد علاقه و متناسب با استعدادشان را بیابند. به خصوص آن که این تصور را نیز داشته‌اند که پس از گذراندن دوره تحصیلیشان می‌توانند شغل مناسبی را پیدا کنند. همین عدم تطابق تصور جوانان درباره آینده شغلی و واقعیت بازار کار نیز در بسیاری از مواقع باعث می‌شود که آنها برای یافتن شغل نیز مسیر اشتباهی را بروند و به نتیجه نرسند.

به علاوه، مشغول شدن جوانان به تحصیلات عالی به موجب شده که ورود آنها به بازار کار به تأخیر بیفتد. حال اگر در رشته‌ای تحصیل کنند که نتوانند با استفاده از مدرک تحصیلیشان شغلی بیابند و یا کار ثمربخشی انجام دهند، عملاً آن بازه زمانی و هزینه‌های مالی مرتبط با آن به هزرفته است. از منظر اشتغال، مسئله را می‌توان اینگونه صورتبندی کرد که بالا بودن نرخ بیکاری جوانان تحصیل کرده به این معناست که بخشی از جمعیت جوان کشور، سال‌هایی را صرف گذراندن دوره‌های تحصیلی‌ای می‌کنند که نه تنها نمی‌توانند از دانش و مهارت آموخته‌شان بهره‌ای ببرند که حتی زمانی را که می‌توانستند صرف آموختن دانش یا مهارتی کنند که بتوانند از آن بهره‌عملی ببرند و یا سال‌هایی که می‌توانست بخشی از تجربه کاری آنها باشد، از دست داده‌اند. از منظر جوانان نیز اگر نگاهی به مسئله بیندازیم، نتایج مهمی به دست می‌آید. بر اساس یافته‌های پیمایش، ۵۶/۷ درصد از دانش‌آموزان بر این باورند که در دبیرستان و یا هنرستانی که تحصیل می‌کنند، دانش یا مهارتی که در انجام وظایف شغلی به آنها کمک کند، آموخته‌اند، اما ۴۳/۳ درصد از آنها معتقدند که در دبیرستان و یا هنرستانی که تحصیل می‌کنند، چنین مهارت و یا دانشی را نیاموخته‌اند. همچنین، ۵۷/۱ درصد از دانشجویان بر این باورند که در دانشگاهی که تحصیل می‌کنند، دانش یا مهارتی که در انجام وظایف شغلی به آنها کمک کند، آموخته‌اند، اما ۴۲/۹ درصد از آنها معتقدند که در دانشگاهی که تحصیل می‌کنند، چنین مهارت و یا دانشی را نیاموخته‌اند. چنانکه پیداست بیش از چهل درصد دانش‌آموزان و دانشجویان بر این نظر هستند که با گذراندن دوره تحصیلیشان برای ورود به بازار کار آماده نمی‌شوند. این امر نشان‌دهنده ناامیدی و سرخوردگی جوانان برای ادامه تحصیل به منظور یافتن شغل مناسب است.

در کنار این موضوع، ۴۳/۶ درصد از دانش‌آموزان معتقدند هنگام انتخاب رشته، راهنمایی و مشاوره درستی از طرف مدرسه خود دریافت نکرده‌اند. این رقم از یک سو، نشان‌دهنده بی‌اعتمادی دانش‌آموزان به نظام آموزشی است و از سوی دیگر، به معنای احساس ناامنی از آینده ناشی از ادامه تحصیل در بین دانش‌آموزان است.

در اینجا، لازم است به تفاوت‌های موجود بین استان‌های مختلف کشور از نظر سطح دانش پایه نیز اشاره شود. پایین بودن سطح دانش پایه (از شاخص‌های اشتغال‌پذیری) در بین جوانان ساکن استان‌های محروم و کمتر توسعه یافته باعث شده که سطح اشتغال‌پذیری آنها از جوانان ساکن استان‌های توسعه یافته متفاوت باشد. در واقع، دانش پایه جوانان ساکن در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم تفاوت معناداری با دانش پایه جوانان ساکن در استان‌های توسعه یافته دارد. از سوی دیگر، همانگونه که مشخص است و یافته‌های پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند، جوانان ساکن استان‌های محروم، در دسترسی به منابع گوناگون دچار مشکلات بیشتری به نسبت جوانان ساکن در استان‌های توسعه یافته هستند. دسترسی به خدمات آموزشی، مراکز صنعتی و اقتصادی محلی، وسایل حمل و نقل سریع و کم هزینه و بسیاری موارد دیگر در سطح اشتغال‌پذیری جوانان مؤثر است که جوانان ساکن استان‌های محروم و کمتر توسعه یافته به این قبیل منابع دسترسی کمتری دارند و در نتیجه، سطح اشتغال‌پذیری آنها، جبراً پایین است.

عدم توازن در برخورداری از خدمات آموزشی بین مناطق توسعه یافته و کمتر توسعه یافته، رکود اقتصاد

محلی و کمبود مراکز صنعتی یا اقتصادی محلی در استان های کمتر توسعه یافته موجب می شود که جوانان ساکن این استان ها، از سویی از سطح دانش و مهارت بالایی به نسبت جوانان ساکن در استان های توسعه یافته برخوردار نباشند و از سوی دیگر، موانع بیرونی مؤثر بر رشد اشتغال پذیری آنها بیشتر باشد. مسئله ای که مشکل مذکور را بغرنج تر می کند، تأثیر مضاعف عوامل بیرونی بر سطح اشتغال پذیری است. عوامل فردی در بستر عوامل محیطی شخصی و بیرونی عمل می کنند. بنابراین، جوانان استان های کمتر توسعه یافته به دلیل آنکه با موانع بیرونی بیشتری روبرو هستند، جبراً سطح اشتغال پذیری پایینتری به نسبت جوانان ساکن استان های توسعه یافته دارند.

موضوع دیگری که باید به آن پرداخت، تأثیر بعد محیطی شخصی بر سطح اشتغال پذیری جوانان کشور است. یکی از شاخص های بعد محیطی شخصی، نقش اجتماعی و خانوادگی است. همانگونه که در بحث یافته های پژوهش اشاره شد، بیش از نیمی از جوانان برای خود نقش خانوادگی ای که متضمن همکاری در تأمین معاش خانواده باشد، تعریف نکرده اند. افرادی که نسبت به معاش خانواده احساس مسئولیت می کنند، به دلیل نقش و وظیفه ای که برای خود قائل اند، بیشتر جویای کار خواهند بود و لذا، احتمال یافتن شغل برای آنها بالاتر است. بنابراین، نگاهی که فرد به مسئولیت و نقش خانوادگی اش دارد بر سطح اشتغال پذیری او تأثیر می گذارد.

توجه به چگونگی پراکنش، نگرش فرد نسبت به وظیفه و مسئولیت خانوادگی اش در گروه های سنی نیز نکات بیشتری را روشن می کند. گروه بزرگی از جوانان بالای ۲۵ سال، خود را موظف به همکاری در تأمین معاش خانواده نمی دانند. در واقع، جوانانی که به نظر می آید، ضروری است جویای کار باشند، از اساس احساس مسئولیتی در مورد تأمین معاش خانواده و متعاقب آن، یافتن شغل نمی کنند. بنابراین، می توان پیش بینی کرد که سنی که اعضای جامعه احساس ضرورت می کنند که شغلی داشته باشند، بسیار بالا رفته است. این بالا رفتن سن تقلاً برای ورود به بازار کار، اثرات بسیاری بر سطح اشتغال پذیری جوانان دارد؛ از آن جمله، کاهش فرصت های کسب آموزش متناسب با نیاز بازار کار، کاهش فرصت های استخدامی مطابق قوانین کار، کاهش فرصت های استخدامی به دلیل پایین بودن سابقه کار و غیره.

در واقع، آنگونه که در چارچوب مفهومی پژوهش نیز گفته شد، نقش و مسئولیت اجتماعی افراد بر سطح اشتغال پذیری آنها تأثیر می گذارد. افرادی که در چارچوب هویت نقشی خود احساس ضرورت می کنند که شغلی داشته باشند، از یک سو، برای آینده شغلی خود برنامه ریزی دقیق تری می کنند و از سوی دیگر، تلاش بیشتری برای یافتن شغل می کنند و به قواعد بازار کار بیشتر تن در می دهند- به عبارت دیگر، انعطاف پذیری بیشتری در مقابل فضای کسب و کار دارند- در نتیجه، سطح اشتغال پذیری آنها بالا می رود. اما در جامعه ما، گروه بزرگی از جوانان (بر اساس یافته های این پژوهش، بیش از نیمی از آنها) در مسئولیت هایی که برای نقش خود تعریف کرده اند، کسب درآمد و اشتغال را قرار نداده اند و همین امر از عوامل کاهش شدید اشتغال پذیری جوانان کشور است.

لازم به ذکر است که یافته های پیمایش نشان داد که احساس مسئولیت در قبال تأمین معاش خانواده در استان های کمتر توسعه یافته بیشتر از استان های توسعه یافته است. جوانان ساکن استان سیستان و بلوچستان بیش از جوانان چهار استان دیگری که مورد مطالعه قرار گرفتند، احساس وظیفه و مسئولیت پذیری برای ورود به بازار کار دارند. همین امر، موجب افزایش سطح اشتغال پذیری جوانان ساکن این استان است. اما از سوی دیگر، نرخ بیکاری در استان های کمتر توسعه یافته و پیرامونی چون سیستان و بلوچستان بالاست. این مسئله جای تأمل بسیار دارد. در واقع، گرچه در استان های پیرامونی و محروم، نقش اجتماعی و فرهنگ کار با اشتغال پذیری هم راستاست، اما عوامل دیگری که بر وضعیت اشتغال پذیری ساکنان این مناطق اثر می گذارند

از قدرت اثرگذاری بیشتری برخوردارند.

همچنین، در بخش کیفی استدلال شد که به دلیل رکود و کم‌بیه بودن اقتصاد ملی، تقاضا برای نیروی کار چندان بالا نیست، در حالی که رشد جمعیت جوان و متقاضی کار در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ زیاد بوده است. به عبارت دیگر، اقتصاد ملی توان تولید فرصت‌های شغلی متناسب با رشد جمعیت جوان در سال‌های اخیر را نداشته است. بنابراین، طبیعی است که سطح اشتغال‌پذیری جوانان ایرانی بالا نباشد.

از سوی دیگر، سیاست‌گذاری نظام آموزشی بر مبنای هماهنگی و تناسب با بازار کار نیست. حجم پذیرش دانشجو در رشته‌های تحصیلی، چگونگی پراکنش رشته‌های تحصیلی در سطح کشور، مفاد آموزشی رشته‌های تحصیلی و شیوه‌های آموزشی متناسب با نیازهای بازار کار ملی تنظیم نشده‌اند. در واقع، تعداد دانشجویانی که در هر رشته تحصیلی ای پذیرفته می‌شوند، با میزان نیاز بازار کار به متخصص آن رشته‌ها تناسب ندارد؛ دانشگاه‌های متعدد موجود در سراسر کشور با در نظر گرفتن ظرفیت‌های بومیشان گروه‌های آموزشی‌شان را برپا نمی‌کنند؛ واحدهای درسی رشته‌های تحصیلی توری طراحی نشده‌اند که فارغ‌التحصیلان آن رشته‌ها، دانش و مهارت کارآمدی کسب کرده باشند؛ شیوه‌های آموزشی نوین که بر یادگیری توأم با تجربه و عملی‌متکی هستند، در نظام آموزشی ایران جایگاه خود را نیافته‌اند. از سوی دیگر، رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه نیز به لحاظ مفاد و شیوه آموزشی دچار مشکلات مذکور هستند. به علاوه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب نظام مدرس‌های و آزاد هم نتوانسته است برای بهبود آینده شغلی جوانان کشور موفق عمل کند. رشته‌های تحصیلی این شاخه آموزشی و تعداد پذیرش دانش‌آموز در هر رشته متناسب با بازار کار نیست. همچنین، هدایت تحصیلی در دوره متوسطه بر مبنای برنامه‌ریزی یکپارچه و منطبق با ظرفیت‌ها و ضرورت‌های جامعه ایران قرار ندارد. همین امر، در ناکارآمدی فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه برای جذب به بازار کار تأثیر دارد.

در این بین، ضعف در یکپارچگی سیاست‌گذاری‌ها و کمبود ثبات سیاست‌های مؤثر بر بازار کار، اثرات سوئی بر تمامی عوامل بیرونی مؤثر بر اشتغال‌پذیری دارد. ناهماهنگی بین سیاست‌های نظام آموزشی و نیاز بازار کار، معضلات اقتصادی کشور و بسیاری مسائل دیگر تحت تأثیر ضعف در یکپارچگی سیاست‌گذاری‌های کشور است. نبود سیاست‌های یکپارچه در حوزه‌های اقتصادی، آموزشی و فرهنگی، از یک سو و ضعف در ثبات سیاست‌ها در کشور، از سوی دیگر موجب آشفتگی بازار کار و ناکارآمدی جوانان برای ورود به بازار کار شده است.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی پژوهش می‌توان گفت که قدرت اثرگذاری عوامل بیرونی بر وضعیت اشتغال‌پذیری جوانان به نسبت عوامل فردی و محیطی بیشتر است. لذا، ضعف یکپارچگی در سیاست‌ها در حوزه اشتغال و آموزش، ضعف در ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی، ناکارآمدی نظام آموزشی در حوزه مهارت‌آموزی و هدایت تحصیلی، رکود اقتصاد ملی و محلی موجب شده که سطح اشتغال‌پذیری پایین باشد. از سوی دیگر، عوامل محیطی که به نوبه خود بر عوامل فردی نیز تأثیر می‌گذارد، به دلیل ارزش‌انگاشته نشدن کار و سخت‌کوشی در جامعه و عدم مسئولیت‌پذیری خانوادگی موجب کاهش اشتغال‌پذیری جوانان ایرانی است.

در نهایت، شاخص دانش‌های پایه در بعد فردی اشتغال‌پذیری، پایین‌ترین نمره را کسب کرده که این امر را می‌توان ناشی از تأثیر نظام آموزشی و نگرش نادرست درباره نیازهای فضای کسب و کار دانست.

راهکارها

اکنون با در نظر گرفتن وضعیت فعلی جوانان به لحاظ سطح اشتغال پذیری و عوامل مؤثر در آن راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

- تهیه طرح نامه تدوین ماده آموزشی جهت آموزش اصول مهارت های کارآفرینی در مدارس از سطح مقدماتی تا پیشرفته از دوره ابتدایی تا متوسطه دوم و ارائه آن به وزارت آموزش و پرورش؛
- برگزاری جشنواره های آشنایی با مشاغل و اصول کسب و کار با همکاری وزارت آموزش و پرورش با گروه هدف نوجوانان؛
- تهیه بسته های آموزشی صوتی و تصویری به منظور ترویج و گسترش فرهنگ ارزش انگاری کار و پخش آن از طریق رسانه های صوتی و تصویری؛
- برگزاری کارگاه های آموزشی برای والدین جوان به منظور آموزش نحوه فرزندپروری با تأکید بر بهبود مسئولیت پذیری و نقش پذیری فرزندان در خانواده؛
- تشکیل کمیته ای به منظور تدوین سندی برای یکپارچگی سیاست های آموزشی و اشتغال زایی (با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)؛
- تشکیل کمیته ای به منظور تدوین سندی برای توسعه سرمایه گذاری در استان های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته (با هماهنگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت کشور، کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی در حوزه اقتصاد و نمایندگان استان های مذکور در مجلس شورای اسلامی)؛
- تشکیل کمیته ای به منظور بهبود کیفیت خدمات آموزشی در استان های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
- تقویت سرمایه گذاری داخلی و خارجی در تمامی استان های کشور؛
- تدوین سند «مزیت نسبی اقتصادهای محلی کشور (به علاوه نیازهای بازار کار و مهارت های حرفه ای متناسب با آن)».

منابع

- زاهدی، شمس السادات و حسنیپور، اکبر (۱۳۸۸) ”بررسی تأثیر روابط استخدامی بر قابلیت استخدام کارکنان در سازمان های دولتی“ مجله مدیریت توسعه و تحول. دوره ۱، شماره ۲، صص ۱-۸.
- کرسول، جان و کلارک، ویکی پلانو (۱۳۸۹) روش های تحقیق تلفیقی. محسن نیازی و عباس زارعی. تهران: نشر سخنوران
- مرکز آمار ایران، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- ESECT (Enhancing Student Employability Co-ordination Team) & The Higher Education Funding Council for England (2005) **Learning and Employability (series one): Employability in higher education: What it is- what it is not**. York: The Higher Education Academy, ESECT/ HEFCE.
- Fugate, M. Kinicki J. Angelo and Ashforth E. Blake (2004) **Employability: A psycho-social construct, its dimensions, and applications**. Journal of Vocational Behavior . 65.
- Gazier, B. (1998b) **Employability — definitions and trends**. in: B. Gazier (Ed.) **Employability: Concepts and Policies**, pp. 37–71. Berlin: European Employment Observatory.
- Gazier, B. (2001) **Employability: the complexity of a policy notion**. in: P. Weinert, M. Baukens, P. Bolerrot et al. (Eds) **Employability: From Theory to Practice**.
- HEA (The Higher Education Academy) (2007) **Student Employability Profiles**. York: The Higher Education Academy, HEA.
- Hillage, J. & Pollard, E. (1998) **Employability: Developing A Framework For Policy Analysis**, Department for Education and Employment). ESECT: 2005.
- McQuid, R. Lindsay, C. (2005) **The Concept of Employability**. Urban Studies, Vol. 42, No. 2, 197–219.
- LSN (The Learning and Skills Network) (2008) **Employability skills explored**. London, LSN.

طرد عینی و ذهنی جوانان در ایران

مریم قاضی نژاد^۱

فاطمه رهنما^۲

کیانا کلهر^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۶

گشوده شدن پنجره جمعیتی جوان متولدان دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ (نسل پرزائی) به روی جامعه ایران، در شرایط گذار اقتصادی- اجتماعی و در بستر تحولات فرهنگی و سیاسی چند دهه اخیر، به منزله فرصتی طلایی برای استفاده از پتانسیل رشد موجود در جمعیت جوان برای تحقق اهداف توسعه ملی محسوب می شود. متأسفانه، فقدان یا ضعف سیاست اجتماعی هدفمند، برنامه ریزی بلند مدت و اندیشیدن تمهیدات لازم برای نیازهای رشد، حمایت و تامین رفاه آنان در چرخه زندگی از کودکی تا بزرگسالی کارآمد و مستقل، موجب بروز تهدیدات مختلف علیه قشر (نسل) جوان مذکور و نیز جامعه در حال توسعه ایران گردیده است. در چنین شرایطی، سنجش و ارائه تصویری جامع از وضعیت جوانان در ایران در چارچوب رویکرد نوین و حقوق محور طرد و ادغام اجتماعی می تواند توجهات لازم را برانگیزد، شناخت و ارزیابی دقیقتری از موقعیت و وضعیت اجتماعی- اقتصادی و مسائل جمعیت جوان به دست دهد و راهگشای سیاستگذاران و نهادهای متولی ساماندهی و مرتبط با امور جوانان باشد.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربی وضعیت جوانان در ایران، در قالب مفهوم جهانی طرد اجتماعی و عملیاتی سازی آن، میزان طرد و محرومیت یا "عدم ادغام اجتماعی" جوانان در نظام اجتماعی (کلیت جامعه) را در دو سطح عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار داده است. مفهوم طرد عینی در سه بعد ۱- محرومیت مادی، ۲- محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی و ۳- محرومیت از ادغام اجتماعی- فرهنگی

عملیاتی شده است. مفهوم طرد ذهنی نیز ناظر بر فاصله بین خواسته ها و انتظارات فرد با وضعیت و شرایط واقعی او می باشد.

نتایج این پیمایش توصیفی- تبیینی که در سطح ملی و طی سال های ۹۳-۱۳۹۱، برروی نمونه ای به حجم ۴۵۲۲ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله، از ۱۲ استان کشور -که به روش نمونه گیری خوشه ای احتمالی چند مرحله ای انتخاب شده بودند- با استفاده از پرسشنامه (استاندارد و بومی سازی شده) به انجام رسیده، نشان می دهد قریب نیمی (۴۵ درصد) از پاسخگویان جوان، طرد اجتماعی عینی (محرومیت چندگانه و مزمن مادی و غیرمادی) را در مسیر حیات و کلیت زندگی خود، به میزان قابل ملاحظه ای (میانگین ۳۴) تجربه کرده اند. نیز حدود نیمی از آنان، با طرد ذهنی (احساس بیرون افتادگی و محرومیت اجتماعی) شدید (میانگین ۶۸/۷) همسازند. همچنین، تفاوت های موجود بین گروه های مختلف جمعیت جوان، در سطوح و ابعاد طرد اجتماعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، طرد عینی، طرد ذهنی، جوانان، محرومیت و ایران

مقدمه و طرح مسئله

گشوده شدن پنجره جمعیتی جوان متولد دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به روی جامعه ایران، در شرایط گذار اقتصادی- اجتماعی به سوی پیشرفت و دربستر تحولات فرهنگی و سیاسی دهه های اخیر، به دلیل فقدان سیاست اجتماعی هدفمند، برنامه ریزی بلندمدت و اندیشیدن تمهیدات لازم برای تامین نیاز، حمایت و رفاه آنان در طول حیات و امکان عبور موفق نسل مذکور از مراحل مختلف کودکی، نوجوانی و جوانی به بزرگسالی مستقل و کارآمد، از فرصتی طلایی برای استفاده موثر از سرمایه انسانی و انرژی جوانی جمعیت، تبدیل به تهدیدی جدی و بروز مسائل و مشکلات فعلی در زمینه های اساسی زندگی (آموزش، اشتغال، ازدواج، مسکن، بهداشت، فراغت و فرهنگ) آنان و نیز جامعه و آرمان های توسعه ملی گردیده است. در بررسی های منطقه ای تجربی و سیستماتیک به عمل آمده بر روی وضعیت جمعیت جوان (Silver; 2007, Dhillon & yousef; 2007, Salehi-Isfahani; 2007) نیز محققان مربوطه، رشد جمعیتی بالا (به عنوان مثال، معادل ۳/۹۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ نفر، در فاصله بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در ایران) در بستر شرایط اقتصادی- اجتماعی کلان، همراه با صرف منابع در سرمایه گذاری برای برنامه های توسعه ملی، از یک سو و سیاست رفاه و تامین نیازهای عمده و انبوه نوجوانان و جوانان در چرخه رشد و انتقال به بزرگسالی مطلوب، از سوی دیگر را چالشی ملی در راستای شکل گیری مسئله مشترک "عدم شمول" یا "طرد اجتماعی" جوانان در منطقه خاورمیانه، از جمله ایران دانسته اند.

صاحب نظران و محققان حوزه سیاست و رفاه اجتماعی، مفهوم طرد اجتماعی را برای توصیف وضعیت هایی بکار می برند که در آنها، افراد یا حوزه های گوناگون از ترکیبی از مشکلات به هم پیوسته- مثل عدم اشتغال، عدم مهارت، درآمد پایین، خانواده فقیر، خانواده از هم پاشیده، بیماری و زندگی در محیطی با جرائم بالا- رنج می برند (واحد طرد اجتماعی اروپا، ۲۰۰۱: ۱). بر این اساس، طرد اجتماعی به عنوان پیامد بالقوه مجموعه ای از عوامل خطرزا شناخته می شود. (ورومن: ۲۰۰۷) بنابراین، بهتر است برای طرح دقیقتر مسئله طرد اجتماعی جوانان در ایران نیز به نتایج برخی تحقیقات انجام شده و داده های مرتبط موجود نگاهی بیفکنیم تا تصویری کلی از وضعیت جوانان ایرانی و شرایط زندگی آنان و خانواده هایشان در محورهای اصلی به دست آید.

در مباحث طرد/ ادغام اجتماعی، عامل سلامت (جسمانی، روانی و اجتماعی) از محوریت و اولویت بالایی برخوردار است. در مطالعات نظری و سنجش های تجربی طرد و محرومیت، برخورداری از سلامت کافی از اصلی ترین پیش نیازهای ادغام اجتماعی برای تمام گروه های سنی، از جمله جوانان شناخته شده است؛ به طوری که داشتن بیماری به ویژه معلولیت، از اصلی ترین عوامل خطر ساز طرد اجتماعی افراد و گروه های مختلف می باشد. این در حالی است که طبق آمار موسسه ملی تحقیقات سلامت ایران (۱۳۸۹)، ۱۷/۲۷ درصد جمعیت کشور از حداقل یک معلولیت رنج می برده اند که این میزان برای مردان ۲۲/۴۱ درصد و برای زنان ۱۱/۹۱ و در شهرها ۱۶/۴۶ و در روستاها ۱۹/۰۷ درصد بوده است. از سوی دیگر، بنا بر گزارش خبرگزاری فارس، دکتر احمد علی نوربالا در چهارمین کنفرانس علمی سلامت روان و رسانه در تهران اعلام داشته اند که براساس مطالعات انجام شده بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰، میزان شیوع اختلالات روانی در جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال ایران ۲۳/۶ درصد بوده که ۳۴/۷ درصد آنان نیازمند خدمات درمانی بوده اند. این در حالی است که گستره شیوع اختلالات روانی در سال ۱۳۷۸، معادل ۲۱/۵ درصد جمعیت کل کشور بوده است. طبق آمار های موجود، شیوع اینگونه اختلالات در کشور رشدی معادل سالانه ۵/۲ درصد دارد. از سوی دیگر، بهره مندی از بیمه های درمانی همگانی به عنوان بنیانی ترین خدمات دولت ها به شهروندان در حوزه سلامت محسوب می شود. با اینحال، طبق آمار موسسه ملی تحقیقات سلامت ایران در سال ۱۳۸۹، ۱۶/۸۳ از ایرانیان

زیر پوشش هیچ نوع بیمه ای نبوده اند^۱ و تنها ۱۲/۴۶ درصد آنها زیر پوشش بیمه های تکمیلی قرار داشته اند. زندگی در خانواده های فقیر و نیز تک والد، از دیگر عوامل خطرزا در طرد اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان است که در مباحث جهانی (من جمله تعاریف اتحادیه اروپا) به آن اشاره شده است. طبق آمار IrMIDHS در سال ۱۳۸۹، ۱۰/۰۸ درصد از کودکان صفر تا ۱۷ ساله ایرانی حداقل با یکی از والدین خود زندگی نمی کرده اند که ۶/۵۳ درصد آنان یکی از والدینشان را به علت فوت از دست داده بودند.

محور مهم دیگر، برخورداری یا محرومیت های مادی - معیشتی است که شاخص فقر مطلق، بیانگر کلیت آن است. در این زمینه طبق گزارش وضعیت فقر و نابرابری در ایران در دوره ۹ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ که توسط معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اسفندماه ۱۳۹۲ منتشر شده، ۳۳ درصد از خانوارهای شهری و ۴۰ درصد از خانوارهای روستایی زیر خط فقر مطلق قرار گرفته اند.^۲ روند ضریب جینی نیز نمایانگر آن است که طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ شاخص ضریب جینی شهری و روستایی رو به کاهش بوده است. در همین راستا، طبق گزارش IrMIDHS در سال ۱۳۸۹، ۱۴/۶ درصد کودکان ۵ تا ۱۱ ساله حداقل یک ساعت در هفته کار اقتصادی یا هشت ساعت در هفته برای خانواده خود کار می کرده اند که تایید دیگری بر زندگی شمار قابل ملاحظه ای از کودکان و نوجوانان جامعه ما در شرایط فقر و محرومیت مزمن خانوادگی و محیطی است و گذشته و حال آنان را به آینده ای نابسامان و نامطمئن پیوند می زند.

بیکاری و عدم اشتغال که فقر و نابرابری درآمدی را با خود به همراه دارد، از دیگر عناصر اصلی طرد و شمول اجتماعی است. مباحث جاری پیرامون طرد اجتماعی، بیشتر به دنبال ادغام جوانان و بیکاران در بازار کار می باشد و تاکید بر اشتغال به نوعی به عنوان فاکتور اصلی ادغام مطرح شده است. (شارف: ۲۰۰۰) این در حالی است که طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری سالانه جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در سال ۹۰ برابر ۲۶/۵ درصد بوده و نرخ بیکاری فصلی در این گروه سنی در فصلی چون زمستان به ۲۹/۷ درصد هم رسیده است. در کنار وضعیت نامطلوب اشتغال جوانان، رشد قابل توجه تحصیلات در ایران که آمارهای ثبت نام سالانه موید آن است، نکته اصلی و مهمی است. با توجه به اینکه ۹۳/۷۶ درصد جمعیت ۱۵ تا ۲۴ ساله ایرانی باسوادند و نیز حجم عظیم جمعیت دانشجویان در جامعه ایران که در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ برابر ۱۶۷۳۷۵۷ نفر و در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ معادل ۴۴۳۵۸۸۰ نفر بوده اند، می توان نتیجه گیری نمود که مرحله انتقال از آموزش به بازار کار در جامعه فعلی، همانند دیگر کشورهای منطقه، با مشکلی بس جدی روبروست. محققان پروژه طرد اجتماعی خاورمیانه (Salehi-Isfahani; 2007; Dhillon & Yousef, 2007; Silver: 2007) در این باره می نویسند: "علیرغم هزینه سرانه بالاتر برای آموزش در کشورهای مذکور - شامل ایران، مصر، سوریه و مراکش- کیفیت آموزشی فارغ التحصیلان، پایین تر است؛ بدین معنی که آموزش ابتدایی در یاد دادن مهارت های اصلی زندگی به دانش آموزان طی سال های اصلی شکل گیری آنان ناکام بوده و آموزش دبیرستانی و بعد آن، اعم از فنی حرفه ای و دانشگاهی نیز در آماده کردن جوانان برای بازار کار -از طریق یاد دادن دانش و مهارت های مورد نیاز- ناموفق است.^۳ از این رو، مشکلات بازار کار، جوانان فعلی را بیش از بزرگسالان (نسل های قبل) آزار می دهد؛ به طوری که در حال حاضر، متوسط نرخ بیکاری جوانان در

۱. احتمالاً با عملیاتی شدن طرح تحول نظام سلامت و طرح بیمه همگانی سلامت ایرانیان، این آمار در سال ۱۳۹۴ کاهش خواهد یافت.

2. IR Iran Multiple- Indicator Demographic and Health

۳. خط فقر مطلق شهری در سال ۱۳۹۱ معادل ۳۹۵ هزار تومان و روستایی معادل ۲۵۰ هزار تومان بوده است.
۴. یافته های تحقیق قاضی نژاد (۱۳۸۹) نشان داد تنها یک درصد از پاسخگویان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن استان تهران از مهارت های شغلی مناسبی برخوردارند، ۳/۶ درصدشان متوسط و ۹۵/۴ درصد پاسخگویان فاقد مهارت های شغلی می باشند.

کشورهای مذکور حدود ۲۵ درصد و برای ایران، تنها در سطح فارغ التحصیلان دبیرستان حدود ۲۰ درصد و احتمال بیکار ماندن جوانان ۳/۵ برابر بیش از بزرگسالان برآورد شده است. از سوی دیگر، بیش از ۵۰ درصد بیکارانی که برای اولین بار دنبال کار می گردند، مربوط به جوانان ۱۵-۲۴ سال این کشورهاست که بالاترین نرخ منطقه ای بیکاری در جهان به شمار می آید. بعلاوه، مشکل اشتغال جوانان محدود به گروه یا سطح خاصی نبوده و امری فراگیر است؛ به طوری که متوسط دوره بیکاری آموزش دیدگان دانشگاهی یا مراکز فنی-حرفه ای نیز نسبتاً بالا (۵/۲ تا ۳ سال) است و مسئله ای بغرنج محسوب می شود. افت ارزش مدارک تحصیلی (از جمله دیپلم)، مهارت های بی تناسب با تقاضاهای بازار کار، ساختار انعطاف ناپذیر و انتظارات نا همسو میان تحصیلکردگان دانشگاهی و سطوح کار دولتی و خصوصی، عدم گسترش بخش خصوصی و عدم گنجایش بخش دولتی برای جذب انبوه جوانان بیکار، کیفیت پایین مشاغل، انتظار طولانی برای ورود به بازار کار، افزایش دستاوردهای آموزشی و فشار زنان بر بازار کار و تبعیض های مختلف (جنسیتی و غیره)، از دیگر عوامل یا موانع موجود در زمینه انتقال موفق جوانان از آموزش به اشتغال مولد به شمار می رود که بویژه تحصیلکردگان دانشگاهی و زنان جوان این کشورها را با سطوح بالای بیکاری و مشکلات مرتبط با آن مواجه می سازد.^۱ (Dhillon&Yousef, Ibid: 11)

مرحله انتقال از اشتغال به تشکیل خانواده نیز همانند حلقه گذار از تحصیل به اشتغال، برای جوانان امروز ایران، با چالش های خاص خود همراه است. علیرغم اهمیت زیاد ازدواج به عنوان نقطه عطف مهم در انتقال به پایگاه بزرگسالی، شواهد حاکی از آن است که هرروز جوانان بیشتری درحال به تأخیر انداختن ازدواج خود و یا به عبارتی، طرد از بازار ازدواج هستند. شاید بهترین شاهدهی که می توان به آن استناد نمود، میانگین سن اولین ازدواج باشد که طبق گزارش مرکز آمار ایران، از ۲۳/۸ سالگی برای مردان در سال ۱۳۶۵ به ۲۶/۷ سالگی در سال ۱۳۹۰ رسیده است- این ارقام برای زنان نیز به ترتیب ۱۹/۹ و ۲۳/۴ گزارش شده است. در تحقیق طرد اجتماعی جوانان در خاورمیانه (۲۰۰۷) نیز به این نکته اشاره شده است: "آمارها بیانگر آن اند که در نسل قبل (والدین) ازدواج در این کشورها عمومیت و زودرسی بیشتری داشته و شامل ۶۳ درصد مردان می شده است که در نیمه تا آخر سال های دهه سوم زندگی خود، ازدواج می کرده اند. در حالی که امروزه حدود ۵۰ درصد مردان ۲۵-۲۹ ساله در این کشورها، مجرندند. در ایران این میزان در مورد مردان جوان همین گروه سنی، ۳۸ درصد است که یکی از بالاترین نرخ ها در تاریخ معاصر کشور به شمار می رود. همراه با کاهش عمومیت ازدواج، متوسط سن ازدواج مردان نیز در این کشورها نسبت به یک نسل قبل درحد قابل ملاحظه ای بالا رفته است.

وضعیت فوق، تصویری از شرایط و وضعیت انبوه جوانان بواقع محروم یا بیرون از نظام رسمی تامین و رفاه و حقوق شهروندی در جوامع معاصر است که به تعبیر دین^۱ در شرایط ضعف حمایت/تأمین اجتماعی^۲ لازم و کافی، تبدیل به یک به اصطلاح "مادون طبقه"^۳ و حتی "طبقه ای خطرناک"^۴ با پتانسیل بالا برای خشونت، انحراف و تخریب^۵ به جای سازندگی اجتماعی، خواهند شد. (Dean, 1997:55-8; See Macdonald, 1997)

از این رو، بویژه در شرایط کشورهای درحال توسعه منطقه (خاورمیانه) از جمله ایران- که جوانان اغلب در مرکز تحولات سیاسی- اجتماعی ملی و محلی قرار دارند و در عین حال، پایگاه و حقوق شهروندی آنان

1. Dean
2. SocialSecurity
3. Underclass
4. DangerousClass
5. CounterProductive

کمابیش دچار ابهام، غفلت^۱ یا کاستی های اساسی است- ترکیب "گسستگی" و "خطرناک بودن"، شرایطی بس خطیر و آسیب زا برای جوانان و جامعه فراهم می آورد. در چنین وضعیتی، ساختارها و نیروهای اجتماعی محرومیت زا و منزوی سازی که با یکدیگر تعامل داشته، به صورت مزمن و انباشتی زندگی و آینده کودکان، نوجوانان و جوانان را در خطر تباهی و محرومیت قرار می دهد، باید مورد توجه و بررسی علمی جدی قرار گیرند. این توجه و شناخت، امروزه به نحوی دقیقتر، در پرتو رویکرد نوین طرد و شمول اجتماعی میسر است که خود از دل مباحث متأخر شهروندی، سیاست اجتماعی و رفاه در جهان پیشرفته سر برآورده و به سرعت در خارج از حوزه اصلی آن - اروپا- مورد استقبال محققان و سیاستگذاران اجتماعی در همه کشورهای جهان قرار گرفته و چارچوب مبنای پژوهش حاضر نیز بوده است.

سوالات پژوهش

میزان طرد/شمول اجتماعی جوانان، به طور واقعی و ذهنی، در جامعه فعلی ما چقدر است؟
ابعاد مختلف طرد/شمول اجتماعی جوانان کدام اند؟
چه ارتباطی بین طرد عینی و ذهنی جوانان، در ابعاد مختلف وجود دارد؟

پیشینه تجربی

طرد و شمول اجتماعی جوانان، موضوع مطالعات بسیاری در دنیا و نیز منطقه و ایران، در دهه های اخیر بوده است. در ادامه به شماری از مهمترین آنها، برحسب اهداف و نتایج اشاره خواهیم داشت:

هانوی^۲ (۲۰۰۳): "بررسی ادغام اجتماعی در کانادا: کودکان و جوانان"

هانوی، محقق حوزه طرد و شمول اجتماعی، بر این باور است که طرد جوانان باید در متن زندگی و در زمینه اجتماعی و خانوادگی پرورش دهنده آنان در طول زمان مورد بررسی قرار گیرد. از نظر وی، برای رسیدن به نتایج بهتر در شناخت شمول و طرد اجتماعی در جوانان، آنچه مهم است پرسش از جنبه های مختلف این مسئله از خود جوانان و گوش فرا دادن به سخنان آنان است تا دانسته شود که تجارب واقعی ایشان چه بوده و آنان خود در مورد مفهوم طرد/شمول اجتماعی و شاخص های آن چگونه می اندیشند؟

وی در مطالعه خود، از بین عوامل متعدد طرد و شمول اجتماعی سه عامل خانواده، ساختار آموزش و مراقبت در اوان کودکی و تفریحات (اوقات فراغت) را مورد واکاوی بیشتری قرار داده و در نهایت می نویسد: "با این تفاسیر به نظر می رسد انتقال مثبت از دوره کودکی به جوانی و بزرگسالی وقتی رخ می دهد که افراد در زمینه و بستری زندگی کنند که از نظر جسمی، سلامت و ایمن؛ از نظر شخصیتی، ارزشمند؛ از نظر اجتماعی، دارای ارتباطات اجتماعی؛ از نظر اقتصادی و اخلاقی، تحت حمایت؛ از نظر شخصی و سیاسی، قدرتمند، توانمند و امیدوار به آینده باشند. لذا هرچه برنامه ریزی ها و سیاستگذاری ها در خدمت این نیازها باشند، می توان انتظار بیشتری برای مشارکت مثبت جوانان داشت. (Hanvey, ۲۰۰۳: ۶-۷)

جان اسمیت (۱۹۹۱): "ریسک، طرد، نظم اخلاقی و سرمایه اجتماعی: نظریه پردازی در مورد بی خانمانی جوانان"

از میان کارهای انجام شده در موضوع طرد اجتماعی جوانان، به نظر می رسد جان اسمیت^۳ دیدگاه

1. Underminded

2. Hanvey

3. JoanSmith

همه‌جانبه‌تری را اتخاذ نموده است. وی بر اساس مطالعاتی که بر روی جوانان بی‌خانمان در بریتانیا انجام داده است، به چرخه‌ای از عوامل خطرزای مرتبط با طرد اجتماعی به شرح زیر اشاره می‌کند:

الف- عوامل خطرزای زمینه‌ای: شامل فقر، ساختار خانوادگی، تحصیلات، شغل، سلامت که سابقه و پیش‌زمینه بی‌خانمانی (طرد) را قوت می‌بخشند. علاوه بر اینها می‌توان اعتیاد به مواد مخدر و الکل، طرد از مدرسه، زندگی با تک‌والد و جابجایی (تغییر مکان) پی‌درپی و زندگی در محلات فقیرانه را نام برد.

ب- عوامل خطرزای اجتماعی: که در زمینه و بافت اجتماعی رخ می‌دهد و باتوجه به ساختار جوامع والگوهای خانوادگی مختلف موجود، الگوهای طرد نیز در جوامع متفاوت هستند.

ج - سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی را می‌توان از طریق ارتباط آن با دو عامل خطرزا در سطح فردی (فاکتورهای زمینه‌ای) و سطح اجتماعی درک نمود.

بر این اساس، اسمیت عوامل زمینه‌ای و عوامل اجتماعی را دو ضلع مثلثی به نام مثلث زندگی جوانان^۱ می‌داند که زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ضلع سوم این مثلث نیز تحت تأثیر سرمایه اجتماعی فرد قرار دارد. تأثیرات متقابل این سه ضلع بر زندگی جوانان باعث پذیرش و یا عدم پذیرش حمایت‌ها و یا در مقابل، پذیرش یا دفع عوامل خطرزا است و در صورت تأثیر عوامل خطرزا، فرآیند طرد می‌تواند واقع گردد. (Smith, 1991: 2-3)

اسمیت معتقد است که باید برای جوانان بی‌خانمان، دو جنبه دیگر هم به این شش جنبه افزود: طرد از جان پناه که به ویژه درخصوص جوانان تنها باید بسیار مورد توجه قرار گیرد و طرد از شبکه‌های اجتماعی و طرد از خانواده که نکته بسیار مهمی درخصوص جوانان بی‌خانمان است. (Smith, 1991: 7-8)

صالحی اصفهانی (۲۰۰۷) "طرد جوانان در ایران: وضعیت آموزش، اشتغال و تشکیل خانواده"
صالحی اصفهانی (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "طرد جوانان در ایران: وضعیت آموزش، اشتغال و تشکیل خانواده" که بخشی از طرحی منطقه‌ای (خاورمیانه و شمال آفریقا) در همین زمینه بوده است، به بررسی عوامل ایجادکننده طرد اجتماعی در بین جوانان ایرانی، با توجه به ساختار جمعیتی ایران و از دیدگاه اقتصادی پرداخته است به اعتقاد وی، طرد اجتماعی جوانان در ایران ابعاد گوناگونی دارد که مهمترین آنها در شرایط فعلی عبارت اند از: ۱- کسب مهارت برای اشتغال مولد یا فعال، ۲- یافتن شغل، ۳- تشکیل خانواده.

بعد از طرح سه موضوع تحصیلات، شغل و ازدواج و چالش‌های جوانان و جامعه معاصر ایران در این زمینه، وی، راهکارهایی را که می‌تواند به فهم بهتر مکانیزم‌های موثر در عرصه‌های تحصیلات، اشتغال و ازدواج و کمک به بهبود نهادهای موجود و ایجاد انگیزه‌های صحیح بینجامد، مطرح می‌کند. به عقیده وی این راهکارها عبارت اند از: ضرورت اصلاح در امر آموزش؛ ضرورت ایجاد ارتباط میان بخش آموزش و بازار کار و ضرورت اصلاحات در نظام بیمه اجتماعی. به اعتقاد وی، در واقع مشکل اصلی و ریشه‌ای مسئله جوانان در ایران، تعداد زیاد جوانان نیست، بلکه عدم کارایی و انعطاف ناپذیری نظام تحصیلی، مراکز کار و بنگاه‌های ازدواج می‌باشند. علاوه، باورهای اجتماعی که جزئی از جامعه ایران شده است نیز، به طور مشابهی، هزینه ازدواج را بالا برده است. در مجموع، برای رفع طرد و افزایش شمول اجتماعی جوانان در ایران، رفتارهای مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی باید در ارتباط با هم سنجیده شده و آنگاه با در نظر گرفتن این ارتباطات، تغییرات ساختاری در جهت اصلاح رفتارها صورت پذیرد. (Ibid: 8)

قاضی نژاد و همکاران (۱۳۸۹): "طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها"

قاضی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها"، در پی به

دست آوردن تصویر و تبیینی از وضعیت طرد اجتماعی جمعیت جوان جامعه ایران در سطح استان تهران بوده اند. آنان طرد اجتماعی را در سه بعد محرومیت مادی، طرد از حقوق اجتماعی اساسی و محرومیت از ادغام فرهنگی - اجتماعی عملیاتی نموده و در دو سطح عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار داده اند. بر مبنای ادبیات مفهومی موجود در زمینه علل تعیین کننده، فرایندها و نتایج جریان های طرد اجتماعی، در این پژوهش تلاش شده وضعیت نوجوانان و جوانان تهران، اسلامشهر و پاکدشت در متن زندگی واقعی و شرایط زیست آنان در خانواده، محیط های آموزشی، اجتماع محلی و جامعه بزرگتر طی مراحل مختلف زندگی، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و بر حسب شاخص های جزئی و کلی، تصویری از محرومیت های زنجیره ای و مزمنی که آنان از گذشته تا حال به طور عینی و ذهنی تجربه کرده اند، به دست داده شود.

نتایج این تحقیق نشان داد قریب نیمی (۴۷/۴ درصد) از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله از مجموعی از محرومیت های چندگانه، مزمن و انباشت شده در رنج بوده و بنابراین، طرد همه جانبه ای را تجربه کرده و مطرود^۱ به حساب می آیند و نیمی (۴۹/۵ درصد) دیگر، در قطب مقابل آنان قرار گرفته و به طور نسبی، در زمینه های مختلف برخوردارتر بوده و باصطلاح^۲ "ادغام شده"^۳ یا در شمول اجتماعی محسوب می شوند. ۴/۱ درصد جوانان مورد مطالعه نیز روی خط طرد (میانگین) یا به تعبیری در "لبه پرتگاه" قرار داشته و آماده سقوط به وادی طرد اجتماعی و پیوستن به مطرودان بوده اند. نتایج تحقیق مذکور در مورد طرد ذهنی جوانان (فاصله تصورات و انتظارات آنان از واقعیت زندگی در حوزه نیازهای اساسی مد نظر خودشان) نشان داد که بیش از نیمی (۵۲/۲ درصد) از نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، دچار طرد ذهنی (احساس مطرودیت اجتماعی) بوده اند. با لحاظ افراد (۳/۸ درصد) روی خط میانگین شاخص - یا افراد در معرض خطر - درصد مطرودان ذهنی به ۵۶ درصد کل پاسخگویان جوان رسیده که رقمی بالا و قابل تامل است. یافته جالب دیگر این تحقیق، مربوط به نتایج آزمون رابطه بین ابعاد و مولفه های اصلی طرد عینی و شاخص کلی طرد ذهنی بود که نشان داد از میان ۳ بعد عینی طرد اجتماعی یعنی محرومیت مادی، محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی و طرد از ادغام فرهنگی، تنها مطرودان از ادغام فرهنگی - اجتماعی (دور از بازار کار و اشتغال و فاقد مشارکت های اجتماعی رسمی و غیررسمی و امکانات فرهنگی - فراغتی لازم)، به طور معنی داری دچار احساس طرد ذهنی هستند و میان خود، جامعه و شرایطی که در آن زندگی می کنند، به شدت (با ضریب همبستگی ۲۱ درصد) فاصله / شکاف می دیده اند. بر حسب نتایج این پژوهش میدانی، آنچه بین جوانان و جامعه فعلی ما فاصله می اندازد، نه محرومیت های مادی و حتی محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی (حق آموزش، بهداشت، ازدواج، مسکن و...)، بلکه بیش از همه، فقدان کانال های مشارکت و ارتباط اجتماعی و ضعف جذب و ادغام فرهنگی آنان بوده است. نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، مایل و مشتاق بوده اند در هر شرایط مادی (فقر یا رفاه) عینی، به عنوان شهروندی صاحب حقوق در جامعه خود "دیده" و "شنیده" شوند، به حساب بیایند و جایگاه تعریف شده ای در "متن" نظام اجتماعی - فرهنگی موجود داشته باشند.

تعریف مفاهیم جوان و جوانی

در تعریفی کلی، جوانان گروهی متشکل از افرادی هستند که در میانه سنین کودکی و بزرگسالی قرار گرفته اند. اما اگر اختلاف تعاریف را در میان جوامع مختلف در نظر بگیریم، با دسته بندی های گوناگونی در

1. Excluded

2. Included

این باره رو به رو خواهیم بود. آرنِت^۱ (۲۰۰۴) معتقد است که رسیدن به جوانی، مقطعی مجزا از زندگی است که از اواخر دهه دوم تا اواخر دهه سوم آن ادامه می‌یابد. جوانی، دوره‌ای است ما بین بلوغ و بزرگسالی که در آن بخشی از مسئولیت‌های بزرگسالی مانند پایان یافتن استقلال، بی‌خیالی و سایر امکانات نامحدود دوره جوانی، ترسناک به نظر می‌رسد. (Silver, ۲۰۰۷: ۱۲)

در همین راستا، پژوهش‌های انجام شده در اروپا نشان داده است که جوانان در اواخر قرن بیستم نسبت به اوایل این قرن، حدود شش سال بیشتر، جهت تحصیل وقت صرف می‌کنند. به این دلیل و نیز به دلیل افزایش دوره‌های بیکاری در میان جوانان، ورود به اولین شغل دیرتر اتفاق می‌افتد. از دیگر شاخص‌های افزایش زمان دوره انتقال به بزرگسالی، بیشتر ماندن در خانه پدری (حتی تا ۳۰ سالگی) برای مردان و بارداری در سنین بالا (اولین بارداری بعد از ۲۹ سالگی) برای زنان می‌باشد. به همین علت، مطالعاتی که بتازگی به مفهوم‌سازی در خصوص جوانی می‌پردازند، در تحلیل‌هایشان افرادی را مد نظر قرار می‌دهند که در سنین بالاتری از تعاریف مرسوم از «جوان» قرار گرفته‌اند. (Aassve Et Al, 2006: 26)

در پژوهش آسو^۲ و همکاران (۲۰۰۶)، محدوده سنی گسترده‌ای برای جوانی (۱۵ تا ۲۹ سالگی) در نظر گرفته شده است. در مطالعه فوق، به جوانان در سه گروه سنی توجه شده است: از ۱۵ تا ۱۹ سال، از ۲۰ تا ۲۴ سال و از ۲۵ تا ۲۹ سال که هریک از این دسته‌ها، ویژگی‌های خاص خود را می‌تواند داشته باشد. در تحقیق حاضر نیز همین رویکرد / تعریف اتخاذ شده است.

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی یک واژه مورد نزاع است و "ارائه یک تعریف ساده برای آن مشکل است". (اتحادیه اروپا، ۱۹۹۲ به نقل از سیلور، ۱۹۹۴) این واژه نه تنها برای اشاره به گستره وسیعی از پدیده‌ها و فرایندهای مربوط به فقر، محرومیت و سختی استفاده می‌شود، بلکه در ارتباط با گستره وسیعی از مقولات مربوط به افراد و مکان‌های مطرود نیز مورد بهره‌گیری قرار می‌گیرد. طرد اجتماعی با گسترش مفاهیم فقر و نابرابری به ابزاری جدید برای تحلیل شکاف‌های اجتماعی و موقعیت افراد به حاشیه رانده شده، تبدیل شده است و با "ناتوانی در دستیابی به چیزهایی در زندگی که بیشتر اعضای جامعه از آن بهره‌مندند" تعریف می‌شود.

واحد طرد اجتماعی اروپا^۳ (۲۰۰۱) طرد اجتماعی را این گونه تعریف کرده است: "طرد، واژه‌ای جامع برای توصیف حالت‌هایی است که در آن افراد یا حوزه‌های گوناگون از ترکیبی از مشکلات به هم پیوسته مثل عدم اشتغال، عدم مهارت، درآمد پایین، خانواده فقیر، خانواده از هم پاشیده، بیماری و زندگی در محیطی با جرائم بالا رنج می‌برند". از نظر کارشناسان اتحادیه اروپا، طرد اجتماعی فرایندی است که طی آن، افراد معینی به حاشیه جامعه رانده شده و به علت فقر یا فقدان صلاحیت‌های اساسی و پایه و یا فقدان فرصت‌های آموزشی درازمدت (مادام العمر) و یا در نتیجه تبعیض، از مشارکت کامل در جامعه خود بازداشته می‌شوند. این فرایند آنها را از فرصت‌های شغلی، درآمدی و فرصت‌های آموزشی و نیز مشارکت در شبکه‌ها و فعالیت‌های محلی و اجتماعی دور می‌کند. چنین افرادی دسترسی محدودی به قدرت و بدنه گروه‌های تصمیم‌گیری دارند و از این رو، اغلب احساس بی‌قدرتی و عدم توانایی کنترل روی تصمیماتی می‌نمایند که زندگی روزمره‌شان را متأثر می‌کند. (PRISMA: 5-6)

ادبیات نظری

1. Arnett
2. Aassve & Iacovou & Mencarini
3. Social Exclusion Unit
4. Edge Of Society

به کارگیری مفهوم طرد اجتماعی برای بحث و مطالعه در زمینه منافع، فرصت ها و محدودیت های افراد جوان، باید برحسب تنوع تعاریف جوان و دوره جوانی و نیز تفاوت وضعیت جوانان در جوامع مختلف صورت پذیرد. آنچه وضعیت جوانان جوامع مختلف را از یکدیگر متفاوت می سازد، در درجه اول تفاوت های جوامع از نظر نظام منافع و امتیازات اجتماعی (نظیر کار، تحصیل، اعانات و...) است که در اختیار جوانان گذاشته یا از آنان سلب می شود. تفاوت در فرهنگ و ارزش های اصلی هر جامعه (مثل اهمیت جمع گرایی و خانواده محوری و یا تشویق فردگرایی و رقابت برای دستیابی به کار و سایر امتیازات و منافع) در مرتبه دوم قرار دارد.

با این حال، وضعیت جوانان در کشورهای مختلف چندان متفاوت نبوده و بخش های مهم زندگی آنان، از شباهت زیادی برخوردار است: کار، اشتغال و وضعیت بازار کار از اجزای مهم زندگی افراد جوان و از جمله نقش های کلیدی بزرگسالی و ورود به دنیای بالغان در کشورهای مختلف بوده و بیکاری جوانان، حوزه ای عام در زندگی آنان است.

از سوی دیگر، جوانان نوعاً دوره هایی از حرفه آموزی، بیکاری و سرگردانی و نیز دوره های کوتاه شغلی در مشاغل بی ثبات و با دستمزد پایین را در اوایل زندگی بزرگسالی خود تجربه می کنند. مسئله جدی تمامی آنها در انتقال از آموزش به دنیای کار، جستجوی کار مناسب و رقابت سخت برای یافتن آن است که بعضاً در آن موفق و بسیاری نیز ناموفق می باشند و به دنبال این عدم موفقیت، اعتماد به نفس خود را نیز از دست داده و بگونه ای منفی خود را تعریف می کنند. (Audio & Palovaara).

بعلاوه، در شرایطی که نوجوانان و جوانان راه های رسیدن به اهداف اصلی زندگی (کار، تحصیل، ازدواج و...) را بر خود بسته می بینند، در واقع، در خطر ترک و کناره گیری^۱ از جامعه خواهند بود و انگیزش لازم برای کسب پایگاه بزرگسال مستقل را نخواهند داشت.

این خطر به ویژه برای آن دسته از جوانانی که دارای مشکلات و محرومیت های قبلی در اداره زندگی و جامعه پذیری خود بوده اند، مضاعف خواهد بود، زیرا مشکلات مذکور، گزینه ها و قدرت انتخاب آنها را برای کسب پایگاه و ارتقا از طرق مورد قبول جامعه، محدودتر می سازد. چنین گروه های پرخطری^۲ از جوانان، به علت شکست های مکرر در دستیابی به موفقیت های تحصیلی و شغلی و...، فاقد منابع حمایت درونی (اعتماد به نفس قوی و کنترل و مدیریت زندگی) و نیز به دلیل شرایط خانوادگی و اجتماعی که در آن به سر می برند، فاقد منابع حمایت بیرونی هستند. آنان مشکلات بیشتر و عدیدهای را برای استفاده از فرصت ها و منابع و کسب هویت های اجتماعی پیچیده تر (تحصیلی، حرفه ای و...) که لازمه شمول اجتماعی و ورود به جریان اصلی زندگی در جامعه است، تجربه می کنند.

در همین راستا، حجم انبوهی از پژوهش ها در کشورهای مختلف به منظور تعریف شاخص های طرد و علتیابی و شناخت پیامدهای طرد/شمول اجتماعی جوانان به طور عام و جوانان پرخطر به طور خاص، در سطوح مختلف (فردی، خانوادگی، محلی، محیط تحصیلی و...) انجام گرفته است. نتایج مهمترین پژوهش ها و گزارشات در این زمینه را می توان در ۶ محور خلاصه کرد:

۱. ضرورت بررسی طرد و شمول شهروندان برحسب گروه های سنی

مهمترین مسئله مورد توجه صاحب نظران این است که در شرایط معاصر، بحث و بررسی طرد/شمول اجتماعی شهروندان، ضرورتاً باید بر حسب گروه های سنی ویژه صورت گیرد. از این میان، افراد زیر ۱۵ سال

1. Dropping Out

2. High Risk

و جوانان بین ۱۵ تا ۲۵ یا ۳۰ سال (گروه های اغلب وابسته به خانواده)، گروه های در خطر فقر، محرومیت و طرد برحسب فاکتورهای مختلف تعریف می شوند. (Flood-Page Etal,2000, In Paskell,2007:7. 2007:35۰)
(Social Exclusion in BIH)

۲. توصیف پدیده طرد کودکان و جوانان و ابعاد آن

محققان در قدم اول سعی در توصیف خود پدیده طرد- به عنوان نقطه مقابل شمول اجتماعی- و ابعاد آن در میان این بخش از جمعیت نموده اند. فیض و کورتیس (۲۰۰۱) با استفاده از داده های پیمایش های طولی ملی در خصوص کودکان و جوانان (NLSCY)، شاخص های پنجگانه طرد را چنین برشمرده اند:

۱. فقدان موفقیت آموزشی در مدرسه؛

۲. عدم سلامت عمومی؛

۳. ناتوانی در مشارکت در فعالیت های عادی (روزمره)؛

۴. ضعف روابط با همتایان/ همسالان؛

۵. فقدان مشارکت در فعالیت های فراغتی سازمان یافته (Hanvey,2003:20&14).

طرد دوران گذار به بزرگسالی با ابعاد سه گانه طرد از تحصیل و مهارت آموزی، طرد از بازار کار و طرد از بازار ازدواج نیز ابعادی از طرد را که ویژه جوانان هستند، دربرمی گیرند.

۳. تحلیل عوامل، شرایط و چگونگی پیدایش طرد

از آنجا که کودکان، نوجوانان و جوانان جزئی از جمعیت خانواده محسوب می شوند، شرایط مادی و محرومیت های خانواده بی شک آنها را نیز متأثر می سازد. به علاوه، باقیماندن در چرخه "فقر موروثی" و تبدیل بچه های رشد یافته در محیط فقر خانواده به بزرگسالان فقیر آینده، مسئله مهم دیگری است که در پژوهش های فقر و طرد اجتماعی، آشکار شده است. (UNDP۱,۲۰۰۷:۳۶)

عوامل خانوادگی مرتبط با طرد اجتماعی کودکان و نوجوانان تنها به سطح درآمد خانوار خلاصه نمی شود. از نظر فیض و کورتیس (۲۰۰۱)، به جز پایگاه درآمدی پایین، عواملی چون: فقدان مسکن شخصی، تحصیلات پایین مادر و وابستگی خانواده به اعانات و کمک های اجتماعی به عنوان منبع اصلی درآمد خانوار از جمله شرایط و عوامل مطروودساز فرزندان هستند. (Hanvey,2003: 5)

محققان بنیاد لیدلا در کانادا نیز خاطر نشان می سازند که طرد اجتماعی - شامل طرد کودکان و جوانان - معمولاً از طریق مجموعه شرایط یا مقتضیات چند لایه و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر، تحقق می یابد. این شرایط بیشتر شامل:

۱. فقر؛

۲. بیکاری؛

۳. تکوآلدی بودن (مادران تنها در سرپرستی فرزند)؛

۴. نگرش ها یا ارزش هایی همچون ترس از تفاوت ها؛

۵. نژادپرستی؛

۶. فرآیندهای جداسازی^۲، سرکوب کردن^۳ و به آسایشگاه سپردن^۴ می باشد.

۴. استمرار طرد و انتقال بین نسلی آن

1. National Human Development Report

2. Segregation

3. Silency

4. Institutionalization

جکسون و اسکات (۲۰۰۲) با تأکید بر مسئله استمرار طرد و انتقال بین نسلی آن در خانواده می‌افزایند: شغل و وضعیت اشتغال والدین، عامل بسیار مهم خانوادگی در تعیین طرد/شمول اجتماعی فرزندان است. سه حلقه اتصال کلیدی میان کار/شغل والدین و رشد و رفاه کودک عبارت‌اند از:

۱. ثبات و کفایت درآمدی والدین/ خانواده برای رفع نیازهای فوری و آتی فرزندان؛

۲. وقت کافی برای ایفای نقش و مشارکت فعال والدین؛

۳. فقدان استرس حاصل از بیثباتی یا چالش‌های تطبیق درآمد شغلی با نیازهای خانواده.

به اعتقاد محققان یادشده، تأثیر عوامل مذکور بر وضعیت طرد/شمول اجتماعی فرزندان در شرایط درآمد پایین، بیثباتی شغلی یا استرس بالا، به صورت غیرمستقیم و از طریق وساطت تفاوت در تکاپو و نوع اقدامات خانواده‌ها و تأثیر بالقوه این اقدامات بر فرزندان و نیز وضعیت و شرایط سیاست‌های اجتماعی مربوط به کار و خانواده انجام می‌گیرد. (Hanvey, Ibid:5)

مداخله سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از خانواده، در انتقال خانوادگی و نسلی محرومیت و استمرار طرد والدین در طول زندگی فرزندان، مسئله‌ای است که فرندلی و لرو (۲۰۰۲)، دو تن از محققان کانادایی به بررسی آن پرداخته و دریافته‌اند که در شرایط بهنجار و سالم، برنامه‌های کلان آموزشی و مراقبت‌بچه در کودکی اولیه (ECEC)، سهم مهمی در شمول اجتماعی فرزندان در فرایندهای رشد آتی آنها دارد. این حمایت مستمر، از طریق سه عامل توجه به رفاه و بهزیستی خانواده، توجه به پیوندهای اجتماعی خانواده‌ها و توجه به عدالت اجتماعی مرتبط با خانواده‌ها، به بهبود کیفیت زندگی^۱ کودک در زمان حال و نیازهای رشد و تکامل وی در آینده (نوجوانی، جوانی و...)، خواهد انجامید.

به اعتقاد این دو در واقع چنین برنامه‌هایی (ECEC)، از طریق کمک عام به خانواده‌ها و والدین و حمایت از آنها در کاهش خطر طرد اجتماعی و اطمینان حاصل کردن از توسعه قابلیت‌ها و توانمندسازی همه خانواده‌ها در دسترسی به منابع اجتماعی و ارتقای عدالت، در نهایت به رشد کافی و مشارکت کامل بچه‌ها و جوانان در آینده یا شمول اجتماعی آنان، خدمت می‌کند. (Ibid:6).

۵. طرد کودکان و جوانان آسیب‌پذیر یا در معرض خطر طرد شدن شدید

در پژوهش‌های مرتبط با طرد اجتماعی، معمولاً دو گروه از کودکان و جوانان به عنوان گروه آسیب‌پذیر^۲ یا در معرض خطر طردیت شدید معرفی شده‌اند: کودکان و جوانان مهاجر و پناهنده و کودکان و جوانانی که دچار معلولیت^۳ هستند.

تحقیق امیدوار و ریچموند (۲۰۰۳) در کانادا نشان می‌دهد، بسیاری از جوانان نسل دوم مهاجران، دچار احساس طرد و بیگانگی فرهنگی هستند. آنان احساس می‌کنند بین ارزش‌ها یا فرهنگ‌هایی آشکارا دوگانه و غیر قابل آشتی، چندپاره یا سردرگم شده‌اند. احساس انزوا یا بیگانگی فرهنگی - اجتماعی با تجاربی چون ذهنیت جوانان در مورد تفاوت‌های فرهنگی میان مبدأ و مقصد، تجربه نژادپرستی، تبعیض، بی‌عاطفگی و سردی جامعه میزبان نسبت به مهاجرین، تصور قالبی منفی مهاجرین در رسانه‌ها و همچنین زندگی واقعی مهاجرین در شرایط فقر و محرومیت در جامعه میزبان مرتبط است. ترکیب جنبه‌های عینی و ذهنی فوق، خطر واقعی شکل‌گیری یک فرهنگ "بیگانگی" را در میان جوانان مهاجر پدید می‌آورد که در آن، جوانان نه با کشور زادگاه، نه با والدین خود و نه با جامعه میزبان احساس ارتباط و پیوند نمی‌کنند. (Ibid:6, Hanvey)

به نظر می‌رسد طرد فرهنگی در جمعیت مهاجران و با مقتضیات اشاره شده (تبعیض، تصویر قالبی منفی

1. QualityOfLife

2. Vulnerable

3. Disability

و...) را بتوان در جوامع پرتنش قومی و مذهبی، به اقلیت قومی و مذهبی و حتی در جوامعی با تفاوت های نسلی گسترده، به نسل جوانتر نیز تعمیم داد.

از سوی دیگر، انجمن توسعه اجتماعی کانادا بر مبنای داده های پیمایش های طولی ملی مرتبط با کودکان و جوانان (NLSCY) دریافتند که کودکان و جوانان دچار معلولیت و دارای نیازهای خاص، در خطر "طرد از مجموعه ای از فرصت ها" هستند که برای اکثریت بچه های کانادایی مفروض و تضمین شده است؛ یعنی:

۱. فقدان عضویت کامل و فعال در اجتماعات محلی؛
۲. عدم ادغام اجتماعی، علمی و آموزشی در مدارس در سطح مشابه هم سن و سالان غیر معلول آنها؛
۳. فقدان منابع مالی و انسانی برای خدمت به کودکان و جوانان معلول (دارای نیازهای خاص) در آژانس های محلی. (Ibid:7)

۶. آثار و پیامدهای طرد

به اعتقاد محققان، در چشم اندازی کلی و عام، پیامدهای مطرودسازی گروه های اجتماعی در یک جامعه عبارت خواهد بود از:

۱. عدم پذیرش اجتماعی؛
 ۲. ایجاد ناتوانی و عجز (بیقدرت ساختن)؛
 ۳. آسیب پذیر ساختن؛
 ۴. کاهش مهارت زندگی؛
 ۵. تحدید دورنما و چشم اندازهای زندگی افراد (Hanvey, Ibid: 4).
- در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل از وضعیت طرد جوانان بوسنی و هرزگوین (۲۰۰۷)، پیامدهای طرد اجتماعی در بین دو گروه از جوانان در حال تحصیل تمام وقت و جوانانی که ترک تحصیل کرده اند، مشخص شده است. دلسردی و ناامیدی نسبت به آینده، افسردگی و ارزیابی منفی نسبت به نظام آموزشی در بین جوانانی که ترک تحصیل کرده اند، به مراتب بیش از جوانان در حال تحصیل بوده است.

۷. سطوح عینی و ذهنی طرد

از دیگر طبقه بندی های مهم و اساسی طرد، تفکیکی است که برحسب معیارها و موقعیت عینی و واقعی افراد، درمقابل ارزیابی های ذهنی آنان انجام شده است. در حقیقت، سطح عینی طرد به جنبه های واقعی حیات فردی و اجتماعی اشاره دارد. در این سطح، شرایط زندگی افراد براساس واقعیت کنونی آنان بررسی می شود. (جوهر، ۲۰۰۷، به نقل از قاضی نژاد، ۱۳۸۹). در حالی که طرد ذهنی، جنبه ای از طرد است که به احساس و تلقی فرد از موقعیت خود، از جنبه مطرود یا مشمول بودن اشاره دارد و ارزیابی ذهنی فرد از شرایط زندگی خود است. از آنجا که تلقی و ارزیابی هر فرد از موقعیت و شرایط زندگی خود ممکن است تأثیر ویژه ای بر رفتارها و فعالیت و نیز مشارکت شخص در زندگی و تلاش او برای بهزیستی اجتماعی داشته باشد، طرد در سطح ذهنی نیز در کنار طرد عینی، تأمل برانگیز و مهم است. (اکترولوئیس، ۱۹۹۹)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، پیمایشی توصیفی - تبیینی از نوع مقطعی بوده است که در سطح ملی و در سال ۹۳-۱۳۹۱ به انجام رسیده است. جامعه آماری تحقیق، شامل جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن خانوارهای سراسر ایران بوده است که نمونه ای به حجم ۴۵۲۲ نفر از آنان از ۱۲ استان کشور (معرف کل استان ها) به روش نمونه گیری احتمالی چند مرحله ای خوشه ای انتخاب و با پرسش نامه ساخت یافته (استاندارد بومی سازی شده) مورد

پرسش قرار گرفته اند.

نحوه عملیاتی سازی متغیر طرد عینی و طرد ذهنی در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: تعریف عملیاتی طرد اجتماعی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه ها	شیوه سنجش
طرد اجتماعی عینی	طرد از منابع مادی	محرومیت از منابع مادی	بدهی معوقه
			عدم کفاف درآمد برای هزینه ها
			منابع درآمد
	طرد از آموزش	سرانه درآمد	مجموع درآمد تقسیم بر تعداد افرادی که با این درآمد، اداره می شوند.
			علت عدم اشتغال به تحصیل
			مشکل مهم برای ادامه تحصیل
			نوع مشکل تحصیلی
			منبع کمک مورد استفاده برای رفع هزینه تحصیل
			مشکلات غیرمالی تحصیلی
			مهمترین مشکل برای ادامه تحصیل تا مقطع مورد نظر
			مشارکت در فعالیتهای محل تحصیل
	طرد از حقوق اجتماعی اساسی	طرد از مراقبت های بهداشتی-درمانی	مشکلات درمان
			سرانه واحد مسکونی
		طرد از مسکن مناسب	قیمت تقریبی واحد مسکونی
			کیفیت و استحکام بنا/ ساختمان
			نوع مالکیت واحد مسکونی
			امکانات واحد مسکونی
		وضعیت نامطلوب محل سکونت (طرد فضایی)	مشکلات محل سکونت/ محله
			امکانات و فرصت های در دسترس در محل سکونت/ محله
		طرد از ازدواج	طرد از ازدواج در بین افراد بدون همسر (مجرد، مطلقه، بیوه)
			طرد از ازدواج در بین افراد دارای همسر (متاهل، عقدکرده، زندگی جداگانه بدون طلاق) متاهلین
	طرد از عدم ادغام اجتماعی-فرهنگی	طرد از بازار کار	
			میزان ارتباط با مراکز رسمی
		عدم مشارکت اجتماعی رسمی	شرکت در فعالیتهای جمعی
			میزان ارتباط با دیگران
	طرد از عدم ادغام اجتماعی-فرهنگی	عدم مشارکت اجتماعی غیر رسمی	میزان حمایت غیررسمی

میزان فعالیت فراغتی	عدم کیفیت اوقات و امکانات فراغتی	فرهنگی-اجتماعی-طرد از/عدم ادغام فرهنگی	طرد اجتماعی عینی	
	ادغام فرهنگی در سطح خانواده، مردم محل سکونت			عدم ادغام فرهنگی
	در سطح ادغام فرهنگی با فرهنگ رسمی حاکم			
سنجش فاصله بین انتظارات و واقعیات زندگی جوانان			طرد ذهنی	

یافته های پژوهش

سیمای پاسخگویان

۵۱/۶ درصد از پاسخگویان جوان این تحقیق زن و ۴۸/۴ درصد آنها مرد بوده اند که بر حسب اهداف پژوهش، همگی در دامنه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار داشته اند (میانگین سنی پاسخگویان = ۲۲/۶۴). ۱۲ درصد از پاسخگویان دارای خانواده تک والد، ۷/۰ درصد تحت سرپرستی خویشاوندان و بقیه، عضو خانواده عادی بوده اند. ۷۳/۷ درصد آنها ساکن تهران یا مراکز استان ها، ۱۸ درصد ساکن شهر کوچکی در استان متبوع و ۸/۳ درصد آنان ساکن روستا بوده اند. ۲۳/۳ درصد پاسخگویان ۱۵ تا ۲۹ ساله دارای سطح سواد راهنمایی، ۱/۴ درصد کمتر از حد راهنمایی، ۲۶/۳ درصد آنان دیپلم، ۴۴/۸ درصد لیسانس (یا دانشجوی مقطع کارشناسی) و ۴/۲ درصد پاسخگویان با تحصیلات بالاتر از لیسانس گزارش داشته اند. میانگین درآمد خانوار پاسخگویان، ۶۹۵۰۶۸ تومان (با حداقل پنجاه هزار تومان و حداکثر دو میلیون تومان) گزارش شده است. این میانگین، برحسب محل اقامت پاسخگویان از ۷۱۴۰۱۴ تومان در مراکز استان ها تا ۵۸۱۰۰۴ تومان در روستاها متغیر بوده است. همچنین، از کل پاسخگویان این تحقیق، ۶۵/۲ درصد غیرشاغل و ۳۴/۸ درصد بقیه شاغل بوده اند که البته ۶۸/۷ درصد از پاسخگویان غیرشاغل، محصلین در حال تحصیل در مدارس و دانشگاه ها بوده اند و ۳۱/۳ درصد پاسخگویان غیرشاغل، نه درحالت حصیل و نه مشغول به کار بوده اند. همچنین، ۲۸ درصد از پاسخگویان غیرشاغل، در زمان پرکردن پرسشنامه به دنبال کار می گشته اند.

توصیف / نتایج متغیرهای اصلی پژوهش

الف. مولفه های طرد عینی

۱- طرد از منابع مادی

این بعد از طرد عینی، همانطور که در جداول ۲ و ۳ نیز مشخص است، شاخص های مادی - اقتصادی را مدنظر قرار داده است:

جدول ۲: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل سرانه درآمد خانوار

میانگین	تعداد	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	
۳۴۷/۴۴	۳۶۶۹	۲۱/۹	۹/۵	۲۰/۵	۳۲	۱۶/۱	سرانه درآمد خانوار

جدول ۳: توزیع فراوانی نسبی شاخص محرومیت از منابع مادی پاسخگویان

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳۲/۸۲	۴۳۵۷	۳۴/۵	۱۱/۹	۲۱/۵	۸/۸	۲۳/۲	محرومیت از منابع

همچنین، وضعیت پاسخگویان از لحاظ تجربه طرد و محرومیت مزمن از منابع مادی - که از جمع دو مولفه مذکور ساخته شده - در طول زندگی، بصورت شاخص کل طرد در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد از منابع مادی - اقتصادی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳۴/۸۴	۴۳۷۰	۲۷/۸	۲۳/۵	۱۹/۷	۷/۶	۲۱/۴	طرد مادی - اقتصادی

۲- طرد از حقوق اجتماعی اساسی

بنابر رویکرد نظری مبنا، پنج مولفه، جزو حقوق اساسی هر جوان در جامعه و شرایط فعلی شناخته شده که باید از آنها بهره مند باشد. این پنج حق بنیانی عبارت اند از: ۱- حق آموزش مناسب؛ ۲- حق بهره مندی از مراقبت های بهداشتی - درمانی؛ ۳- حق بهره مندی از مسکن؛ ۴- حق بهره مندی از محل زندگی امن و مناسب و ۵- حق ازدواج مناسب و تشکیل خانواده مستقل.

جدول ۵: توزیع فراوانی نسبی شاخص های طرد از حقوق اجتماعی اساسی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۱۲/۱	۴۴۳۸	۲۶/۹	۴۳/۲	۹/۸	۸/۴	۱۱/۶	محرومیت از دسترسی به آموزش
۳۶/۴۰	۴۴۹۵	۳۰/۱	۲۱/۹	۱۹/۳	۰	۲۸/۷	محرومیت از دسترسی به امکانات درمانی - بهداشتی

محروریت از مسکن مناسب	۱۹/۷	۲۹/۱	۲۸/۲	۱۵/۸	۷/۲	۴۴۶۷	۴۸/۵
طرد فضایی (محل زندگی مناسب)	۱۹/۴	۱۴/۹	۱۳/۹	۱۴/۵	۳۷/۳	۴۴۸۱	۳۳/۶۳
طرد از ازدواج در بین مجردان	۲۴/۶	۱۸/۴	۳۱/۷	۱۱/۸	۱۳/۶	۳۲۹۱	۳۶/۸۶
طرد از ازدواج مناسب در بین متأهلان	۴۹/۲		۲۷	۲۳/۷		۱۲۷۶	۲۸/۳۵

همچنین، وضعیت پاسخگویان از لحاظ تجربه طرد از حقوق اجتماعی اساسی - که از جمع شش مولفه مذکور به دست آمده - در طول زندگی (شاخص کلی) در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد از حقوق اجتماعی اساسی

	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	تعداد	میانگین (۰-۱۰۰)
طرد از حقوق اجتماعی اساسی	۲۰/۱	۲۷/۹	۳۱	۱۸/۴	۲/۷	۴۵۱۹	۳۲/۷۵

۳- طرد از حقوق فرهنگی - اجتماعی

ادغام موثر افراد و گروه های مختلف در حوزه اجتماع و فرهنگ و منظومه ارزشی - هنجاری رایج، یکی دیگر از مواردی است که جریان اصلی هر جامعه از آن بهره می برند. در این تحقیق نیز برای مطالعه کامل ابعاد طرد عینی، بُعد محرومیت از حقوق اجتماعی - فرهنگی که با مولفه های طرد از مشارکت در بازارکار، عدم مشارکت های اجتماعی رسمی و غیر رسمی، نبود کیفیت و امکانات اوقات فراغت و عدم ادغام فرهنگی، عملیاتی شده، مورد توجه و سوال قرار گرفته است.

جدول ۷: توزیع فراوانی نسبی شاخص های محرومیت از حقوق اجتماعی - فرهنگی

	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	تعداد	میانگین (۰-۱۰۰)
محرومیت از مشارکت اجتماعی سازمان یافته	۱۴/۶	۴۳/۷	۲۲/۶	۱۳/۵	۵/۷	۴۴۹۰	۶۶/۶
محرومیت از مشارکت اجتماعی غیر رسمی	۶/۴	۱۷/۶	۱۳/۹	۲۵/۹	۳۶/۲	۴۴۸۷	۳۵/۴۲
محرومیت از اوقات فراغت مناسب	۲۳/۹	۱۰/۴	۲۸/۲	۱۵/۲	۲۲/۲	۴۵۱۲	۲۵/۱

عدم ادغام فرهنگی	۲۳/۴	۱۱/۲	۲۶	۲۴/۱	۱۵/۳	۴۵۰۵	۳۸/۶۰
عدم مشارکت در بازار کار	۳۵/۸		۴۵/۴	۱۸/۸		۱۷۵۷	۳۳/۲۴

همچنین وضعیت پاسخگویان از لحاظ تجربه طرد و محرومیت از ادغام اجتماعی - فرهنگی که از جمع پنج مولفه مذکور ساخته شده، در زندگی (شاخص کلی) در جدول ۸ آمده است:

جدول ۸: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل محرومیت از حقوق اجتماعی - فرهنگی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	محرومیت از ادغام اجتماعی - فرهنگی
۳۵/۵۵	۴۵۱۸	۳	۱۳/۸	۳۲/۷	۳۰/۲	۲۰/۲	

ب. شاخص کل طرد عینی

در پژوهش حاضر، شاخص کلی طرد عینی از ترکیب سه بعد محرومیت مادی، دسترسی ناکافی به حقوق اساسی اجتماعی و عدم ادغام فرهنگی - اجتماعی با روش شاخص سازی ترکیبی ساخته شده است. میانگین این شاخص در بازه ای بین صفر (عدم طرد عینی) تا صد (طرد عینی کامل) برابر با ۳۴ به دست آمده است که نشان از طرد عینی در حد متوسط در میان پاسخگویان جوان جامعه ما دارد (جدول ۹).

جدول ۹: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد عینی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	طرد عینی
۳۴	۴۵۱۹	۱/۴	۲۱/۵	۳۲/۵	۲۴/۵	۲۰	

ج. شاخص کل طرد ذهنی

در پژوهش حاضر، متغیر طرد ذهنی از طریق سنجش فاصله بین انتظارات و واقعیات زندگی جوانان مورد ارزیابی قرار گرفته است. طبق نتایج پژوهش، میانگین این متغیر برابر با ۶۸/۰ به دست آمده که در دامنه خیلی زیاد (۱۰۰) تا خیلی کم (۰)، نشان از احساس طرد شدگی (تصور در حاشیه واقع شدن، فاصله گیری اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی) در حد زیاد (شدید) در میان نوجوانان و جوانان فعلی، علیرغم شمول سیستمی نسبتاً مناسب (میانگین ۳۴ برای شاخص کل طرد عینی) آنان دارد.

جدول ۱۰: توزیع فراوانی نسبی شاخص کل طرد ذهنی

میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	طرد ذهنی
۶۸/۷۱	۳۹۵۶	۰/۲	۲/۸	۳۲/۱	۴۳	۲۱/۹	

از سوی دیگر، بر اساس محاسبه "خط طرد" ذهنی (نقطه میانگین شاخص کلی)، قریب نیمی (۴۹/ درصد) از جوانان مورد مطالعه، امتیاز بالاتر از حد میانگین شاخص به دست آورده و طبق تعریف، به طور نسبی "مطرود ذهنی" محسوب می شوند. در مقابل، ۵۰/۸ درصد آنان با امتیاز کمتر از میانگین، در گروه غیر مطرودان ذهنی (کسانی که فاقد تصور بیرون ماندگی از جامعه و کلیت سیستم مستقر می باشند) قرار می گیرند. بدین ترتیب، در حال حاضر، نیمی از جوانان مورد مطالعه در سطح ملی، دچار احساس محرومیت نسبی، درحاشیه بودن و مطرودیت "شدید" می باشند که قابل توجه و تامل جدی است.

د. تجربه طرد عمیق

طرد عمیق، اصطلاحی است که محققان جهانی (لویتاس، ۲۰۰۰) برای توصیف افرادی که از طرد در دو یا چند حوزه مختلف رنج می برند، استفاده نموده اند. در جدول ۱۱، وضعیت پاسخگویان جوان مورد مطالعه به لحاظ وجود یا عدم طرد های چندگانه یا طرد عمیق^۱ نیز آمده است.

جدول ۱۱: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی پاسخگویان در تجربه طرد عمیق بر حسب ترکیب مولفه های طرد عینی

کل	کل	ترکیب مولفه های طرد عینی										
		طرد در دوازده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد	طرد در ده ماه بعد
درصد	۱	۴/۲	۸/۵	۱۲/۲	۱۴/۸	۱۵/۸	۱۳/۲	۱۲/۴	۸/۴	۵/۷	۳	۷/۰
تعداد	۴۳	۱۹۱	۳۸۳	۵۵۲	۶۶۹	۷۱۶	۵۹۹	۵۶۱	۳۸۰	۲۵۶	۱۳۷	۳۲
		۳	۳۲	۴۵۲۲								

همان طور که در جدول نیز مشخص است، تنها ۱/۰ درصد از پاسخگویان جوان (۴۳ نفر) در هیچ یک از سیزده شاخص/مولفه طرد اجتماعی مطرود نبوده اند و حدود ۴/۲ درصد آنان نیز فقط در یک بعد، طرد شده اند. بقیه، یعنی ۹۵ درصد از پاسخگویان جوان جامعه ما نه با طرد که در واقع، با طرد نسبتاً عمیق و عمیق دست و پنجه نرم می کنند. بر این اساس، ۳/۸ درصد از پاسخگویان (۱۷۲ نفر) به طور همزمان از محرومیت در ده، یازده یا دوازده شاخص / مولفه طرد عینی رنج می برند که می تواند به عنوان طرد بسیار عمیق یا "طرد حاد" نامگذاری شود. در نهایت، برحسب محاسبات به عمل آمده (به روش لویتاس) و نتایج تحقیق، به طور میانگین هر پاسخگوی جوان، در ۵ الی ۶ شاخص / مولفه از مجموع سیزده شاخص طرد عینی، مطرود شناخته شده است. (میانگین = ۵/۲)

روابط دو متغیره (تحلیل همبستگی)

الف. روابط همبستگی ما بین مولفه های طرد عینی

برای آزمون ارتباط بین وجوه مختلف طرد عینی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس

نتایج جدول، وجوه مختلف طرد عینی با یکدیگر مرتبط اند و این همان چیزی است که در ادبیات طرد آن را مفهوم اتصال می نامند. در اینجا موضوع، شناسایی روابط درونی و متقابل است. (نک: سیسی ۱۹۹۹، موری ۱۹۹۸؛ راندلف ۱۹۹۹ به نقل از فارینگتون: ۲۰۰۲) برای نمونه، رابطه بین محرومیت از منابع مادی با سایر مولفه های طرد عینی- به جز طرد از ازدواج در میان متاهلان- معنادار گزارش شده است؛ یعنی افزایش یا کاهش محرومیت از منابع مادی سبب افزایش یا کاهش در وجوه نامبرده می شود.

جدول ۱۲: روابط همبستگی میان مولفه های طرد عینی

	سرنه در آمد	محرومیت از منابع	طرد آموزش	طرد بهداشتی-درمانی
سرنه در آمد	۱	**	**	**
محرومیت از منابع	**	۱	**	**
طرد آموزش	**	**	۱	**
طرد بهداشتی-درمانی	**	**	**	۱
طرد مسکن	**	**	**	**
طرد فضایی	**	**	**	**
طرد ازدواج مجردين	**	**	*	**
طرد ازدواج متاهلین	*		**	*
طرد از بازار کار		**	*	**
طرد از مشارکت رسمی	**	**	**	
طرد از مشارکت غیر رسمی	**	**		**
طرد فراغت	**	**		**
طرد از ادغام فرهنگی		**	*	**

طرد از مشارکت غیر رسمی	**	**		**	**	**	**	**	**	**	**	**	**
طرد فراغت	**	**	**	**	**	**	**	**	**	**	**	**	**
طرد از ادغام فرهنگی	**	**	**	**	**	**	**	**	**	*	**	**	۱

ب. روابط همبستگی ما بین ابعاد طرد عینی و طرد ذهنی

همانطور که در جدول ۱۳ نیز مشخص است، بین محرومیت مادی و نیز محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی با طرد ذهنی رابطه معناداری وجود دارد، ولی رابطه بین محرومیت از ادغام فرهنگی - اجتماعی با طرد ذهنی در جمعیت هدف، معنادار نبوده است. براین مبنا، می توان گفت جوانان مورد مطالعه، به قدری درگیر مشکلات مربوط به عدم تکافوی منابع و فرصت ها در تامین حقوق اولیه و اساسی خود هستند که نیازها و مشکلات بعدی از قبیل اوقات فراغت، مشارکت های اجتماعی و ادغام فرهنگی - اجتماعی، در اولویت بندی و نگاهشان رنگ باخته و با احساس طرد شدگی در ذهنیت آنان، همبستگی نشان نمی دهد. از این رو، برای کاهش ضریب طرد ذهنی (احساس مطرودیت) جمعیت جوان نیز، باید ابتدا به اقدامات عملی در جهت رفع مشکلات و تامین نیازهای اصلی آنان از قبیل مسائل مالی، آموزش، بهداشت، ازدواج و مسکن دست یازید. طبق نتایج جدول ۱۳ و همانطور که انتظار می رفت، شاخص کلی و نیز ابعاد طرد عینی با میزان طرد ذهنی (احساس بیرون بودگی و مطرودیت) در جمعیت هدف، به طور معناداری (باخطای کمتر از یک درصد) با هم همبسته اند.

جدول ۱۳: همبستگی دو متغیره میان ابعاد طرد عینی با طرد ذهنی

ابعاد طرد عینی طرد ذهنی	محرومیت مادی	محرومیت از حقوق اجتماعی	محرومیت از ادغام فرهنگی - اجتماعی	طرد عینی (شاخص کلی)
ضریب همبستگی پیرسون	(**) ۰/۲۴۰	(**) ۰/۲۴۰	-۰/۰۱۲	(**) ۰/۲۲۶
سطح معناداری	**	**	۰/۴۵۰	**

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی و سنجش میزان طرد اجتماعی جوانان و سطوح و ابعاد آن در ایران، در پی به دست دادن تصویر و تحلیلی علم-تجربی از این مسئله در بستر شرایط فعلی جامعه ما و جایگاه جوانان در ساختار اقتصادی، اجتماعی (منابع و فرصت ها) موجود بوده است. در پرتو رهیافت نوین طرد اجتماعی، وضعیت نوجوانان و جوانان در متن زندگی واقعی و شرایط زیست آنان در خانواده، محیط های آموزشی و اجتماع محلی در مراحل مختلف زندگی، مورد بازبینی، سنجش و ارزیابی قرار گرفته و برحسب شمار وسیعی از شاخص های جزئی و کلی مطرح در چارچوب مفهومی طرد و شمول اجتماعی جوانان، تصویری از محرومیت های زنجیره ای و مزمنی که آنان از گذشته تا به حال به طور عینی و ذهنی تجربه کرده و زندگی آینده آنان را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد، به دست داده شده است.

در چشم انداز طرد اجتماعی، فقر و محرومیت، نه فقط نقطه ای از زندگی فرد یا باصطلاح یک "وضعیت"، بلکه در واقع یک "فرایند" یا جریان پیچیده است و زمانی به وجود می آید که گروه ها یا بخش هایی از یک جامعه، به دلایل اغلب غیر ارادی و ناخواسته و در یک روند تدریجی و انباشتی، دچار زنجیره ای از محرومیت ها یا فقدان های اساسی می شوند و از آنچه برای یک زندگی معمول، سالم و بهنجار فردی و اجتماعی در هر جامعه لازم است، جدا و دور می گردند. افراد و گروه های مذکور بر حسب خصایص، شرایط و حوادثی در گذشته زندگی خود که بین آنان (غیرعادی) و دیگران (عادی) تفاوت ایجاد می کند، از جریان اصلی توزیع منابع و فرصت های اجتماعی، جدا یا بیرون رانده می شوند. این جدا شدگی یا طرد که ماهیت و خصلتی پویا و تجمعی دارد، نه تنها وضعیت فعلی زندگی آنان را به شکل منفی متأثر می سازد، بلکه به آینده آنان و فرزندان شان نیز، جریان و انتقال پیدا می کند و آنها را در معرض خطر، تهدید و آسیب دیدگی جدی قرار می دهد؛ به طوری که گفته شده خلاصی از این تله (تله طرد)، کاری بس دشوار و اغلب ناممکن در سطح فردی و نیازمند اقدامات اصلاحی و مداخله ای فرا فردی در سطح اجتماعی و سیستمی خواهد بود.

جوانان، از جمله گروه های اجتماعی مهمی هستند که محققان مربوطه، مدعی جریان ها و رفتارهای حذف و طرد و عدم حمایت های اجتماعی لازم از آنان در جوامع فعلی، بویژه جوامع در حال توسعه و انتقال هستند. طردی که در نگاه اولیه، بیشتر انکار و کمتر به طور آشکار و محسوس دیده می شود- بیشتر به این دلیل که تصور رایج، جذب و ادغام اجتماعی جوانان در هر جامعه را اصل می پندارد و فرض می گیرد. اما در جامعه شناسی و سیاست اجتماعی معاصر، به قول زیبرا (۱۳۸۵) مفهوم جدید طرد، امکان درک طرز کار معکوس جریان انسجام اجتماعی در شرایط معاصر را فراهم ساخته و می تواند ما را از اشکال پیدا و پنهان طرد و حاشیه نشینی گروه های مختلف جوان، همچون دیگر مطرودان اجتماعی آگاه سازد و با تعاریف جدیدی از ادغام و شمول، درک و دریافت تازه ای از زمینه ها و جریان های عدم شمول و طردشدگی واقعی آنان و تبعات منفی و آسیبی مسئله، به دست دهد. از این طریق، می توان روشن ساخت که تمامی اشکال طرد، بویژه طرد ذهنی، توسط سایر افراد (غیرمطرودان) و حتی متولیان حوزه سیاست اجتماعی و رفاه، درک و احساس نمی شوند، بلکه برخی گروه های مطرود (از جمله جوانان) در واقع به صورت نامحسوس در اجتماع وجود دارند. نظر به اهمیت شناخت و تحلیل شرایطی که جوانان را در مراحل اصلی زندگی، بویژه مرحله انتقال از جوانی به بزرگسالی، هدف طرد و عدم شمول اجتماعی قرار می دهد، پیمایش حاضر، در رصد ملی وضعیت محرومیت - برخورداری انبوه جمعیت جوان، به بررسی پدیده طرد اجتماعی گروه های جوان شهری و روستایی در قلمروهای مختلف و در وجوه محسوس و نامحسوس آن پرداخته است.

پژوهش حاضر با موضوع طرد اجتماعی جوانان، پژوهشی میدانی و پنهانگر است که به روش پیمایش و با

استفاده از تکنیک پرسشنامه در سطح استان های مختلف ایران (شهرها و روستاها) به انجام رسیده است. در این پیمایش تلاش شده که با مد نظر قرار دادن استان هایی با سطوح توسعه متفاوت و هر دو جمعیت شهری و روستایی، تصویر جامعی از کلیت وضعیت طرد و شمول جوانان در جامعه ایران ارائه گردد. جامعه آماری این طرح، جوانان ۱۵-۲۹ ساله خانوارهای معمولی ساکن در ۱۲ شهر مرکز استان و سایر شهرهای غیر مرکز استان (شهر درجه ۲) و روستاهای تابعه، در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ بوده اند که با نمونه ای به حجم ۴۵۲۲ نفر از آنان مصاحبه و در قالب پرسشنامه ساختارمند، اقدام به گردآوری اطلاعات شده است.

بر مبنای مطالعات تجربی و نظری انجام شده، پدیده/ واقعیت طرد اجتماعی به عنوان یک مفهوم چند بعدی، در دو سطح عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ به لحاظ تئوریک این مفهوم در سطح عینی شامل ابعاد و مولفه های: ۱- محرومیت مادی، ۲- دسترسی ناکافی به حقوق اجتماعی اساسی و ۳- عدم ادغام اجتماعی- فرهنگی بوده است. طرد اجتماعی ذهنی نیز به فاصله واقعیات (وضع موجود) زندگی فرد از انتظارات (وضع مطلوب) او اشاره دارد.

یافته های این تحقیق نشان داده است، پاسخگویان نوجوان و جوان جامعه ما، به علت گسترش خدمات آموزش عمومی (دولتی و خصوصی) در سطح ملی، مقوله طرد از آموزش را کمتر از سایر ابعاد طرد عینی تجربه می کنند (میانگین = ۱۲/۱) - هر چند در سنجش تفصیلی به عمل آمده، همچنان حدود ۳۰ درصد از آنان از خدمات آموزشی لازم / کافی مطرود بوده اند- این در حالی است که میانگین های سایر ابعاد، شامل طرد از منابع مادی، خدمات بهداشتی، ازدواج و اشتغال، بالاتر بوده و حول و حوش رقم ۳۵ برآورد شده اند. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت، عدم ادغام یا طرد جمعیت جوان کشور از آموزش و تحصیل در اثر سیاست های توسعه ای کلان در حوزه آموزش با روندی کاهشی، جای خود را به طرد و محرومیت از منابع مادی، خدمات بهداشتی، ازدواج و اشتغال داده است. بنابراین اگر دولت در دهه های گذشته تلاش کرده است تا با اجباری نمودن تحصیل ابتدایی، مدرسه سازی و نهضت های سواد آموزی و غیره، شمول آموزشی را گسترده تر سازد و بی سوادی و طرد های آموزشی را ریشه کن یا ترمیم کند، هم اکنون باید سیاست رفاه و منابع را صرف تامین نیازهای مادی، اشتغال و ازدواج و خدمات رسانی به جمعیت جوان (و البته سایر شهروندان در گروه های مختلف) در حوزه بهداشت و سلامت عمومی نماید. این نتایج همسو با یافته های صالحی اصفهانی (۲۰۰۷) در پژوهش طرد اجتماعی جوانان در خاورمیانه است که در مورد ایران، به گونه ای واقع گرا و هشدار گونه، می نویسد: "در ۲۰ سال گذشته رشد چشم گیری در دستاوردهای تحصیلی- آموزشی جوانان ایرانی در سرتاسر کشور وجود داشته است که از طریق افزایش نرخ های ثبت نام معلوم می گردد. اما بعد از اتمام مدرسه، جوانان ایرانی با چندین مانع در انتقال به اشتغال روبه رو و تحصیل کردگان، با نرخ بالای بیکاری و دوره طولانی بیکار ماندگی (انتظار شغل) رو به رو می شوند. بنابر مشکل اشتغال و دیگر عوامل موثر در دو دهه اخیر، زندگی خانوادگی در ایران نیز تغییرات اساسی کرده است؛ به طوری که طبق آمارهای موجود، با کاهش نرخ باروری، هم مردان و هم زنان، بیشتر ازدواج خود را به تاخیر می اندازند و درصد مردان و زنان ازدواج نکرده بین ۲۵ تا ۲۹ سال به سرعت در حال افزایش است.

بر مبنای یکی دیگر از یافته های این پژوهش، از میان سیزده شاخص طرد عینی، میانگین شاخص های مشارکت های اجتماعی رسمی و طرد از مسکن مناسب، در بازه صفر (عدم طرد) تا صد (طرد بسیار زیاد) بالاتر از رقم ۴۰ به دست آمده که بنابر رده بندی و مقایسه "تجربی" (برحسب ارقام واقعی) نتایج، محرومیتی در حد "بالا" محسوب می شود. میانگین بقیه ابعاد و مولفه ها نیز علیرغم ارقام پایین تر از این، در مجموع، حکایت از طرد واقعی به میزان "متوسط" در میان جمعیت جوان جامعه ما دارد که بنا بر ماهیت طیفی و تفاوت های منطقه ای و استانی، شهری و روستایی، قومیتی، جنسیتی، طبقاتی، گروه های عام و خاص

(معلولین، تک والد، خود سرپرست، بی سرپرست و... جوانان) طرد، از یک سو و استانداردهای کیفیت زندگی نسل جوان و خانواده ها، از سوی دیگر رقمی قابل ملاحظه و تحلیل است- که در این مقاله، نمی توان به آن پرداخت. همچنین، فراوانی مطرودان جوان در هر مولفه/ بعد نیز، باوصف اینکه اغلب کمتر از ۵۰ درصد پاسخگویان را شامل می شود، نشان از عدم شمول یا محرومیت مزمن و طردشدگی قریب نیمی از پاسخگویان جوان در حوزه ها و ابعاد مختلف دارد.

در مقایسه نتایج مربوط به طرد عینی و ذهنی نیز در می یابیم در حالی که میانگین شاخص طرد عینی برابر با ۳۴ گزارش شده، میانگین طرد ذهنی بسیار بالاتر از آن یعنی رقم ۶۷/۷ (دوبرابر) به دست آمده است. با توجه به تعدد عوامل موجب احساس مطرودیت یا طرد ذهنی و بر اساس همبستگی نسبتاً قوی موثق و معنادار به دست آمده میان شاخص های طرد عینی و ذهنی ($r=0/24$) در این پژوهش، می توان گفت طرد عینی از موجبات اصلی احساس مطرودیت (طرد ذهنی) در میان جوانان مورد مطالعه در جامعه فعلی ما می باشد. در این میان، حدود ۲۷/۳ درصد از پاسخگویان که به لحاظ عینی محروم و مطرود محسوب می شوند، به طور ذهنی هم احساس طرد شدگی و جدایی از جریان اصلی توزیع امکانات و فرصت های موجود در جامعه داشته اند. همچنین، برحسب نتایج تحقیق، ۲۲ درصد از پاسخگویان جوان نیز با اینکه به طور عینی جزو مطرودشدگان به حساب نمی آیند، اما به لحاظ ذهنی، احساس طرد و عدم شمول اجتماعی داشته اند. از این رو می توان گفت مطرودان جوان، در واقع در چرخه ای معیوب دور می زند؛ به طوری که وقتی شرایط ساختاری کلان در کنار عوامل میانجی (عاملیت های فردی ناقص و ضعیف) مخرب و آسیب زا، آنان را در "تله طرد" محبوس و گرفتار می سازد، خود نیز آغاز به "محروم پنداری" یا احساس مطرودیت بیشتر می کنند و در ارزیابی وضعیت واقعی خود، دچار خطا و کمینه انگاری غیر واقعی و ذهنی می گردند- شمار قابل ملاحظه ای از آنان، شرایط خود را به مراتب بدتر از آنچه هست، می پندارند و ارزیابی منفی می کنند. بعلاوه، فضای مجازی موجود و گسترش ارتباطات جمعی رسانه ای جهانی، به نوبه خود، نظام انتظارات و توقعات جوانان و الگوهای ارزیابی آنان را در سطوح ملی تغییر داده و فاصله وضع موجود و مطلوب را در ذهن شمار قابل ملاحظه ای از آنان افزایش بخشیده است. این امر، خود از عوامل مهم موثر بر بالا بودن احساس محرومیت و طرد (ذهنی) در میان عده زیادی از جمعیت نوجوان و جوان جامعه ما می باشد. از سوی دیگر، نقش گروه های مرجع و جریان مقایسه های اجتماعی در تعریف، ترسیم و تعیین دور نماهای مطلوب تر برای نسل جوان جامعه را نمی توان نادیده انگاشت.

درمجموع و با توجه به یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت معادله طرد اجتماعی جوانان در جامعه ما، حاوی عناصر چندگانه ای است که فقر مادی و مشکلات اقتصادی، تنها بخشی آشکار - هرچند مهم و جدی- از آن است. حقوق اجتماعی و فرهنگی و مطلوب هاب ذهنی نوجوانان و جوانان نیز، ابعاد و عناصر مغفول اما پراهمیت تر این معادله است که تدارک و تضمین واقعی آن، مورد مطالبه جدی آنان می باشد. بدون تامین نیازها، حقوق و وجوه غیرمادی زندگی، حتی شرایط مادی- رفاهی خوب، نمی تواند احساس قرار گرفتن در جایگاه اجتماعی مناسب و کیفیت زندگی مطلوب و هویت اجتماعی- انسانی شایسته را به نسل جوان ببخشد و به آنان اطمینان بدهد که عملکرد نهادهای مختلف (خانواده، مؤسسات آموزشی، محیط های کار و اشتغال، دولت و حکومت و سایر نهادها و سازمان های عام و خاص) به سمت و سویی سازگار با خواست ها، آرزوها، نیازها و حقوق حال و آینده آنان پیش می رود، زیرا چنان که صاحب نظران و محققان بدرستی یادآور شده اند جوهره طرد، فاصله یا محرومیت "اجتماعی" - و نه لزوماً اقتصادی- است که بخش مهمی از آن، ماهیت ارتباطی (ضعف یا عدم تعلق و مشارکت به طور عینی و ذهنی) دارد و در این پژوهش نیز به روشنی آشکار شده است. بنابراین، حل و ساماندهی کلیت مسائل و مشکلات جوانان و حتی مدیریت مسائل

مادی- رفاهی آنان نیز در گرو توجه سیاستگذاران اجتماعی به وجه یا عنصر اصلی جذب و ادغام اجتماعی، یعنی تعریف و تعیین جایگاه و افزایش فرصت های مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوانان درون نظام اجتماعی خواهد بود. نتایج پژوهش حاضر از این منظر، منطبق با منطق نظری گفتمان طرد اجتماعی در تعبیر تورن است که می گوید: طرد اجتماعی نه مسئله بالا و پایین، بلکه اساساً مسئله "درون" و "برون" یا به تعبیر دیگر، "متن" و "حاشیه" است.

منابع

- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵) **نظریه های جامعه شناسی طردشدگان اجتماعی**. سیدحسن حسینی. تهران: نشر آن
- قاضی نژاد وهمکاران (۱۳۸۹) « **طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها** ». طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۸۸) « **گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه چهارم** ». وبگاه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- Aassave, Arnstein ; Maria Lacovou ; Letizia Mencarini (2006) **"Youth poverty and transition to adulthood in Europe."** Demographic reaserch.vol:15,article2, pages21-50
- Autio, Sari; Johanna Palovaara (1998) **"Individual Pathways and Life Management"**. Finland
- Dean, H. (1997) **"Underclass Or Undermined? Young People and Social Citizenship"**. in MacDonald,R (Ed.) Youth, Social Exclusion and "the Underclass" London : Routledge
- Dhillon, Navtej & Tarik Yousef (2003) **"Inclusion: meeting the 100 million youth challenge, Middle East youth"**. Dubai, Initiative, Brookings Wolfensohn center for development, Dubai, school of government.
- Farrington, F. (2002) **"Toward a useful definition: advantages and criticism of social exclusion"**. GEOS View, 2001, 1-15. Gere, C. (2002). Digital culture. London: Special edition journals.
- Hanvey, Louise (2003) **"Social Inclusion Research in Canada: Children and Youth"**. pages:1-14
- Jehoel-Gijsbers, Gerda; cok Vrooman (2007) **"Explaining social exclusion"**. The Netherlands institute for social research/scp.
- Oconnor, William; Jane Lewis (1999) **"Experiences of social exclusion in Scotland"**. National center for social research.
- PRIMSA ; **"The impact of lifelong learning policies on the inclusion of vulnerable groups"**.
- Salehi -Isfahani, Djavid; Daniel Egel (2007) **"Youth exclusion in Iran"**. Brookings Wolfensohn center for development/ Dubai school of government.
- Silver, Hilary (1994) **"socialexclusionand social solidarity: Three paradigms"**. International Labour Review, Vol. 133, Nos 5-6, pp. 531-78.
- Silver, Hilary (2007) **"the process of social exclusion: the dynamic of an evolving concept"**. USA, Brown university
- Smith, Joan (1991) **"Risk, Exclusion, Moral Order and Social Capital – a first theorizing of youth homelessness"**. London Metropolitan university
- Undp (2007). Bosnia_And_Hercegovina
- Vrooman, C., Jehoel, G. (2008) **"Said exclusion of the elderly a comparative study of EU member states"**. ENEPRI Research Report. NO. 57.



بررسی نقش تشکل های غیر دولتی جوانان «YNGOs» در کسب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

روح اله مدبر^۱
مهدی ذاکریان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۷

سازمان های غیردولتی، یکی از مصادیق جامعه مدنی در ارتباط با حاکمیت ارزش های مردمی هستند که زمینه مشارکت بیشتر مردم را در اداره امور مختلف اجتماعی فراهم می کنند و می توانند با کمک در امور چون: سیاستگذاری، اجرا و پیگیری فعالیت ها در اداره امور عمومی نقش داشته باشند. در این مقاله به بررسی وضعیت YNGOs (سازمان های غیر دولتی جوانان) در ایران پرداخته شده است. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه ای سعی بر آن دارد تا نقش و اهمیت سازمان های مردم نهاد جوانان در کسب منافع ملی برای جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید و اهمیت این سازمان ها و لزوم تلاش برای تغییر وضعیت موجود آنها در جهت منافع کشور را بازگو نماید. امروزه، سازمان های غیر دولتی جوانان با فعالیت غیر انتفاعی و داوطلبانه در جهت رفاه و خدمات عمومی به انجام فعالیت می پردازند. این سازمان ها بنابر تعریف سازمان ملل متحد، در کاهش دردها و افزایش منافع فقرا و حفظ محیط زیست، تامین خدمات اجتماعی و شاخص های توسعه فعال هستند. با توجه به تلاش هایی که سازمان های غیردولتی در راستای اقدامات بشردوستانه و کمک رسانی در زمینه مواد غذایی، مراقبت های پزشکی، لباس و سایر نیازمندی ها در شرایط وقوع رخدادهایی که موجب خسارت به جوامع بشری از جمله عوامل طبیعی و یا جنگ و اقدامات تروریستی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: modaber21@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

گروه های افراطی می شود صورت می دهند، به این نتیجه رسیدیم که این اقدامات عام المنفعه به ویژه توسط تشکل های غیر دولتی جوانان در سایر کشورهای جهان که به صورت طبیعی در مسیر اعمال نفوذ بر مخاطبان خارجی، ایجاد فهم مشترک از برنامه های عام المنفعه و بشردوستانه کشور خود برای دیگران و به عبارتی دیگر، تصحیح سوء برداشت ها با ورود به عرصه هایی که دغدغه مشترک جامعه بشری است، می گردد با کسب منافع ملی برای کشور خود رابطه مستقیم دارد. در پایان، با ارائه پیشنهاداتی سعی می شود که به مشکلات و موانع توسعه این تشکل ها در حوزه جوانان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: سازمان های غیر دولتی، سازمان های غیر دولتی جوانان، منافع ملی و دیپلماسی عمومی

مقدمه

گسترش تمدن و توسعه اجتماعات و زندگی جمعی، موجب شده انسان ها جهت رفع نیازهای خود دست به دست هم دهند و با همیاری یکدیگر در مسیر رسیدن به خواسته های مشترک کوشش نمایند. بدین ترتیب، فعالیت گروهی در گذر زمان شکل گرفته و موجب پیدایش سازمان ها شده است؛ پدیده ای اجتماعی که به طور آگاهانه هماهنگ شده است و برای تحقق هدف یا اهدافی بر اساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می کند. امروزه، دوران کار به شیوه انفرادی و مجزا از سایر نهادها دیگر به پایان رسیده است، زیرا با افزایش فزاینده مطالبات شهروندان از دولت ها، دیگر امکان ارائه همه کالاها و خدمات به تنهایی توسط دولت میسر نیست. به همین دلیل در سال های اخیر در اثر شکست دولت ها در ارائه خدمات کافی و مناسب، حمایت و علاقه به سازمان های غیردولتی افزایش یافته است. بر این اساس، در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، این گونه نهادهای مدنی به منظور تکمیل تلاش های توسعه ای و خدماتی دولت ها تأسیس می شوند. در دنیای کنونی سازمان های غیردولتی با فعالیت غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفاه و خدمات عمومی به انجام فعالیت می پردازند. این سازمان ها شامل جمعیت ها، گروه ها و نهادهای انسانی و خودجوش و برآمده از مردمی هستند که مهمترین شاخصه خود را در استقلال از دولت تبیین می نمایند. این سازمان ها بنا بر تعریف بانک جهانی، در کاهش دردها و افزایش منافع فقرا و حفظ محیط زیست، تأمین خدمات اجتماعی و توسعه اجتماع ملی فعال هستند و در تمام عرصه های ملی و بین المللی فعالیت می نمایند.

سازمان های غیردولتی، یکی از مصادیق جامعه مدنی در ارتباط با حاکمیت ارزش های مردمی هستند که زمینه مشارکت بیشتر مردم را در اداره امور مختلف اجتماعی فراهم می کنند و می توانند با کمک در اموری چون: سیاست گذاری، اجرا و پی گیری فعالیت ها در اداره امور عمومی نقش داشته باشند. بدون سازمان های غیردولتی، دولت درکی از آنچه در حال وقوع در سطوح پایین جامعه رخ می دهد، ندارد و در چنین شرایطی، برداشت از نیازهای جامعه مبهم خواهد بود. ارگان های سطح بالای رهبری برای تصمیم گیری به اطلاعات یکطرفه و نادرست وابسته خواهند بود و لذا اجتناب از ذهنیت گرایی را دشوار خواهند یافت. انجمن ضد بردگی (۱۸۳۹)، عفو بین الملل، فدراسیون بین المللی حقوق بشر، کمیسیون بین المللی حقوقدانان، سازمان دفاع از کودکان جهان، هلال احمر و نهضت جهانی صلیب سرخ، سازمان پزشکان بدون مرز و پزشکان جهانی نمونه NGOs های فعال در عرصه بشردوستانه می باشند که واسطه ای امین برای انتقال آلام بشری به رهبران سیاسی بوده اند و همواره در کنار مردم جهت حمایت از آنان در وقوع شرایط سخت طبیعی یا جنگ و خشونت های نژادی اقدام نموده اند.

سازمان غیر حکومتی یا آن گونه که بتازگی در کشورمان با عنوان «سازمان مردم نهاد» شناخته می شود، مفهومی است که می توان تعریف خاص، دقیق و جامعی برای آن یافت - البته امکان جستجوی تاریخیچه معینی از زمان ایجاد آن وجود ندارد. براساس قطعنامه شماره E/۱۹۹۶/۳۱ شورای اقتصادی و اجتماعی، هر سازمانی که ارگان های دولتی و یا موافقت نامه های بین الدولی تشکیل نداده باشند، غیردولتی محسوب می گردد. همچنین، سازمان هایی که اعضای دولتی را به عضویت خود می پذیرند، در صورتی که این گونه عضویت ها به آزادی بیان و عقاید سازمان خلی وارد نیارد، غیردولتی محسوب می گردد.

با جمع بندی موارد فوق، NGOs به هر سازمان غیر حکومتی و داوطلبانه ای اطلاق می شود که در سطح محلی، ملی یا بین المللی فعالیت دارد و افرادی با علایق مشترک آن را اداره می کنند. خدمات انسان دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال نظارت بر سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در شمار فعالیت این سازمان قرار دارد. در حوزه جوانان نیز رعایت شرط سنی ۱۵ تا ۲۹ سال از لازمه های

تشکیل و فعالیت NGOs می باشد و در سایر شرایط، مطابق با مقرارت کلی تشکل های غیر دولتی است.

اهداف پژوهش

هدف نهایی این پژوهش، حرکت به سمت واگذاری امور به دست NGOs و کاهش تصدی گری دولتی است.

هدف کلی این پژوهش، بررسی وضعیت تشکل های غیر دولتی جوانان و مشکلات فراروی آنان در شرایط فعلی و معرفی جایگاه جوانان در ترویج گفتمان بشردوستانه در نظام داخلی و بین الملل با محوریت مشارکت NGOs در مدیریت چهره کشور نزد افکار عمومی جهانی است.

هدف ویژه و کاربردی نیز معرفی ظرفیت NGOs برای نخبگان و امکان استفاده از این توان برای حرکت در کسب منافع ملی با محوریت جوانان ایرانی و ارتقای جایگاه نوع دوستی ایرانیان نزد افکار عمومی جهانیان می باشد. این ظرفیت می تواند در مسیر منافع ملی و از طریق دیپلماسی عمومی و نوین صورت پذیرد و علاوه بر ترغیب جوانان ایرانی برای ورود به امور مشارکت جویانه کشور، در تقویت حس مسئولیت پذیری آنان برای نزدیکی به سازمان های بین المللی مرتبط و جذب حمایت افکار عمومی جامعه جهانی نقش ویژه ای ایفا نماید. شکی نیست که پیشرفت یک جامعه دموکراتیک بستگی به ظهور و توسعه جامعه مدنی دارد. ارتباط بین دولت، اقتصاد و بازار، وظیفه نوع خاصی از سازمان ها یعنی سازمان های غیرحکومتی NGOs یا سازمان های داوطلبانه است. در واقع، اعضای این گونه سازمان ها، کارمندان حرفه ای عالی مقام با حقوق مکفی نیستند، بلکه بیشتر به صورت افتخاری و با اهداف متعالی انسانی کار می کنند. در دنیای کنونی، این اصل پذیرفته شده که می توان با استفاده از ظرفیت تشکل های غیر دولتی به بسیاری از تعهدات بین المللی و اصول ذکر شده در منشور ملل متحد دست یافت. بشر امروزی به مفهوم جامعه بین المللی در کل می اندیشد. مرزهای بین المللی که روزگاری پس از عهدنامه وستفالی از جایگاه ویژه ای برخوردار بود- به طوری که در منشور ملل متحد نیز به صلاحیت ملی و انحصاری تأکید شده بود- امروزه تحت الشعاع مباحثی مانند حقوق بشر، توسعه و محیط زیست قرار گرفته است. اکنون بر پایه همین پارامترها، نقش سازمان های غیرحکومتی در ترویج مفاهیم بشردوستی بر کسی پوشیده نیست؛ به خصوص در بلایای طبیعی و موارد اضطراری، بسیاری از کشورها که چندان توجهی به اینگونه سازمان ها نداشتند و آنها را بیگانه می شمردند، اکنون به اهمیت آنها ادعان می کنند. اهمیت تشکل های غیردولتی نه تنها پس از بروز فاجعه نمایان می شود، بلکه همان نطق و شعور بشری است که گسترش می یابد و توسعه پیدا می کند.

با توجه به اینکه در دنیا اثر گذاری رسانه های خصوصی و سازمان های غیر دولتی بسیار بیشتر از تریبون ها و بلندگوهای دولتی است، NGOs (تشکل های غیردولتی) می توانند نقش موثری در این مهم ایفا کنند. از توصیه های دین مبین اسلام که در کتاب آسمانی قرآن کریم به آن اشاره شده است، ترویج اقدامات بشردوستانه، نیکوکارانه و همنوع دوستی است که انجام آن موجبات آرامش انسان را نیز فراهم خواهد نمود (سوره مبارکه نمل، آیه ۸۹). بدیهی است که جوان ایرانی با نگاه به آینده و ظرفیت بالقوه فکر و نیروی خود می تواند در مسیر توسعه گفتمان بشردوستی نقشی موثر در معرفی دیپلماسی صلح طلبانه ایران بردارد.

چارچوب نظری

با توجه به اینکه بخش عمده ای از مسائل مرتبط با رشد و گسترش NGOs در ایران و اینکه آیا آنها می توانند در کسب منافع ملی سهیم باشند، به نوع نگاه دولت به این مجموعه ها وابسته است، این پژوهش را

می توان با نظریه سازه انگاری عملیاتی نمود. بی تردید، نگاه هنجاری کارگزاران و توجه به سازمان های بین المللی با این نظریه قابلیت اجرایی شدن دارد. در نگرش سازه انگاری بر ساخت اجتماعی تاکید می شود؛ به طوری که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد. در این تئوری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت ها را تعیین می نماید. سازه انگاری به این امر می پردازد که چگونه هویت ها و هنجارهای اجتماعی مردم می توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائل اند. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵) پس از روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران به ریاست دکتر حسن روحانی دستگاه دیپلماسی ایران در مسیر سیاست خارجی تعامل سازنده با نظام بین الملل به عنوان کلیدی برای حل مشکلات سیاسی و اقتصادی حرکت نمود. (حاجی یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) آنچه امروز در نظام بین الملل به عنوان یک امر پذیرفته نزد نخبگان مطرح می باشد، آن است که برداشت از واقعیت حداقل به اندازه خود واقعیت دارای اهمیت است. به عبارتی، تصویری که سایرین از یک کشور دارند، حداقل به اندازه واقعیت دارای اهمیت است. در این راستا همانگونه که سازه انگاران می گویند کشورها بر اساس برداشتی که از هم دارند، همدیگر را درک می کنند و بر اساس همین برداشت به اتخاذ سیاست می پردازند. (ترابی ۱۳۸۸: ۳۸) بنابراین، ارائه چهره و تصویری مثبت از کشور و تعریف آن به عنوان کشوری مسئول و تابع قواعد و رژیم های بین المللی، می تواند باعث گسترش تعاملات و پذیرش آن کشور به عنوان کشوری مسئول در عرصه بین المللی و در نتیجه، ورود گسترده تکنولوژی ها و سرمایه گذاری خارجی گردد. در این راستا، ارائه تصویری مثبت از کشور موجب می شود که توسعه آن برای سایرین تهدید در نظر گرفته نشود. (Fritz, 2006; 15) لذا نگاه مثبت به توسعه سازمان های غیر دولتی در مسیر اعتماد سازی به نسل جوان و استفاده از ظرفیت آنان موجب مشارکتی برد- برد، برای تسهیل در روند تغییر چهره کشور در نظام بین الملل می تواند مورد استفاده قرار گیرد. نقشی که NGOs های جوانان ایران می توانند در ارائه تصویر صلح طلبانه کشور در نظام بین الملل ایفا کنند و یا در محکومیت اقدامات نقض حقوق بشری متعدد از جمله کشتار مسلمانان عراق، پاکستان، بحرین، فلسطین، یمن... و یا سایر موارد جنایات ضد بشری انجام دهند، دولت و دستگاه دیپلماسی با ائتلاف هزینه های هنگفت به آن خواهند رسید.

در این میان، "سازمان های غیردولتی" به عنوان نهادی مستقل و خودانگیخته علاوه بر اینکه می توانند در دوگانه رابطه "مردم - مردم" و یا "مردم - دولت" به عنوان "واسطه" یا "تسهیلگر" عمل نمایند، همزمان نیز می توانند میزان تأثیر و کارایی رفتار مدنی و شخصیت مدنی جامعه را اعتلا و مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. در جوامعی که نقش جوانان فعال باشد، آنان به عنوان "ظرفیت بالقوه" - دیده می شوند نه مشکل و معضل - و بر اساس ضرورت ها و دغدغه های جامعه، در نقش ها و مسئولیت های متعددی مانند کمک رسان یا خدمت رسان، اطلاع رسان، امدادگر، مددکار یا نیکوکار ورود می نمایند و در حوزه تکالیف ملی همانند "واسطه گری" یا "تسهیلگری" فعال شرکت دارند که عموماً این نقش در مسیر کسب منافع ملی می باشد. سازمان های غیردولتی جوانان در شبکه های اجتماعی "خودساز" و "خود کفا" زنجیره و حلقه های ارتباطی را تشکیل می دهند و در مسیر اهداف و وظایف مورد نظرشان به ابزار اطلاع رسانی و شفاف سازی تبدیل و یا به عنوان همکار یا همیار، ناظر و منتقد بر عملکرد دولت ها هستند. نظام بین الملل به مجموعه ای از دولت ها اشاره دارد که در تماس با یکدیگرند و تعامل آنها با یکدیگر به حدی است که هر یک از آنها در محاسبات خود رفتار دیگر را مدنظر قرار دهد. این تعاملات می توانند مستقیم و غیرمستقیم و از سوی یک طرف ثالث باشند. در مقابل، جامعه بین الملل یا جامعه مرکب از دولت ها در شرایطی وجود دارد که «گروهی از دولت ها

با آگاهی از برخی منافع مشترک و ارزش های مشترک به یک جامعه شکل دهند؛ به این معنا که در روابطشان با یکدیگر، خود را مقید به مجموعه ای مشترک از قواعد تصور کنند و در کارکرد نهادهای مشترک سهیم باشند». نهادهای بین المللی، دولت ها را از نقش اصلی شان در اجرای کارکردهای سیاسی جامعه بین الملل محروم نمی کنند و به عنوان مرجع اقتدار مرکزی در نظام نیز عمل نمی نمایند. آنها تجلی عنصر همکاری میان دولت ها، کارکردهای سیاسی و در عین حال ابزاری برای تداوم بخشیدن به همکاری های چندجانبه هستند. نهادهای دولت ها را متوجه آن می کنند که از اهداف مشترک خود غافل نمانند. دولت ها از طریق نهادهای بین المللی در جهت ایجاد، اجرا و حمایت از قواعد عمل می نمایند.

البته، نگاه سیاسی به برخی از حوزه های فعالیت سازمان های مردم نهاد، ارتباط میان دولت به طور عام و نهاد ناظر بر این سازمان ها به طور خاص با این سازمان ها و تشکل ها را از یک رابطه تعاملی به یک رابطه ستیزی تبدیل می کند. به بیان بهتر، به جای آن که این دو، با موقعیتی برابر با یکدیگر درباره اهداف مشترک گفتگو کنند و به دنبال توسعه کشور و ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات و کسب منافع ملی باشند، ارتباطی خصمانه با هم پیدا می کنند و با سوء تفاهم بین دولت و سازمان های غیردولتی، هیچگونه همکاری و همبازی مشترکی بین این دو به ظهور نمی رسد. متأسفانه، این رویکردهای سیاسی در کشور ما نسبت به برخی از حوزه های فعالیت تشکل ها وجود دارد. (معاونت مطالعات و تحقیقات، سازمان ملی جوانان ۱۳۸۶)

پرسش های پژوهش

- سازمان های غیر دولتی جوانان چه نقشی در تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارند؟
- NGOs های جوانان در ایران و نظام بین الملل چه فعالیت هایی انجام می دهند؟

به نظر می رسد در حوزه مدیریت فرهنگی - اجتماعی (دولتی یا حاکمیتی) در کشورمان به دلایلی چون: سهل انگاری در درک مسائل، عدم درک صحیح از شرایط و وضعیت موجود، تحلیل ناصحیح از برداشت های ذهنی، مقطعی و القایی، عدم شناخت کافی زیر بنایی یا سطحی نگری به مسائل و تبدیل پلکانی آن به معضل، مشکل، التهاب و بحران، تأخیر در اقدام مؤثر و برون رفت از شرایط نامطلوب و از همه مهمتر، تکرار اشتباهات، هزینه ها بسیار بالاست، حال آنکه با اعتماد و پذیرش سازمان های غیردولتی می توان بخشی از حفره ها و خلأهای موجود در نظام مدیریتی را پر کرد و هزینه ها را چه به لحاظ منابع مالی و انسانی و چه از نظر زمانی کاهش داد.

جنس سازمان های غیردولتی به گونه ای است که می توانند نقاط ضعف این روابط را پوشش دهند یا ترمیم نمایند، جوانان را از حالت ایستایی خارج کنند و به سمت جوانانی فعال و اثرگذار سوق دهند. البته گام نخست این فرآیند از سوی دولت با محوریت بازشناسی NGOs و تغییر رویکرد دولت به آنهاست، که هر چه این گام زودتر برداشته شود، منفعت بیشتری برای دولت و مردم در پی خواهد داشت. اگر بپذیریم سازمان های غیردولتی، حد فاصل دولت و مردم و واسطه ای ارزشمند و تسهیلگرانی حرفه ای هستند، گام های بعدی این اعتماد توسط تشکل ها غیردولتی می تواند برداشته شود و نتایج آن هم روشن خواهد بود.

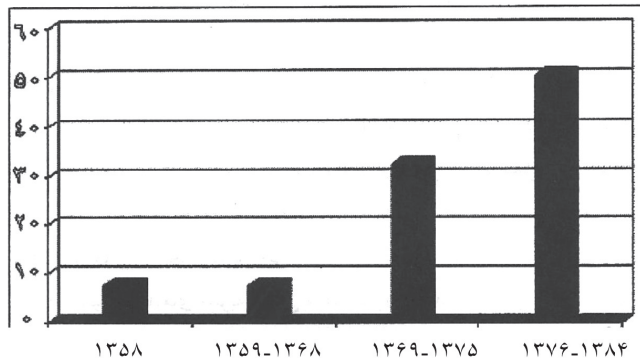
ضرورت انجام پژوهش

در دو دهه اخیر، NGOs به بازیگران مهمی در سطوح مختلف زندگی بشری تبدیل شده اند؛ به طوری که می توان به طور منطقی استدلال کرد که ظهور این سازمان های داوطلبانه غیر دولتی می تواند موجب بروز تغییراتی در روابط بین دولت ها و جوامع در سراسر جهان شود. فیشر (۱۹۹۷)، ظهور NGOs را به انقلابی

بی سر و صدا با اهمیتی همسان با ظهور دولت مدرن در قرن نوزده تشبیه کرده است. برخی نیز با طرح نظریه (خیر عمومی) علت وجودی NGOs را ارضای تقاضاهای برآورده نشده خیر عمومی در جامعه می دانند. به عبارتی، معتقدند دولت ها معمولاً خیر عمومی را فقط در سطحی فراهم می سازند که رأی دهندگان میانی را ارضا می کند، در حالی که یک اقلیت مهم، یک نوع خیر عمومی یا سطحی خاص از خیر عمومی را درخواست می کند که فاقد حمایت اکثریت است و دولت نمی تواند در این زمینه کمکی کند. لذا، NGOs در این زمینه و جهت پر کردن این شکاف گام بر می دارند. بعضی از بخش های جامعه ممکن است به خیر عمومی بیشتری از آنچه دولت مایل است ارائه دهد نیاز داشته باشند. آنها می توانند با سازماندهی خود و بسیج نیروهای مردمی غیردولتی محلی، ملی و حتی بین المللی نیازهای خود را تأمین نمایند. به عبارت دیگر، هر چه جامعه ای دارای انسجام و همگنی بیشتری باشد و از نظر فرهنگی به سمت دموکراسی و نگاه به فعالیت های غیردولتی آزادانه سوق داده شده باشد، بیشتر مستعد ظهور این نوع سازمان های داوطلبانه است.

NGOs جوانان نقش موتور محرک را بر عهده دارند، اما آنچه حائز اهمیت است ورود این سازمان های غیردولتی به مباحث بشردوستانه به خصوص در ایران است. به عبارتی، جمهوری اسلامی ایران می تواند از ظرفیت NGOs بشردوستانه جوانان در زمینه های مختلف بهره هایی در راستای منافع ملی بردارد. آنچه از تحقیقات انجام شده برمی آید این است که در حال حاضر، سازمان های غیردولتی ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند؛ چنان که روند رشد آنان طی هشت سال (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲) سیر نزولی داشته است. اما در دولت جدید، روند توسعه تشکل های غیر دولتی مجدداً آغاز شده است. (جدول ۱ و نمودار ۱)

نمودار ۱: توزیع درصدی تاسیس تشکل های غیر دولتی ایران

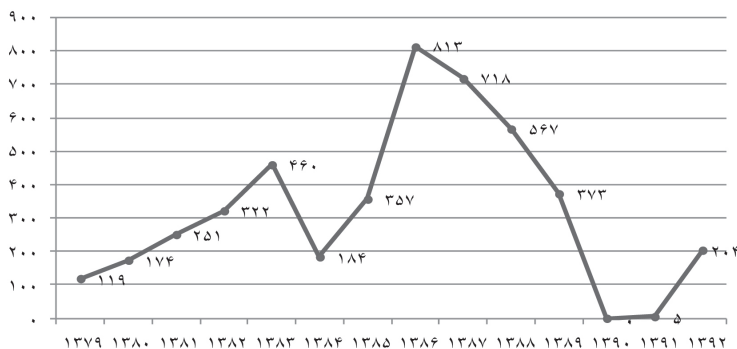


جدول ۱: جدول صدور مجوز به سازمان های مردم نهاد جوانان

ردیف	سال صدور	تعداد	درصد
۱	۱۳۷۹	۱۱۹	۲/۶۲
۲	۱۳۸۰	۱۷۴	۳/۸۳
۳	۱۳۸۱	۲۵۱	۵/۵۲
۴	۱۳۸۲	۳۲۲	۷/۰۸
۵	۱۳۸۳	۴۶۰	۱۰/۱۲

۶	۱۳۸۴	۱۸۴	۴/۰۵
۷	۱۳۸۵	۳۵۷	۷/۸۵
۸	۱۳۸۶	۸۱۳	۱۷/۸۸
۹	۱۳۸۷	۷۱۸	۱۵/۷۹
۱۰	۱۳۸۸	۵۶۷	۱۲/۴۷
۱۱	۱۳۸۹	۳۷۳	۸/۲۰
۱۲	۱۳۹۰	۰	۰/۰۰
۱۳	۱۳۹۱	۵	۰/۱۱
۱۴	۱۳۹۲	۲۰۴	۴/۴۹
جمع کل		۴۵۴۷	۱۰۰/۰۰

نمودار ۲: نمودار مقایسه ای تعداد سازمان های مردم نهاد جوانان به تفکیک سال صدور



گزارش معاونت ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۳: ۲۱

همانطور که تحقیقات نشان داده درصد کمی از افراد - چه در خارج و چه در درون سازمان های غیردولتی - معتقد به تأثیرگذاری این سازمان ها در کشور هستند. دولت مورد نظر «لاک» دولتی است متکی بر رضایت مردم. بنابراین، هر گونه تجاوز و تعدی به مردم حق می دهد که قرار داد را باطل بدانند و اختیاراتی را که داده اند، پس بگیرند. لذا همانطور که اشاره شد توسعه تشکل های غیر دولتی از ملزومات جامعه مدنی است و موجبات رشد و توسعه سیاسی کشورها را نیز فراهم می نماید. استفاده از ظرفیت این تشکل ها که هیچ محدودیتی برای انجام برنامه های برون مرزی ندارند می تواند در راستای منافع ملی کشورها و دیپلماسی عمومی مفید واقع شود.

ادبیات و پیشینه

متأسفانه، آنچه در حوزه پژوهش پیرامون NGOs در ایران صورت پذیرفته، با شاخص جهانی فاصله زیادی دارد. شاید یکی از دلایل عمده آن، عدم اعتماد و شناخت نخبگان سیاسی کشور از اهمیت تشکل های

غیر دولتی در توسعه دیپلماسی عمومی و حرکت در مسیر قدرت نرم و دستاوردهای عمده بین المللی با رویکرد منافع ملی باشد- با وجودی که همواره در شعار نخبگان کشور به این امر اشاره می شود، اما تحقق آن در بدنه اجرایی با بن بست های سخت بروکراسی متوقف می گردد.

کمبود پژوهش های کاربردی در این حوزه نیز خود گویای مغفول بودن جایگاه ویژه NGOs نزد پژوهشگران ایرانی است. قدمت یکصد ساله تشکل ها غیردولتی در نظام حقوقی ایران مبین آن است که این تشکل ها در نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شده اند. این تشکل ها مانند سایر مؤسسات خصوصی دارای شخصیت حقوقی هستند. این تشکل ها دارای اهلیت برخورداری از حقوق مالی و سیاسی می باشند، اما از حقوق غیرمالی مانند سایر اشخاص حقوقی محروم اند. در ادامه، به مرور نمونه ای از اهم پژوهش های تجربی موجود در این زمینه می پردازیم:

در پژوهشی که با عنوان «موانع ناکارآمدی NGOs در ایران» توسط طالبی در سال ۱۳۹۰ انجام شده، مسئله تشکل های غیر دولتی از دید حقوقی بررسی گردیده است. وی در پژوهش خود به مواردی از جمله: جایگاه متزلزل این سازمان ها در نظام حقوقی ایران، اشاره نموده و آن را یکی از مهم ترین نارسایی های حقوقی کشور ایران در زمینه سازمان های غیر دولتی، دانسته است. او با اشاره به جایگاه نامناسب سازمان های غیر دولتی در قوانین ایران، دلیل آن را فقدان امنیت حقوقی کافی در این زمینه دانسته است.

پژوهش دیگری با عنوان «بررسی نقش عوامل سیاسی و امنیتی در سیاست گذاری سازمان های مردم نهاد ایرانی» توسط مجیدی در سال ۱۳۹۲ انجام شده است. وی تأسیس و توسعه سازمان های مردم نهاد را از جمله سازوکارهای مشارکت مردم در سطوح محلی، ملی و بین المللی دانسته و معتقد است آنها بر عرصه های گوناگون زندگی جوامع انسانی تأثیر می گذارند. وی در این پژوهش آورده است که یکی از این حوزه های تأثیرپذیر، منافع حاصله برای امنیت ملی کشورهاست. برای سیاست گذاری در حوزه سازمان های یادشده، شناخت عوامل متفاوت و از جمله عوامل سیاسی و امنیتی ضروری است. این پژوهش برآن است تا با شناخت این عوامل، میزان و چگونگی تأثیرگذاری آنها بر ابعاد منافع حاصل بر امنیت ملی کشور را دریابد. حاصل این پژوهش که با روش های تحقیق پیمایشی، اسناد و مدارک علمی و مصاحبه عمقی صورت پذیرفته است، نشان می دهد که عوامل یادشده بر سه بعد منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شامل ایده دولت، نهادهای دولت و پایگاه مادی دولت تأثیر مستقیم دارند. بر این مبنا، بیشترین تأثیر این عوامل بر بعد ایده دولت است. پژوهش دیگری با عنوان «موانع رشد و گسترش سازمان های غیردولتی در ایران» توسط سعیدی در سال ۱۳۸۱ با محوریت بررسی آرای گوستاو لوبون، نیل اسملسر، جیمز دیویس، رابرت تدگار، کورن هازر، هربرت بلومر، رالف ترنرولویس و... از منظر جامعه شناسی و رفتارشناسی در باره تجزیه و تحلیل علل عدم توسعه NGOs در ایران انجام شده است. وی معتقد است رویکرد نهادگرایی در ایران که بیشتر ریشه در تجزیه و تحلیل اقتصادی دارد موجب شده برخی افراد NGOs را با رویکردی اقتصادی مورد سوءاستفاده قرار دهند. از دیگر پژوهش های مرتبط، «بررسی سازمان های غیردولتی و نقش آن در توسعه پایدار» توسط بقائی است که در سال ۱۳۹۱ صورت پذیرفته و به کتاب نیز تبدیل گردیده است. وی معتقد است توسعه و توسعه یافتگی در همه ابعاد از مهمترین موضوعات مطرح در دهه های اخیر بوده و جوامع انسانی با همه امکانات و تدابیر خود می خواهند به این هدف نایل شوند و از جمله شاخص های توسعه یافتگی توسعه فرهنگی است که سازمان ها و نهادهای مختلفی در این عرصه فعالیت می کنند. از جمله نهادهای تسهیل گر در فرایند توسعه جوامع در عصر جهانی شدن، سازمان های مردم نهاد غیر دولتی موسوم به NGOs هستند که توانسته اند خیلی از مسائل پیش روی رسیدن به توسعه فرهنگی را حل کنند.

«سیاست زدایی از جامعه مدنی» عنوان پژوهشی است که توسط صادقی در سال ۱۳۸۴ صورت پذیرفته

است. وی تجربه سازمان های غیردولتی در دوره اصلاحات را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده مقاله دلایل توسعه NGOs در دولت اصلاحات را در برنامه های توسعه سیاسی و تبیین جامعه مدنی می داند و معتقد است که علت ضعف موجود، عدم توانمند سازی این تشکلات ها و توجه به افزایش کمی آنها بدون رویکرد افزایش کیفی می باشد.

در پژوهشی دیگر با عنوان "Analysing the results of NGO peace practices" که توسط دوما، در سال ۲۰۱۰ صورت پذیرفته، به بررسی شیوه های استفاده از ظرفیت NGOs، با رویکرد بشر دوستانه به صورت موردی در جنایات و نقض حقوق بشردوستانه صورت گرفته در کنگو پرداخته شده است.

با بررسی پژوهش هایی که در حوزه فعالیت تشکلات های غیر دولتی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته به این نتیجه می رسیم که در این زمینه به مباحث مختلف از جمله: مأموریت های کلی، ایرادات حقوقی در خصوص اساسنامه و مراحل کسب مجوز، جهانی شدن و نقش NGOs، موانع رشد تشکلات های غیر دولتی، نگاه نخبگان به جایگاه تشکلات های غیر دولتی و غیره پرداخته شده، اما متأسفانه هیچ پژوهش جدی درباره نقش تشکلات های غیر دولتی و مأموریت ها و اقداماتی که این تشکلات ها به ویژه در ایران انجام می دهند، صورت نگرفته است. همچنین، شرایطی که در برخی دوره ها مانع از رشد تشکلات های غیر دولتی در کشور شده و سیر نزولی صدور مجوز برای آنها طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ را در پی داشته، در پژوهش ها مورد بررسی قرار نگرفته است. استفاده از ظرفیت بشردوستانه تشکلات های غیر دولتی جوانان در توسعه دیپلماسی نوین و دیپلماسی جوانان جهت کسب منافع ملی و افزایش قدرت نرم کشور از ویژگی هایی است که در این پژوهش برای نخستین بار به آن پرداخته شده است.

به اعتقاد بیشتر صاحب نظران علوم سیاسی، ظرفیت های سازمان های مردم نهاد جوانان در افزایش قدرت نرم و کسب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران مشروعیت میزان قابل توجهی از اراده، روحیه و شخصیت ملی را معین می کند و همه سطوح مدیریت امنیتی را شکل می دهد. قدرت رهبری کارآمد و تصور مردم از مناسب بودن استراتژی ملی و یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی از میزان مشروعیتی ناشی می شود که دولت یا رژیم حاکم از آن بهره مند است. (Buzan, 1995: 48) اما در تعریفی ساده تر، مشروعیت بدین نکته توجه دارد که آیا مردم یک کشور، حکومت را حق حاکمان دانسته و نسبت به آن وفادارند یا نه؟ داشتن مشروعیت بالا به رژیم حاکم کمکی کند تا به راحتی درباره اهداف ملی و وسایل مربوط به آن تصمیم گیری و منابع داخلی و خارجی متناسب را برای تحقق آن اهداف استخدام کند. مشروعیت ضعیف ضمن ایجاد شکاف بین جامعه - حکومت و تشدید آسیب پذیری های داخلی، تهدیدات خارجی را نیز در پی می آورد و به تشتت و بی ثباتی دامن می زند. حکومت های نامشروع که همواره پایه های قدرت خود را متزلزل می بینند، همه تحولات عادی را امنیتی و هر حرکتی را نوعی توطئه دیده و همواره در صدد کنترل توطئه برمی آیند. آبراهامیان تئوری توطئه را نداشتهن اعتقاد یا باور نکردن شکل ظاهری رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می داند. (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۱) اشرف نیز در تعریف توهم توطئه آورده است: «توهم توطئه، نوعی بیماری روانی فردی و جمعی است. بیماری فردی سوءظن به همه چیز و همه کس را «پارانویا» و بیماری جمعی را تئوری توطئه می نامند. کسی که به «توهم توطئه» در مفهوم اخیر آن مبتلاست، تمام وقایع عمده سیاسی و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی را در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و سازمان های سیاسی و اقتصادی و حتی مذهبی وابسته به آن سیاست می پندارد. (رمضان زاده، ۱۳۷۴: ۷)

این نوع تبیین معمولاً دارای سه ویژگی بنیادی است که بارزترین آن انتساب حوادث به عوامل خارجی است؛ خواه این عامل خارجی یک قدرت بیگانه باشد یا یکی از احزاب و جناح های رقیب. ویژگی دیگر این تئوری، فراگیری آن نسبت به همه حوادث سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی و مذهبی است. از دیدگاه

طرفداران این تئوری، همه انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنگ‌ها، عقب‌ماندگی‌ها و وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی، ترورهای سیاسی و کمبودهای اقتصادی و... را دست پنهان بیگانه کارگردانی می‌کند. ویژگی دیگر این تئوری، فقدان استدلال و تحلیل علمی در آن است. همه کسانی که بر این اساس به تحلیل حوادث می‌پردازند، بسیاری از وقایع اجتماعی را بدون کاوش‌های علمی و کشف علل حادثه به توطئه دیگران نسبت می‌دهند؛ به‌طوری که گویا حوادث عالم به غیر از توطئه نمی‌تواند علل دیگری داشته باشد. به عنوان نمونه، در تبیین علی انقلاب‌ها هواداران انقلاب یا کسانی که از آن سود جستند، انقلاب را به قیام دلیرانه توده‌های ناراضی مردم نسبت می‌دهند، ولی مخالفان انقلاب‌ها و محافظه‌کاران سیاسی اغلب علت انقلاب را به دست پنهان و توطئه‌گر بیگانه نسبت می‌دهند و فراماسون‌ها، کارتل‌های نفتی، دستگاه‌های جاسوس و ابرقدرت‌ها یا ترکیبی از آنان را عامل وقوع انقلاب می‌دانند.

چنین حکومت‌هایی، به عمد و در عمل به بی‌اعتمادی در جامعه دامن می‌زنند و فقط به نیروهایی که به صورت فوری، عملیاتی و عینی وفادار هستند، امتیاز می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت هم‌رأیی مردم و همراهی ایشان با سیاست‌های دولت، همچنین پذیرش نسبی حکومت کشور نزد بخش عمده‌ای از ساکنان آن، یکی از پایین‌ترین منابع قدرت را در اختیار دولتمردان یک کشور قرار می‌دهد. در این سبک حکومتداری با نگاه امنیتی به مسائل، از توسعه مشارکت‌های اجتماعی نیز کاسته می‌شود و فعالیت‌های مردمی تحت نظر و ذره بین شدید دستگاه‌های نظارتی و امنیتی صورت می‌پذیرد. در این رویکرد، شکلی از جامعه مدنی که باعث رشد سرمایه اجتماعی است ملاحظه نمی‌شود.

اما بنا به نظر پژوهشگران عرصه مطالعات اجتماعی و علوم سیاسی، مهم‌ترین عامل مؤثر بر اقتدار نرم دولت در صحنه سیاست خارجی و داخلی، افزایش مشارکت‌های اجتماعی توسط تشکلات و مجموعه‌های غیر دولتی است (کلارک، ۲۸: ۲۰۰۰). چرا که معتقدند این وجه از قدرت، پایه‌های تصمیمات سیاست خارجی و داخلی کشور را محکم ساخته، مشروعیت لازم برای سیاست‌های متخذه در روابط خارجی را در انظار دولت‌های دیگر، فراهم می‌آورد و می‌توان با استفاده از این توان در مسیر کمک به دیپلماسی عمومی گام برداشت. از سوی دیگر، این امر در بطن خود، درجه‌ای از وحدت و هم‌سوگیری را در میان مردم کشور موجب می‌شود که به نوبه خود با کاستن از امکان درگیری‌ها و اختلافات قومی و مذهبی، سرمایه مناسبی از قدرت نرم را در اختیار حکومت قرار می‌دهد. پوتنام معتقد است سرمایه اجتماعی که لازمه آن مشارکت اجتماعی و توسعه تشکلات غیر دولتی می‌باشد، مجموعه‌ای از مفاهیم مثل اعتماد، هنجار و شبکه‌های ارتباطی میان افراد یک اجتماع است که موجب افزایش امنیت جامعه خواهد شد، چرا که افراد در محیطی ساختارمند حتی اعتراضات خود به سیستم حاکم را اعلام می‌کنند و به این واسطه، دولت در جریان مستقیم نقدها و اشتباهات احتمالی خود قرار می‌گیرد و مسائل به صورت زیرزمین و محرمانه که منجر به آشوب یا نافرمانی مدنی شود پیگیری نخواهد شد. این توسعه وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. (پوتنام، ۷۶: ۱۹۹۷). پوتنام بر اعتماد تأکید زیادی می‌کند. از نظر او اعتماد و ارتباط متقابل در شبکه‌های اجتماعی، منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. شاخص‌هایی که به طور متعارف برای سنجش مشروعیت و مصادیق جامعه مدنی به کار می‌رود عبارت‌اند از: آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق رأی همگانی، حق مراجعه به دادگاه صالحه، آزادی گردش سرمایه‌های فکری و مالی، حق تجمع قانونی و تشکیل حزب سیاسی و تشکلات غیر دولتی، برابری شهروندان و گردش مسالمت‌آمیز قدرت. (Edwards, ۱۹۹۹: ۵۸)

امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع به خصوص در زمینه امور حکومتی، تقویت مشروعیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر

سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می شوند.

بنا به گزارش دبیرکل سازمان ملل، برنامه های بین المللی دیپلماسی جوانان در زمینه بعضی از حساس ترین موضوعات مانند پیشگیری از مواد مخدر، ترویج و ارتقای حقوق بشر و حمایت از مبتلایان به ایدز پیشگام بوده است. همچنین، سازمان های غیردولتی جوانان در ایجاد الگوهای مناسب برای حمایت ها و مراقبت های اجتماعی مساعدت های چشم گیری کرده اند. (مرکز اطلاعات سازمان ملل، ۲۰۱۳: ۱۶)

از آنجا که این سازمان ها از متن جامعه برخاسته، روند طبیعی خود را در تشکیل طی کرده و علاقمندان به موضوع خاصی را گرد هم آورده اند و همچنین به دلیل سازماندهی قوی آنها، وجودشان باعث می گردد که فرایندهای جمعی و ساز و کارهای توسعه پایدار همچون: فرهنگ، هنر، سیاست، زنان، محیط زیست و ... در کانال خاص خود با شفافیت کامل جریان یابد.

به این دلیل که سازمان های غیردولتی به ساختار حکومت وابستگی ندارند و در تصمیم گیری های دولتی ذینفع نیستند، قادر خواهند بود تا ارزیابی بی طرفانه ای از وضعیت به عمل آورند و آن را به دولت ها منعکس سازند.

به عنوان مثال، پس از بروز بحران نفت در سال ۱۹۷۳، مسئله استفاده از سوخت های غیرفسیلی در بسیاری از کشورهای مصرف کننده اصلی نفت به طور جدی مطرح گردید. این بحث را سازمان های غیردولتی با دفاع از کاربرد انرژی باد و بر علیه انرژی هسته ای و یا توسط گروه هایی که مخالف استفاده از زغال سنگ و مدافع کاربرد انرژی هسته ای بودند دنبال کرده اند. این فعالیت ها و مباحث، اثر مستقیمی بر تصمیم گیری های مجالس قانون گذاری بسیاری از کشورها گذاشته اند. در دانمارک، نتیجه این کار قطع استفاده از انرژی هسته ای بود. (میرآقایی، ۱۳۹۲: ۵۵) سازمان های غیردولتی به خصوص در جوامع توسعه یافته با حمایت از گروه های مختلف آنها را برای ورود به عرصه فعالیت های اجتماعی آماده می کنند و زمینه پذیرش اجتماعی آنان را فراهم می آورند. به عنوان مثال، سازمان هایی که از زنان بی سرپرست و یا کودکان یتیم و یا خیابانی حمایت می کنند. این سازمان ها از طرق مختلف و با ارائه کمک های مادی و معنوی گروه های مزبور را مهیا می کنند تا در جامعه نقشی مفید و سازنده را برعهده گیرند. مثال روشن دیگر در این زمینه، سازمان هایی هستند که از کارگران مهاجر و پناهندگان حمایت می کنند. این سازمان ها زمانی که این گروه ها می خواهند به عنوان یک اقلیت مورد شناسایی قرار گیرند و زمانی که سیاست های موجود مانع ادغام آنها در جامعه جدید می باشند، بسیار مفید هستند. سازمان های غیردولتی در جهت دستیابی کشور به توسعه اقتصادی نقش ویژه ای را برعهده دارند. سازمان های غیردولتی در حمایت از حقوق گروه های مختلف افراد بویژه گروه هایی که کمتر مورد توجه قرار دارند نقش عمده ای را برعهده دارند. بعلاوه فعالیت های این سازمان ها موجب می گردد تا توجه افکار عمومی نسبت به موارد ناشناخته و غیرمشهور نیز جلب گردد.

البته سازمان های غیر دولتی جوانان ایران نیز در زمینه دفاع از حقوق معلولان، ارائه کمک های پزشکی و اجتماعی به اشخاص ناتوان جسمی و روحی و نیز کمک به پذیرش و ادغام آنها در اجتماع، اقدامات خیریه ای برای محرومان، برنامه های بین المللی در خصوص خسارات حاصل بر ایران طی دوران جنگ تحمیلی هشت ساله به ویژه استفاده ارتش بعث از سلاح های شیمیایی فعالیت می کنند. تشکیل مراکز بازتوانی و کارگاه های تولیدی برای معلولان از دیگر اقدامات انجام شده توسط تشکل های غیر دولتی جوانان ایران می باشد. (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۳۰)

دیدگاه نادرست جامعه نسبت به مبتلایان به ایدز - که جمعیت آنها روز به روز در حال افزایش است و به طور نامناسب از صحنه اجتماع طرد می گردند - باعث شده تا آنها بیماری خود را پنهان نگاه دارند که این

امر، جامعه را در معرض خطرهای جدی قرار می‌دهد. به علاوه، این رانده شدگی موجب بروز علامت‌های ضد اجتماعی و رفتارهای انتقام‌جویانه در این افراد می‌گردد. توجه سازمان‌های غیردولتی جوانان و برنامه‌های ویژه در خصوص آگاه‌سازی جامعه از این مسئله از دیگر اقدامات تشکل‌های غیردولتی جوانان ایران است. بیکاری روزافزون جوانان و عدم موفقیت آنها در کسب یک هویت اجتماعی مشخص موجب گرایش روزافزون جوانان به مواد مخدر شده است. ورود مواد مخدر مصنوعی به بازار ایران و افزایش استفاده از این مواد در میان جوانان نیز توجه جدی جامعه مدنی را می‌طلبد که سازمان‌های غیردولتی جوانان می‌توانند در این حوزه نقش مؤثری را ایفا نمایند.

سازمان‌های غیردولتی نقش عمده‌ای را در زمینه تدوین و توسعه حقوق بشر در سطح بین‌المللی بر عهده داشته‌اند. این سازمان‌ها در کنفرانس سانفرانسیسکو و تدوین منشور ملل متحد حضوری فعال داشتند. بر اثر تلاش‌های این سازمان‌ها بود که ماده ۷۱ منشور ملل متحد در مورد اعطای نظام مشورتی به سازمان‌های غیردولتی به تصویب رسید. (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۷۹:۵۰)

بعلاوه، سازمان‌های غیردولتی در جهت ایجاد سمت «کمیسر عالی حقوق بشر»، قبولاندن اصل جهانی بودن حقوق بشر در سطح جهان و ایجاد محاکم بین‌المللی در یوگسلاوی و رواندا تلاش‌های زیادی را به عمل آوردند. (همان)

در سایر کنفرانس‌های بین‌المللی نیز سازمان‌های غیردولتی مشارکت فعالی داشته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳)، کنفرانس جهانی زنان پکن (۱۹۹۵) و کنفرانس ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) اشاره کرد. در این کنفرانس‌ها سازمان‌های غیردولتی ضمن مشارکت در مباحث کنفرانس و امور مربوط به تهیه پیش‌نویس سند نهایی، اقدام به برپایی نمایشگاه‌های عکس، نقاشی، کتاب و ... در خصوص موارد نقض حقوق بشر در حوزه‌های تحت پوشش خود و یا تبلیغ گروه خود نمودند.

در سطح داخلی نیز سازمان‌های غیردولتی تلاش می‌کنند تا با ارائه راهکارهای اجرایی و یا نظری در زمینه حقوق بشر معیارسازی کنند. ارائه طرح به مراجع اجرایی و قانون‌گذاری ملی از جمله این فعالیت‌هاست. به عنوان مثال، طرح اولیه لایحه منع کودک‌آزاری را انجمن حمایت از حقوق کودکان تهیه کرده بود. سازمان‌های غیردولتی به دلیل ساختار و خصوصیات خاص خود مورد وثوق مراجع بین‌المللی قرار دارند. ملاحظات سیاسی در موضع‌گیری‌های این سازمان‌ها دخالت کمتری دارد.

بارزترین حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ایران، محیط زیست است. وسعت سرزمین و وجود تنوع جغرافیایی و زیست-محیطی، تاکید و توجه مذهب، تاریخ، فرهنگ و ادب ایرانی به حفاظت از محیط زیست، عدم حساسیت دولت در این زمینه و نیاز دولت به مشارکت مردمی در جهت حفاظت از محیط زیست، تاکید جامعه جهانی بر مقوله حفاظت از محیط زیست و طرح مفهوم توسعه پایدار و ... باعث شده است تا فعالیت سازمان‌های غیردولتی در این حوزه از گسترش و مقبولیت زیادی برخوردار گردد. این سازمان‌ها به انجام پروژه‌های تحقیقاتی و انجام مطالعاتی در زمینه حفاظت از محیط زیست، تشکیل گروه‌های حفاظت از طبیعت و پاکسازی محیط زیست، انجام برنامه‌های آموزشی، علمی و فنی در زمینه محیط زیست و ... و انتشار نتایج حاصل از این فعالیت‌ها مبادرت می‌نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

انواع روش‌ها در علوم اجتماعی برای گردآوری داده‌ها ابداع شده است. برای بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی جوانان (NGOs) در تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، از تکنیک گردآوری اطلاعات به

روش کتابخانه ای (کتاب های تخصصی، وبگاه های معتبر علمی و بانک اطلاعاتی داخلی / خارجی) کمک گرفته می شود. آنچه این روش را از روش های دیگر متمایز می کند، استفاده از اسناد و متون موجود (روزنامه، برنامه های تلویزیونی و ...) به منظور تحلیل کیفی و فهم محتوای پیام ها و کردارهای گفتمانی موجود در متون مختلف است.

نتیجه گیری

با توجه به تلاش های سازمان های غیردولتی در اقدامات بشردوستانه می توان نتیجه گرفت این سازمان ها نقش موثری در کمک رسانی به افراد و گروه های انسانی در نقاط گوناگون داشته اند و تسریع روند بین المللی در شناسایی این تشکیلات توسط سازمان های بین المللی به خصوص سازمان ملل متحد مانند مندرجات در قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت مبنی بر امکان و اجازه ورود این سازمان ها به مناطق درگیری برای کمک به نیازمندان و همچنین همکاری هایی که این تشکله ها با UNIDO انجام می دهند، سبب ترسیم جایگاهی مثبت از این تشکله ها در نزد افکار عمومی جهان و در راستای بشر دوستی شده است. انسان قرن بیست و یکم با توجه به قواعد موضوعه و رنج ها و آلامی که از بلایای طبیعی همچون: سیل، زلزله، آتشفشان، جنگ های قومی و مذهبی و رواج تروریسم می برد و تجربیات تلخی که در همین دهه اخیر بر سر بشریت در کشورهایی همچون: سوریه، عراق، هائیتی، رواندا، یوگسلاوی، افغانستان و... رخ داده، نیاز جامعه بشری به استفاده از تشکله های بشردوست بی طرف را دو چندان نموده است. فارغ از سیاست های دولت ها، وجود و گسترش سازمان های غیر حکومتی به خصوص با محوریت جوانان علاوه بر کمک به جامعه بشری در بهبود چهره کشور در بین اذهان عمومی با انجام اقدامات عام المنفعه و بشردوستانه، رابطه مستقیم دارد. بازنمایی و ترویج تصویر مثبت با راهبرد ((بسیار به بسیار)) در ارتقای خوشنامی کشور در جامعه جهانی و کمک به منافع ملی دارای اهمیت بالایی است. جذب قلوب و اذهان سایر جوانان کشورهای مختلف دنیا نیز که حاصل این اقدامات می باشد، در مدیریت چهره کشور نقش کلیدی بازی می کند.

طبق نظر بودریار، اندیشمند پسا تجدد گرا، مدیریت تصویر از طریق مدیریت درک مخاطبان هدف با القای پیام هایی در ذهن مخاطبان با ابزارهای مختلف از جمله: شعر، موسیقی، فیلم، سمینار، مسابقه، تفریح و... صورت می گیرد، اما از آنجا که رویه جوانی با اصلاح گری، شور، نشاط، کنجکاوی و تغییر همراه است، با استفاده از نیروی جوان آموزش دیده و وفادار به منافع ملی کشور می توان دقیق تر به هدف مدیریت درک مخاطبان هدف به ویژه با اقدامات بشردوستانه بین المللی دست یافت.

موانع پیش روی سازمان های غیردولتی در ایران

موانع ساختاری

الف: موانع فرهنگی

با وجود زمینه های مناسب مذهبی و تاریخی، ایرانیان در زمینه انجام فعالیت های جمعی و گروهی و به خصوص فعالیت های غیرانتفاعی از شرایط فرهنگی مناسبی برخوردار بوده اند، اما فرهنگ سیاسی ایران، فرهنگی پویا و حساس نسبت به عملکرد حکومت ها نبوده است. (بازرگان، ۱۳۵۸: ۴۳) در ایران علیرغم تحولات سیاسی و اقتصادی در نگرش مردم نسبت به ساختار سیاسی، تغییر بنیادینی صورت نگرفته و سنت حکومت خودکامه تداوم یافته است. در چنین فرهنگی، احساس وجود فاصله میان مردم و حکومت از عمده ترین ویژگی هاست که موجب بیگانگی و ترس می گردد. این فرهنگ سیاسی که حول محور قدرت دور

می‌زند، از یک سو در مراحل اولیه جامعه پذیری، بی‌اعتمادی عمیق در روابط انسانی ایجاد می‌کند - به دلیل نوع شخصیت اقتدار طلب و فرصت طلبی که می‌پرورد - و از سوی دیگر، در مراحل بعدی از فرد می‌خواهد که به حکم فرصت طلبی و تأمین امنیت فردی نسبت به حکام و نهادهای سیاسی، ایمان و اطاعت نشان دهد. لذا در شرایط بی‌اعتمادی، اگر سازمان‌ها و تشکیلاتی پیدا شوند خود مبتنی بر رابطه آمریت و اطاعت محض خواهند بود. همچنین، وضعیت جغرافیایی خاص ایران که به عنوان چهارراه تاریخ تمدن بوده و در مسیر تجارت و تهاجم دیگران قرار داشته است، به انضمام سنت کشاورزی و زراعت پیشگی ایرانیان، نوعی روحیه سازگاری را در آنان ایجاد کرده است.

ب: مانع قانونی

در ایران سیستم قانونی براساس بدبینی نسبت به اجتماعات و انجمن‌ها شکل گرفته است؛ روابط دولت با نهادهای داوطلبانه به طور واضح تعریف نشده است و قوانین مربوط به فعالیت سازمان‌های غیردولتی در ایران شفاف نیستند. قوانین و رویه‌های قانونی پیچیده و پردردسری که در سه دهه گذشته وضع شده‌اند، انجام دادن کارهای ابتکاری و اقدامات ریشه‌ای اجتماعی را مشکل ساخته‌اند و روحیه کار داوطلبانه را تضعیف و سرکوب کرده‌اند. (نمازی، ۲۸: ۱۳۹۰) به دلیل مشکلات فوق، سازمان‌های غیردولتی نمی‌توانستند با توجه به مرامنامه و روش اجرایی و اهدافی که برای خود در نظر می‌گرفتند، با همان ایده سازمان خود را به ثبت برسانند. آنها مجبور بودند که سازمان‌های خود را دارای اهداف دیگری معرفی کنند، ولی مراحل ثبت قانونی آن را به شکل دیگری دنبال کنند.

از سوی دیگر، قانونگذار ایرانی فعالیت سازمان‌های غیردولتی را منوط به ثبت آن‌ها در مراجع رسمی اعلام می‌نماید و به نظارت کامل براین سازمان‌ها حتی از زمان تأسیس تاکید کرده است. تعدد رویه‌های جاری در خصوص ثبت این سازمان‌ها مشکل دیگری است. به دلیل پیچیدگی‌های فوق، بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های اجتماعی قادر به ثبت جوامع و انجمن‌های خود نزد نهادهای دولتی نبوده‌اند. تعداد زیادی از آن‌ها بدون اینکه ثبت شده باشند، فعالیت می‌کنند. بسیاری از آن‌ها با موانع جدی روبرو می‌شوند چرا که رسماً مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند. (نمازی، ۵۹: ۱۳۹۱)

ج: مانع اقتصادی

جمعیت جوان کشور، بالا بودن نرخ بیکاری و افزایش مشکلات اقتصادی مردم در کنار حاکمیت روحیه تجمل‌گرایی در جامعه باعث شده است تا بخش عمده فعالیت‌های اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی سودآور متمرکز گردد؛ آن‌هم نه فعالیت‌های ریشه‌ای و بلند مدت، بلکه فعالیت‌های کاذب و سطحی. بعلاوه، وابستگی جامعه ایران به دولت - به دلیل اقتدار دولت ناشی از درآمد نفتی - باعث شده است تا مردم و بخش خصوصی نقش مهمی را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی ایفا نکنند. به این دلایل، سازمان‌های غیردولتی در ایران جایگاه مردمی ندارند و ضرورتی برای تشکیل جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی از طرف مردم جامعه ما هنوز احساس نشده است. (محمدی، ۶۸: ۱۳۸۸)

آنچه که از فرهنگ ایرانی نشأت گرفته است، سازمان‌های اجتماعی یا محلی بوده‌اند که با توجه به تغییر شرایط اجتماعی قادر به پاسخگویی به نیازهای نوین نمی‌باشند. با این حال، برخی از شرایط حاکم بر این سازمان‌های اجتماعی و محلی به درون سازمان‌های غیردولتی نیز رخنه کرده‌اند و این امر موجب بروز مشکلاتی جدی سازمان‌های غیردولتی شده و کارایی و اثر بخشی آن‌ها را تنزل داده است.

در ادامه، به برخی از عمده‌ترین این مشکلات اشاره می‌شود:

۱- کلی بودن و مبهم بودن اهداف و وظایف

کلی بودن اهداف و وظایف، یکی از مسائلی است که در اساسنامه بیشتر سازمان‌های غیردولتی در ایران

قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد با بررسی اهداف مندرج در اساسنامه سازمان های غیردولتی بتوان به معیاری مطمئن برای ارزیابی میزان تعهد سازمانی نسبت به انجام فعالیت‌ها دست یافت. هر چند در برخی از موارد، بیان اهداف و وظایف به صورت کلی برای احتراز از سخت‌گیری های نهادهای دولتی در اعطای مجوز صورت می‌پذیرد، اما هر چقدر که اهداف و وظایف جنبه شعاری بیشتری داشته باشند، ظاهراً تعهد سازمان مربوطه نسبت به انجام دادن فعالیت‌های عملی و مؤثر کمتر است.

۲- ضعف مدیریت

بسیاری از سازمان های غیردولتی از ضعف مدیریت رنج می‌برند. این مشکل در سازمان های مختلف به اشکال متعددی بروز پیدا می‌کند. بسیاری از مدیران موسسات یک نگاه کاسب کارانه به سازمان های غیردولتی دارند (محمدی، ۱۳۸۸: ۷۱) و به کار گروهی اعتقادی ندارند. این نوع نگاه در کوتاه مدت باعث ضعف عملکرد سازمان و در بلند مدت موجب انحراف سازمان از اهدافی می‌گردد که برای خود تعیین کرده است. در بسیاری از سازمان ها، مدیران و مؤسسان سازمان در دسترس نیستند و برقراری تماس و ارتباط با آن‌ها مشکل است. اگر این مسئله را نیز مورد توجه قرار دهیم که خیلی از سازمان ها دچار نخبه گرایی هستند و فعالیت‌های آنها قائم به شخص می‌باشد، اهمیت موضوع فوق روشن تر می‌گردد.

۳- فقدان اعتبار و نداشتن پایگاه اجتماعی

برخی از سازمان های غیر دولتی از اعتبار کافی برای انجام فعالیت در حوزه‌هایی که برای خود تعیین کرده‌اند، برخوردار نیستند و نوع شعارها با توان سازمان تناسب چندانی ندارد. بعلاوه، نداشتن پایگاه اجتماعی در میان مردم موجب عدم استقبال از فعالیت سازمان و در نتیجه افت کارایی این سازمان ها می‌گردد. از سوی دیگر، بسیاری از سازمان های غیردولتی با جوامع هدف خود بویژه فقرا و محرومان از ارتباط و وابستگی کافی برخوردار نیستند. این امر، از یک سو موجب بیگانگی سازمان با جوامع هدف و نیارهای مربوطه و از سوی دیگر، موجب بیگانگی جوامع مذکور با سازمان مورد نظر و در نتیجه، عدم استقبال کافی از فعالیت‌های سازمان می‌گردد.

۴- فقدان تخصص و توانمند سازی NGOs

بسیاری از سازمان های غیردولتی از تخصص کافی برای فعالیت در حوزه‌های مورد نظر خود و یا انجام کار گروهی و سازمانی برخوردار نیستند؛ چنان که بهره‌گیری از علوم جدید به طور مناسب انجام نمی‌پذیرد، استفاده از اینترنت محدود است- حتی بسیاری از سازمان ها از سایت اینترنتی برخوردار نیستند یا سازمان هایی هم که دارای سایت هستند، استفاده کافی و مناسب از امکانات آن به عمل نمی‌آورند، ارتباطات این سازمان ها هنوز با استفاده از روش‌های سنتی صورت می‌پذیرد، دانش کارجمعی در این سازمان ها وجود ندارد و بسیاری از فعالیت‌ها براساس تجربه و آزمون و خطا انجام می‌شوند و روش‌های گزارش دهی و گزارش نویسی رایج در میان این سازمان ها ضعیف است که این امر موجب می‌شود تا جذب بودجه از پروژه‌های بین‌المللی مشکل باشد. (شعبانی، ۱۳۸۸: ۵۱) همچنین، روابط عمومی این سازمان ها ضعیف است و با تکیه بر روش‌های سنتی انجام می‌پذیرد. این مسئله باعث ضعف سازمانی در معرفی خود و برقراری ارتباط با جامعه می‌گردد و به نوبه خود، کاهش تأثیرگذاری در جوامع هدف و انحراف از رسالت سازمان را در پی دارد.

۵- عدم آگاهی این سازمان ها نسبت به نقش و جایگاه خود در جامعه

بیشتر سازمان های غیردولتی، از نقشی که در شکل‌دهی به ساختار اجتماعی و تغییر فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه برخوردارند، آگاهی ندارند. آن‌ها از رسالت و مأموریت اصلی خود که واسطه میان مردم و دولت ها می‌باشند، درک مناسبی ندارند. میزان خود باوری در این سازمان ها پایین است و از توانمندی‌های خود غافل اند. در نتیجه، مطالباتی را که می‌توانند داشته باشند، از دولت تقاضا نمی‌کنند. این امر به نوبه خود

موجب می‌شود تا دولت نیز نقش و جایگاهی مناسب برای این سازمان‌ها در نظر نگیرد و حضور آنها را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های عمومی به رسمیت نشناسد.

۶- همسویی با دولت

در برنامه‌های اعلام شده برخی از سازمان‌های غیردولتی، عباراتی به چشم می‌خورد که اگر بیننده با سازمان مربوطه آشنایی نداشته باشد تصور خواهد کرد که با یکی از ارکان رسمی دولت روبه روست. از سوی دیگر، محدودیت منابع مالی، برخی از سازمان‌های غیردولتی را مجبور ساخته تا به جای اجرای برنامه‌های مستقل و در راستای اهداف خویش، به دنبال اجرای برنامه‌های دولت بروند تا از کمک‌های دولت بهره‌مند گردند. عدم وجود درکی مناسب از تعریف و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در جامعه و در درون خودآنها باعث گردیده است تا این سازمان‌ها به دنبال تقلید از الگوهای دولتی بروند و این مسئله نیز به نوبه خود به تلاش سازمان مربوطه در جهت کسب پایگاه اجتماعی مشخص صدمه بزند.

۷- ضعف عضوپذیری

شاید جذب اعضا مهم‌ترین عاملی باشد که بقای یک سازمان غیردولتی و موقعیت آن را در رسیدن به اهداف مشخص شده تضمین می‌کند. اما مهم‌تر از این مسئله، این است که افراد با چه انگیزه‌هایی و به چه دلیل به عضویت سازمان درمی‌آیند. در ایران، عضویت افراد در سازمان‌های غیردولتی بیشتر با معرفی گروه‌های تأثیرگذار از قبیل دوستان، همکلاسی‌ها، خانواده و خویشاوندان صورت می‌پذیرد. کمتر مشاهده شده است که اهداف و برنامه‌های اعلام شده سازمانی، افراد را به سمت آن بکشاند.

بسیاری از سازمان‌های غیردولتی از اعضایی برخوردارند که فقط کارت عضویت دارند و هیچ فعالیتی در سازمان به انجام نمی‌رسانند. ممکن است دلیل این امر این باشد که فرصت‌های مناسب برای فعالیت اعضا وجود ندارد و افراد پس از عضویت، از سازمان کنار زده می‌شوند. دلیل دیگر ممکن است این باشد که عضویت در سازمان با انگیزه واقعی فعالیت همراه نیست و با انگیزه‌های نامشخص صورت می‌پذیرد. در برخی از سازمان‌ها افراد به دلیل بها ندادن سازمان به خلاقیت و نوآوری‌ها، از سازمان کناره می‌گیرند. گاهی نیز افراد به دلیل مواجهه با برخورد سرد و غیردوستانه اعضای قبلی سازمان، از فعالیت در سازمان ناامید می‌شوند.

۸- عدم حضور فعال در عرصه‌های بین‌المللی

ارتباطات بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی ایران محدود است. بسیاری از آنها از امکانات موجود برای فعالیت در عرصه بین‌المللی آگاه نیستند و اطلاع‌رسانی مناسبی در این زمینه‌ها از سوی دولت و نهادهای دولتی صورت نمی‌پذیرد. از سوی دیگر، به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی این سازمان‌ها در مورد فعالیت‌ها و اقدامات خود این سازمان‌ها عموماً مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی قرار نمی‌گیرند و فرصت کسب و انجام دادن طرح‌های بین‌المللی را از دست می‌دهند. ارتباط مستمر میان این سازمان‌ها با سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی در داخل و خارج از کشور وجود ندارد و این مسئله موجب شده تا در بسیاری از موارد، آگاهی این سازمان‌ها از قابلیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر محدود باشد.

منابع

- اشوری، محمد (۱۳۸۲) جایگزین های مجازات زندان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- آمارتیا سن، آمارکو (۱۳۹۱) توسعه به مثابه آزادی. احمد موثقی. تهران: نشر نی
- احمدی، حمید (۱۳۷۷) مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز. تهران: انتشارات نقش و نگار
- احمدی، حمید (۱۳۷۶) مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- اشرف، احمد (۱۳۷۷) «نظام صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران». فصلنامه گفتگو. زمستان، شماره ۲۴، صص ۴۲-۵۴
- افروغ، عماد (۱۳۸۱) تشکل های غیر دولتی و قوانین حقوقی». فصلنامه فرهنگ عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی. شماره ۱۸۹، صص ۶۶-۵۰
- افضل، رسول (۱۳۸۹) چشم انداز جامعه مدنی در خاورمیانه. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب
- انوری، ابراهیم (۱۳۸۷) «سازمان های غیردولتی و حقوق بشردر ایران». فصلنامه انجمن علوم سیاسی. سال پنجم، شماره ۳۱، صص ۳۶-۱۸.
- امین، فرهاد (۱۳۷۳) «بررسی نقش سازمان های غیردولتی در جلب مشارکت مردم به منظور حفظ زیست». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۶) سازگاری ایرانی. تهران: بی تا
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶) "جامعه مدنی، قدرت ایدئولوژی: موانع تحقق جامعه مدنی در ایران". از کتاب تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات گام نو
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲) عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی و توسعه سیاست. تهران: نگاه معاصر
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۲) بررسی مقدماتی نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تامین اجتماعی در ایران.... تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳) «دولت و تشکل های غیر دولتی». ویژه نامه سال ۱۳۸۹، روزنامه شرق. ص ۵۱.
- جباری، حبیب (۱۳۹۲) «توسعه اجتماعی اقتصادی». مجله رفاه اجتماعی. شماره ۱۰.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۰) «استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی». فصلنامه مطالعات راهبردی. صص ۷۰-۷۹.
- حسام، فرحناز (۱۳۸۲) «رسانه ها و تفسیر ارزش های اجتماعی». مجله فرهنگ عمومی پیشین. شماره ۸۰، صص ۷۱-۶۰.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۷۸) «توان رقابتی و روابط پیمانکاری». نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹، صص ۱۸-۸.
- رمضان زاده، عبد... (۱۳۹۱) «جزوه درسی حقوق اقلیت ها». دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۵۵، صص ۱۶-۹.

- زکایی، محمد سعید (۱۳۸۰) «وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران». مجله داوطلب. شماره ۸، صص ۸۱-۹۰.
- سلیمانی، مرتضی (۱۳۸۱) «بررسی نقش تشکلهای غیردولتی در پیگیری مطالبات اجتماعی». روزنامه همشهری، ۱۴ اسفند ۱۳۸۱، ص ۹.
- سبزواری، نصرا.... (۱۳۸۰) «سازمانهای محلی یا زیربنای دموکراسی». پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹) «تعامل جهانی شدن و شهروندی و دین». فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران. شماره ۱۸، صص ۲۰-۳۳.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۷) مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز. تهران: نقش و نگار
- عظیمی، حسین (۱۳۹۱) «مجموعه ایران، دین-ایدئولوژی-دموکراسی و موانع آن». ماهنامه ایران فردا. شماره ۴۰، ۴۹-۳۰.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۲) مفاهیم کلیدی شهروند و فرهنگ شهری. تهران: نشر نی
- کوشا، محمدمهدی (۱۳۸۶) دانستنیهای سیاست شهروندی. تهران: انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم
- کولایی، الهه (۱۳۸۳) «چشم اندازهای دموکراسی در ایران». خبرنامه انجمن مطالعات زنان. شماره ۱۰، صص ۱۹-۲۹.
- لمتون، آن کی اس (۱۳۷۹) نظریه دولت در ایران. چنگیز پهلوان. تهران: نشر گویو
- لیپست، سیورمارتین (۱۳۸۱) دایره المعارف دموکراسی. گروه مترجمان. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- مرکز اطلاعات سازمان ملل (۱۳۸۰) «گزارش دبیرکل به اجلاس ویژه مجمع عمومی در باره ایدز». تهران: انتشارات دفتر سازمان ملل متحد.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) «نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی». تهران: مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۱۸۳.
- نمازی، محمدباقر (۱۳۷۹) بررسی وضع موجود تشکلهای غیردولتی ایران. تهران: نشر دفتر تحقیقات و مطالعات سیاسی دفتر مشارکت و بسیج مردمی وزارت کشور.
- نمازی، محمدباقر (۱۳۷۹) بررسی اجمالی سازمانهای غیردولتی. تهران: جهاد سازندگی
- Margaret, P. Karns & Karen, A. Mingst (2011) **“International Organizations: The Politics and Processes of Global Governance”**. London: Lynne Rienner Publishers,
- Thomas, G. Weiss & Sam Daws (2009) **“The Oxford Handbook on the United Nations”**. Oxford: Oxford University Press
- United Nations Conference on Sustainable Development (UNCSD) (2009) so called Rio Bob Reinalda, **“Routledge History of International Organizations: From 1815 to the Present Day”**. London: Routledge
- United Nations Development Program website: <http://www.undp.org>
- United Nations High Commissioner for Refugees website: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/home>;
- Volker, Rittberger & Bernhard, Zangl (2010) **“International Organizations: Polity, Politics and Policies”**. Palgrave Macmillan in the UK/St. Martin's Press LLC in the US

- Waltz, K. N. (2011) **”Theory of International Politics.”** Addison-Wesley, Reading, MA,, and Gilpin



پیش بینی ازدواج موفق: نقش عوامل زناشویی موثر مبتنی بر بافت فرهنگی - اجتماعی

جواد خدادادی سنگده^۱

علی محمد نظری^۲

خدا بخش احمدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۱۵

با توجه به ضرورت شناسایی و ارزیابی عوامل موثر بر سلامت ازدواج، در این مطالعه به پیش بینی نقش عوامل زناشویی موثر بر ازدواج موفق در زوج های جوان پرداخته شده است. پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن ۸۵۳ نفر از زوج های شهر تهران که حداقل ۱ فرزند داشتند، به شیوه نمونه گیری چندمرحله ای انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه خانواده سالم ایرانی و پرسشنامه ویژگی های جمعیت شناختی مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری به شیوه گام به گام تجزیه و تحلیل شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد ازدواج سالم دارای رابطه مثبت و معناداری با عوامل زناشویی است. همچنین، عوامل زناشویی قادر به پیش بینی ۵۹ درصد از موفقیت ازدواج است. بر این اساس، در شکل گیری ازدواج موفق و سالم، عوامل زناشویی مانند حمایت متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق زوج نقش دارند. بنابراین، توجه بیشتر به بافت فرهنگی و اجتماعی در پرداختن به ازدواج اهمیت بنیادی دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج موفق، عوامل زناشویی، زوج ها و بافت فرهنگی - اجتماعی

۱. دکتری مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: Javad.khodadadi7@gmail.com

۲. دانشیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. دانشیار مشاوره، مرکز علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران.

مقدمه

ازدواج یک سنت الهی است که از دیرباز وجود داشته و تمامی شرایع و قوانین آن را ترغیب کرده اند. آنچه که از خود ازدواج مهمتر است، موفقیت در این رابطه مقدس و سلامت ازدواج است. رضایت از ازدواج به عنوان هسته مرکزی کیفیت زندگی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و قوی دارد. (یولکر^۱، ۲۰۰۸) چگونگی رابطه زناشویی، زیربنایی را شکل می دهد که کارکرد آتی سلامت خانواده و سلامت اعضا بر روی آن بنا می شود و بر این اساس، مهم ترین ملاک تعیین کننده سلامت خانواده، خرسندی زوج از ازدواج است. (لانگ و یانگ^۲، ۲۰۰۷؛ گریف و ملهرب^۳، ۲۰۰۱: ۲۴۸) متخصصان حوزه ازدواج و خانواده تاکید دارند که سنگ بنای سلامت خانواده، موفقیت رابطه زن و شوهری است. (کار^۴، ۲۰۰۶: ۴۸؛ آماتو و لومیس و بوس^۵، ۲۰۰۵: ۸۹۹؛ آماتو و چیدال^۶، ۲۰۰۸: ۱۱۴۲ و شارم و همکاران^۷، ۲۰۱۲) به بیان دیگر، سلامت افراد در گرو سلامت خانواده است و در این میان، چگونگی رابطه زوجین نقش اساسی و تعیین کننده تری ایفا می کند. (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳ و نینجیمال، نفیسی و یزدی، ۱۳۸۳)

اهمیت رابطه زناشویی به گونه ای است که حمایت های دریافت شده از سایر منابع نمی توانند فقدان حمایت از این رابطه را جبران کنند. زمانی که حمایت همسر به حساب آورده می شود، حمایت سایر افراد و منابع حمایتی، نقش معناداری در پیش بینی بهزیستی فرد ایفا نمی کند. با توجه به این مهم و تاثیر همه جانبه کیفیت ازدواج، داشتن ازدواجی موفق برای همه افراد هدفی مهم و اساسی است. (میرز و ماداتهیل و تینگل^۸، ۲۰۰۵: ۱۸۶) بررسی نظریه های خانواده و ازدواج در ارتباط با سلامت و تداوم رابطه زناشویی نشان می دهد که بر اساس رویکرد تبادل اجتماعی، زن و شوهر در صورتی به یک رابطه ادامه می دهند که جاذبه های درونی آن قویتر از جاذبه های بیرونی آن باشند. (کار^۴، ۲۰۰۶) بر اساس رویکرد رفتاری، ادامه یا ختم یک رابطه به تبادلات خاص رابطه بستگی دارد؛ به گونه ای که رفتارهای پاداش دهنده به تداوم و خرسندی رابطه منجر می شود و رفتارهای تنبیهی به ناخرسندی و ختم رابطه منجر می شود. (مارکمن^۹، ۱۹۹۱: ۸۸) بر اساس نظریه دلبستگی، رضایت از ازدواج تا حد زیادی به ارضای نیازهای اساسی رفاه، مراقبت، مهرورزی و رضایت جنسی بستگی دارد. (هازن و شیور^{۱۰}، ۱۹۹۴: ۷۱)

مطالعه الگار، کریچ و تربتس^{۱۱} (۲۰۱۲: ۲) نشان داد که در ازدواج های موفق، زن و شوهر زمان بیشتری را با یکدیگر می گذرانند، رفتارهای مثبت و تشویقی بیشتری نشان می دهند، ابرازگری عاطفی و شناختی دارند، رابطه ولی-فرزندی کارآمدی را دارا هستند و در حوزه های اجتماعی از روابط گرمی با دیگران برخوردارند. دونگ و ژایو^{۱۲} (۲۰۱۰) در پژوهش خود بر روی زوج های خوشبخت چینی دریافت که در این زوج ها روابط نزدیک و صمیمانه، قدرت خانوادگی مشترک، سازگاری، رضایت جنسی، حمایت اجتماعی، درک

1. Ulker
2. Long & Young
3. Greeff & Malherbe
4. carr
5. Amato, Loomis & Booth
6. Amato & Cheadle
7. Schramm et al.
8. Myers, Madathil & Tingle
9. Markman
10. Hazan & Shaver
11. Elgar, Craig & Trites
12. Dong & Xiao

متقابل و مستقل بودن از خانواده اصلی وجود دارد. پژوهش اینگرام^۱ (۲۰۱۰) روی زوج های موفق آمریکایی که حداقل ۱۵ سال از ازدواج آنها می گذشت، نشان داد این زوج ها در فرایند زندگی انعطاف پذیرند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می دهند، به تفاوت و شباهت های یکدیگر توجه دارند، روابط جنسی رضایت بخشی دارند، به مدیریت مسائل مالی و حل تعارض اهمیت می دهند و ارزش های مشابهی دارند. کریمی ثانی و همکاران^۲ (۱۳۸۹: ۱۲۱) در مطالعه خود بر روی زوج های تبریزی نشان دادند که صداقت، وفاداری، مسئولیت پذیری، تفاهم، پاک بودن، گذشت و توجه به مسائل معنوی، نقش معناداری در پیش بینی ازدواج موفق دارند. فتحی آشتیانی و احمدی^۳ (۱۳۸۳: ۹) نیز در مطالعه خود بر روی ازدواج های موفق و ناموفق دریافتند که عوامل موثر بر ازدواج موفق عبارت اند از: داشتن اعتماد به یکدیگر، روابط کلامی و غیر کلامی خوب، توافق بر سر مسائل اساسی زندگی، فعالیت های ایام فراغت، بچه دار شدن و رضایت جنسی.

شناسایی عوامل موثر بر شکل گیری رابطه زناشویی موفق می تواند به ما درباره چگونگی پدیدایی سلامت و آسیب در روابط زوج ها بینش و اطلاعات جامع و دقیقی دهد، اما فقدان و کمبود پژوهش در زمینه ازدواج های موفق تبیین این واقعیت را در حال حاضر دشوار ساخته است. (اولسون، اولسون و لارسون، ۲۰۰۸) در ادبیات علمی مختص ازدواج، بین ثبات زناشویی^۴ و کیفیت زناشویی^۵ تمایز وجود دارد. ثبات رابطه به رخ ندادن طلاق و گسست رابطه اشاره دارد، در حالی که کیفیت زناشویی به معنای سلامت و خرسندی رابطه است و ثبات رابطه به معنای سلامت رابطه نیست. از آنجا که بیشتر مطالعات بر ثبات زوجی و نه ضرورتاً رابطه خوشایند زوجی متمرکز بوده است، شناسایی نقش عوامل موثر، مستلزم مطالعات جدی و خاص است. (کوئترا، دیر و استلزر، ۲۰۱۰)

از سوی دیگر، مطالعات نقش عامل زوجی را در فروپاشی خانواده اصلی و بسیار پر رنگ نشان می دهند؛ به گونه ای که عدم رضایت و فقدان دریافت حمایت لازم از این رابطه پیش بینی کننده قوی، گسست ازدواج و خانواده محسوب می شود. (اولسون، لارسون و اولسون، ۲۰۰۹: ۱۳۲ و گنزالس^۶، ۲۰۰۹: ۱۳۶) پژوهش های گاتمن و لونسون^۷ (۲۰۰۳) نشان می دهند که دوره حساس برای فروپاشی ازدواج در چرخه زندگی خانوادگی هفت سال اول زندگی است. در همین چهارچوب، یک سوم ازدواج های جدید در آمریکا، در پنج سال اول منجر به طلاق و جدایی می شود. (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷)

با این حال، نکته قابل توجه این است که عوامل اثرگذار بر ازدواج موفق و رضایت از آن در فرهنگ های مختلف متفاوت است و در عین حال بیشتر مطالعات انجام شده در حوزه ازدواج بر بسترهایی تمرکز داشته است که زمینه شکل گیری ناخرسندی، بدکارکردی، آسیب و فروپاشی آن را در بر می گرفته است. (گاتمن و نوتاریس^۸، ۲۰۰۲: ۱۶۶؛ موت و کوالاسکی و منیگهان^۹، ۲۰۰۲: ۱۰۶؛ اینگرام، ۲۰۱۰) این در حالی است که لازمه هر گونه اقدام اساسی و موثر جهت اتخاذ برنامه های پیشگیرانه از آسیب های مرتبط با شکست در ازدواج، پرداختن به عوامل موثر در ازدواجهای موفق است و این قبیل مطالعات، سهم نه چندان زیادی از پژوهش ها را به خود اختصاص داده است. بر همین اساس، مطالعه حاضر با استفاده از ابزار بومی و وابسته

1. Ingram
2. Marital stability
3. Marital quality
4. Olson, Larson & Olson.
5. Gonzales
6. Gottman & Levenson
7. Gottman & Notaries
8. Mott, Kowalaeski & Menaghan

به بافت فرهنگی - اجتماعی به دنبال پاسخ گویی به این سوال است که عوامل زناشویی چقدر در پیش بینی ازدواج موفق نقش دارند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است که جهت بررسی نقش عوامل زوجی در ازدواج موفق انجام شده است. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از تمامی زوج های شهر تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ که حداقل دارای ۱ فرزند بودند. داشتن حداقل ۱ فرزند، گذشتن حداقل ۳ سال از عمر ازدواج زوج، سن کمتر از ۳۸ سال و ساکن تهران بودن از جمله ملاک های ورود به مطالعه بود. از بین این زوج ها، تعداد ۸۵۳ نفر (شامل ۴۸۱ زن و ۳۷۲ مرد) به روش خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و در مطالعه شرکت کردند. مبنای تعیین حجم نمونه در مطالعات همبستگی با هدف پیش بینی و رگرسیون، انتخاب حداقل ۱۵ آزمودنی در ازای هر متغیر پژوهش است (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۲) که با در نظر گرفتن ریزش داده های پرت حجم بزرگتری انتخاب شد. جهت دسترسی به نمونه معرف و دستیابی به اطلاعات کامل و غنی، عرصه پژوهش در محدوده وسیعی انتخاب شد. برای انتخاب نمونه در مرحله اول شهر تهران به پنج بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و بخش مرکزی تقسیم و سپس از هر بخش ۱ منطقه انتخاب شد. در مرحله بعد از بین نواحی منطقه انتخاب شده دو ناحیه انتخاب شد و در نهایت با مراجعه به اماکن عمومی (فرهنگسراها، خانه های سلامت شهرداری، کتابخانه ها و پارک ها) نواحی انتخاب شده، نمونه های واجد شرایط برای پاسخ به ابزار پژوهش انتخاب گردیدند. برای گردآوری اطلاعات، بعد از توضیح هدف و اهمیت پژوهش و عدم نیاز به ارائه نام و نشانی نمونه ها از سوی پژوهشگر، به آنها فرصت کافی داده شد که با دقت به سوالات پرسشنامه ها پاسخ دهند. مدت زمان پاسخگویی معمولاً حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به طول می انجامید. اطلاعات بیشتر با هماهنگی و تعیین وقت قبلی با مراجعه به خانه های سلامت و فرهنگسراها در نواحی انتخاب شده گردآوری شد. تلاش گردید که شرایط جمع آوری اطلاعات برای تمامی آزمودنیها تا حد امکان یکسان باشد؛ بدین صورت که برای تمامی نمونه ها پژوهشگر شخصاً به توزیع پرسشنامه و جمع آوری اطلاعات پرداخته است، در زمان پاسخگویی به هر گونه ابهام از سوی افراد پاسخ داده می شد و در زمان تحویل پرسشنامه بررسی می شد که آزمودنی به همه سوالات پاسخ داده باشد. برای جمع آوری اطلاعات لازم از پرسشنامه خانواده سالم ایرانی و پرسشنامه جمعیت شناختی استفاده شد.

پرسشنامه خانواده سالم ایرانی (IQHFI): این پرسشنامه خودگزارشی ۸۸ سوالی که ارتباط عوامل مختلف مرتبط با سلامت خانواده را می سنجد، شامل ۶ خرده مقیاس عوامل فردی، زوجی، خانوادگی، والدگری، اجتماعی و دینی است که متناسب با بافت فرهنگی - اجتماعی خانواده ایرانی ساخته و اعتبارسنجی شده است. (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳) پاسخ سوالات بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت تنظیم شده و از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) متغیر است. در پژوهش حاضر، خرده مقیاس سلامت ازدواج مورد نظر بوده است. این خرده مقیاس ۲۸ سوالی در ۷ بُعد فرعی تنظیم شده است و به ترتیب قدردانی، تعهد، صمیمیت زناشویی، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر، حمایتگری متقابل و توافق زوج بر سر مسائل اساسی را در رابطه زناشویی می سنجد. ملاحظات شاخص های روانسنجی ابزار مورد استفاده در پژوهش، ضمن تایید روایی صوری و محتوایی از سوی متخصصان، روایی سازه و پایایی ترکیبی مطلوب و بالایی را با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی نشان داده است. تمامی گویه ها، بار عاملی معناداری بر روی

عامل مربوط به خود نشان می دهند و نتایج حاصل از بررسی پاییی مرکب عوامل در دامنه ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ قرار دارد که نشان دهنده پاییی مطلوب برای این ابزار است. مقادیر شاخص میانگین مقادیر اشتراکی برای بررسی روایی نشان می دهد که این ضریب در دامنه مطلوبی قرار دارد. (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳) میزان اعتبار مقیاس در این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و دامنه ضریب ۰/۷۵ تا ۰/۸۷ برای زیر مقیاس های آن به دست آمده که بیانگر اعتبار مطلوب ابزار است.

پرسشنامه جمعیت شناختی: اطلاعات جمعیت شناختی افراد مانند سن، تحصیلات، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با استفاده از پرسشنامه جمعیت شناختی بررسی شد. پس از جمع آوری اطلاعات و نمره گذاری بر اساس دستورالعمل مقیاس، داده ها توسط برنامه SPSS-۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بررسی آماری علاوه بر آمار توصیفی، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شده است.

یافته های پژوهش

شمار نمونه های مورد مطالعه، ۸۵۳ نفر شامل ۴۸۱ زن (۵۶/۴ درصد) و ۳۷۲ مرد (۴۴/۶ درصد) از زوج های جوان شهر تهران بود. میانگین و انحراف استاندارد سنی آزمودنی ها به ترتیب ۳۳/۱۱ و ۸/۳۸ بود. ۸/۹ از آزمودنی ها دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر، ۳۴/۱ درصد لیسانس، ۴۳ درصد دیپلم و تحصیلات ۹/۴ درصد راهنمایی و پایینتر بود. از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیرها، از رگرسیون گام به گام برای بررسی ضریب همبستگی چندگانه بین قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر، توافق بر سر موضوعات اساسی و حمایت متقابل و سلامت ازدواج و از ضرایب تأثیر بین متغیرها جهت تعیین بهترین پیش بینی کننده ها (مهمترین عوامل تأثیرگذار) استفاده شد. جدول ۱، همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۱: همبستگی بین متغیرها و ازدواج موفق

همبستگی دومتغیره								
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱.قدردانی
						۱	۰/۶۷۹**	۲.تعهد
					۱	۰/۷۱۴**	۰/۷۱۷**	۳.صمیمیت
				۱	۰/۶۸۳**	۰/۵۷۸**	۰/۵۹۰**	۴.رضایت جنسی
			۱	۰/۶۱۴**	۰/۷۰۵**	۰/۶۷۱**	۰/۶۸۷**	۵.تلاش برای خشنودی
		۱	۰/۵۹۵**	۰/۵۳۷**	۰/۶۶۴**	۰/۶۲۴**	۰/۶۷۵**	۶.توافق بر سر موضوعات
	۱	۰/۷۰۵**	۰/۶۶۸**	۰/۶۰۷**	۰/۷۵۶**	۰/۷۶۷**	۰/۷۵۸**	۷.حمایت متقابل
۱	۰/۸۷۶**	۰/۸۲۵**	۰/۸۳۰**	۰/۷۹۰**	۰/۸۵۷**	۰/۸۱۲**	۰/۸۳۴**	۸.سلامت ازدواج

($P > ۰/۰۵$ و $P > ۰/۰۱$)

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که ازدواج موفق با تمامی عوامل زوجی مورد مطالعه در این پژوهش دارای ارتباط معناداری است. در ادامه، مهمترین عوامل زناشویی موثر بر سلامت ازدواج در خلال ۷ گام با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استخراج شدند و بیشینه ضریب همبستگی چندگانه محاسبه شد. (جدول ۲)

جدول ۲: خلاصه مدل برای پیش بینی ازدواج موفق

گام	پیش بین	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ^۲)	خطای براورد	F	معناداری
۱	قدردانی	۰/۵۸۴	۰/۳۴	۰/۶۸۶۸۴۸	۲۷۹۵/۷۵۷	۰/۰۰۰
۲	قدردانی و تعهد	۰/۶۲۵	۰/۳۹	۰/۶۲۱۳۱۵	۲۰۰۶/۳۹۲	۰/۰۰۰
۳	قدردانی، تعهد و صمیمیت زناشویی	۰/۶۸۴	۰/۴۶	۰/۵۸۹۱۳۵	۱۵۸۸/۲۵۹	۰/۰۰۰
۴	قدردانی، تعهد و صمیمیت و رضایت جنسی	۰/۷۰۳	۰/۴۹	۰/۵۷۹۴۴۱	۱۲۵۴/۲۲۷	۰/۰۰۰
۵	قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی و تلاش برای خشنودی یکدیگر	۰/۷۴۸	۰/۵۵	۰/۵۷۵۴۸۲	۱۰۲۴/۸۲۵	۰/۰۰۰
۶	قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر و توافق	۰/۷۶۱	۰/۵۷	۰/۵۷۴۱۳۱	۸۶۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
۷	قدردانی، تعهد و صمیمیت، رضایت جنسی، تلاش برای خشنودی یکدیگر، توافق و حمایت متقابل	۰/۷۶۸	۰/۵۹	۰/۵۷۳۲۴۵	۷۴۱/۰۱۸	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که با توجه به معناداری F ضریب همبستگی چندگانه معنادار است و نشان از ارتباط معنادار و قدرتمند ۷ عامل زناشویی با سلامت ازدواج دارد. علاوه بر این، معناداری آماره F در این مدل، نشان می دهد که مدل پیش بینی سلامت ازدواج توسط ۷ عامل زوجی، مدل مناسبی برای برازش دادن داده ها در این زمینه است و در کل، این ۷ عامل قادر به تبیین (پیش بینی) ۵۹ درصد از واریانس (تغییرات) میزان سلامت ازدواج در زوج ها می باشد. در نهایت، جدول ۳، ضرایب رگرسیون، ضرایب بتا و معناداری این ضرایب را به عنوان نقش پیش بینی کننده هفت متغیر پیش بین استخراج شده در تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می دهد. (گام آخر)

جدول ۳: ضرایب رگرسیون عوامل زناشویی موثر بر ازدواج موفق

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای معیار	ضریب تأثیر (β)	t	سطح معناداری
ثابت	۱/۲۶۰	۰/۰۸۵		۱۴/۸۳۲	۰/۰۰۰۱
حمایت متقابل	۰/۰۹۱	۰/۰۰۵	۰/۳۸۴	۱۸/۴۶۴	۰/۰۰۰۱
صمیمیت زناشویی	۰/۱۳۵	۰/۰۱۸	۰/۱۲۶	۷/۳۱۸	۰/۰۰۰۱
قدردانی	۰/۱۲۱	۰/۰۱۲	۰/۱۶۸	۹/۹۵۷	۰/۰۰۰۱
تعهد	۰/۰۸۳	۰/۰۱۴	۰/۱۰۰	۵/۹۲۱	۰/۰۰۰۱
تلاش برای خشنودی هم	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۰۸۱	۴/۳۹۳	۰/۰۰۰۱
رضایت جنسی	۰/۰۹۶	۰/۰۲۱	۰/۰۷۸	۴/۶۶۷	۰/۰۰۰۱
توافق سر موضوعات اساسی	۰/۰۴۰	۰/۰۱۳	۰/۰۵۱	۳/۱۰۲	۰/۰۰۰۱

معناداری آماره t در جدول ۳ نشان دهنده این است که همه ۷ متغیر پیشبین، تأثیر آماری معناداری در تبیین ازدواج موفق دارد. همچنین، میزان ضریب رگرسیون معیارشده یا ضریب تأثیر (ضریب بتا) نیز نشان می دهد که از بین ۷ متغیر پیشبین استخراج شده از روش رگرسیون گام به گام به ترتیب: حمایتگری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق بر سر موضوعات اساسی، مهمترین عوامل موثر بر ازدواج موفق هستند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش پیشبین عوامل زناشویی موثر بر ازدواج موفق صورت گرفت. برای رسیدن به این هدف ۷ عامل زناشویی شامل حمایتگری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق بر سر موضوعات اساسی به عنوان متغیر پیش بین وارد معادله شدند. در گام نخست تحلیل داده ها نشان داد که عوامل مذکور قادر به تبیین (پیش بینی) ۵۹ درصد از واریانس ازدواج موفق است. در تحلیلی جزئی تر مشخص شد که حمایتگری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق بر سر موضوعات اساسی به ترتیب مهمترین عوامل زناشویی در ازدواج موفق هستند؛ به این صورت که با افزایش این عوامل، به همان میزان احتمال شکل دادن به یک ازدواج موفق فزونی می یابد و برعکس. این یافته ها با نتایج مطالعات وروف، یانگ و گن^۱ (۲۰۰۰)، گاتمن و لونسون^۲ (۲۰۰۲)، میرز، ماداتهیل و تینگل (۲۰۰۵)، آماتو و چیدال (۲۰۰۸)، یولکر (۲۰۰۸)، اینگرام (۲۰۱۰)، دونگ و ژایو (۲۰۱۰)، کوترلا، دایر و استلزر^۳ (۲۰۱۰: ۸۲۰)، آماتو و کیس^۴ (۲۰۱۱: ۴۴)، کریمیثانی و همکاران (۱۳۹۲) و فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳) همسوست.

1. Veroff, Young & Con
2. Gottman & Levenson
3. Kotrla, Dyer & Stelzer,
4. Amato & Keith

این یافته ها بیانگر این واقعیت علمی است که تعاملات زناشویی، بستر بسیار مهمی برای شکل دهی خانواده سالم است و در مقایسه با سایر عوامل اثرگذار، نقش منحصر به فرد و تعیین کننده ای ایفا می کند و سنگ بنای سلامت خانواده است. (گریف^۱، ۲۰۰۰ و اولسون و لارسون^۲، ۲۰۰۷) بر اساس نتایج این مطالعه، قدردانی، تعهد متقابل، صمیمیت، توافق بر سر موضوعات اساسی، حمایتگری متقابل، تلاش برای خشنودی یکدیگر و رضایت جنسی تعیین کننده های رابطه زوجی موفق شناخته می شوند. بر این اساس هر چقدر زن و شوهر در روابط خود بیشتر قدردان یکدیگر باشند، نسبت به یکدیگر و رابطه شان تعهد داشته باشند، برسر مسائل اساسی زندگی با یکدیگر توافق بیشتری نشان دهند، برای خشنودی یکدیگر تلاش کنند، رفتارهای حمایتی و صمیمانه بیشتری در پیش گیرند و به کم و کیف روابط جنسی خود اهمیت دهند، ازدواج آنها از موفقیت بیشتری برخوردار است.

از دیگر یافته های قابل توجه این مطالعه آن بود که در بین متغیرهای رابطه زوجی، حمایت متقابل زوج از یکدیگر از بالاترین سهم در ازدواج سالم برخوردار است؛ به گونه ای که این متغیر به تنهایی قادر به پیش بینی ۳۴ درصد از سلامت ازدواج است. این یافته ضمن همخوانی با نتایج مطالعات وروف، یانگ و کن (۲۰۰۰) و کریمی ثانی و همکاران (۱۳۸۹) با مطالعه اولسون، اولسون و لارسون (۲۰۰۸) که در آن عامل ارتباط بالاترین سهم را در ازدواج سالم ایفا می کند، همخوانی ندارد. آنها به ترتیب اهمیت ارتباط و صمیمیت را به عنوان ملاک های اول ازدواج های موفق در زوج های آمریکایی مطرح می کنند. این تفاوت می تواند به خوبی نقش اثرگذار بافت فرهنگی و اجتماعی را منعکس کند. در بافت فرهنگی ایرانی آنچه برای استحکام رابطه زوجی مهمتر به نظر می رسد، حمایت متقابل زن و شوهر از یکدیگر است، در حالی که در بافت فرهنگی زوج های آمریکایی، ارتباط نقش اصلی و اولویت اول را دارد. در تبیین این یافته می توان گفت که حمایت از جانب همسر به هنگام مواجهه با اتفاقات استرسزا، به کارآیی و سلامت رابطه زوجی کمک می کند. زوج هایی که سطح بالایی از حمایت را از سوی همسر خود تجربه می کنند، رضایت زناشویی بالاتری را نشان می دهند و پیامدهای طولی بهتری را در مقایسه با سایر زوج ها در ازدواج تجربه می کنند. این مهم بیانگر این واقعیت است زمانی که حمایت همسر به حساب آورده می شود، حمایت سایر افراد نقشی در پیش بینی سلامتی و درماندگی فرد ایفا نمی کند. (بروک و لاورنس^۳، ۲۰۰۸: ۱۳)

قدردانی، ارج نهادن به تلاش های یکدیگر است، چرا که هیچ کس همانند همسر و والدین نمی تواند نیازهای عاطفی و مادی افراد را برآورده سازد. نکته قابل توجه این است که قدردانی زن و شوهر از یکدیگر، علاوه بر تشویق رفتارهای مثبت، افزایش صمیمیت آنها را به دنبال دارد. این یافته با نظریه تبادل اجتماعی که پیشنهاد می کند تبادلات اجتماعی مثبت با کیفیت کلی رابطه مرتبط است، همخوانی دارند. قدردانی در افزایش نزدیکی و میزان صمیمیت زن و شوهر موثر است. (احمدی، آشتیانی و عربنیا، ۱۳۸۵) هنگامی که زوج درگیر مسائل و مشکلات مرتبط با نقش های مختلف خود هستند، توجه کمتری بر جنبه های مثبت ازدواج خود دارند. مهمترین روش برای بازگرداندن توجه زوج از جنبه های منفی به جنبه های خوشایند و مثبت رابطه زوجی، تشکر و قدردانی از یکدیگر در قبال پرداختن به تکالیف روزمره زندگی است. (فاطمیما و اجمل^۴، ۲۰۱۲)

توافق زوجین در مورد مسائل مهم زندگی مانند اهداف زندگی، شیوه زندگی، چگونگی تربیت فرزند، تصمیم گیری های مالی، شغلی و تحصیلی از دیگر دلایل زوجی تعیین کننده ازدواج موفق بود. این توافق

1. Greef
2. Olson & Larson
3. Brock & Lawrence
4. Fatima & Ajmal

نقش بسیار مهمی در انسجام رابطه زوجی و خانوادگی دارد، چرا که موجب می شود زن و شوهر مانند یک تیم عمل کنند و از مشارکت و تعامل مشترک بیشتری برخوردار باشند. این مهم موجب نزدیکی بیشتر آنها می شود و آنها زمان های بیشتری را برای با هم بودن، بیان دغدغه ها و نگرانی ها، صمیمیت فیزیکی و روانشناختی و فعال شدن مکانیسم های حمایتی پیدا می کنند. (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳؛ کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۹۲) ازدواج هایی که در آنها توافق حاکم است، رابطه والدی- فرزندگی گرم و مثبت است و احتمال بیشتری وجود دارد که پدر و مادر نقش های مشابه، شراکت و همکاری متقابل داشته باشند، زیرا برای یک زوج بعید است که زن و شوهر خوبی نباشند و بخواهند والدین با کفایتی باشند. (احمدی، آزاد مرزبادی و ملازمانی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

طبق نتایج این مطالعه تعهد متقابل و رضایت جنسی زوج، نقش معناداری در ازدواج سالم و سلامت رابطه زوجی ایفا می کند. تعهد^۱ میزان تمایل فرد برای ادامه رابطه زوجی خود تعریف می شود. به بیان دیگر، تعهد نشان دهنده این است که فرد چگونه و به چه میزان به رابطه زناشویی خود و اهدافی که برای زندگی در نظر گرفته است، اهمیت می دهد. (هاروی^۲، ۲۰۰۵) با اینکه تعهد یکی از عوامل اساسی برای رسیدن به ثبات زناشویی و موفق شدن در این رابطه محسوب می شود، اما از آنجایی که کیفیت رابطه جنسی از دیگر جنبه های رابطه زوجی تاثیر می پذیرد و در عین حال اثر می گذارد، بنابراین کیفیت این رابطه نیز می تواند مقیاس مناسبی برای سنجش سلامت ازدواج محسوب می شود. رضایت داشتن زوج از رابطه جنسی، شاخصی مناسب برای ثبات ازدواج و خرسندی از آن محسوب می شود و زوج هایی که ارتباط عاطفی خوبی با هم دارند، رابطه فیزیکی و عاشقانه بیشتری را نشان می دهند (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷). بیشتر زوج هایی که رضایت جنسی بیشتری دارند، میزان بالاتری از رضایت کلی از رابطه زناشویی و سلامت خانوادگی را از خود نشان می دهند. (کوئترا، دایر و استلزر، ۲۰۱۰) بنابراین منطقی به نظر می رسد که این دو عامل در موفقیت رابطه زوجی، نقش معنادار ایفا کنند.

اما آنچه که این یافته ها را از مطالعات قبلی متمایز می کند، شناسایی عوامل موثری است که به خوبی اثرات فرهنگ و بافت اجتماعی را بر زندگی خانوادگی نشان می دهد. تلاش برای خشنودی یکدیگر و توافق و قدردانی از همسر، در زمره رفتارهایی است که در بافت فرهنگی کشورما بر رضایت طرفین از یکدیگر بسیار موثر است. این عوامل حاوی معناهای ارزشمندی است و بیانگر حاکم بودن فرهنگ جمع گرایی و ارزش هایی چون ایثار و از خود گذشتگی و دور بودن از فرهنگ فردگرایی است. این قبیل رفتارها در این بافت خانواده محور بر خلاف سایر بافت های اجتماعی که رضایت و لذت فردی در آن از اهمیت بیشتری برخوردار است، بار ارزشی و معنایی متفاوتی به دنبال دارد. این قبیل تعاملات، زن و شوهر را به یکدیگر نزدیک می کند، چرخه تعاملات مثبت و تقویت کننده را ایجاد می نماید، مکانیسم های حمایتی آنها را فعال نگه می دارد و اثرات انکارناپذیر و چشم گیری در سلامت روابط زوجی و در نهایت، کل نظام خانواده دارا می باشد که در پژوهش ها و دیدگاه های کنونی خانواده و ازدواج کمتر مورد بررسی قرار گرفته اند.

توافق زوج در مورد مسائل مهم زندگی مانند اهداف زندگی، شیوه زندگی، تصمیم گیری های مالی، شغلی و تحصیلی نقش بسیار مهمی در انسجام رابطه زوجی داشته است، چرا که موجب می شود زن و شوهر مانند یک تیم عمل کنند و از مشارکت و تعامل مشترک بیشتری برخوردار باشند- این مهم، موجب نزدیکی بیشتر آنها می شود. بنابراین، این رفتارها در چهارچوب ازدواج باعث می شود که زن و شوهر ادراک بیشتری از نزدیک بودن، اهمیت داشتن و احساس محبت و دوست داشته شدن را تجربه کنند و این وضعیت در افزایش

1. Commitment

2. Harway

احساس ارزشمندی بسیار موثر است و قالب رابطه زوجی را صمیمانه تر و جذاب تر می کند. (فاطمیما و اجمل، ۲۰۱۲؛ احمدی، آشتیانی و عربنیا، ۱۳۸۵) نکته قابل توجه این است که قدردانی زوج از یکدیگر و تلاش برای خشنودی متقابل، علاوه بر تشویق رفتارهای مثبت، افزایش صمیمیت آنها را به دنبال دارد. این دو رفتار در افزایش میزان صمیمیت زوجی کارآمد است و صمیمت در خانواده، با افزایش رضایت از زندگی، سلامت عمومی و سازگاری در شرایط فشارزا در زن و شوهر و سایر اعضای خانواده ارتباط دارد. (اولسون و لارسون، ۲۰۰۷ و اولیو، جیمنز و پارا، ۲۰۰۹: ۱۳۹)

خلاصه آن که این مطالعه نشان داد که هر قدر زن و شوهر در روابط خود رفتارهای حمایتی و صمیمانه بیشتری نشان دهند، بیشتر قدردان همدیگر باشند، نسبت به یکدیگر و رابطه شان تعهد داشته باشند، برای خشنودی یکدیگر تلاش کنند، به کم و کیف خرسندی از روابط جنسی خود اهمیت دهند و بر سر مسائل اساسی زندگی با یکدیگر توافق داشته باشند، به همان میزان ازدواج آنها و در نهایت، سیستم خانوادگی آنها از کارایی و موفقیت بیشتری برخوردار است.

بنا بر این نتایج، راهکارهایی از قبیل توجه بیشتر به انجام پژوهش در حوزه سلامت ازدواج به جای پرداختن به آسیب ها و ناکارآمدی ها، آموزش جوانان و زوج ها در زمینه عوامل شناسایی شده، در نظر گرفتن و پرداختن به این عوامل در مشاوره زناشویی و خانواده جهت استحکام بخشی رابطه زناشویی و توجه به ابزارها و مدل های بومی برای هرگونه مداخله و تصمیم گیری در بحث ازدواج پیشنهاد می گردد. همچنین، لازم است که زوج ها از همان ابتدای ازدواج و حتی پیش از ازدواج، به جای توجه به مسائل کم اثر به این عوامل که نقش پر رنگ و معناداری در موفقیت ازدواج ایفا می کنند، بپردازند که این مهم، مستلزم شناساندن و مهارت آموزی به زوج ها از سوی نهادهای رسمی و غیر رسمی است.

این پژوهش به نوبه خود با محدودیت هایی نیز رو به رو بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر تهران بودند و تعمیم این نتایج به همه خانواده های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است. خودگزارشی بودن ابزار جمع آوری اطلاعات از محدودیت های قابل توجه است. از سوی دیگر، ازدواج موفق می تواند از عوامل و متغیرهای بی شمار دیگری متأثر باشد که در این پژوهش به آنها پرداخته نشده است. با این حال، اطلاعات حاصل از این پژوهش می تواند دستمایه پژوهش های دیگر در این زمینه قرار گیرد تا افق های روشن دیگری پیرامون ازدواج موفق گشوده شود.

منابع

- احمدی، خدابخش؛ فتحی آشتیانی، علی و عربنیا، علیرضا (۱۳۸۵) "بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی". فصلنامه خانواده پژوهی. ۲(۵): ۵۵-۶۷.
- احمدی، خدابخش؛ آزاد مرزآبادی، اسفندیار و ملازمانی، علی (۱۳۸۴) "بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه". مجله طب نظامی. ۷(۲): ۱۴۱-۱۵۲.
- بنی جمال، شکوه السادات؛ نفیسی، غلامرضا و یزدی، سیده منور (۱۳۸۳) "ریشه یابی علل از هم پاشیدگی خانواده ها در رابطه با ویژگی های روانی اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج". مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱(۲): ۱۴۳-۱۷۰.
- بورگ، والتر؛ گال، جویس و گال، مردیت (۱۳۹۳) روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. جمعی از مترجمان. تهران: نشر سمت و دانشگاه شهید بهشتی
- خدادادی سنگده، جواد (۱۳۹۳) "شناسایی و سنجش شاخص های سلامت خانواده و ارائه مدل خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی و اجتماعی". رساله دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش و حسنی، جعفر (۱۳۹۳) "شناسایی شاخص های ازدواج موفق: مطالعه ای کیفی و اکتشافی". فصلنامه مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان. ۹: ۲۵-۲۴.
- فتحی آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش (۱۳۸۳) "بررسی ازدواج های موفق و ناموفق در بین دانشجویان". دانشجو یاب. دانشور رفتار. ۱۱(۷): ۱۶-۹.
- کریم یثانی، پرویز؛ اسمعیلی، معصومه؛ فلسفی نژاد، محمد رضا؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ فرحبخش، کیومرث و احیائی، کبری (۱۳۹۲) "تدوین محتوای مشاوره قبل از ازدواج بر مبنای شناسایی عوامل و مهارت های معنوی و اخلاقی پیش بینی کننده ازدواج موفق در بین زوج های تبریز". زن و مطالعات خانواده. ۲(۷): ۱۳۲-۱۲۱.
- Amato, P.R, & Keith, B. (2011) "Parental divorce and Adult well-being: A Meta-Analysis". Journal of Marriage and Family. 53(1):43-58.
- Amato, P.R, & Cheadle, J.E.(2008) "Parental Divorce, Marital Conflict and Children's Behavior Problems: A Comparison of Adopted and Biological Children". Social Forces. 86(3),1139-1161
- Amato, P.R, Loomis, LS, Booth A. (2005) "Parental Divorce, Marital Conflict, and Offspring Well-Being during Early Adulthood". Social Forces.73: 895-915.
- Brock, R.L., & Lawrence, E. (2008) "A longitudinal investigation of stress spillover in marriage: Does spousal support adequacy buffer the effects?". Journal of Family Psychology. 22(1), 11-20.
- Carr, A. (2006) Family therapy: concept, process and practice. London: Wiley
- Dong, Z.Y., & Xiao, C.D. (2010) "Impact factors of Chinese middle-aged group's marital satisfaction: An analysis based on economic model". Techno economics & Management Research. 1, 97-101.
- Elgar, F.J., Craig, W., & Trites, S.(2012) "Family Dinners, Communication, and Mental Health in Canadian Adolescents". Journal of Adolescent Health.4, 1-6.

- Fatima, M., & Ajmal, A. (2012) **"Happy Marriage: A Qualitative study"**. Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology. 9(2):37-42.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2002) **"Generating hypotheses after 14 years of marital follow up: Or how should one speculate?"**. A reply to Dekay, Greeno, and Houck. Family Process. 40, 105-110.
- Gottman, J. M., & Notaries, C. I. (2002) **"Marital research in the 20th century and a research agenda"**. Family Process. 55, 159-197.
- Greeff, A. P., & Malherbe, L. (2001) **"Intimacy and marital satisfaction in spouses"**. Journal of Sex & Marital Therapy. 27(3), 247-257.
- Harway, M. (2005) **Handbook of Couples Therapy**. John Wiley & Sons, Inc., Hoboken, New Jersey
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1994) **"Deeper into attachment theory"**. Psychological Inquiry. 5, 68-79.
- Ingram, J.R. (2010) **Money stories of successful long-term married couples**. Pro Quest Dissertations and Theses. Texas woman's university.
- Kotrla, K., Dyer, P., & Stelzer, K. (2010) **"How clergy sexual misconduct happens: A qualitative study of first-hand accounts"**. Journal of the Scientific Study of Religion. (48)4, 817-824.
- Long, L.L., & Young, M.E. (2007) **Counseling and Therapy for Couples**. Thomson: BROOKS/COLE.
- Markman, H. J. (1991) **"Constructive marital conflict is NOT an oxymoron"**. Behavioral Assessment. 13, 83-96.
- Mott, F.L., Kowalaeski-Jones, L., & Menaghan, E.G. (2002) **"Paternal Absence And Child Behavior: Does Children's Gender Make A Difference?"**. Journal of Marriage and the Family. 59, 103-118.
- Myers, J.E., Madathil, J., & Tingle, L.R. (2005) **"Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice"**. Journal of Counseling and Development. 83: 183-190.
- Oliva A, Jimenez J M, Parra A. (2009) **"Protective effect of supportive family relationships and the influence of stressful life events on adolescent adjustment"**. Anxiety, Stress and Coping. 22:137-2
- Olson, D. H., & Larson, P. J. (2007) **Correlation of husband and wife on ENRICH scales**. Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Olson, D. H., Larson, P. J. & Olson-Sigg, A. (2009) **"couple checkup: Tuning Up relationships"**. Journal of Couple & Relationship Therapy. 8: 129-142.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012) **"Religiosity, homogamy and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages"**. Journal of Family Issues. 33, 8567-1571
- Ulker, A. (2008) **"Mental health and life satisfaction of young Australians: The role of family background"**. Australian Economic Papers. 2, 199-218.



دیدگاه دانش آموزان دبیرستانی پیرامون منابع تأثیرگذار بر هویت دینی شان (مطالعه موردی شهرستان کرج)

فاطمه عابدی^۱

مرتضی منادی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۱

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی دانش آموزان شهرستان کرج بود. جامعه آماری، عبارت بودند از دبیرستان‌های دختران شهرستان کرج که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه منطقه بالای شهر، مرکز شهر و پایین شهر، سه مدرسه انتخاب شدند.

روش این پژوهش، ترکیبی از نوع کمی و کیفی و ابزار پژوهش، پرسش‌نامه و مصاحبه بود. ابتدا برای انتخاب نمونه پژوهش، پرسش‌نامه سنجش دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) در کلاس‌های پایه چهارم این دبیرستان‌ها که در مجموع، ۲۳۰ نفر و میانگین سنی آنها ۱۷ سال و رشته تحصیلی آنها نظری (ریاضی، تجربی و انسانی) بود، اجرا گردید. بعد از اجرای پرسشنامه، ۶۵ نفر که بالاترین نمره را در میزان دینداری کسب کردند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و هریک به طور جداگانه در یک جلسه ۱۵ دقیقه‌ای به پرسش‌های محقق ساخته پژوهشگر- پرسش‌نامه‌ای نیمه ساختاریافته که با توجه به عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی، تنظیم گردید و بعد از اعمال نظر اساتید مجرب، به شکل نهایی مورد استفاده قرار گرفت- پیرامون منابع تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی شان پاسخ دادند. برای سنجش داده‌های مصاحبه از روش تحلیل محتوای توصیفی استفاده شد.

یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های به عمل آمده از نمونه پژوهش، نشان دهنده تأثیر ۱- مدرسه با مقوله‌های معلم و ویژگی‌های او، فعالیت‌های پرورشی و برنامه درسی؛ ۲- خانواده با مقوله‌های سطح فرهنگی اقتصادی، میزان دینداری، نوع شغل و ...؛ ۳- عوامل اجتماعی با مقوله‌های رسانه‌ها، برنامه‌های فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول) E-mail: abedifateme55@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)

مساجد، مسئولان کشوری و هیئت‌های مذهبی، در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان به ترتیب: میزان دینداری والدین، عضویت در هیئت‌های مذهبی و تشکلهای دانش‌آموزی بوده است. همچنین، یافته‌ها نشان داد که نقش تعدادی از مسئولان رده بالای کشوری و معلمان ناکارآمد، در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان منفی بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که آموزش خانواده و اصول تربیت دینی فرزندان، در نظام آموزش و پرورش جدی گرفته شود و تشکلهای مذهبی دانش‌آموزان با طرح و برنامه مناسب ساماندهی گردند.

واژگان کلیدی: منابع هویتی، هویت دینی، روش کیفی و دانش‌آموزان دبیرستانی

مقدمه

منبع و سرچشمه ارزش‌های هر جامعه‌ای، دین و اعتقادات مذهبی دربرگیرنده آن جامعه است. (سبحانی، ۱۳۸۸) دین، مجموعه‌ای از باورها و باید و نبایدهایی است که از آن باورها نشأت می‌گیرد. از آنجا که انسان دارای بعد عقلانی است، این باورها می‌تواند کارکرد عقلانی داشته باشد. در چنین شرایطی که باورها به شناخت‌های عمیق انسان گره می‌خورد و در سطح عملی نمود می‌یابد، مفهوم دینداری خودنمایی می‌کند. (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۱۶۴) در بیان مفهوم دینداری، حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ای مردم! بدانید که کمال دین، یاد گرفتن معارف و عمل به آن است».^۱ (کافی، جلد ۱: ۳۰) بدین ترتیب، مولای متقیان (ع) هم کمال علمی را مطرح می‌کنند و هم کمال عملی را. بنابراین، فرد دیندار نه تنها دارای دانش مربوط به دینداری است، بلکه نسبت به آن شناخت دارد. منظور از شناخت یا معرفت این است: «نخست فرد به دانش خود اعتقاد داشته باشد. دوم، این اعتقاد امری صادق باشد؛ یعنی، حقیقت داشته باشد، سوم، بتواند آن را توجیه کند». (سبحانی، ۱۳۸۸) داشتن باوری این‌چنین و پیروی از آن، نیاز انسان در جهان است و از نظر ساچمن و ماتیوز (۲۰۰۵) این نیاز در همه دوران‌ها و در همه جوامع مطرح بوده است؛ (به نقل از سبحانی، ۱۳۸۸) به طوری که یکی از کارکردهای اجتماعی کردن افراد در جوامع مختلف، پرورش بُعد دینی شخصیت افراد است. (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۵)

بعد دینی شخصیت یا هویت دینی، بخشی از هویت اجتماعی محسوب می‌شود که معطوف به بُعدی از مفهوم هویت است که تأکید مضاعفی بر شناخت و برداشت فرد از خود با تکیه بر بُعد اجتماعی دارد. این بُعد از هویت همانند هویت فردی، معطوف به جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند و اصولاً این جامعه است که در همه ابعاد هویت، لایه‌های ذهنی فرد را شکل می‌بخشد. به همین دلیل در این سطح از هویت، به طور خاص، بُعد اجتماعی و تمایزات گروهی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۹) هویت اجتماعی نیز اشکالی دارد که یکی از مهم‌ترین اشکال آن، هویت دینی است.

هویت دینی با تکیه بر ادیان الهی، به نیازهای مختلف فرد، نظیر حس ثبات در عرصه‌های اجتماعی، جغرافیایی، هستی‌شناختی، زمانی و تمایزیکی پاسخ می‌دهد. (به نقل از اسکندری، ۱۳۹۱) آیبید^۲ (۲۰۰۵) معتقد است: «ادیان، احساس پیش‌بینی‌پذیری نسبت به هستی و حس تداومی را که فرد نیاز دارد تا به تعادل و ثبات روانی برسد، در اختیار فرد قرار می‌دهند. علاوه بر این، اجتماعات مذهبی و نظام‌های معانی، منابعی برای حس علاقه (تعلق به دیگری) و تأیید (به عنوان پایه‌ای برای عزت نفس) هستند که فرد آن را جستجو می‌کند. آنها هم‌چنین فعلیت‌بخشی و حتی تعالی‌بخشی خود را تشویق می‌کنند. در حالی که عضویت در اغلب گروه‌ها به رشد خود اجتماعی فرد کمک می‌کند، گروه‌های دینی به‌طور کلی، به ارضای هر دو نیاز هویتی فرد یعنی تحقق خود فردی و اجتماعی یاری می‌رسانند». (به نقل از دوران، ۱۳۸۸: ۱۳۴) بنابراین، هویت دینی، بخشی از هویت اجتماعی است که در رابطه با افراد دیگر و در فرایندی به نام جامعه‌پذیری، شکل می‌گیرد. فرآیند جامعه‌پذیری، دارای مراحل گوناگونی است که از بدو تولد تا پایان عمر را در بر می‌گیرد و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن ایفای نقش می‌کنند.

در میان عوامل مختلف جامعه‌پذیری، نقش خانواده از برجستگی خاصی برخوردار است. علت این امر را می‌توان در این واقعیت جست که شکل‌گیری اولیه شخصیت افراد تا حدود زیادی در درون خانواده صورت می‌گیرد و فرزندان بیشتر ویژگی‌های رفتاری والدین خود را کسب می‌کنند؛ دوم، این نقش خانواده، بیشتر

۱. «أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ»

هنگامی مشاهده می‌شود که فرد در سال‌های اولیه زندگی خود قرار دارد و شخصیت وی همچون لوح سفیدی برای اولین بار در حال شکل‌گیری است. (موگهی، ۱۳۸۰) در پژوهشی هم که توسط خالقی فیروزآبادی و اخلاقی (۱۳۹۱) و ارژنگ و میرفردی (۱۳۹۳) انجام شد، نتایج نشان داد که رابطه قوی و معناداری میان هویت دینی دانش‌آموزان با فرهنگ مذهبی خانواده‌هایشان برقرار است. اگرچه در این پژوهش‌ها که به شیوه همبستگی صورت گرفته، به یقین نمی‌توان نشان داد که آیا ثمره تربیتی خانواده‌های مذهبی، لزوماً فرزندان مذهبی است و آیا دانش‌آموزان، مذهبی بودن خود را مدیون خانواده هستند، ولی وجود همین رابطه در پژوهش، می‌تواند گویای تأثیر مثبت مذهبی بودن والدین بر روی فرزندان‌شان باشد. به اعتقاد استوتزل (۱۹۹۸) اولاً، فرآیند جامعه‌پذیری در محیط خانواده نه با فشاری فلج‌کننده همراه است و نه معلول تقلیدی بی‌هدف است که کورکورانه انجام گیرد، بلکه این فرآیند عبارت از «سازگاری کاملاً هدف‌داری» است که به عوض آنکه کودک برخلاف میل خود آن را تحمل کند، آن را می‌طلبد و در واقع نوعی سازگاری حساب شده و ارادی است؛ ثانیاً، کودک با کسب تجارب مشخص در دوره‌های بعدی زندگی و آرمان‌هایی که رفته‌رفته بر اثر این تجارب برای خود ترتیب می‌دهد، الگوی اولیه شخصیت خود را دگرگون می‌سازد و شخصیت نهایی او در واقع نتیجه انطباق‌هایی است که در سراسر عمر به نحو پویایی در رویارویی با اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی و قبول مقام‌های مختلف و ایفای نقش‌های مربوط به آن، از او سر می‌زند. (به نقل از گیدنز، ۱۳۸۶: ۸۹) امروزه نقش خانواده به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، دچار تغییر شده است و برخلاف گذشته، فرزندان به ویژه جوانان برای مدت زمان بیشتری در معرض تأثیر سایر عوامل از جمله نهاد رسمی آموزش و پرورش قرار دارند. هدف اصلی نهاد آموزش و پرورش، همان جامعه‌پذیر کردن یا آماده ساختن کودک برای حضور و درک به موقع و هماهنگ ساخت‌ها، کارکردها و فرهنگ جامعه جهت نشان دادن عملکرد معقول اعم از واکنش‌ها، رفتار یا کنش، در جهت رفع نیازها و رسیدن به اهداف جمعی است. (پیروزینا، ۱۳۸۵: ۱) اسکندری (۱۳۹۱) در پژوهشی، رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان را بررسی کرد و نشان داد که در حالت کلی، بین میزان فعالیت پرورشی مدرسه و سه بعد هویتی فردی، اجتماعی و دینی و نیز بین فعالیت‌های پرورشی و هویت اجتماعی، رابطه مثبت و معنادار مشاهده می‌شود، اما درباره دو مورد دیگر، رابطه معناداری مشاهده نشد. نکته قابل تأمل در این پژوهش، تأثیر ویژه گروه بر افراد است. آنچه را که در گروه‌های دانش‌آموزی به عینه می‌توان دید علاقه‌مندی آنها به مشارکت با یکدیگر و حس همکاری در برنامه‌های تفریحی و فوق برنامه مدارس است که خود منبعی عظیم از تبادلات افکار و اطلاعات در بین افراد گروه است، چرا که گروه‌های همسالان و دوستان، حس ارزشمند بودن را در فرد ایجاد می‌کنند. دوستان به تبادل عقاید و اطلاعات می‌پردازند و به شکل‌دهی دیدگاه‌های یکدیگر درباره جهان خارج و پدیده‌های آن کمک می‌کنند. در مواردی که جامعه‌ای شاهد شکاف و تضاد بین نسل‌ها باشد یا نسل‌های مختلف تجربیات متفاوتی داشته باشند، گروه همسالان و دوستان اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. اهمیت گروه همسالان و دوستان در جامعه فعلی ما به علت گسترش بی‌رویه شهرنشینی و تبعات آن از جمله: کاهش نفوذ و اقتدار والدین و نهادهای سنتی و همچنین طولانی شدن دوره جوانی در اثر گسترش آموزش، از یک سو و بیکاری و بالا رفتن سن ازدواج، از سوی دیگر افزایش یافته است. گروه همسالان و دوستان ممکن است بر مبنای محله، مدرسه، دانشگاه، سن یا یک فعالیت مشترک و یا آمیزه‌ای از این عوامل تشکیل گردد. (خسروی، کیامنش، بنی‌جمالی و نیک‌منش، ۱۳۸۶) در پژوهشی که توسط سروش (۱۳۸۰) و ارژنگ و میرفردی (۱۳۹۳) انجام شد، میزان مذهبی بودن والدین و دوستان، میزان دنیاگرایی و جنسیت، اثرات مستقیمی بر هویت دینی داشتند و میزان تأثیرگذاری دوستان بر هویت دینی افراد، به طور ویژه‌ای از عوامل دیگر بیشتر بوده است. در پژوهش‌های یاد شده- که نوعی پژوهش همبستگی بوده است- پژوهشگر در مورد اینکه این دوستان مربوط به مدرسه و یا

گروه‌های اجتماعی و یا تشکّل‌های مختلف بوده‌اند، توضیحی نداده است و این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که در چه صورت و در چه زمان و مکانی تأثیر دوستان بر مذهبی بودن، از عوامل دیگر بیشتر است. وسایل ارتباط جمعی، عامل دیگری است که در فرایند جامعه‌پذیری باید مورد توجه قرار گیرد. انسان امروز به لحاظ شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی، هرگز نمی‌تواند خود را از وسایل ارتباط جمعی و اخبار دنیایی که او را در بر گرفته است، بی‌نیاز بداند. جهان پهناور در اثر پیشرفت‌های شگرف وسایل ارتباطی، بسیار کوچک جلوه کرده است؛ به گونه‌ای که مک‌لوهان لقب «دهکده جهانی» بدان داده و برای توصیف نقش تعیین‌کننده ارتباطات در زندگی اجتماعی انسان، این برهه را «عصر ارتباطات» نام نهاده است. نظام کنترل شده رسانه‌های جمعی، نقش مؤثری در جامعه‌پذیری ایفا می‌کند. (توسلی، ۱۳۸۶) قدرت و اثرات رسانه‌های جمعی و در رأس آن‌ها تلویزیون، سال‌های بسیاری است که توجه جوامع را به خود جلب کرده است. در جریان جامعه‌پذیری افراد توسط تلویزیون، هنجارهای گروهی زیر به افراد آموخته می‌شود: آداب اجتماعی شامل غذا خوردن، نشستن، تعارف کردن؛ شعائر اجتماعی شامل مناسک دینی، آداب و تشریفات یک آیین خاص که دارای قدمت و اهمیت فراوان است؛ اخلاق اجتماعی شامل رسوم اجتماعی مهمی که جامعه نقض آن‌ها را سخت ناپسند می‌شمارد؛ مقررات اجتماعی شامل رسم‌هایی که جامعه با خواست و آگاهی به وجود می‌آورد، مثل مقررات راهنمایی و رانندگی. (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۶) در نتیجه یادگیری این آموزش‌ها که جملگی بر اثر امکان یادگیری اجتماعی حاصل از استفاده از رسانه‌های جمعی است، شخص با جامعه پیام دهنده، هم‌نوا و هم‌رنگ شده، ارزش‌ها و هنجارهای مذکور را درونیمی کند. این تأثیر عظیم رسانه بر افراد در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است. به عنوان نمونه، در پژوهش قصابی، چمنی، عزتی و صنعتی شرقی (۱۳۹۱)، ریاحی، علیزاده، اشتیاقی و کاظمیان (۱۳۹۲)، قاسمی، علیپور و کیانپور (۱۳۹۱)، پیری (۱۳۸۶)، کولادیپ^۱ (۲۰۰۹) و روباکا^۲ (۲۰۱۲) که بر روی دانش آموزان ۱۴ تا ۱۸ سال انجام شد، نتایج حاکی از آن است که استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت اثر منفی یا معکوس بر هویت دینی افراد می‌گذارد. علاوه بر تأثیر عوامل یاد شده در شکل‌گیری هویت دینی جوانان، پژوهش‌های ایمان و سروش (۱۳۸۱)، گوویا و آلبوکوئروکو^۳ (۲۰۰۲) و کدی^۴ (۲۰۱۴) به ترتیب نشان می‌دهد که جنسیت و میزان دنیاگرایی والدین، ارزش‌های اجتماعی با هویت سنتی درون‌گروهی و هویت سرزمینی محلی و نظام دمکراتیک جامعه و نهادینه شدن فرهنگ ملی، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت دینی ملت‌ها دارند. بر اساس یافته‌های یاد شده و با توجه به تأثیرات دین در جامعه، از یک سو و در نظر گرفتن هدف کلان نظام جمهوری اسلامی که هویت بخشی دینی به جوانان است، از سویی دیگر، اهمیت دانستن یا شناخت منابعی که هویت دینی و ایمان دینی جوانان را شکل می‌دهد، از آن جهت مهم قلمداد می‌شود که «دین موجب بالندگی افراد و آرامش ذهنی آنها شده و تعهد افراد به اصول اخلاقی را تقویت می‌کند» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۲۵) - این مسئله اهمیت جامعه‌پذیری هویت دینی جوانان را صد چندان می‌کند. در جوامع در حال گذار، نسل جوان در جستجوی کسب جایگاه هویت برای خود برمی‌آید تا با ذهنیت و رویکردهای پیشین به چالش برخیزد. جامعه ایران نیز به عنوان یک جامعه در حال گذار، با چنین مسائلی دست به گریبان است. جوانان و چگونگی دینداری و عوامل مؤثر بر دینداری آنان از جمله این مسائل هستند. در این میان، دانش آموزان اعم از دختر و پسر به عنوان بخشی از جمعیت جوان این کشور، با مسئله کسب هویت دینی

1. Kuldip
2. Robaka
3. Gouveia, Albuquerque
4. Keddie

مواجه هستند. اگرچه پژوهش‌های داخلی و خارجی زیادی پیرامون شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی جوانان صورت گرفته، اما خلأ اساسی همه این پژوهش‌ها، این است که مشخص نشده که خود دانش‌آموز چه عواملی را در تشکیل هویت دینی خود مؤثرتر می‌داند. از آنجا که شناسایی عامل یا عوامل مهم می‌تواند برای خانواده‌ها و دست‌اندرکاران آموزش در کشور، راهگشا باشد تا زمینه بروز عوامل ذکر شده را بهتر فراهم نمایند، پژوهش حاضر در پی آن است تا با کنکاشی عمیق و دانش‌پژوهانه از میان بیانات دانش‌آموزان، عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی‌شان را شناسایی و معرفی نماید. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل و منابع شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان از منظر خودشان و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهشی زیر است:

- ۱- از دیدگاه دانش‌آموزان، مدرسه و عوامل مرتبط با آن همچون: برنامه درسی، معلم و فعالیت‌های پرورشی، چه نقشی در تشکیل هویت دینی دانش‌آموزان دارند؟
- ۲- از دیدگاه دانش‌آموزان، خانواده و عوامل مرتبط با آن نظیر تحصیلات والدین، شغل، طبقه اجتماعی، محیط اجتماعی، دینداری والدین، پرستار یا مراقب کودک، بستگان و افراد نزدیک و دوستان خانوادگی، چه نقشی در شکل‌گیری هویت دینی جوانان دارند؟
- ۳- از دیدگاه دانش‌آموزان، عوامل اجتماعی همچون: رسانه‌ها (تلویزیون، ماهواره، اینترنت و تلفن همراه)، مسئولان رده بالای کشور، روحانیت و برنامه‌های فرهنگی مساجد، هیئت‌های مذهبی و مراسم‌های ملی-مذهبی، چه نقشی در شکل‌گیری هویت دینی جوانان دارند؟

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر که ابتدا انتخاب نمونه پژوهشی از میان دانش‌آموزان و سپس بررسی عمیق نگرش افراد مورد نظر است، روش پژوهش ترکیبی از نوع کمی - کیفی، برگزیده شده است. طرح پژوهش ترکیبی، مجموعه اقداماتی برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب اطلاعات کمی و کیفی در یک مطالعه واحد به منظور شناخت دقیق‌تر مسئله تحقیق است. این روش، یک رویکرد پژوهشی است که از طریق سنجش هر دو دسته یافته‌های یک تحقیق کمی و فرایندهای یک تحقیق کیفی می‌تواند تصویری پیچیده از یک پدیده ارائه دهد. به بیان دیگر، از این طریق ما قادر هستیم با جمع‌آوری و تلفیق یا ادغام انواع متفاوت اطلاعات در مورد یک پدیده معین، پژوهش خود را غنا بخشیم. این بهبودبخشی، حاصل ترکیب نقاط قوت یک روش پژوهشی با جوانب محکم روش دیگر و خنثی‌سازی نقاط ضعف آنهاست. (کرسول و کلارک، ۲۰۰۷، ترجمه کیامنش و سرایی، ۱۳۹۰)

جامعه آماری پژوهش

جامعه این پژوهش، تمام دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان شهرستان کرج بودند که تعداد ۴ دبیرستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند.

روش اجرای پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، در پژوهش حاضر، نخست برای شناسایی افرادی که هویت دینی مناسبی داشتند، از پرسشنامه سنجش دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد؛ به این صورت که از بین ۲۳۰ دانش‌آموز ۴ دبیرستان منتخب، تعداد ۶۵ نفر که نمره بالاتری را از نظر دینداری (نمره پایین‌تر از ۱۱۰) در این پرسش‌نامه کسب کردند و در طبقات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد نظر (بالا، متوسط،

ضعیف) بودند، انتخاب گردیدند. (بخش کمی پژوهش) همه دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش، دارای میانگین سنی ۱۷ و در یکی از رشته‌های نظری (ریاضی، تجربی و انسانی) تحصیل می‌کردند. سپس از هر یک از این دانش آموزان در یک جلسه ۱۵ دقیقه‌ای مصاحبه به عمل آمد. از میان انواع مصاحبه، از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد و با این که پرسش‌ها از قبل طراحی شده و هدف آن کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده بود، ولی هر پرسش با تعدادی پرسش دیگر، پیگیری شد و از پاسخ‌دهنده‌ها خواسته شد که توضیحات بیشتری درباره پاسخ‌های خود بدهند تا درک روشن‌تری از پدیده مورد بررسی به دست آید. (منادی، ۱۳۸۵، الف) از میان پرسش‌های پرسیده شده، پرسش‌های پیشنهادی برگزیده شد و پس از انجام چند مصاحبه آزمایشی، این پرسش‌ها اصلاح و نهایی شد؛ به طوری که می‌توان گفت پرسش‌های یکسانی از دانش آموزان پرسیده شد. برخی از پرسش‌های اصلی که از همه افراد پرسیده شد عبارت بودند از: انجام مناسک دینی را از چه سنی شروع کرده‌اید، اولین کسانی که شما را تشویق به انجام اعمال دینی کردند چه کسانی بودند، نظر شما درباره کتاب دین و زندگی چیست و پرسش‌هایی از این قبیل. پس از انجام مصاحبه‌ها، متن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شد و برای پردازش داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل محتوای از نوع توصیفی استفاده گردید؛ یعنی ابتدا متن مصاحبه مطالعه شد و سپس یک تفسیر کلی درباره متن و ارتباط آن با همه پرسش‌ها صورت گرفت (تحلیل اولیه). در مرحله دوم، تحلیل دقیق‌تر هر پاسخ جداگانه آغاز شد (واحد تحلیل). بدین منظور واژه‌های کلیدی و مهم متن شناسایی گردید تا قالب متن شناخته شود و تفکر اصلی گوینده متن مشخص گردد. در مرحله سوم (واژه‌شناسی) زیر کلمات معنی‌دار خط کشیده و در کنار متن یادداشت شدند و در مرحله پایانی (جداسازی یا مقوله‌بندی)، پس از جمع‌آوری واژه‌ها، دسته‌بندی، شمارش و کدگذاری انجام شد تا پس از در کنار هم قرار دادن این واژه‌ها، تفکر و نوع نگاه دانش آموزان در آن‌ها شناسایی شود. (منادی، عابدی و طالب‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۰۱)

ابزار پژوهش

الف- پرسشنامه سنجش دینداری: برای تعیین نمونه پژوهش در بخش کمی پژوهش، از پرسشنامه سنجش دینداری خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد. این پرسش‌نامه، یک پرسش‌نامه ۴۰ سوالی است که با در نظر گرفتن ابعاد اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری و همچنین مبتنی بر ۴ رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و جهان هستی ساخته شده است. این پرسش‌نامه از نوع لیکرت ۶ درجه‌ای است که امتیازات حداقل صفر برای گزینه هرگز و حداکثر ۵ برای گزینه همیشه را برای هر پرسش دربر می‌گیرد. نمره کمتر در این آزمون به معنی بالا بودن میزان دینداری و نمره بالا به معنی پایین بودن میزان دینداری است. بررسی روایی محتوایی، صوری و ملاکی مقیاس نشان داده است که این مقیاس دارای ویژگی روان‌سنجی مناسبی است. ضرایب اعتبار بازآزمایی خرده مقیاس شناخت و باور دینی ۰/۵۲، خرده مقیاس عواطف دینی ۰/۵۹، و وظایف دینی ۰/۶۴ به دست آمده است. ضرایب اعتبار درونی خرده مقیاس‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ و ۰/۹۱ به دست آمده است. (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۹)

ب- پرسشنامه محقق ساخته: برای اجرای مصاحبه، از پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر دو بخش داده‌های شخصی و پرسش‌های اصلی استفاده شد که ابتدا پرسش‌ها با نظارت استاد راهنمای پژوهشگر، طراحی و سپس در یک نمونه ۱۰ نفری اجرا و پس از سنجش روایی پاسخ‌های حاصل، تغییراتی در پرسش‌ها ایجاد شد و سپس در نمونه پژوهش به اجرا درآمد. برای تحلیل داده‌های حاصل از مراحل پژوهش، از نرم افزار SPSS۲۰ استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

پس از گردآوری داده‌های حاصل از مصاحبه، یافته‌های زیر از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید:

۱- مدرسه و مقوله‌های مرتبط به آن

مدرسه به عنوان یک نهاد آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دارد. با توجه به اینکه مدرسه از عناصر (مقوله‌ها) مختلف ساخته می‌شود، هر یک از این عناصر به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف- فعالیت‌های پرورشی و زیرمقوله‌های مربوط به آن: در پاسخ به این پرسش که فعالیت‌های مربوط به امور پرورشی مدرسه، چقدر توانسته است باورهای دینی را در شما بوجود آورد، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به زیرمقوله‌هایی از قبیل شرکت در نماز جماعت، رفتن به اردوهای تفریحی و مذهبی، گروه‌های سرود و مسابقات فرهنگی و هنری اشاره می‌کردند. به طور نمونه، یکی از دانش‌آموزان در مصاحبه خود چنین گفت: "من از دوره راهنمایی خیلی دوست داشتم با بچه‌ها برم اردو. توی اردو هم، یه وقتی که مربی باحال داشتیم، هم بازی‌های دسته‌جمعی می‌کردیم و هم نماز جماعت می‌خوندیم. البته بعضی وقتا مربی‌های بداخلاقی داشتیم که خیلی خشک بودند. همش تذکر می‌دادند که موهاتو بپوشون، نخند. اول برین نماز. من و دوستانم خیلی اینجوری راحت نبودیم." از مجموع مصاحبه‌های به عمل آمده، زیرمقوله‌های مورد اشاره مربوط به فعالیت‌های پرورشی در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی بر اساس زیر مقوله‌های فعالیت پرورشی

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						زیر مقوله‌های مربوط به فعالیت‌های پرورشی
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۱%	۳۳	۴۲%	۲۷	۸%	۵	مسابقات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری
۴۲%	۲۷	۲۶%	۱۷	۳۲%	۲۱	تشکّل‌های دانش‌آموزی
۳۲%	۲۱	۴۳%	۲۸	۲۵%	۱۶	تشویق‌ها
۷۰%	۴۵	۲۰%	۱۳	۱۱%	۷	مراسم صبحگاهی
۵۵%	۳۶	۲۹%	۱۹	۱۶%	۱۰	فرائض دینی (برگزاری نماز و امر به معروف و ...)
۴۶%	۳۰	۳۵%	۲۳	۱۹%	۱۲	اردوها، بازدیدها، سخنرانی‌ها و

بر اساس جدول ۱، زیرمقوله تشکیل‌های گروهی، از جمله فعالیت‌های پرورشی است که بیشترین تأثیر را در تشکیل هویت دینی دانش‌آموزان داشته است (۳۲ درصد) و مراسم صبحگاهی کمترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان داشته است. (۱۱ درصد)

ب- معلم و ویژگی‌های او (با تأکید بر درس دینی و قرآن): بیشتر دانش‌آموزان در پاسخ به این پرسش که معلمان در تشکیل هویت دینی شما چه نقشی داشتند، به زیرمقوله‌هایی چون: احترام متقابل، عادل بودن، شیک پوش بودن، صمیمی شدن با دانش‌آموزان، تخصص داشتن و غیره اشاره می‌کردند. برای مثال، دانش‌آموزی در

پاسخ به پرسش بالا، چنین بیان کرد: "معلم‌های دینی تأثیری رو من نداشتند. خیلی از معلم‌های ما اصلاً اجازه پرسیدن تو کلاس به ما نمی‌دادند. حرفه ایی هم که می‌زدند، طوری بود که آدم بیشتر زده می‌شد تا اینکه جذب بشه. تازه خیلی‌هاشون اصلاً درسی که میدن رو خودشون بهش تسلط ندارند و معلومه که درسشو نخونده. معلم یه درس دیگه بوده." به طور خلاصه یافته‌های حاصل از این بخش در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با زیرمقوله‌های معلم و ویژگی‌های او

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						معلم و ویژگی‌های او (با تأکید بر درس دینی و...)
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۷%	۲۴	۳۱%	۲۰	۳۲%	۲۱	رفتار دین‌مدارانه (عدالت، حق‌جویی، انسان‌دوستی، احترام‌گذاری و...)
۵۷%	۳۷	۳۶%	۲۳	۳۸%	۲۵	نحوه بیان و شیوه تدریس کارآمد
۲۸%	۱۸	۴۳%	۲۸	۲۵%	۱۹	برقراری ارتباط مناسب با دانش‌آموزان
۴۸%	۳۱	۲۸%	۱۸	۲۵%	۱۶	پوشش ظاهری و آراستگی
۱۸%	۱۲	۴۰%	۲۶	۴۱%	۲۷	میزان تسلط علمی، به روز بودن و قدرت پاسخگویی به پرسش‌ها

بر اساس جدول ۲، مؤثرترین ویژگی معلم که بر شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان نقش دارد، تسلط بالا، به روز بودن و قدرت پاسخگویی به پرسش‌های دینی دانش‌آموزان است (۴۱ درصد) که علت آن را می‌توان به کنجکاوی و دنبال حق بودن دانش‌آموزان در سنین نوجوانی دانست. بسیاری از دانش‌آموزان به این نکته توجه داشتند که در برخی از پایه‌های تحصیلی معلم دین و زندگی، کارشناس رشته دیگری بوده که برای پر شدن ساعت موظف خود، مجبور به قبول تدریس دین و زندگی بوده است- این مسئله در مناطق پایین‌شهر بیشتر به چشم می‌خورد. در این‌گونه موارد، نه تنها معلم به درس تسلط لازم را نداشته، بلکه از پرسش‌های دانش‌آموزان ناراحت می‌شده و تمایلی به برقراری جو پرسش و پاسخ در کلاس نشان نمی‌داده است. همچنین، کم‌اثرترین ویژگی معلم که تأثیر کمتری نسبت به سایر ویژگی‌های معلم بر روی هویت دینی دانش‌آموزان دارد، پوشش ظاهری و آراستگی معلم است (۲۵ درصد) که شاید بتوان علت آن را به این عامل نسبت داد که امروزه جوانان بر این باورند که پوشش ظاهری افراد، نشانه ایمان به خدا و اعتقادات عمیق دینی نیست. در برخی موارد دانش‌آموزان، دین را یک امر شخصی می‌پنداشتند و معتقد بودند که میزان دینداری هر کس مربوط به خود اوست و ارتباطی با دیگران ندارد.

ج- برنامه درسی: به زعم بسیاری از برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، تألیف کتب و منابع مورد نیاز در این زمینه است. مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که کتاب دینی چقدر در شکل‌گیری هویت دینی‌شان نقش داشته است، به زیرمقوله‌هایی چون: نگارش پیچیده، به روز نبودن، جذاب نبودن، مطالب خسته‌کننده، عدم توجه به نیازهای دانش‌آموزان و غیره اشاره می‌کردند. به طور مثال، دانش‌آموزی در پاسخ به پرسش بالا، بیان کرد: "هر وقت کتاب دینی رو می‌خونم برای امتحان،

فکر می‌کنم که به شعورم توهین شده. برای اینکه اصلاً نمی‌فهمم چه می‌خواهد بگوید. همه مطالب یکنواخت و خسته کننده رو توش گنجوندن و نمی‌دونم چرا به کم رنگ و وارنگش نکردن که آدم خسته نشه از خوندنش. به جای اینکه بچه‌ها رو به خدا جذب کنه اون‌ها رو دور می‌کنه. خدا وکیلی اگه برای کنکور ضریب ۳ نداشت، عمراً اگه بچه‌ها بخوننش. "یافته‌های حاصل از مصاحبه درباره مؤلفه برنامه درسی در جدول ۳ آورده شده است: جدول ۳: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با زیرمقوله‌های برنامه درسی

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						برنامه درسی با تأکید بر کتاب دینی و قرآن
کم		متوسط		زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۲٪	۴۷	۱۷٪	۱۱	۱۱٪	۷	نگارش مناسب
۷۸٪	۵۱	۱۴٪	۹	۱۲٪	۵	جذابیت تصویری و نوشتاری
۸۰٪	۵۲	۱۵٪	۱۰	۵٪	۳	همخوانی نیازهای دانش‌آموز با محتوای کتاب
۶۸٪	۴۴	۲۶٪	۱۷	۶٪	۴	امکان پاسخگویی به پرسش‌های دانش‌آموزان
۷۷٪	۵۰	۱۴٪	۹	۹٪	۶	مطلوبیت زنگ دینی و قرآن

بر اساس یافته‌های جدول ۳، ۸۰ درصد دانش‌آموزان معتقد بودند که نیازهای مربوط به هویت دینی آنان با محتوای کتاب همخوانی کمی دارد که علت آن را می‌توان به عامل «امتحان دادن» مربوط دانست که عموماً دانش‌آموزان نگاه مثبتی نسبت به آن ندارند. همچنین، مؤلفه امکان پاسخگویی به پرسش‌های دانش‌آموزان بیشتر از دیگر مؤلفه‌های برنامه درسی، توانسته است (۶ درصد + ۲۶ درصد) در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان نقش داشته باشد که بیانگر آن است که برنامه درسی در نظر گرفته شده تا حدودی می‌تواند به پرسش‌های دانش‌آموزان در حیطه دین پاسخ دهد.

با توجه به جدول‌های مربوط به مدرسه و عناصر مرتبط با آن، ملاحظه می‌شود که عامل نحوه بیان و شیوه تدریس کارآمد باعث شکل‌گیری ۳۸ درصدی هویت دینی دانش‌آموزان شده است که از نظر روان‌شناسی یادگیری هم کارآمدی تدریس و بیان مناسب مطالب توسط معلم از جمله عوامل مؤثر در یادگیری می‌باشد، چرا که برانگیزاندن دانش‌آموزان و اداره حواس آنان جهت ارائه مطالب علمی، از پیش‌فرض‌های اساسی کارآمدی تدریس یک ماده درسی است. همچنین، ضعیف‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، عامل همخوانی نیازهای دانش‌آموز با اهداف کتاب بوده است که به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که در این حوزه در مدارس تدریس می‌شود، با توجه به خواسته‌ها، نیازها و علائق و دغدغه‌های ذهنی دانش‌آموزان نیست - به ویژه که در مقطع دبیرستان، درس دین و زندگی به عنوان یک درس با ضریب ۳ در کنکور سراسری، نقش مؤثری در قبولی یا عدم قبولی دانش‌آموزان دارد و معلمی کارآمدتر به نظر می‌رسد که به شیوه کنکوری تدریس نماید.

۲- خانواده و مقوله‌های مرتبط با آن

با توجه به اینکه خانواده اولین کانون تربیتی کودک به شمار می‌آید، از نقش تعیین‌کننده‌ای در روند شکل‌گیری هویت دینی فرزندان برخوردار است. براساس این پرسش که خانواده چه تأثیری در شکل‌گیری هویت دینی دارد، مصاحبه‌شوندگان به مؤلفه‌های متعددی اشاره کردند. به طور مثال، در بیانات یک دانش‌آموز

آمده است: "پدرم خیلی با من صمیمیه، خیلی هم معتقده، اما هیچوقت درباره مسائل دینی به من سخت نمی‌گیره. البته تشویق می‌کنه که مثلاً نماز بخونم. روزه بگیرم اما بهم گیر نمی‌ده. مادرم هم یه زن مهربون و مذهبيه. دوتا شون خیلی به هم احترام می‌ذارن. فکر کنم به خاطر اینکه خیلی همو دوست دارن." تحلیل مصاحبه‌های مربوط به پرسش درباره نقش خانواده در شکل‌گیری هویت دینی فرزندان، در قالب مقوله‌ها و زیرمقوله‌های جدول ۴ معرفی شده‌اند:

جدول ۴: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با خانواده و زیرمقوله‌های مرتبط با آن

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						خانواده و زیرمقوله‌های وابسته به آن		
کم		متوسط		زیاد				
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱۸٪	۱۲	۲۳٪	۱۵	۲۰٪	۱۳	بالاتر از کارشناسی	میزان تحصیلات والدین	
۳۲٪	۲۱	۲۹٪	۱۹	۳۸٪	۲۵	دیپلم تا کارشناسی		
۳۸٪	۲۵	۳۴٪	۲۲	۲۸٪	۱۸	زیر دیپلم		
۲۹٪	۱۹	۳۸٪	۲۵	۳۲٪	۲۱	نوع شغل والدین		
۳۷٪	۲۴	۲۸٪	۱۸	۱۲٪	۸	پر درآمد	طبقه اجتماعی	
۴۱٪	۲۷	۲۹٪	۱۹	۲۶٪	۱۷	متوسط		
۳۸٪	۲۵	۲۶٪	۱۷	۱۱٪	۷	کم درآمد		
۴۳٪	۲۸	۲۸٪	۱۸	۲۶٪	۱۷	بالا شهر	محیط اجتماعی (محل سکونت)	
۲۸٪	۱۸	۴۳٪	۲۸	۴۹٪	۳۲	مرکز شهر		
۲۵٪	۱۶	۳۸٪	۲۵	۴۰٪	۲۶	پایین شهر		
۳٪	۲	۳۴٪	۲۲	۶۳٪	۴۱	بالا	میزان دینداری	پدر
۸٪	۵	۵۵٪	۳۶	۳۷٪	۲۴	متوسط		
۹۱٪	۵۹	۹٪	۶	۵٪	۳	پایین		
۲٪	۱	۳۱٪	۲۰	۶۰٪	۳۹	بالا		مادر
۵٪	۳	۵۷٪	۳۷	۳۸٪	۲۵	متوسط		
۷۸٪	۵۱	۶٪	۴	۳٪	۲	پایین		
۲۰٪	۱۳	۵۴٪	۳۵	۳۲٪	۲۱	پرستار یا مراقب	افراد مرتبط با خانواده	
۱۷٪	۱۱	۳۸٪	۲۵	۴۵٪	۲۹	دوستان خانوادگی		
۲۱٪	۱۴	۳۱٪	۲۰	۲۶٪	۱۷	بستگان نزدیک		

با توجه به داده‌های جدول ۴، میزان تحصیلات والدینی که تحصیلات آنها دیپلم تا کارشناسی بود، بیشترین سهم را در تعیین هویت دینی فرزندان داشته‌اند. فرزندان این والدین، بیشتر از کلاس‌های خارج از مدرسه مانند آموزش قرآن بهره می‌بردند که علت تأثیر بیشتر بر هویت دینی فرزندان می‌باشد. همچنین، طبقات اجتماعی متفاوت در میزان هویت بخشی به فرزندان خود فرق چندانی با یکدیگر ندارند.

در مورد محیط اجتماعی (محل سکونت)، خانواده‌هایی که در مرکز شهر اقامت داشتند، از تأثیر بیشتری بر هویت دینی فرزندان برخوردار بودند. (۲۶ درصد) این خانواده‌ها همان‌هایی هستند که عموماً سطح تحصیلات دیپلم تا کارشناسی و سطح اقتصادی متوسط داشتند.

همچنین، عامل دینداری والدین، عامل تعیین‌کننده‌ای در میزان شکل‌گیری هویت دینی فرزندان، بوده است. (۶۳ درصد) در مواردی که والدین از میزان اعتقاد و باور مطلوبی درباره دین و فرائض مذهبی، برخوردار بودند، میزان دینداری فرزندان نیز بیشتر بوده است.

با توجه به داده‌های جدول، از میان افرادی که با خانواده رفت و آمد دارند، کسانی که در اوان کودکی خود ملازم پرستار یا مراقب- در بیشتر موارد مادر بزرگ‌ها- بوده‌اند، از میزان دینداری و پابندی بیشتری به اصول دینی برخوردار بودند و آنان در شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان، نقش مهمی ایفا نموده‌اند. (۴۸ درصد)

۳- عوامل اجتماعی و زیرمقوله‌های مرتبط با آن

امروزه عوامل اجتماعی زیادی بر جامعه‌پذیری هویت دینی نوجوانان و جوانان نقش دارند. با توجه به عاملیت نظام جمهوری اسلامی مبنی بر حفظ، صیانت و تداوم هویت دینی احاد جامعه، نهادهای بسیاری دست‌اندرکار جامعه‌پذیر کردن نوجوانان و جوانان جامعه هستند که در تحلیل مصاحبه‌ها به برخی عوامل اجتماعی مهم تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان مانند تلویزیون، ماهواره، برنامه‌های مساجد و تکایا، روحانیت و افراد مهم تأثیرگذار و غیره اشاره شده است. به طور مثال، دانش‌آموزی بیان کرد: "من از اول راهنمایی، عضو کانون خواهران محل هستم. هر هفته به روز جلسه توی مسجد برگزار میشه. به خانم که جوونه و توی حوزه درس خونده بدون اینکه از ما پولی بگیره میاد بهمون درس می‌ده. احکام، وظایف و حقوق هر فرد در جامعه و از این جور چیزها. خیلی سواد داره. خیلی اهل عمله. فقط مثل بعضی‌ها حرف نمی‌زنه. مشکلی هم داشته باشیم سعی می‌کنه کمکمون کنه." زیرمقوله‌های مربوط به عوامل اجتماعی در جدول ۵ آورده شده است:

جدول ۵: فراوانی و درصد شکل‌گیری هویت دینی در ارتباط با زیرمقوله‌های عوامل اجتماعی

میزان تأثیر بر شکل‌گیری هویت دینی						
عوامل اجتماعی و زیرمقوله‌های مرتبط با آن		زیاد		متوسط		کم
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
رسانه‌ها	اینترنت	۳	۵%	۷	۱۱%	۱۱
	تلویزیون	۱۲	۱۸%	۲۶	۴۰%	۱۶
	ماهواره	۵	۸%	۸	۱۲%	۱۷
	تلفن همراه	۴	۶%	۶	۹%	۵

روحانیت و برنامه‌های فرهنگی مساجد	۱۵	۲۳٪	۱۹	۲۹٪	۱۷	۲۶٪
مسئولان رده بالای کشوری	۰	۰٪	۱	۲٪	۲	۳٪
هیئت‌های مذهبی و مراسم ملی- مذهبی	۲۶	۴۰٪	۲۴	۳۷٪	۱۱	۱۷٪

بر اساس داده‌های جدول ۵، مهم‌ترین عامل اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی دانش آموزان، عضویت در هیئت‌های مذهبی در قالب گروه‌های همسالان بوده است. (۴۰ درصد) در این گروه‌ها که به طور معمول، فرد یا گروهی به صورت خودجوش آن را هدایت می‌کنند، مسائل دینی با حوصله و صمیمیت به اعضا آموزش داده می‌شود و افراد بزرگ‌تر هدایت گروه‌های کودکان را برعهده می‌گیرند. به افراد مسئولیت داده می‌شود که در بخشی که به آنها واگذار شده، به شیوه دلخواه وارد عمل شوند و به بهترین شکل ممکن، انتقال مفاهیم را به گروه‌های سنی پایین‌تر برعهده گیرند. تشویق به شکل کلامی و غیرکلامی در این گروه‌ها زیاد است و معمولاً کمترین کار مورد تشویق قرار می‌گیرد. اگرچه افرادی که این گروه‌ها را هدایت و اداره می‌کنند، داوطلبانه این کار را انجام می‌دهند، اما تا حدود زیادی با مسائل دینی آشنا هستند و قدرت پاسخگویی به پرسش‌های دینی نوجوانان را دارند. در بیشتر موارد گفته شده است که این افراد به گفته‌های خود، عامل اند، افرادی متظاهر و دورو نیستند، نقش بازی نمی‌کنند، بچه‌ها را دوست دارند و برای آنها وقت می‌گذارند. نکته قابل توجه در این مورد آن است که در بخش‌های مرکزی و پایین شهر این هیئت‌ها، فعال‌ترند و افراد بیشتری به عضویت این گروه‌ها درآمده‌اند- یکی از دلایل عمده آن، آشنایی افراد محله با یکدیگر و ارتباط بیشتر آنها با هم، نسبت به بالای شهر می‌باشد.

همچنین، از میان عوامل اجتماعی، عامل «مسئولان رده بالای کشوری» سهم زیادی در شکل‌گیری هویت دینی جوانان ندارد (۰ درصد) که علت آن از دیدگاه دانش آموزان، عدم همخوانی گفتار و رفتار این افراد، بوده است. تعدادی از مسئولان، در زمینه عدالت‌محوری، قناعت، علم‌دوستی، محترمانه رفتارکردن، راستگویی، خوش‌خلق بودن، امانتداری و غیره عملکرد خوبی ندارند و برخلاف آیین اسلامی و با وجود ظاهرالصلاح بودن، چنان رفتار می‌کنند که تأثیر نامطلوبی بر جوانان به جای می‌گذارد. بسیاری از دانش آموزان در گفته‌هایشان تأکید می‌کردند که خیلی از دوستان و همسالان شان که خانواده‌های آنها به شعائر دینی پایبند نیستند، مدام از مسئولان انتقاد می‌کنند و برای بچه‌های شان استدلال می‌آورند که در خیلی از کشورهای دنیا که دینداری باب نیست، همه‌چیز سرجایش قرار دارد، در حالی که افراد بالادست ما از دین دم می‌زنند، ولی رفتارهای شان حکایت گر باورهای شان نیست.

به طور خلاصه، براساس داده‌های جدول‌ها می‌توان گفت مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت دینی دانش آموزان، میزان دینداری والدین شان و شرکت در هیئت‌های مذهبی بوده است. همچنین، عامل همخوانی (نبود) بین نیازهای دانش آموزان با محتوای کتاب و عملکرد مسئولان رده بالای کشوری، کمترین نقش را در هویت بخشی به دانش آموزان داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی جوانان از دیدگاه خود آنها بوده است. نتایج پژوهش نشان داد عوامل متعددی در شکل‌گیری هویت دینی دانش آموزان نقش دارند، اما تأثیر عامل «دینداری والدین» و سپس «عضویت در هیئت‌های مذهبی» به طور خاص از بقیه عوامل بیشتر بوده است. این یافته تا حدودی با یافته‌های سروش (۱۳۸۰) ایمان و سروش (۱۳۸۱) و با جابه‌جایی تأثیر دوستان

و سپس خانواده در پژوهش ارزشنگ و میرفردی (۱۳۹۳) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت در میان عوامل مختلف جامعه‌پذیری، نقش خانواده از برجستگی خاصی برخوردار است، علت این امر را می‌توان در این واقعیت جست که نخست، شکل‌گیری شخصیت افراد تا حدود زیادی در خانواده صورت می‌گیرد و فرزندان بیشتر ویژگی‌های رفتاری والدین خود را کسب می‌کنند؛ دوم، این نقش خانواده، بیشتر هنگامی مشاهده می‌شود که فرد در سال‌های اولیه زندگی خود قرار دارد و شخصیت وی همچون لوح سفیدی برای اولین بار در حال شکل‌گیری است. (موگهی، ۱۳۸۰) با وجودی که در بیشتر پژوهش‌ها، از جمله ارزشنگ و میرفردی (۱۳۹۳) تأثیر گروه دوستان بر هویت دینی افراد از خانواده بیشتر است، اما در این پژوهش، تأثیر خانواده بر هویت دینی افراد بیشتر بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که ارتباط صمیمانه‌تری با فرزندان خود دارند و در مسائل دینی بدون تعصب‌ورزی و سخت‌گیری‌های افراطی، با آنان به گونه‌ای رفتار می‌کنند که فرزند حس آزاد بودن در انتخاب و پذیرش امور دینی دارد، به شیوه موفق‌تری توانسته‌اند تا باورها و اعتقاداتشان را به فرزندان انتقال دهند. از سوی دیگر، در برخی مصاحبه‌ها دانش‌آموزان بیان می‌کردند که پدر یا مادری که در عمل به باورهای دینی خود پایبندی بیشتری داشته و در خانه خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد هستند، مورد اقبال بیشتر فرزندان قرار می‌گیرند که این مسئله بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۵۶) نقش الگوی مناسب در یادگیری را به ذهن متبادری کند؛ چنان که الگوی مناسب می‌تواند توجه و انگیزش یادگیرنده را افزایش دهد. جوانان از والدینی که با فرزندان شان بیگانه هستند، ظاهری دیندار ولی غیرمتعهد دارند و سخت‌گیری بی‌جهت و افراطی نسبت به فرزندان در عمل به وظایف دینی دارند، بیشتر دوری می‌کنند. در این زمان است که با توجه به بافت و محیط اجتماعی، نوجوان به دنبال تأیید محیط بیرونی و ورود به گروه‌های همسال برمی‌آید.

در تبیین تأثیر گروه‌های همسال می‌توان گفت اگرچه کانون خانواده، اولین مکان تربیتی برای جامعه‌پذیری هویت دینی فرزندان به شمار می‌رود، اما افراد در درون گروه‌ها، حجم عظیمی از اطلاعات و نگرش‌ها را از همسالان و دوستان خود به صورت غیررسمی فرامی‌گیرند. گروه‌های همسالان و دوستان، حس ارزشمند بودن را در فرد ایجاد می‌کنند. دوستان به تبادل عقاید و اطلاعات می‌پردازند و به شکل‌دهی دیدگاه‌های یکدیگر درباره جهان خارج و پدیده‌های آن کمک می‌کنند. از آنجا که افراد مایل اند دیگران آنها را دوست داشته باشند و به آنها احترام بگذارند، اغلب ارزش‌ها و رفتارهای خود را به گونه‌ای تعدیل می‌کنند که با انتظارات کسانی که با آنان تعامل دارند، همخوانی داشته باشد. این امر به طور خاص در دوران نوجوانی و جوانی حائز اهمیت است که تماس با افراد همسن، نوعی احساس امنیت را در جوانان ایجاد می‌کند و حتی ممکن است رفتار وی را بیش از هر عامل دیگری شکل دهد. (خسروی و همکاران، ۱۳۸۶) با توجه به نیازهای ذکر شده در این دوره، تشکلهای دانش‌آموزی و گروه‌های اجتماعی در قالب هیئت‌های مذهبی، مکان مناسبی برای ارضای نیازهای نوجوان و کسب تأیید از گروه‌های همسال از نوع بی‌خطر می‌تواند باشد. نکته حائز اهمیت در این باره این است که هدایت‌کننده‌های این گروه‌ها شروطی را برای ورود افراد جدید قائل نیستند، اما به کمال تعجب، بعد از مدتی رفتارهای همسان با گروه در نوجوان شکل می‌گیرد. همین امر نشان‌دهنده تأثیرپذیری بالای نوجوانان از همسالان خود می‌باشد. همچنین، در مورد تأثیر بیشتر تشکلهای دانش‌آموزی می‌توان گفت که دوره نوجوانی و جوانی، دوره کسب تأیید و پذیرش از طرف گروه‌های دوستی است. به همین دلیل، گروه‌های همسالان تأثیر زیادی بر اعتقادات و باورهای افراد دارند. فعالیت‌های گروهی که در آن نمره ملاک سنجش افراد قرار نمی‌گیرد، معمولاً از اقبال خوب دانش‌آموزان برخوردار می‌شود. گروه‌های سرود، تئاتر، انجمن‌های علمی خودگردان دانش‌آموزی، شورای دانش‌آموزی و غیره از جمله گروه‌هایی است که دانش‌آموزان به شیوه گروهی در آن به فعالیت می‌پردازند. همچنین، تأثیر پایین مراسم صبحگاهی، از دیدگاه دانش‌آموزان، مربوط

به کیفیت اندک برنامه‌ها و تکراری بودن آنهاست. از سوی دیگر، نبود فضاهای مناسب برای برگزاری مراسم صبحگاهی، به ویژه در صبح‌های سرد پاییز و زمستان، دلیل دیگری بر تأثیر پایین این قبیل برنامه‌ها بر هویت دینی دانش آموزان است.

همچنین، در یافته‌های این پژوهش بر خلاف پژوهش روباکا (۲۰۱۲)، کولداپ (۲۰۰۹)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۲)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۳)، و قصابی و همکاران (۱۳۹۲) تلویزیون، ماهواره، اینترنت و تلفن همراه، نه تنها تأثیر منفی بر هویت دینی افراد ندارد، بلکه به میزان متوسطی باعث شکل‌گیری هویت دینی دانش آموزان نیز شده است؛ به این شکل که بیشتر دانش آموزان بیان می‌کردند که در خانه‌های ما با وجود این ابزارهای رسانه‌ای، افراد خانواده بیشتر برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند که از بافت و زمینه مذهبی خوبی برخوردار است. (مانند شبکه جهانی اهل بیت و برنامه‌های مذهبی شبکه ۳) از سوی دیگر، آنها اظهار کرده بودند که در این خانواده‌ها فیلم‌های نامتعارف از طرف والدین مورد توجه قرار نمی‌گیرد و با مباحثه‌ای عمیق و دوستانه با فرزندان و استدلالی منطقی، از مشاهده این قبیل برنامه‌ها از طرف فرزندان ممانعت به عمل آمده است. به عبارت دیگر، کنترلی مناسب از سوی والدین آنها صورت می‌گیرد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت این والدین از طریق «استبداد توجیهی» (منادی، ۱۳۹۱) در جوی به ظاهر دموکراتیک، به فرزندان خود اجازه اظهار نظر و پیشنهاد می‌دهند و سپس با استدلالی منطقی بدون متوسل شدن به زور، افکار خود را به فرزندان قالب می‌کنند- به طوری که فرزندان قانع شده و استدلال والدین را می‌پذیرند. چنین جو به ظاهر دموکراتیک و آزادمنشانه، مقاومت فرزندان را در هم می‌شکند و در یک گفتگوی دوطرفه حرف‌ها و نظرات شنیده می‌شود که در بیشتر موارد، علت بروز مشکلات بین نوجوانان به ویژه دختران با والدین شان، همین نبود فضای گفتگو در میان اعضای خانواده است. این یافته با یافته‌ی کدی (۲۰۱۴) که در مطالعه‌ای نشان داد که تنوع هویتی و همچنین ساخت دموکراتیک در ارتباط دانش آموزان با موضوع‌های دینی و در نتیجه تقویت هویت دینی تأثیرگذار است، همسو می‌باشد.

همچنین در برخی موارد، مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که آنها به کمک تلفن همراه، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی را به یکدیگر اطلاع‌رسانی می‌کنند و در همین قالب، سخنان اهل بیت (ع) را که بیشتر از طریق افراد مسئول هیئت‌ها گزینش می‌شود، به شیوه خودجوش منتشر می‌کنند.

با وجود این که نهاد آموزش و پرورش در طی سال‌های متمادی تلاش زیادی را در راستای جامعه‌پذیری دینی دانش آموزان اعمال نموده است، اما نتایج مصاحبه‌ها در جدول مربوط به مدرسه و عناصر مربوط به آن نشان می‌دهد که طراحی کتب و برنامه‌های درسی و گزینش افراد برای تدریس مواد درسی خاص، از نگاه دانش آموزان، همراه با موفقیت نبوده و گاهی باعث بی‌زاری دانش آموزان از مفاهیم دینی هم شده است. همچنین، از دیدگاه دانش آموزان، روش تدریس درس‌های دینی و قرآن، خلاقانه نبوده و دانش‌آموز ارتباط مناسبی را با مفاهیم برقرار نمی‌کند. از طرف دیگر، حجم زیاد مطالب و لزوم امتحان دادن آموخته‌ها به عنوان سر فصل‌های درسی، این قبیل مطالب را از حوزه قداست خارج کرده و به آن به عنوان یک واحد درسی که باید گذرانده شود، نگریسته می‌شود.

نتیجه قابل تأمل دیگر، تأثیر منفی عملکرد تعدادی از مسئولان رده بالای کشور بر شکل‌گیری هویت دینی دانش آموزان است. با توجه به گفته‌های دانش آموزان، نه تنها مسئولان تأثیر مثبتی در شکل‌گیری هویت دینی ندارند، بلکه در برخی موارد به علت عدم همخوانی گفته‌ها و رفتارهای شان، باعث بروز برداشت‌ها و نگرش‌های بد و نادرست درباره دین می‌شوند. انواع ناهنجاری‌های بالادستی‌ها از قبیل دزدی از بیت المال، رشوه، کلاهبرداری، تخریب دیگران برای رسیدن به یک مقام و مسئولیت و بسیاری موارد دیگر نه تنها از چشم نوجوانان دور نمی‌ماند، بلکه به شکل زیرکانه‌ای توسط آنها پیگیری می‌شود. یکی از نکات اساسی در مورد

معلمان دروس دینی و قرآن، سرگروه‌های هیئت‌ها و مسئولان کشوری این است که تمامی این افراد، هنگامی از سوی نوجوانان پذیرفته می‌شوند که بین حرف‌ها و ادعاهای اعتقادی با عملکرد رفتاری آنها همخوانی وجود داشته باشد. هر عقل سلیمی این استدلال را می‌پذیرد که اگر دین چیزی را برای افراد خوب یا بد معرفی کند، برای همگان یک مفهوم دارد- نه اینکه الگوهایی که در قالب معلم، مسئول و یا هر فرد دیگری، به مانند آن روحانی باشند که بر روی منبر بگوید: فرش نجس را ببرید و دور بیاندازید و وقتی همسرش همین عمل را انجام داد، به اعتراض بگوید برای دیگران گفتم نه خودم. امروزه به علت گسترش شبکه‌های اجتماعی، آحاد جامعه از طریق لاین، وایپر، فیس‌بوک و غیره با هم در ارتباط هستند و اخبار با سرعتی باورنکردنی منتشر می‌شود. هر کسی در هر گوشه‌ای از کشور کاری بکند، در کمتر از یک ساعت منتشر می‌شود و این مسئله ضرورت سلامت دینی افراد برجسته کشور را صدچندان می‌کند.

محدودیت‌ها

۱. از آنجا که این پژوهش در بخش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کیفی انجام شد، نمونه پژوهش به اندازه کافی گسترده نبوده است تا بتوان نتایج پژوهش را به کل جامعه آماری، تعمیم داد. لذا در تعمیم نتایج به کل جامعه باید جانب احتیاط رعایت شود.
۲. در پژوهش حاضر، سعی شده است که با مصاحبه از دانش‌آموز به عواملی که در شکل‌گیری هویت دینی‌شان نقش داشتند، دست یابیم. با توجه به اینکه در برنامه دینداری، عناصر تأثیرگذار متعددی از جمله: معلمان، مدیران، برنامه درسی و غیره دخیل اند، بهتر است در پژوهش‌های آتی، علاوه بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دینی دانش‌آموزان، همه عناصر تأثیرگذار در امر شکل‌گیری هویت دینی جوانان به شیوه‌ای عمیق مورد مطالعه قرار گیرند تا قدرت تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد.

پیشنهادهای

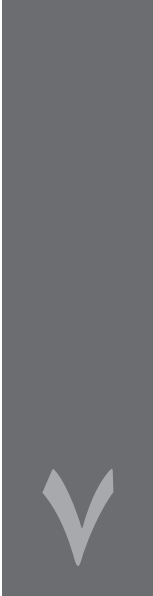
۱. با توجه به اینکه خانواده، به عنوان پایه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی جامعه‌پذیرکننده نسل جوان به شمار می‌رود، توانمند کردن خانواده‌ها از راه آموزش مناسب به آنها می‌تواند در تقویت مبانی دینی و اعتقادی نسل‌های آینده تأثیری شگرف به وجود آورد. یکی از مواردی که می‌تواند گام مؤثری در این زمینه باشد، طرح آموزش خانواده در هر مدرسه است که اگر کارشناسان توانمند و خلاق چگونگی انتقال درست مفاهیم دینی را به خانواده‌ها آموزش دهند، گامی مؤثر در این زمینه برداشته خواهد شد.
۲. با توجه به یافته‌های این پژوهش که تشکلهای دانش‌آموزی و گروه‌هایی با نام هیئت‌های مذهبی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان دارند، پیشنهاد می‌شود که نهادهایی به طور غیرمستقیم، هم امکانات لازم را در اختیار این گروه‌ها قرار دهند و هم بر فعالیت‌های آنها نظارت غیرمستقیم داشته باشند- خانواده‌ها نیز باید نظارت بیشتری بر شبکه روابط دوستانه فرزندان اعمال نمایند.
۳. با توجه به نقش نهاد آموزش و پرورش و تأثیر آن در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، توصیه می‌شود که این نهاد هم در مرحله برنامه‌ریزی محتوایی و هم در مرحله آموزشی و اجرا، از افراد خبره جهت طراحی آموزش‌های مناسب جهت جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان بهره گیرد.
۴. با برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و ارائه برنامه‌های متنوع علمی و تفریحی در قالب کرسی‌های آزاداندیشی می‌توان نشست‌های صمیمانه‌ای بین دانش‌آموزان و خبرگان امور دینی ترتیب داد تا دانش‌آموزان در یک فضای سالم، پاسخ پرسش‌های خود را بیابند.

۵. تربیت نیروی انسانی جهت تدریس دروس دینی در دانشگاه فرهنگیان باید به گونه‌ای علمی و فعال و همراه با آموزش‌های به روز طراحی و اجرا گردد تا معلم امروزی با آگاهی و دانش عمیق اسلامی، قدرت مباحثه با دانش آموزان را داشته باشد. تولید محتوای الکترونی دروس دینی در این حوزه، روش مؤثری در توانمندسازی معلمان تازه تربیت شده در دانشگاه خواهد بود.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷) *مقیاس سنجش دینداری با تکیه بر اسلام*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ارژنگ، اردوان، میرفردی، اصغر (۱۳۹۳) *"هویت دینی و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آن"*. مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۰/ سال چهارم، شماره ۱.
- اسکندری، حسین (۱۳۹۱) *"بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان"*. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. س ۸، ش ۲۵، ص ۱۱۳-۱۳۷.
- ایمان، محمدتقی، سروش، مریم (۱۳۸۱) *"بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان شیراز"*. مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی (اصفهان). ش ۳۰ و ۳۱، ص ۶۸-۳۹.
- پیروزی، مریم (۱۳۸۵) *"آموزش و پرورش یکی از مهمترین آژانس‌های اجتماعی شدن"*. مجله اینترنتی فصل نو.
- پیری، روضان (۱۳۸۶) *"نقش تلویزیون در جامعه‌پذیر کردن جوانان (مطالعه موردی: جوانان ۲۹-۱۵ ساله استان ایلام)"*. فصلنامه پیام جامعه. بهار ۸۷، شماره ۲۰.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت
- جمالی فیروزآبادی، محمود، اخلاقی، آریتا (۱۳۹۱) *"رابطه هویت دینی معلمان با هویت دینی دانش‌آموزان"*. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی. س ۲، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۲.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ رحیمی‌نژاد، عباس؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی‌یکتا، محسن؛ آذربایجانی، مسعود؛ افروز، غلامعلی و همکاران (۱۳۸۹) *"مدل سنجش دینداری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی"*. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی. ۱ (۱)، ص ۲۴-۱.
- خسروی، زهره؛ کیامنش، علیرضا؛ بنی‌جمالی، شکوه‌السادات و نیک‌منش، زهرا (۱۳۸۶) *"بررسی کیفی نقش عملکرد خانواده در بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان"*. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی. ش ۱۲، ص ۴۵.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ علیزاده، توحید؛ اشتیاقی، معصومه و کاظمیان، مهرداد (۱۳۹۲) *"تلویزیون و هویت دینی"*. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۵/ شماره ۵۴، تابستان ۱۳۹۳.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۸) *هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸) *مقدمه‌ای بر هویت دینی*. تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۴) *چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن*. تهران: انتشارات طرح نو.
- سروش، مریم (۱۳۸۰) *"بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شیراز"*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شورای انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰) *مبانی تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*.
- قاسمی، وحید؛ عدلی‌پور، صمد و کیانپور، مسعود (۱۳۹۱) *"تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان"*. دوفصلنامه دین و ارتباطات. سال ۱۹، شماره ۲.
- قصابی، رضوان؛ چمنی، سولماز؛ عزتی، رحمان و صنعتی شرقی، نادر (۱۳۹۱) *"بررسی اثرات استفاده*

- از برنامه‌های ماهواره‌ای بر هویت دینی". فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. س ۲، ش ۶، ص ۶۱-۸۱.
- کرسول، جان و کلارک، ویکی پلانو (۲۰۰۷) *روش‌های پژوهش ترکیبی*. علیرضا کیامنش و جاوید سرایی. تهران: انتشارات آبیژ
 - گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*. تهران: نشر نی
 - گیدنز، انتونی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
 - منادی، مرتضی (۱۳۸۵) "روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری و اجتماعی". فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۲ (۴۸)، ۱۹ - ۲۷.
 - منادی، مرتضی (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی خانواده*، تحلیل روزمره‌گی و فضای درون خانواده. تهران: نشر دانش
 - منادی، مرتضی (۱۳۹۱) *عوامل مؤثر بر بهبود روابط خانوادگی*. تهران: انتشارات آوای نور
 - منادی، مرتضی؛ عابدی، فاطمه و طالب‌زاده، لایلا (۱۳۹۴) *روش پژوهش کیفی کاربردی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
 - موگهی، عبدالکریم (۱۳۸۰) "روش‌های تربیت دینی". ماهنامه فرهنگی یاس. ش ۸، ص ۴۲.
 - ویلیامز، کارل (۱۳۸۲) *دین و روان‌شناسی*. افسانه نجاریان. تهران: انتشارات رسش
 - Gouveia, V. , Albuquerque, F.B. (2002) **"Human values and social identities: A study in two collectivist cultures"**. International Journal of Psychology. 37(6): 333-342.
 - Robaka, SH. (2012) **"Effect of Satellite television on the culture of Bangladesh"**. New york: European Journal of Business and Management. Vol: 4, No:9.
 - Keddie, Amanda (2014) **" Students' understandings of religious identities and relations: Issues of social cohesion and citizenship"**. Education, Citizenship and Social Justice. March 2014; vol. 9 (1): 81-93., first published on February 6, 2014.
 - Kuldip, R. (2009) **Impact of satellite television on urban Youth in India**. Missouri: Warrensburg university



راهکارهای توسعه فرهنگ زیست محیطی در ورزش

سارا بوژمهرانی^۱
سید محمد حسین رضوی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۸/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

پژوهش حاضر با هدف بررسی راهکارهای موثر بر توسعه فرهنگ زیست محیطی و افزایش جلب مشارکت ورزشکاران در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست انجام گرفت. با توجه به تاثیرگذاری متقابل دو حیطه ورزش و محیط زیست بر یکدیگر، نیاز به آگاهی بیشتر در حیطه محیط زیست در جامعه ورزش به چشم می خورد که در این تحقیق سعی بر آن بوده راهکارهای ارائه شده بتواند مورد استفاده در کلیه سطوح ورزش قرار گیرد. در این تحقیق توصیفی که از نوع زمینه یابی می باشد، از روش تحقیق آمیخته که ترکیبی از شیوه های کیفی و کمی می باشد، برای جمع آوری داده ها استفاده شد و داده های حاصل از پرسشنامه کمی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس فریدمن تحلیل و اولویت بندی گردیدند. جامعه تحقیق را کلیه ورزشکاران تیم های ملی در رشته های مختلف ورزشی تشکیل می دادند که به صورت نمونه گیری غیر تصادفی و هدفمند برای مصاحبه های کیفی در موضوع تحقیق انتخاب شدند. در نهایت، ۳۶ راهکار به دست آمده با استفاده از کدگذاری های باز و محوری در سه حیطه اصلی (۱) آموزشی و پژوهشی، (۲) مدیریتی و ساختاری و (۳) فرهنگی و ملی دسته بندی و ده راهکار که بیشترین تکرار و اولویت را دارا بودند به ترتیب آورده شدند.

واژگان کلیدی: محیط زیست، فرهنگ زیست محیطی، توسعه پایدار و ورزش

مقدمه

مشارکت اگر چه در تمامی عرصه های زندگی گسترش یافته و از دیر باز با زندگی انسان پیوند داشته است، اما این گسترش هنوز به صورت کاملاً عملی، بخصوص در زمینه زیست محیطی مشهود نمی باشد. در میان عواملی که از گسترش سریع مشارکت جلوگیری می نماید، نبود الگویی که زیر ساخت کوشش های مشارکت جویانه را فراهم آورد و نسبت به آن تعهد بیافریند بارز است، چرا که مشارکت پدیده ای است ذهنی که بدون الگویی کارساز و راهگشا نمی تواند بصورت جزئی از فرهنگ مردم درآید. (میر عباسی، ۱۳۸۹)

در حال حاضر، هدف نهایی از حفاظت محیط زیست، دستیابی به توسعه پایدار در قالب برنامه های اقتصادی هماهنگ با اصول حفاظت از محیط زیست و ممانعت از تخریب و تهمی سازی منابع تجدیدشونده و غیرقابل تجدید می باشد. از این رو، برای حل بنیادی مشکلات بحرانی محیط زیست می باید دیدگاه های کلان و زیربنایی توسعه منطبق با قانونمندی های حفاظت محیط زیست طراحی شود و هرگونه سیاست گزاری و برنامه ریزی های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آینده کشور بر شالوده حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی و بهره وری خردمندانه از این منابع با نگرش ایجاد تعادل و تناسب بین قانونمندی های محیط زیست و توسعه پایدار صورت گیرد. (پاداش، ۱۳۹۰: ۳۱)

امروزه، وضعیت محیط زیست، آب، انرژی و... به قدری پیچیده و مبهم است که همه فعالان محیط زیست را به تفکر واداشته است. به همین دلیل تلاش می شود در دنیای امروزی از هر ابزاری برای بهبود محیط زیست و جلوگیری از هدر رفتن آب، انرژی و... بهره گرفته شود. شاید پرسیدن این سؤال کمی عجیب به نظر برسد که ورزش در حفظ محیط زیست و انرژی چه تأثیری می تواند داشته باشد؛ به طور مثال، ورزشی مانند فوتبال با میلیون ها هوادار در سرتاسر جهان چه نقشی را می تواند در حفظ محیط زیست ایفا کند. فعالیت های ورزشی باعث تجمع مردم در یک محل می شود که به نوبه خود اثرات بیرونی منفی مانند آلودگی صوتی، رفتارهای منافی آداب اجتماعی، زیاده، آلودگی هوا و نورپردازی های تند و ... را به همراه دارد. این دلایل باعث شده تا بسیاری از ساکنین مناطق شهری که آرزوی دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی را دارند، تمایلی در خصوص سکونت و زندگی در نزدیکی این امکانات را نداشته باشند. (کهن نسب، ۱۳۸۸)

در سال ۱۹۹۴، پس از پایان بازی های زمستانی لیلی هامر نروژ که طی آن توجه خاصی به حفاظت از محیط زیست گردید، رئیس کمیته بین المللی المپیک موافقت نامه همکاری با برنامه محیط زیست سازمان بین المللی به امضا رسانید. بر این اساس، در سال ۱۹۹۵ "کمیسیون ورزش و محیط زیست" در کمیته بین المللی المپیک تشکیل شد و اولین کنفرانس جهانی در همین سال در شهر لوزان سوئیس برگزار شد. هدف از تشکیل این کمیسیون، اجرای اقداماتی در جهت افزایش آگاهی محیط زیستی در مجامع ورزشی و تلاش به منظور کاهش اثرات مخرب فعالیت های ورزشی در عرصه محیط های طبیعی است - در حال حاضر، محیط زیست به عنوان سومین رکن المپیزم بعد از ورزش و فرهنگ مطرح است. (گزارش المپیک آتن، ۲۰۰۴: ۲۹۰)

در این راستا، اهمیت مطالعه و ارائه الگویی منسجم و شناسایی موانع و راهکارهای توسعه مشارکت در مدیریت زیست محیطی و رفع آنها در برنامه های آتی، ایجاد انگیزه در جامعه ورزش برای شرکت در فعالیت های مشارکتی زیست محیطی و افزایش آگاهی ورزشکاران و دست اندرکاران غیر قابل انکار است. پاسخ به این سؤال که چه راهکارهایی برای ایجاد گرایش ورزشکاران به مشارکت در مدیریت محیط زیست وجود دارد و اولویت آنها چگونه است، به برنامه ریزان زیست محیطی و ورزشی کمک می کند تا در برنامه های خود با دید وسیع تری مسیر را برای رشد و توسعه مشارکت هموار نمایند.

برای ارتقای مشارکت های زیست محیطی، پژوهش های بی شماری صورت گرفته است. از نظر پارنل و

مروپ^۱ (۲۰۰۵) ماهیت مشارکت کنندگان بخش عمومی و گروه‌های اجتماعی نقش مهمی در تصمیم‌سازی‌های محیط زیست دارند. اندروسیویچ^۲ (۲۰۰۲) سازمان‌های غیردولتی را از گروه‌های دست‌اندرکار مهم برای مشارکت در حفاظت از محیط زیست می‌داند. پرتی و همکاران^۳ (۱۹۹۵) و اسولد و میشل^۴ (۲۰۰۰) خبرنگاران، آگاهان، آموزگاران و ارزیابان را در زمره افرادی می‌دانند که می‌توانند در مدیریت مناطق حفاظت‌شده مشارکت کنند. از جمله تحقیقات انجام گرفته مرتبط با موضوع محیط زیست و ورزش می‌توان به مطالعه پاداش و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان "بررسی اثرات محیط زیستی اماکن ورزشی بر محیط شهری" اشاره نمود که تاثیر گذاری اماکن ورزشی بر محیط زیست اطراف خود و ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی را تایید می‌نماید. (پاداش و همکاران، ۱۳۹۰) سهرابی و همکاران (۱۳۹۰) نیز به بررسی معیارها و عوامل مؤثر در دسترسی، همجواری اماکن و فضاهای ورزشی در مناطق مسکونی و خدمات شهری و نیز استانداردهای ساخت و ساز در اماکن و مجموعه‌های ورزشی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت فضای سبز این اماکن بسیار ضعیف می‌باشد. (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

در بازی‌های المپیک به عنوان بزرگترین رویداد بشری و ورزشی جهان نیز تاکید بسیاری بر حفاظت از محیط زیست و طراحی فضاهای سبز شده است؛ چنان‌که المپیک سیدنی در سال ۲۰۰۰ با رعایت این اصول به المپیک سبز شهرت یافت. همچنین، با مطالعه فعالیت‌هایی که در بازی‌های المپیک آتن جهت حفاظت از محیط زیست انجام شد، می‌توان پی به اهمیت موضوع برد. (گزارش رسمی بازی‌های المپیک، ۲۰۰۴: ۱۴۹) در ادامه، پذیرش دستور کار شماره ۲۱ جنبش المپیک با عنوان «ورزش برای توسعه پایدار»، کمیته بین‌المللی المپیک، محیط زیست را به عنوان سومین قطب المپیک به رسمیت شناخته و آن را در کنار ارزشهای ورزشی و فرهنگی قرار داده است. IOC^۵ متقاعد شده است که بازی‌های المپیک ممکن است بتواند به عنوان یک تسهیل‌کننده برای فعالیت‌های محیط دوستانه مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، به علت اینکه ورزش مورد توجه ویژه جوانان قرار دارد و بازی‌های المپیک سرشار از توصیه‌هایی برای محیط هستند، این بازیها می‌توانند فرصت آگاه‌سازی برای تعداد بی‌شماری از مردم را به عنوان «مروجان» این ارزشها در آینده فراهم کنند. شهر آتن به عنوان شهر میزبان بازی‌های ۲۰۰۴ المپیک در وضعیتی قرار داشت که می‌توانست قدمی بزرگ را به سوی توسعه پایدار بردارد. آتن در ماه مارس ۲۰۰۰، اصولی پایه‌ای را به عنوان سیاست محیطی برای بازی‌های المپیک پذیرفت. این اهداف راهبردی عبارت بودند از:

- * برگزاری و میزبانی بازی‌ها در یک محیط سالم؛
- * کمک به بهبود پارامترهای محیطی در آتن و ناحیه آتیکای بزرگ از طریق راهبرد ها؛
- * رشد و توسعه آگاهی‌های زیست محیطی؛
- * ایجاد یک برنامه جامع برای فعالیت‌های محیطی؛
- * حصول همکاری آژانس‌های دولتی، مقامات محلی و بخش خصوصی.

بنابراین، «اتحاد محیطی المپیکی»^۶ بر مبنای همکاری بین آژانس‌های عمومی، بخش خصوصی، مقامات محلی، حامیان و سازمان‌های غیر دولتی به منظور شرکت فعال در میزبانی موفقیت‌آمیز برای بازی‌های المپیک با اجرای ورزشی کاملاً برجسته و تأثیر منفی حداقلی بر محیط زیست با اهداف زیرتشکیل شد:

1. Parnell&Mrup
2. Andrusovich
3. Poretti et al
4. Oswald&Michael
5. International Olympic Committee
6. Olympic environmental union

* تعهد در محدوده چارچوب قرارداد شهر میزبان برای به جریان انداختن فعالیت‌های المپیکی به طریقی که مفهوم توسعه پایدار را در بر بگیرد و در هر کجا که امکان داشته باشد در خدمت محافظت از محیط بر آید؛
* تضمین آگاه سازی شهروندان از جنبه‌های زیست محیطی بازی‌های المپیک با دستیاری مقامات محلی و کشوری؛

* بازیافت فضولات جامد و مایع، حفظ منابع طبیعی و محیط فرهنگی و طبیعی؛
* فراهم آوردن امتیازات خاص برای استفاده و برداشت محصولات شیمیایی تولید شده و نیز عناصر فلزی در راستای تلاش برای محافظت از محیط مطابق با مقررات و قوانین اروپا؛
* به رسمیت شناختن مدیریت زباله ها به عنوان یک راهکار راهبردی زیست محیطی و منظور نمودن پارامترهای محیطی در توسعه عملیاتی خدمات نظافتی و برنامه مدیریت فضولات به صورت پایدار در اماکن المپیکی. (گزارش رسمی بازی های المپیک ۲۰۰۴: ۱۴۹)
در سال ۲۰۰۱، دپارتمان محیط زیست کمیته بین المللی المپیک با دو حیطه متمایز مسئولیت و محورهای عملیاتی تشکیل گردید:

(الف) برنامه عملیات محیطی که منحصرأ مسئولیت خدمت نظافت و مدیریت زباله های محیطی را به طور مداوم در اماکن برگزاری المپیک به عهده داشت؛
(ب) برنامه آگاه سازی محیطی.

در اثنای برگزاری بازی‌ها، ۵۲ کارمند حقوق بگیر در محل برگزاری بازی‌ها و پست‌های دستیاری نظافت و مدیریت زباله ها فعالیت داشتند. در کنار این افراد، ۴۵ داوطلب و ۲۸۰۰ کارمند پیمانی نیز حضور داشتند. به منظور تحقق آگاهی سازی محیطی، طرح محیط در ماه مارس سال ۲۰۰۲ تکمیل گردید. این طرح یک جفت دست را به نمایش می گذاشت که از میان شاخ و برگ سبز درختان به سوی آسمان دراز شده بود و به طور سمبولیک جهان را در آغوش می کشید تا به این طریق نشان دهد که انسانیت و طبیعت به پیکر واحدی تبدیل می شوند. به علاوه، کمیته برگزاری، تعدادی محصولات مجاز ارائه نمود (تی شرت، کوله پشتی، بشقاب و لیوان مخصوص، کیسه، پوستر و برچسب) که بر روی آنها نشانه محیط و پیام‌های زیست محیطی نظیر «محیط از ماست» و «روزم را خرم ساز» نوشته شده بود. یکی دیگر از فعالیت ها، انتشار نشریات بود که در اثنای برگزاری بازی‌های آزمایشی، مسابقات المپیک و پارالمپیک به تماشاچیان و کارکنان داده می شد، مانند جزوات و کتابچه های زیست محیطی و آموزش کارکنان و آگاهی های زیست محیطی ویژه معلمان و دانش آموزان برای حدود ۷۰ هزار نفر. همچنین، فعالیت های گسترده برای بازسازی و پاکسازی اماکن، از جمله اقدامات زیست محیطی بوده است. (گزارش رسمی بازی های المپیک، ۲۰۰۴: ۱۴۹)

در سال های اخیر، توجه عمومی به موضوع محیط زیست با افزایش قابل توجهی رو به رو بوده است و سازمان های ملی و بین المللی ورزشی و اجتماعی، تلاش های زیادی را برای حفاظت از محیط زیست انجام داده اند. در ایران نیز به صورت جسته و گریخته توسط وزارت ورزش و جوانان و یا فدراسیون های ورزشی، کارگاه هایی جهت آشنایی ورزش کاران با اصول حفاظت از محیط زیست برگزار شده است، ولی هیچگونه نظام یا راهبرد جامعی برای جلب مشارکت ورزشکاران در توسعه فرهنگ محیط زیست که مبتنی بر یافته های پژوهشی باشد، وجود ندارد. لذا با توجه به اهمیت فراوان محیط زیست و همچنین پایگاه اجتماعی قوی ورزشکاران در جامعه، محقق بر آن شده است تا در این تحقیق، راهکارهایی را برای جلب مشارکت ورزشکاران در فعالیت های زیست محیطی و توسعه فرهنگ محیط زیست در ورزش شناسایی و اولویت بندی نماید.

روش شناسی پژوهش

با توجه به هدف تحقیق که بررسی و اولویت بندی راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست و جلب مشارکت ورزشکاران در فعالیت های زیست محیطی در ورزش بود، این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی قرار می گیرد که با روش تحقیق توصیفی از نوع زمینه یابی انجام شده است. برای گردآوری داده های تحقیق، از روش آمیخته که ترکیبی از روش های کمی و کیفی می باشد، استفاده شده است. محقق جهت گردآوری داده های مورد نیاز ابتدا به مطالعه مبانی نظری، کتاب ها و مقالات چاپی و اینترنتی مرتبط و همچنین دستورالعمل ها و آیین نامه های مرتبط با حفظ محیط زیست (قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، ۱۳۵۳) پرداخته است. داده های گردآوری شده در این مرحله، مبنایی برای ساخت راهنمای مقدماتی مصاحبه بود که محقق در انجام مصاحبه های نیمه ساختارمند از آنها بهره برد. لذا می توان مرحله دوم را مرحله انجام مصاحبه های نیمه ساختارمند با نمونه نظری تحقیق دانست.

۱۳۳

پس از انجام مصاحبه ها، داده های گردآوری شده با استفاده از شیوه های کدگذاری باز و محوری، تحلیل و راهکارهای نهایی استخراج شدند. سپس این راهکارها در قالب یک پرسشنامه کمی با مقیاس پنج ارزشی لیکرت تنظیم شدند و در میان نمونه آماری تحقیق توزیع شدند. در نهایت، داده های حاصل از پرسشنامه کمی تحقیق، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس فریدمن، تحلیل و اولویت بندی شدند. لازم به توضیح است که روایی صوری و محتوایی پرسشنامه ها با نظرخواهی از اساتید و صاحب نظران مرتبط با موضوع تحقیق (۸ نفر) بررسی و تأیید شد و آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha/78=0$) نیز پایایی ابزار را تصدیق کرد.

با توجه به این که هدف اصلی این تحقیق ارائه راهکارهایی برای جلب مشارکت ورزشکاران در فعالیت های زیست محیطی و توجه بیشتر آنها به موضوع محیط زیست بود، ورزشکاران تیم های ملی که سابقه بیشتری نسبت به سایر ورزشکاران جهت حضور در رویدادها و اماکن ورزشی ملی و بین المللی داشتند به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. از سوی دیگر، نقش موثر افراد الگو در فرهنگ سازی و همچنین توجه به اینکه ورزشکاران از کنشگران اصلی در مدل مشارکت محیط زیست هستند، نیز از دلایل انتخاب ورزشکاران به عنوان جامعه آماری بود. لذا جامعه آماری تحقیق عبارت بود از کلیه ورزشکاران تیم های ملی در رشته های ورزشی مختلف که تعدادی از این افراد، به صورت نمونه گیری غیر تصادفی و هدفمند برای مصاحبه های کیفی در موضوع تحقیق انتخاب شدند.

باید توجه داشت که در تحقیق کیفی، هدف انتخاب گروهی از نمونه ها نیست که معرف جامعه به صورت تصادفی باشد، بلکه هدف انتخاب افرادی است که بتوانند اطلاعات خوبی را در موضوع تحقیق به فرد بدهند. تعداد نمونه با توجه به اشباع نظری محقق مشخص می شود. با توجه به مبانی نظری پژوهش برای نمونه گیری از روش نمونه گیری نظری^۱ برای این بخش از مطالعه استفاده شد. نمونه گیری نظری، نوعی طرح نمونه گیری غیر احتمال هدفدار است که در پژوهش های کیفی مورد استفاده قرار می گیرد. از آنجا که در پژوهش حاضر لازم است اطلاعاتی از افراد خاص (افرادی که قادر خواهند بود اطلاعات مطلوبی را در زمینه خاصی به دست دهند) دست آورده شود، این روش مورد استفاده قرار گرفت. محقق پس از انجام ۲۶ مصاحبه، به اشباع نظری و کفایت مصاحبه ها رسید.

یافته های پژوهش

یافته های این پژوهش در ۳ بخش مجزای آمار توصیفی، تحلیل های کیفی و تحلیل کمی و استنباطی قابل

ارائه است:

۱- ویژگی های جمعیت شناختی

از تعداد ۲۶ نفر که به عنوان نمونه مورد تحقیق قرار گرفتند، تعداد ۷ نفر ورزشکار زن و ۱۹ نفر مرد بودند. میانگین سن نمونه آماری تحقیق، ۲۶/۴ سال بود و حدود ۴۵ درصد از آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند. میانگین سابقه عضویت ورزشکاران در تیم های ملی ۳/۲ سال برآورد شده است.

۲- نتایج حاصل از مصاحبه

در این مرحله، ابتدا با استفاده از کدگذاری باز راهکارهای مختلفی که به صورت واضح یا ضمنی در خلال صحبت های مصاحبه شوندگان به آنها اشاره شده بود توسط محقق شناسایی و لیست شدند. تعداد ۳۶ راهکار به عنوان راهکارهای مقدماتی شناسایی شدند که در ادامه با استفاده از کدگذاری محوری- با هدف دسته بندی راهکارها و قرار دادن آنان در طبقات و محور های متناسب- در قالب ۳ محور فعالیت های آموزشی و پژوهشی، فعالیت های مدیریتی و ساختاری و فعالیت های فرهنگی و ملی به شرح جدول زیر تقسیم بندی شدند:

جدول ۱: نتایج حاصل از کدگذاری محوری یافته های تحقیق کیفی

راهکارهای توسعه فرهنگ زیست محیطی در جامعه ورزش		
مقوله	محور	راهکارها
فرهنگ حفظ محیط زیست	۱. راهکارهای آموزشی و پژوهشی	۱- برگزاری کارگاه های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت برای ورزشکاران و سایر اعضای جامعه ورزش؛ ۲- انتشار بروشورها و کتاب های آموزشی؛ ۳- افزایش تعداد پژوهش های علمی در زمینه راهکارهای حفظ محیط زیست در ورزش؛ ۴- گنجاندن اصول حفاظت از محیط زیست در سرفصل های آموزشی دوره های مربیگری و مدیریتی ورزش؛ ۵- همکاری فدراسیون ها و سایر سازمان های ورزشی با مراکز علمی و پژوهشی در آموزش و پژوهش های مرتبط؛ ۶- سوق دادن تحقیقات و پایان نامه های دانشجویی به سمت ورزش و محیط زیست؛ ۷- راه اندازی رشته یا گرایش تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی با عنوان ورزش و محیط زیست؛
	۲. راهکارهای مدیریتی و ساختاری	۱- الزام به درج شعارهای حفظ محیط زیست روی پیراهن بازیکنان در رویدادهای رسمی؛ ۲- الزام به رعایت اصول زیست محیطی در ساخت و سازهای ورزشی؛ ۳- الزام به استفاده از مواد قابل بازیافت در حین برگزاری رویدادها؛ ۴- برگزاری جشنواره ها و مسابقات ورزشی با هدف حمایت از محیط زیست؛ ۵- قدردانی و اختصاص پاداش به تیم ها، باشگاه ها و ورزشکارانی که حامی محیط زیست هستند؛ ۶- تاکید بر استفاده از خودروهایی با سوخت های غیرفسیلی در رویدادهای ورزشی؛ ۷- تاکید بر استفاده از انرژی های پاک در تامین روشنایی و گرمای اماکن ورزشی؛ ۸- افزایش سرانه فضای سبز در اماکن ورزشی و مانور رسانه ای روی آن؛ ۹- استقرار سیستم دفع ایمن و پاک پسماندها و زباله ها در ورزشگاه ها و اماکن تفریحی؛ ۱۰- گسترش حیطه فعالیت ها و اطلاع رسانی های کمیسیون ورزش و محیط زیست کمیته ملی المپیک؛ ۱۱- طراحی یک وب سایت جامع و به روز در این زمینه؛ ۱۲- امتیاز به حفظ محیط زیست در انعقاد قرارداد با پیمانکاران ورزشی؛ ۱۳- تدوین آیین نامه و دستورالعمل حفظ محیط زیست در رویدادها و اماکن ورزشی؛ ۱۴- همکاری بیشتر با سازمان های بین المللی نظیر کمیته بین المللی المپیک؛ ۱۵- افزایش بودجه مرتبط با فعالیت های آموزشی و پژوهشی در این زمینه؛ ۱۶- راه اندازی سامانه اطلاعاتی منسجم و جامع با شبکه های ارتباطی توانمند؛ ۱۷- تعریف و تدوین مکانیزم های اجرایی دقیق در راستای حفظ محیط زیست در پروژه های بخش ورزش؛ ۱۸- توجه به الزامات زیست محیطی در فعالیت های بازاریابی (جلب حامیان و سرمایه گذاران مالی)؛

فرهنگ حفظ محیط زیست	راهکارهای فرهنگی و ملی	۱- افزایش تبلیغات رسانه ای؛ ۲- جلب مشارکت ورزشکاران ستاره و محبوب در فعالیت های زیست محیطی؛ ۳- انتخاب شعارها و نمادهای مناسب در رویدادهای ورزشی ملی با تکیه بر اصول محیط زیست؛ ۴- برگزاری همایش ها و نشست های علمی با محوریت محیط زیست؛ ۵- الگوبرداری از فعالیت های سایر کشورهای موفق در زمینه محیط زیست؛ ۶- همکاری نزدیک بین وزارت ورزش، سازمان محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین قراردادهای همکاری فیما بین؛ ۷- گسترش فرهنگ عمومی حفظ محیط زیست؛ ۸- تاکید بیشتر بر این موضوع در ورزش های پایه و آموزشی؛ ۹- افزایش سطح تسهیلات دولتی در کمک به سازمان های ورزشی خدمات رسان به محیط زیست؛ ۱۰- تقویت عزم ملی برای توسعه فرهنگ محیط زیست؛ ۱۱- لزوم اجرای قوانین و الزامات کشور در جهت پیشبرد شعار «محیط زیست سالم»؛
---------------------	------------------------	---

۳- نتایج حاصل از آزمون آماری داده های کمی

جهت اولویت بندی راهکارهای شناسایی شده، پرسشنامه ای در قالب مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت تنظیم شد و در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت. با توجه به غیرنرمال بودن توزیع داده ها بر اساس نتایج آزمون $K-S (p-value/0.37)$ ، از آزمون غیرپارامتریک تحلیل واریانس فریدمن جهت تعیین تفاوت بین رتبه های راهکارها استفاده شد. جدول ۲ نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس فریدمن را نشان می دهد:

جدول ۲: نتایج آزمون استنباطی تحلیل واریانس فریدمن

متغیر	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
راهکارها	۱۱۱۸۴/۳۱۷	۳۵	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن در جدول ۲ مشاهده می شود که سطح معناداری آزمون در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۵ است. لذا می توان گفت که تفاوت بین رتبه های راهکارها معنادار است.

جدول ۳: میانگین رتبه های گویه ها و مولفه های تحقیق بر اساس آزمون فریدمن

راهکارهای توسعه فرهنگ زیست محیطی در جامعه ورزش				
مقوله	محور	راهکارها	میانگین رتبه	رتبه
فرهنگ حفظ محیط زیست	راهکارهای آموزشی و پژوهشی	۱- برگزاری کارگاه های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت برای ورزشکاران و سایر اعضای جامعه ورزش؛	۲۳/۱۹	بیست و پنجم
		۲- انتشار بروشورها و کتاب های آموزشی؛	۱۵/۸۳	سی و یکم
		۳- افزایش تعداد پژوهش های علمی در زمینه راهکارهای حفظ محیط زیست در ورزش؛	۲۲/۱۶	بیست و ششم
		۴- گنجاندن اصول حفاظت از محیط زیست در سرفصل های آموزشی دوره های مربیگری و مدیریتی ورزش؛	۳۱/۵۷	چهارم

فرهنگ حفظ محیط زیست

۲. راهکارهای مدیریتی و ساختاری

هفدهم	۲۷/۵۶	۵- همکاری فدراسیون ها و سایر سازمان های ورزشی با مراکز علمی و پژوهشی در آموزش و پژوهش های مرتبط؛
پنجم	۳۱/۵۲	۶- سوق دادن تحقیقات و پایان نامه های دانشجویی به سمت ورزش و محیط زیست؛
هشتم	۳۰/۶۴	۷- راه اندازی رشته یا گرایش تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی با عنوان ورزش و محیط زیست؛
پانزدهم	۲۸/۲۳	۱- الزام به درج شعارهای حفظ محیط زیست روی پیراهن بازیکنان در رویدادهای رسمی؛
دهم	۳۰/۳۰	۲- الزام به رعایت اصول زیست محیطی در ساخت و سازهای ورزشی؛
نهم	۳۰/۴۰	۳- الزام به استفاده از مواد قابل بازیافت در حین برگزاری رویدادها؛
بیستم	۲۴/۸۳	۴- برگزاری جشنواره ها و مسابقات ورزشی با هدف حمایت از محیط زیست؛
سی ام	۱۷/۴۸	۵- قدردانی و اختصاص پاداش به تیم ها، باشگاه ها و ورزشکارانی که حامی محیط زیست هستند؛
بیست و یکم	۲۴/۷۲	۶- تاکید بر استفاده از خودروهایی با سوخت های غیرفسیلی در رویدادهای ورزشی؛
دوم	۳۳/۵۲	۷- تاکید بر استفاده از انرژی های پاک در تامین روشنایی و گرمای اماکن ورزشی؛
هفتم	۳۰/۶۹	۸- افزایش سرانه فضای سبز در اماکن ورزشی و مانور رسانه ای روی آن؛
چهاردهم	۲۸/۶۱	۹- استقرار سیستم دفع ایمن و پاک پسماندها و زباله ها در ورزشگاه ها و اماکن تفریحی؛
شانزدهم	۲۸/۱۳	۱۰- گسترش حیطه فعالیت ها و اطلاع رسانی های کمیسیون ورزش و محیط زیست کمیته ملی المپیک؛
سی و چهارم	۱۵/۳۴	۱۱- طراحی یک وب سایت جامع و به روز در این زمینه؛
بیست و هفتم	۲۰/۷۸	۱۲- امتیاز به حفظ محیط زیست در انعقاد قرارداد با پیمانکاران ورزشی؛
سی و سوم	۱۵/۶۶	۱۳- تدوین آیین نامه و دستورالعمل حفظ محیط زیست در رویدادها و اماکن ورزشی؛
بیست و چهارم	۲۳/۵۳	۱۴- همکاری بیشتر با سازمان های بین المللی نظیر کمیته بین المللی المپیک؛
بیست و هشتم	۱۹/۴۸	۱۵- افزایش بودجه مرتبط با فعالیت های آموزشی و پژوهشی در این زمینه؛
سی و پنجم	۱۵/۲۷	۱۶- راه اندازی سامانه اطلاعاتی منسجم و جامع با شبکه های ارتباطی توانمند؛

فرهنگ حفظ محیط زیست	راهکارهای فرهنگی و مدیریتی	۱۷- تعریف و تدوین مکانیزم های اجرایی دقیق در راستای حفظ محیط زیست در پروژه های بخش ورزش؛	۱۸/۵۹	بیست و نهم
		۱۸- توجه به الزامات زیست محیطی در فعالیت های بازاریابی (جلب حامیان و سرمایه گذاران مالی)؛	۲۵/۶۰	نوزدهم
		۱- افزایش تبلیغات رسانه ای؛	۲۷/۴۱	هجدهم
		۲- جلب مشارکت ورزشکاران ستاره و محبوب در فعالیت های زیست محیطی؛	۳۲/۴۸	سوم
		۳- انتخاب شعارها و نمادهای مناسب در رویدادهای ورزشی ملی با تکیه بر اصول محیط زیست؛	۲۸/۸۲	سیزدهم
		۴- برگزاری همایش ها و نشست های علمی با محوریت این موضوع؛	۲۹/۱۱	یازدهم
		۵- الگوبرداری از فعالیت های سایر کشورهای موفق در این زمینه؛	۲۴/۰۸	بیست و دوم
		۶- همکاری نزدیک بین وزارت ورزش، سازمان محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین قراردادهای همکاری فیما بین؛	۳۴/۷۱	اول
		۷- گسترش فرهنگ عمومی حفظ محیط زیست؛	۳۰/۷۶	ششم
		۸- تاکید بیشتر بر این موضوع در ورزش های پایه و آموزشی؛	۲۸/۹۴	دوازدهم
		۹- افزایش سطح تسهیلات دولتی در کمک به سازمان های ورزشی خدمات رسان به محیط زیست؛	۱۵/۷۳	سی و دوم
		۱۰- تقویت عزم ملی برای توسعه فرهنگ محیط زیست؛	۱۵/۱۱	سی و ششم
		۱۱- لزوم اجرای قوانین و الزامات کشور در جهت پیشبرد شعار «محیط زیست سالم»؛	۲۳/۷۴	بیست و سوم

بحث و نتیجه گیری

با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و تصریح اصل پنجاهم قانون اساسی در حفاظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی که همگانی بودن آن را در ضمیر خود نهفته دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸) و نیز با توجه به اینکه آموزش یکی از مؤثرترین مؤلفه های تأثیرگذار بر توسعه هر کشور است، انجام اقداماتی وسیع، همه جانبه، مستمر و فراگیر در جهت افزایش آگاهی های زیست محیطی جامع ضروری می باشد. از آنجایی که بسیاری از تهدیدات زیست محیطی، تخریب منابع و آلوده سازی محیط نتیجه فعالیت های انسانی است، تردیدی نیست که با آموزش های مستمر و هدفدار اقشار مختلف جامعه- به طوری که کلیه آحاد انسانی به مفاهیم عمده زیست محیطی آشنا شوند- می توان به داشتن جامعه ای با وجدان زیست محیطی و آینده ای توأم با سربیزی، سلامتی و استقلال برای مین اسلامی امیدوار بود.

در مورد زمینه ها و سازوکارهای مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست بسته به شرایط مختلف محیطی و موضوعی، ابراهیمی (۲۰۰۱) بازیافت پسماندها و به ویژه جداسازی زباله از مبدا را از زمینه های

مهم مشارکت در حفاظت از محیط زیست بیان می کند. کارلسون و برکس^۱ (۲۰۰۵) در راستای تبیین مشارکت مردمی در مدیریت مناطق حفاظت شده، خاطرنشان می کنند که راهکار بسیاری از تضادها در این مناطق مشاوره فعالانه، جستجوی آگاهانه، مذاکره و گفتمان، تسهیم اختیار و مسئولیت و انتقال کنترل و مسئولیت به مردم محلی است.

در مورد شیوه های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست، به طور معمول ۳ دسته از روش های انفرادی، گروهی و انبوهی توسط پژوهشگران تعیین و معرفی شده اند. دیویس^۲ (۱۹۹۸) عضویت در کمیته های مشاوره ای ایالتی و موسسه های زیست محیطی منطقه ای را دو راهکار مهم مشارکت عمومی در حفاظت محیط زیست در سطح ملی معرفی کرده اند. ناگی و همکاران^۳ (۱۹۹۴) نیز به روش هایی مانند تظاهرات، نشست های معترضان، نامه نگاری با رسانه ها، ایجاد سازمان ها و انتشار خبرنامه اشاره کرده اند. ویسی و مجدالدین (۱۳۸۷) نیز مدیران مراکز تفریحی ورزشی را یکی از منابع تاثیرگذار در افزایش آگاهی های زیست محیطی دانسته اند. از جمله راهکارهای ایشان برای حفظ محیط زیست را می توان آموزش، قانونگذاری و نیازسنجی، بازیافت زباله ها، اشاعه هشدارها و شعارهای زیست محیطی، شکل دهی گروه های مردم نهاد و تمرکز بر گروه های اجتماعی که دارای پایگاه مناسبی هستند، برشمرد.

با توجه به یافته های تحقیق می توان راهکارهای ارتقای فرهنگ زیست محیطی را در ۳ گروه راهکارهای آموزشی و پژوهشی، راهکارهای مدیریتی و ساختاری و راهکارهای فرهنگی و ملی تقسیم بندی کرد. ده راهکاری که بالاترین اولویت ها را داشته اند عبارت اند از:

۱. همکاری نزدیک بین وزارت ورزش، سازمان محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین قراردادهای همکاری فیما بین؛

۲. تاکید بر استفاده از انرژی های پاک در تامین روشنایی و گرمای اماکن ورزشی؛

۳. جلب مشارکت ورزشکاران ستاره و محبوب در فعالیت های زیست محیطی؛

۴. گنجاندن اصول حفاظت از محیط زیست در سرفصل های آموزشی دوره های مربیگری و مدیریتی ورزشی؛

۵. سوق دادن تحقیقات و پایان نامه های دانشجویی به سمت ورزش و محیط زیست؛

۶. راه اندازی رشته یا گرایش تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی با عنوان ورزش و محیط زیست؛

۷. الزام به رعایت اصول زیست محیطی در ساخت و سازهای ورزشی؛

۸. الزام به استفاده از مواد قابل بازیافت در حین برگزاری رویدادها؛

۹. افزایش سرانه فضای سبز در اماکن ورزشی و مانور رسانه ای روی آن؛

۱۰. گسترش فرهنگ عمومی حفظ محیط زیست.

با توجه به اینکه از ۱۰ اولویت بالا حیطه آموزشی و پژوهشی ۳ مورد، حیطه مدیریتی و ساختاری ۴ مورد و حیطه فرهنگی - ملی نیز ۳ مورد را به خود اختصاص دادند، می توان نتیجه گرفت که از نظر ورزشکاران، حیطه مدیریتی و ساختاری که تمرکز بیشتری بر فعالیت های زیر ساختی و پایه دارد و بیشتر معطوف به عملکرد مدیران و مسئولین می باشد، اهمیت بیشتری دارد. راهکارهای تاکید بر استفاده از انرژی های پاک در تامین روشنایی و گرمای اماکن ورزشی، الزام به رعایت اصول زیست محیطی در ساخت و سازهای ورزشی، الزام به استفاده از مواد قابل بازیافت در حین برگزاری رویدادها، افزایش سرانه فضای سبز در اماکن ورزشی

1. Carlsson&Berkes

2. Davis

3. Nagi et al

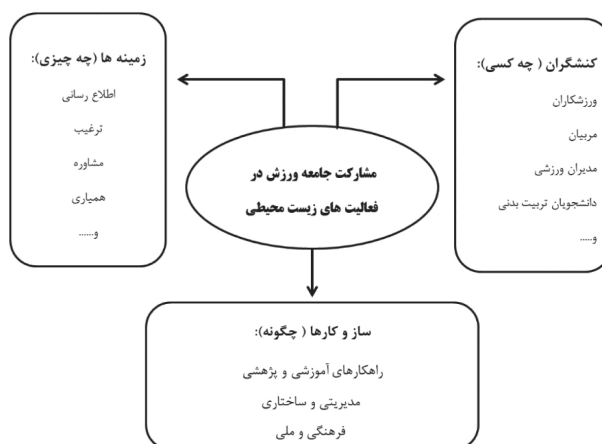
و مانور رسانه ای که به طور مستقیم با حمایت و نحوه تصمیم گیری مدیران از اختصاص بودجه تا ایجاد زمینه ها و ایجاد امکان اجرای برنامه های در نظر گرفته شده را شامل می شود، در حیطه مدیریتی و ساختاری بیشترین امتیاز را از آن خود کرده است.

گنجانیدن اصول حفاظت از محیط زیست در سرفصل های آموزشی دوره های مربیگری و مدیریتی ورزش، سوق دادن تحقیقات و پایان نامه های دانشجویی به سمت ورزش و محیط زیست، راه اندازی رشته یا گرایش تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی با عنوان ورزش و محیط زیست در حیطه آموزشی و پژوهشی بیشترین اولویت را دارا بوده که با توجه به ماهیت آن ها که بیشتر به شکل دهی بنیادی ساختار آموزش و پژوهش اشاره دارد می توان گفت که در این حیطه نیز ورزشکاران توجهشان به راهکارهای زیربنایی جهت توسعه فرهنگ زیست محیطی بوده است.

در حیطه فرهنگی - ملی بیشترین امتیاز به همکاری نزدیک بین وزارت ورزش، سازمان محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین قراردادهای همکاری فی مابین، جلب مشارکت ورزشکاران ستاره و محبوب در فعالیت های زیست محیطی، گسترش فرهنگ عمومی حفظ محیط زیست داده شد که علاوه بر انجام فعالیت های زیرساختی مثل تدوین قراردادهای همکاری بین سازمان های مرتبط به فعالیت ها و راهبردهای نمادین مثل حضور ورزشکاران معروف و محبوب در مشارکت های زیست محیطی و الگوسازی و صحنه گذاری در فعالیت زیست محیطی نیز اشاره نموده است.

با توجه به آنچه که بیان شد، در چارچوب الگوی حفاظت از محیط زیست (که برخاسته از تحقیقات پیشین و جامعه های متفاوت بوده است) ارائه این الگو در ورزش با توجه به نتیجه گیری های این پژوهش که در بخش کنشگران (چه کسی؟) تنها به ورزشکاران و در بخش زمینه ها (چه چیزی؟) و سازوکارها (چگونه؟) به طور کامل پرداخته است، به صورت ذیل می باشد که همراستا با پژوهش های بیشواکارما^۱ (۲۰۰۰)، ناگی و همکاران (۱۹۹۴)، قاسمی و سعدی (۱۹۹۹) است. (شکل ۱)

شکل ۱: چارچوب مشارکت ورزش در حفاظت از محیط زیست



از آنجا که عملکردهای زیربنایی مستلزم تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و حمایت در سطوح کلان و خرد می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد که مدیران و صاحب‌نظران با استفاده از نتایج این تحقیق و پژوهش‌های علمی مرتبط، در برنامه‌ریزی‌های آتی مرتبط با محیط زیست، در توسعه فرهنگ زیست محیطی کشور تاثیرگذار باشند.

کمیته ملی المپیک، وزارت ورزش و جوانان و همچنین فدراسیون‌های ورزشی و سایر نهادهای مسئول در ورزش و محیط زیست کشور می‌توانند با بهره‌مندی از این راهکارها، برنامه‌های عملیاتی جهت پیاده‌سازی آنها را اجرایی کرده و اعمال نمایند.

منابع

- ابراهیمی، احمد؛ عمرانی، قاسمعلی و منوری، مسعود (۱۳۸۱) "نقش مشارکت مردمی در بازیافت مواد زائد جامد خانگی شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۱۹، ۱۲، ۷)". پنجمین همایش ملی بهداشت محیط. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- پاداش، دنیا؛ پاداش، امین؛ نادریان، مسعود و سلطان حسینی، محمد (۱۳۹۰) "بررسی اثرات محیط زیستی اماکن ورزشی بر محیط شهری". محیط زیست و توسعه. ۳: ۳۱-۳۶
- سهرابی، پوریا؛ کاشف، میر محمد؛ جوادی پور، محمد و حسینی، فاطمه السادات (۱۳۹۰) "بررسی وضعیت دسترسی، همجواری و ساخت اماکن و فضاهای ورزشی شهرستان ارومیه با توجه به استانداردها". پژوهش در علوم ورزشی. ۱۱: ۱۴۶-۱۳۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) قانون پنجاهم.
- کهن نسب، علی (۱۳۸۸) "ورزش در خدمت محیط زیست".
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۳) "قوانین مجلس شورای ملی، مجموعه قوانین دوره قانونگذاری بیست و سوم - ۹ شهریور ۱۳۵۰ تا ۱۶ شهریور ۱۳۵۴". جلد دوازدهم. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست
- میرعباسی، اشرف السادات؛ حسن پور، محم و؛ پناهنده، محمد (۱۳۸۹) "شناسایی عوامل موثر بر مشارکت زیست محیطی با کمک نظریه کنش موجه". سیزدهمین همایش ملی بهداشت محیط، کرمان، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
- وارن، سو و یدریک، م. (۱۳۸۴) جغرافیای ورزش و اوقات فراغت. زهرا احمدی پور. چاپ اول. پگاه اندیشه
- ویسی، هادی و مجدالدین، اکبر (۱۳۸۷) "بررسی ساز و کارها و زمینه های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست طبیعی". ۳: ۹۳-۱۰۷
- Andrusevych, A. (2002) "The Right to Public Participation in Environmental Decision-Making in Ukraine: Challenges of Compliance". UNEP seminar on human rights and the environment.
- Bishwakarma, D. R. (2002) "Participation of disadvantages people in Watershed Management: A Case study of Bagamati Integrates Watershed Management Project". Makawanpur District, Nepal. Asian Institute of Technology School of Environment, Resources and Development, Thailand.
- Carlsson, L. and Berkes, F. (2005) "Co-management: concepts and methodological implications". Journal of Environmental Management. (75) pp. 65-76.
- Davies, J. C. (1998) "Public Participation in Environmental Decision-Making and the Federal Advisory Committee Act Testimony before the U.S. House of Representatives Government Reform and Oversight Committee". Center for Risk Management, Resources for the Future. 1616 P Street Washington, DC 2003 6. pp. 1-16
- Gasmi A. Sadi H. (1999) "Approach on collaboration contexts of Islamic Rural consultants in natural resources management viewpoint of natural resources experts". Proceedings of the first conference of natural resources, participation and development. December, 18-19, Bureau of extension and public participation - forest

and rangeland pp 125-135.

- Nagy, M, T,ET al. (1994)"**Manual on public Participation in Environmental Decision Making**". Current practice and future possibilities in CENTRAL 7 EASTERN Europe, Budapest.
- Official Report of the XXVIII Olympiad (2004) **ORGANISING COMMITTEE FOR THE GAMES**. 290-300 pp.
- Olympic Review (1998)"**Official Publication of the Olympic Movement**". 149-203 pp.
- Oswald. B. and Michael M. (2000)"**Participation of Local Communities in Management of Totally Protected Areas**". Hornbill 4.
- Parnell, M. & LLB, Bcomm, Mrup (2005)"**Public Participation in Environmental Decision-Making, Barrister and Solicitor**". Environmental Defenders Office (SA) Inc. pp 1-15.
- Pretty .J. N and Michel P. (1995) "**Parks, People and Professionals: Putting 'Participation' into Protected Area Management**". UN Research institute for world wild fund foe social development. International Institute for Environment and Development. Discussion Paper No 57, February. UNRISD, Geneva Lohan.



تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین الملل

محمد بابایی^۱

رضا سیمبر^۲

مریم رضایی^۳

سجاد سلیمانی کشایه^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۸/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲۵

امروزه، کاربرد قدرت نرم و بومی سازی آن در تحولات نظام اقتصادی-سیاسی جهانی ضرورتی انکارناپذیر است که آن را در سه بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می توان مورد بررسی قرار داد. یکی از متغیرهای فرعی در بخش فرهنگی، ورزش می باشد. این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از مطالعات کتابخانه ای انجام گرفته، به دنبال تحلیل ماهیت قدرت نرم در ورزش و تأثیر آن بر همگرایی کشورهاست. این پژوهش بر آن است که به پرسش های زیر پاسخ دهد: آیا ورزش به عنوان یکی از مولفه های ایجاد قدرت نرم، بر توسعه اقتصادی برخی کشورها تأثیر مثبت خواهد گذاشت؟ چرا ورزش به عنوان یکی از مولفه های ایجاد قدرت نرم بر همگرایی کشورها تأثیر می گذارد؟

نتایج تحقیق نشان می دهد که در حوزه قدرت، شناسایی و برتری یک کشور نسبت به سایر کشورها، آن هم از راه مسابقات ورزشی که امروزه به صورت حرفه ای و تجاری به عنوان یک پدیده مطرح است، نشانه برتری و تأثیرگذاری ورزش در ایجاد قدرت نرم است. بنابراین، استفاده از راهبرد نفوذ، جذب و اقناع در ورزش که از اهداف قدرت نرم است می تواند در سطوح ملی و بین المللی علاوه بر ایجاد اتحاد، غرور ملی و یکپارچگی فرهنگی در همه اقشار جامعه، در نیل به توسعه اقتصادی و همگرایی نیز موثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی ورزشی، قدرت سخت، قدرت نرم، فرهنگ، ورزش و نظام بین الملل

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، روابط بین الملل، پردیس دانشگاهی علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران و دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: babaei996@gmail.com

۲. دکترای علوم سیاسی، مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان، پردیس دانشگاهی علوم سیاسی روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۳. کارشناس ارشد روابط بین الملل، پردیس دانشگاهی گیلان

۴. دانشجوی کارشناسی مدیریت ورزشی، دانشگاه شمال، آمل

مقدمه

امروزه، معادله قدرت و امنیت از چهارچوب سنتی خود در سیاست های بین المللی خارج گردیده و بستر جدیدی از تعاملات میان کشورها را فراهم آورده است. تحول در بستر قدرت باعث تغییر مکان قدرت از خاستگاه اصلی خود یعنی قدرت سخت شده است. جوامع امروزی، قدرتمندی را نه در گرو منافع صرفاً مادی قدرت، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت های دیگر به حساب می آورند. لذا این بُعد از قدرت را چهره دوم قدرت و یا "قدرت نرم" نامید که نتیجه آن، تأثیرگذاری غیرمستقیم و توأم با رضایت بر دیگران می باشد. از این لحاظ، تحول در ماهیت قدرت سبب گردیده تا کشورها از قدرت نرم برای معامله با تهدیدات استفاده نمایند. این جنبه دوم قدرت که توان جذب کنندگی دارد، آن زمانی ظاهر می گردد که یک کشور سبب شود دیگر کشورها چیزی طلب کنند که به دنبال آن است. در واقع، نقطه مقابل قدرت سخت (تحکیم آمیز) قرار دارد. (نای، ۱۳۸۷: ص ۱۳۳)

اما نکته ضروری، درک اهمیت شناخت آن و تلاش برای بومی سازی آن با توجه به ویژگی ها و خصوصیات ملی است، زیرا شناخت مناسب و به موقع تهدیدات و فرصت های ناشی از شرایط جدید بین الملل موجب بهره برداری مناسب از فرصت ها و دفع تهدیدات می شود.

مقوله قدرت نرم نخستین بار توسط جوزف نای (۱۹۹۰) - نظریه پرداز برجسته آمریکایی - در مقاله ای با عنوان «گمراه کنندگی استعاره انحطاط» مطرح شد. بعدها او در کتاب های دیگری چون: «ملمزم به رهبری» «رهبری و قدرت هوشمند»، «قدرت نرم: ابزارهایی برای توفیق در سیاست جهانی» و ... به ایالات متحده توصیه می کند که نباید تنها بر حفظ قدرت اقتصادی و نظامی تکیه کند، بلکه باید در جهت جذابیت فرهنگ، ارزش ها و نهادهایی که قدرت نرم نامیده می شود، بکوشد. (نای، ۱۳۸۷: ص ۱۸۰)

قدرت نرم در سه بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه قرار می گیرد که یکی از متغیرهای فرعی و وابسته به آن در بخش فرهنگی، ورزش می باشد. از نظر اندیشمندان این حوزه، امروزه تأثیر ورزش در جامعه جهانی بر ایجاد همگرایی ملت - کشورها نسبت به دیگر متغیرهای اصلی قدرت نرم تأثیرات مثبت بیشتری خواهد داشت. تحلیل ورزش و مطالعه آن در روابط بین الملل موجب شناسایی و تحلیل بهتر نسبت به اقتصاد جهانی نئولیبرال، دیپلماسی، جنگ، جهانی سازی فرهنگی، شکل گیری هویت ملی و رسانه ها می گردد.

نظریه های مرتبط با قدرت نرم

براساس نظریه های قدرت نرم، استفاده از قدرت سخت تنها وسیله در دسترس برای نیل به اهداف نیست، زیرا در قدرت سخت از تاکتیک های اجبار از قبیل تهدید نظامی، فشار اقتصادی، تحریم، ترور، نیرنگ و دیگر اشکال ارباب استفاده می شود؛ در حالی که در قدرت نرم از حقوق بشر، فرهنگ و هنجارهایی که بیشتر جنبه جهانی دارند (مانند ورزش) به عنوان منابع قدرت استفاده می گردد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۵)

مولفه های اساسی قدرت نرم در نظام بین الملل

در بررسی قدرت نرم می توان گفت که منابع و شاخص های آن ثابت نیستند و پیوسته با تحول بسترها و شرایط، دستخوش تغییر می شوند. به طور کلی، مولفه های اساسی قدرت نرم را در سه گروه فرهنگ، اقتصاد و سیاست می توان بررسی کرد. مقوله هایی همچون: هنر (شامل شعر و موسیقی، صنایع دستی، آداب و سنن، فیلم و تئاتر، ادبیات و زبان)، رسانه (شامل رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجلات، اینترنت و ماهواره)، دانش (شامل دانشگاه ها و مراکز فکری، جذب دانشجو و مبادله آن با سایر کشورها و سهم جهانی در ارائه فناوری مدرن)، ورزش (شامل افتخارات، میزبانی مسابقات جهانی و منطقه ای) و دین در گروه فرهنگ قرار می گیرند.

نقش ورزش به عنوان یکی از مقوله های اساسی فرهنگ بر قدرت نرم

امروزه، ورزش جدا از آن که مشغولیتی محبوب برای گذراندن اوقات فراغت مردمان به شمار می آید، به ویرنی برای معرفی آنها به جهانیان تبدیل شده است. مردمان زیادی در سراسر دنیا اوقات فراغت خود را با تماشای مسابقات ورزشی به ویژه ورزش قهرمانی می گذرانند. اندیشمندان حوزه قدرت، ورزش را در شناسایی و برتری یک کشور نسبت به سایر کشورها آن هم از راه مسابقات، نشانه برتری و تأثیرگذاری در قدرت نرم می دانند. سیاست مداران به کسب افتخارات و میزبانی مسابقات جهانی و منطقه ای توجه ویژه ای دارند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۵) در این تحقیق، به نقش همگرایانه ورزش در قدرت نرم توجه ویژه شده است.

امروزه ورزش در سطح بین المللی، بُعد سیاسی به خود گرفته است. گاه اتفاق می افتد کشوری که بیشتر مردم حتی نام آن را نشنیده اند، یکباره در جهان مطرح می شود و به واسطه پیروزی های ورزشی، نامش در صفحه اول روزنامه های جهان و صدر اخبار قرار می گیرد. همچنین، شرکت و یا عدم شرکت تیم های ورزشی یک کشور در یک کشور دیگر، گاه جنبه سیاسی می یابد و به معنای دوستی، دشمنی، اعتراض و... تلقی می شود. (صبوری، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱)

نظریه های مرتبط با ورزش در نظام بین الملل

به طور کلی، پنج مکتب فلسفی سنتی از تأثیر بسزایی بر روند تفکر ورزشی برخوردارند:

۱. ایده آلیسم: که تربیت، شخصیت و به ویژه ارزش های اخلاقی و روحی در ورزش را توصیه می کند. این مکتب بر برنامه های ورزشی و خودتکاملی تأکید دارد.
۲. رئالیسم: که تعلیم و تربیت، قدرت استدلال و توانایی کاربرد روش علمی در ورزش برای تفسیر اشیای واقعی در زندگی را توصیه می کند. این مکتب بر ورزش و تندرستی افراد تأکید دارد تا فرد بتواند یک زندگی پُر بار و مفید داشته باشد.
۳. پراگماتیسم: که تعلیم و تربیت در ورزش را براساس مسئولیت اجتماعی مطرح می کند و افراد را بخش مکمل اجتماع می داند. این مکتب بر تنوع رشته های ورزشی در جهت تجارب متعدد و نتایج اجتماعی آن تأکید دارد.
۴. ناتورالیسم (طبیعت گرایی): که تعلیم و تربیت در ورزش را جریانی در جهت تکامل جسمانی، شناختی، احساسی و هیجانی می داند. این مکتب فعالیت های جسمانی را برای توسعه کل وجود مفید می داند.
۵. اگزیستانسیالیسم (اصالت وجودی): که تعلیم و تربیت در ورزش را یک جریان فردی می داند که فرد متناسب با نیازها و خصوصیات خود آن را انتخاب می نماید. این مکتب معتقد است که فعالیت های جسمانی، موقعیت هایی را برای توسعه خودآگاهی و خودمسئولیتی به وجود می آورد و افراد در انتخاب انواع فعالیت های ورزشی از آزادی عمل برخوردارند. (وست و بوچر، ۱۳۸۳: ۵۷-۵۴)

وضعیت قدرت نرم در محیط بین المللی ورزش

برای بین المللی بودن ورزش، حداقل دو عامل باید مدنظر قرار گیرد:
الف- سطح یا ساختار اقدامی است که یک سازمان انجام می دهد و در آن بر بین المللی بودن فعالیت تأکید می کند.

ب- محیطی که در آن فرد یا سازمان در درون یک تشکیلات ورزشی مشغول فعالیت هستند.

برخی معتقدند که ورزش، زندگی اجتماعی را کامل می کند و می تواند نه فقط بخشی از دین، بلکه بخشی از میراث و فرهنگ باشد، (گوش، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۷) اما واقعیت این است که امروزه حتی بخش های نخبه گرا و سرآمدان فرهنگی نیز به اندازه بخش های عمومی و سازندگان فرهنگ عامه به ورزش وابسته و دلبسته اند. به همین سبب اخلاق در ورزش، دین در ورزش، فرهنگ و ورزش، سیاست و ورزش، هنر و ورزش، اقتصاد و ورزش و جامعه و ورزش، موضوع هایی هستند که همه جوامع به نقش ویژه ورزش در آن توجه دارند. بدین ترتیب، در جوامع مختلف از جمله ایران، تبیین و تدوین راهبردهای نو در امر ورزش در ایجاد همگرایی کشورها موثر خواهد بود. از سوی دیگر، استفاده ابزاری از ورزش در سیاست که در مطالعات فرهنگی مطرح است، می تواند بر قدرت نرم کشورها تأثیر مثبتی بر جای بگذارد. به عنوان نمونه، آغاز فعالیت ورزش زنان برای ایجاد تغییرات اجتماعی در سطح جهان، تأثیر مثبتی در همه جوامع بشری گذاشته است، زیرا تا قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی برای بیشتر زنان ورود به بسیاری از فعالیت های ورزشی ممنوع بود. پس از آن، زنان و مردان علاقمند به ورزش تلاش کردند تا فرصت های بیشتری برای فعالیت های اجتماعی و زمین های بازی بیشتری برای زنانی که می خواستند در فعالیت های ورزشی شرکت کنند، فراهم آورند. از این رو، پدید آمدن زمینه های شرکت زنان و دختران در چنین فعالیت هایی، زندگی آنها را متحول ساخت. (بی پارکس و همکاران، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۲)

در عرصه فرهنگ امروزه، مقوله هایی مانند هنر، تولیدات رسانه ای، دانش، ورزش، خصلت های ویژه ملی، موقعیت فرهنگی مانند آثار باستانی، جاذبه های گردشگری، ادبیات و تعداد محصولات فرهنگی در ایجاد قدرت نرم یک کشور تأثیر گذار می باشد. در منبع فرهنگی به صورت جزئی تر می توان به ذائقه های غذایی یک ملت، موسسات و ستاره های سینمایی و شخصیت های کارتون، تلویزیون، مارک ها و برندهای مختلف، موسیقی های مطرح و ورزش های جذاب نیز اشاره کرد. این سطح از فرهنگ را "فرهنگ عامه" می گویند. البته باید توجه داشت که منابع فرهنگ عامه در ایجاد قدرت نرم کمک می کنند، ولی نباید آن ها را با قدرت نرم اشتباه گرفت، زیرا آنها فقط می توانند در جاذبه قدرت نرم موثر باشند. با این حال، فرهنگ به عنوان منبع قدرت نرم در روابط میان کشورها نقش حائز اهمیتی دارد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۸) و این تحقیق به دنبال بررسی یکی از منابع فرهنگ یعنی ورزش می باشد که در ایجاد قدرت نرم و بهبود روابط میان کشورها تأثیر مثبت بر جای می گذارد.

سجادی (۱۳۹۰) در کتاب «ورزش و روابط بین الملل» به این نکته اشاره دارد که امروزه بحث ورزش در علم جامعه شناسی زیاد مطرح می گردد و تحلیل ورزش در جامعه جهانی به ما یاد می دهد که اقتصاد جهانی نئولیبرال، دیپلماسی، جهانی سازی فرهنگی، هویت ملی و رسانه ها چه وضعیتی در روابط بین الملل کنونی دارند. اگر چه نگارنده به کم توجهی روابط بین الملل به امر ورزش گله دارد، ولی مطمئن است که در آینده پژوهشگران زیادی در این زمینه برای همگرایی جامعه جهانی تلاش می کنند.

سجادی (۱۳۸۶) در مقاله «المپیک و تاریخ ورزش در جهان» معتقد است حرکتی که از طریق بازی و ورزش موجبات رشد و تکامل انسان را فراهم می سازد، جهان را به مکانی برای سالم زیستن تبدیل می کند. همچنین، نویسنده به مشکلات جنبش المپیک از جمله مسائل سیاسی، قدرت طلبی بعضی از کشورها، برتری طلبی برخی قدرت های ملی و تحقیر ملت های کوچک و مواردی از این قبیل نیز می پردازد.

وزارت ورزش و جوانان ایران (۱۳۹۲) در کتاب «سند راهبردی ورزش و جوانان» ضمن توجه به امر ورزش و گنجاندن موضوع ورزش در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، به این موضوع اشاره دارد که رواج ورزش همگانی و ارتقای ورزش قهرمانی، ایران را بر قله های افتخار و اقتدار جهانی می رساند. در این سند بر اهمیت ورزش و پیروزی ورزشکاران ایرانی در رقابت های مختلف جهانی جهت

بزرگ نمایی قدرت ملی ایران در روابط بین الملل کنونی تأکید دارد. همچنین، صفرزاده در مقاله ای با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران در دو کشور قطر و امارات» به موضوع قدرت نرم و تأثیر فرهنگ از جمله ورزش در ایجاد همگرایی دو جانبه بین کشورها و نیز تأثیر آن در دنیای معاصر جهت ایجاد روابط بهتر در سطح بین الملل توجه ویژه ای دارد. باتوجه به اینکه متون کمی در رشته علمی روابط بین الملل به ورزش اختصاص یافته است، این پژوهش تلاش می کند ضمن شناسایی قدرت نرم در نظام بین الملل، به اثر متقابل و نقش همگرایانه ورزش در آن بپردازد.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل مفهوم قدرت نرم در نظام بین الملل کنونی و نقش ورزش در ایجاد همگرایی به خصوص در حوزه خاورمیانه و کشور ایران از ابتدای قرن ۲۱ می پردازد. در تدوین این پژوهش، از روش تحلیلی- توصیفی بر مبنای اصول علوم سیاسی و روابط بین الملل و سایر علوم وابسته به موضوع اصلی استفاده شده است. همچنین، با بهره گیری از شیوه مطالعات کتابخانه ای، فهرستی از کتاب ها، مقالات، اسناد، آمار و نرم افزارهای مرتبط به همراه مشخصات کامل آن طبقه بندی و سپس آنالیز شد و نگارش پژوهش از آنها سود جسته شد.

یافته های پژوهش

امروزه، هر کشوری که نتواند از منابع قدرت نرم در پیشبرد اهداف و منابع خود بهره برداری کند، باید هزینه های سنگین به کارگیری قدرت سخت را در کنار عدم موفقیت کامل در نیل به اهداف مورد نظر خود تحمل نماید. از این رو، می توان گفت عدم توجه به تحولات ایجاد شده در محیط جدید جهانی و در جابجایی قدرت ها به ویژه اهمیت روزافزون قدرت نرم در هدایت منافع ملی، موجب ناکارآمدی و افزایش هزینه های دولت ها در عرصه سیاست خارجی شده است. (پوراحمدی، ۱۳۸۹؛ ۲۰) پس، فهم منابع قدرت نرم و کاربرد آن در سیاست خارجی کشورها، امری ضروری به نظر می رسد.

بیشتر پیشینیان بر طبقاتی بودن ورزش به ویژه به لحاظ نژاد و جنس تأکید داشتند، ولی اکنون دولت ها برای افزایش سطح مقبولیت خود و در راستای ارتقای اهداف بین المللی حقوق بشر، سعی بر توسعه ورزش در میان اقشار مختلف جامعه دارند. از این رو، به دنبال تغییر جهت اهداف و مقاصد سنتی ورزش، بیشتر کشورهای جهان آن را در راستای ایجاد قدرت نرم خود موثر می دانند.

همه کشورهای جهان از جمله ایران با فعالیت در جهت ارتقای سطح سلامتی جامعه و نشاط اجتماعی با رویکرد فرهنگی، سعی در تحکیم جایگاه کشور خود در عرصه های بین المللی دارند. بر این اساس، در بحث ارزش های فرهنگی ورزش اعتقاد بر این است که ورزش، عامل پرورش و آرامش جسمی و روحی برای آحاد جامعه است. همچنین، در مورد همگرایانه بودن ورزش گفته می شود که همه انسان ها از نگاه ارزشی دارای احترام و اعتبار می باشند و همگان از حقوق اجتماعی آن باید برخوردار گردند. بنابراین، در محدوده خدمات ورزشی باید از هر گونه تبعیض، تعصب و کینه نگری پرهیز شود و همه افراد جامعه از دریافت خدمات ورزشی در جهت پرورش جسم و روح برخوردار گردند. (حوزه وزارتی ورزش و جوانان، ۱۳۹۲: ۶۶) از طرفی در نگاه دولت ها، امروزه ورزش یکی از اموری است که به عنوان مختلف در جهان مطرح می شود و گروه زیادی به اشکال گوناگون با آن سر و کار دارند. از این رو، دولت ها به دلیل اهمیت آن به

تأسیس وزارت خانه ها و ادارات ورزشی، تخصیص هزینه های بسیار برای ساختن استادیوم ها، مجتمع ها و باشگاه های ورزشی و نیز تهیه وسایل و لباس های ورزشی مبادرت می ورزند. آنها در جهت پیش برد اهداف قدرت طلبانه خود در جامعه با پخش برنامه های ورزشی در تلویزیون و استفاده از رادیو، مجلات و سایر رسانه های گروهی به مقاصد اصلی خود می رسند. البته دولت ها باید توجیهاتی برای حمایت خود از ورزش بیابند، مانند اثر اقتصادی، بهداشت عمومی، شهرت بین المللی و عامل «احساس خوب» ملی (وات، ۱۳۸۱: ۴۴) که همگی آنها در مطالعات امروزی قدرت، جزو عوامل ایجاد قدرت نرم دولت ها محسوب می گردند. ورزش، جدای از جنبه های مثبت و منفی خود، به عنوان وسیله ای برای ایجاد تغییرات اجتماعی، دارای یک قدرت باورنکردنی (قدرت نرم) است. از این رو، ورزش در شکل گیری، جایگزینی و جاودانه ساختن بسیاری از ارزش های اجتماعی (در قدرت نرم) نقش اساسی دارد. این نوع نگرش، ضمن ایجاد احساس هویت شخصی موجب تقویت هویت اجتماعی و احساس عضویت در گروه و آحاد جامعه را فراهم می آورد. علاوه بر آن، ورزش موانع گروه های اجتماعی، جنس، نژاد و سن را کنار می زند و موجب تقویت پیوند و ارتباط میان توده های مردم و رفع تنش ها و نزاع می شود. (بی پارکس و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۲) اندیشمندان این حوزه معتقدند که اغلب تغییرات فرهنگی جوامع - که خود در ایجاد قدرت نرم مؤثرند - براساس اعتراض لابی های ورزش شکل می گیرد. از این رو، ورزش اغلب سازمان دهنده اصلی اعتراض ها و تغییرات اجتماعی است و این به نوبه خود، تغییرات اقتصادی و سیاسی را در جامعه به عنوان یک مجموعه پدید می آورد. (همان، ۷۲) بر این اساس ورزش، وسیله ای برای تحولات اجتماعی است که تغییرات اقتصادی و سیاسی را هم به دنبال دارد. در بعد تأثیر اقتصادی ورزش در ایجاد قدرت نرم می توان گفت که ورزش در سطح رقابتی با خارج شدن از حالت غیرحرفه ای، به صورت حرفه ای و سرگرمی آفرین تجلی می یابد که تحت نفوذ و سیطره سیاست و اقتصاد قرار دارد؛ به طوری که پول و اعتبار، اصلی ترین وجوه ورزش برای ورزشکاران، مربیان، نهادهای حاکم، صاحبان تأسیسات ورزشی و کشورهای میزبان مسابقات ورزشی به شمار می روند.

هدف اقتصادی ورزش، سرمایه گذاری و رونق بخشیدن به حیات اقتصادی در مناطق و شهرهاست. تأثیرات اقتصادی ورزش برای دولت ها نیز شامل درآمدهای مالیاتی، مخارج مستقیم تیم ها و مالکان آنها، ایجاد شغل های جدید، بهبود و توسعه زیرساخت ها، جذب گردشگران ورزشی و جایگزینی صنایع سنگین با اماکن ورزشی می باشد. (حسینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۰) بر این اساس، برخی شرکت های فراملیتی، نقل و انتقالات جهانی، باشگاه های ورزشی، گردشگران ورزشی و اماکن ورزشی در رأس اصلی ترین و تأثیرگذارترین منابع اقتصادی ورزش قرار دارند که با توجه به نقش اقتصادی خود می توانند در ایجاد قدرت نرم در بخش اقتصاد تأثیرگذار باشند.

بعد تأثیر سیاسی ورزش در ایجاد قدرت نرم

گسترش و وسعت فوق العاده کاربرد وسایل ارتباط جمعی به ویژه وسایل ارتباطی شنیداری و دیداری، عرصه ورزش را به صحنه نمایش جهانی تبدیل کرده است. لذا از سال های دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، برخی کشورها به جهت حضور گسترده وسایل ارتباط جمعی در عرصه های ورزشی توانستند از جریان ها و حرکت های سیاسی، به نفع خود و در جهت بیان افکار و خواسته های خویش بهره برداری کنند. برای مثال، طی بازی های المپیک مکزیک در سال ۱۹۶۸ و اعتراض مردم نسبت به دولت حاکم مکزیک، افکار عمومی جهان علیه مکزیک بسیج شد. البته، در تاریخ ورزش دنیا، انتقام جویی های ورزشکاران به جای سیاستمداران هم به چشم می خورد؛ چنان که پیروزی آرژانتین در مقابل انگلستان در جام جهانی ۱۹۸۲ تلافی تمامی سال های تصرف جزایر فالکلند را بر سر انگلیس در آورد، استقامت جانانه الجزایری ها در برابر فرانسه و ... در دنیای فوتبال نمونه هایی از این کارکرد جایگزینی ورزش است. لذا اندیشمندان این حوزه معتقدند ورزش

سیاسی یا به بیان شیواتر، استفاده سیاسی از ورزش خطرناک و نامطلوب است. به عنوان مثال، شکست های پی در پی ایران در میادین مختلف المپیک و جام جهانی کشتی یا مسابقات مقدماتی جام جهانی فوتبال در سال های قبل، غرور ایرانیان را جریحه دار می کرد. این نتیجه عدم وجود سیاست و راهبرد مناسب ورزشی در ایران و سیاسی شدن آن بود. بنابراین، ورزش همواره با سیاست ارتباط دارد. دخالت سیاست در ورزش هم بسیار گسترده است؛ از انتخاب بازیکن در سطوح ملی گرفته تا حل تعارضات بین بازیکن و مسئولان. از طرفی، عرصه ورزش به کمک سیاستمداران نیاز دارد و اصلی ترین نیاز ورزش به سیاست، حمایت مالی است؛ چنان که بدون حمایت مالی حکومت ها و سیاستمداران، ورزش نمی تواند به تمام اهداف خود دست یابد. لذا جدای از جنبه های منفی دخالت حکومت و سیاستمداران در ورزش، این دخالت گاهی جنبه های مثبتی برای ورزش به همراه خواهد داشت. همچنین، ورزش با توجه به ابعاد ملی و بین المللی آن، جایگاه ویژه ای نزد حکومت ها داشته و دارد. هر قدر ورزش از آماتور بودن به سمت حرفه ای شدن پیش رود، به همان اندازه دخالت سیاستمداران در ورزش بیشتر می گردد؛ به طوری که می توان گفت ورزش در نیمه دوم قرن بیستم، در کنار بحث سیاسی بودن خود به عنوان یک عامل قوی اجتماعی و نیز ابزار عالی تربیتی ایفای نقش می کرد، ولی هم اکنون (در قرن ۲۱) ورزش، به تفریحی بزرگ برای عموم مردم تبدیل شده است و بخش مهمی از فعالیت های اقتصادی را نیز تشکیل می دهد. علیرغم این تغییر جهت، ورزش هنوز هم از نقش مهم سیاسی در تقویت هویت ملی و ارزش های اجتماعی و تربیتی (مدنظر قدرت نرم) برخوردار است. (هرناندر، ۱۳۸۷: ۳۰۵) به نظر می رسد که رویای ورزش که تحت آرمان های المپیک شکل گرفته بود، بر اثر حرفه ای گرایی و تجارتی شدن آن، کم کم در حال محو شدن است.

ورزش می تواند بر فرهنگ سیاسی یک کشور نیز تأثیر بگذارد. در کشورهایی که بیشتر به دلایل فرهنگی، مشارکت سیاسی عمومی وجود ندارد، ورزش، گامی هرچند ضعیف به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی است. از سوی دیگر، پیشتازی نخبگان ورزشی در ایفای نقش های مختلف اجتماعی و نقش آنها در الگو شدن برای قشرهای مختلف بر اثر شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم متفاوت می باشد. به عنوان مثال، در قاره آفریقا، ورزشکاران به قهرمانان ملی آفریقای گرسنه تبدیل شده اند. همچنین، ورود اعضای تیم ورزشی به عرصه سیاست می تواند به طور طبیعی راه ورود هواداران آن تیم را به عرصه سیاست باز کند. به همین دلیل، امروزه و در دنیای معاصر معمولاً در موقع انتخابات، جناح های سیاسی سعی می کنند ورزشکاران مشهور را در فهرست انتخاباتی خود قرار دهند یا حداقل نظر حمایتی آنها را از یک حزب یا شخص به دست آورند. (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴) بنابراین نقش واضح ورزش در عرصه سیاست می تواند در راستای یکی از اهداف قدرت نرم یعنی مشارکت سیاسی مردم قرار گیرد.

در مورد نقش ورزش در هدایت افکار عمومی قدرت نرم کشورها اکنون، به وضوح می توان مشاهده کرد که حکومت ها برای حفظ ثبات و پایداری خود در زمان های بروز بحران، از تمامی ابزارها از جمله ورزش برای جهت دهی و هدایت افکار عمومی استفاده می کنند. (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۹)

در سطح بین المللی نیز ورزش به دلیل تأثیر خود بر افکار عمومی می تواند در ردیف دیپلماسی عمومی قرار گیرد. اگرچه برخی از اندیشمندان حوزه جنبش المپیک و سیاست معتقدند که برقراری صلح در جهان از عهده بازی های المپیک ساخته نیست و ورزش همواره در جهت تقویت و حفظ وضع موجود بوده و منافع گروه ها و یا افراد خاصی را تأمین می کند، ولی به نظر می رسد این جنبه منفی آن کم اهمیت باشد. از نظر آنها ورزش دربردارنده ایدئولوژی فرهنگی چند کشور خاص می باشد به خصوص آنکه رویدادهای ورزشی بین المللی به طور مستقیم توسط کشورهای صنعتی شکل می گیرند. در نتیجه، رشد ورزش ملی نیز باید تحت حمایت و پشتیبانی یک برادر بزرگتر (همان کشورهای صنعتی) قرار گیرد. این عامل خود سبب ورود ایدئولوژی های

فرهنگی آن کشورها به کشورهای دیگر می شود. آنها معتقدند که حمایت از کشورهای ضعیف برای شرکت در برخی از تورنمنت ها سبب وابسته تر شدن این کشورهای کوچک به کشورهای بزرگتر می گردد و در واقع در ورزش نیز نوعی امپریالیسم فرهنگی حاکم می گردد. (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴) با وجود چنین شرایطی می توان گفت که ورزش در سطح بین المللی به عنوان ابزاری قدرتمند برای کشورهای صنعتی جهت ایجاد قدرت نرم موثر می باشد.

نقش همگرایانه ورزش در قدرت نرم حکومت ها

ژوزف نای در کتاب «قدرت» در توضیح قدرت نرم به این نکته تأکید دارد که قدرت نرم، توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه و نه اجبار یا تطمیع است. وی به کشورها سفارش می کند که برای کسب این نوع از قدرت باید از جاذبیت فرهنگی که یکی از مولفه های اساسی (به همراه اقتصاد و سیاست) آن می باشد استفاده صحیح و به جا داشته باشند. در این راستا، یکی از ابزارهای موثر دولت ها در جهان امروز استفاده از ورزش برای جذب افراد و مردم خود است. آنها با کمک های مالی به ورزش و استفاده از تبلیغات رسانه ای در جهت استحکام وحدت ملی و تداوم نظام حکومتی خود، از ورزش به عنوان ابزاری کارآمد بهره می برند. از این رو، در پژوهش حاضر به برخی از شاخص های اصلی و تأثیرگذار بر نقش همگرایانه ورزش پرداخته می شود.

نقش همگرایانه اخلاق در ورزش

این عقیده که ورزش موجب ساختن شخصیت اخلاق گرا می شود، از دوران باستان وجود داشته است. افلاطون در کتاب جمهوریت خود بیان می کند: دو هنر وجود دارند که به اعتقاد من از جانب خدا به بشر هدیه داده شده اند: یکی موسیقی و دیگری حرکات ورزشی. نه به دلیل حضور توأمان روح و جسم در آنها، بلکه به دلیل موزون بودن آنها. قرن ها بعد فیلسوفی اگزیستانسیالیست^۱ به نام کامو اظهار داشت مقوله ای که در آن به واقع می توان اخلاقیات را آموخت ورزش بود. در کل، این باور که ورزش شکل مهمی از آموزش اخلاق است، به طور گسترده ای در فرهنگ های مختلف وجود دارد. لذا تبلیغ و ترویج ورزش در سطح جامعه از سوی دولت ها، به دلیل ماهیت ذاتی خود موجب ارتقای روح اخلاق گرا و منش افراد جامعه می شود. در این صورت، احترام به روابط اجتماعی، احترام و تعهد به قوانین و مسؤولان در سطح یک کشور- که از خواسته های متفکران قدرت نرم است- گسترش پیدا می کند. این توافقنامه اخلاقی و نانوشته در ورزش، نشان از منش ورزشی است. برای نمونه، ورزشکار باید از برنده شدن بدون انجام مسابقه در شرایطی که حریفش آسیب دیده یا تأخیر داشته، خودداری کند. (همتی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱-۲۹)

لذا حکومت ها در نظام بین الملل فعلی، اطمینان پیدا کرده اند که اهتمام به ورزش موجب اجرای تصمیمات اصلی آنها در یک کشور طبق دستورالعمل اخلاقی ورزش خواهد شد، زیرا در اخلاق و منش ورزشی، نیازهای اساسی اجرای قدرت نرم همچون: تعهد به ورزش، احترام به قوانین، مسؤولان و روابط اجتماعی، وجود دارد.

نقش همگرایانه اماکن و فضای ورزشی در اقشار مختلف جوامع

مجموعه های ورزشی در جهان امروز، مراکزی هستند که پرتراکم ترین گردهمایی ها و همایش های انسانی را برگزار می کنند. با توجه به تجمع تعداد زیادی از مردم علاقمند به فعالیت های ورزشی و حضور پرشور و هیجان پیر و جوان، زن و مرد ورزشکار و تماشاچی در اماکن و فضاهای ورزشی، عموم مراجعه کنندگان و استفاده کنندگان این اماکن و فضاهای ورزشی، مورد توجه حکومت ها در جهت اجرای اهداف قدرت نرم

۱. اصالت وجود

قرار گرفته اند. (کاشف، ۱۳۸۸: ۵۳)

نقش همگرایانه ورزش در غرور ملی

امروزه، موفقیت در ورزش و در سطح بین المللی به عنوان یک ارزش بزرگ ملی شناخته می شود و می تواند مردم یک کشور را مفتخر سازد- در حالی که شکست در میادین ورزشی، نتیجه عکس در پی دارد. اگر تیم ها و یا ورزشکاران آنها موفق شوند، این موضوع باعث بهبود چهره آن کشورها در عرصه جهانی می گردد. در این صورت دستاوردهای ورزشی ضمن تأثیرگذاری اقتصادی کوتاه مدت- از طریق فروش پرچم ها، تک پوش های ویژه و اشکال مختلف یادبودها و خاطرات- باعث کمک و جهت دهی راهبرد دولت ها از طریق غرور ملی ملت ها خواهد شد. از این رو، موفقیت یک تیم ورزشی، این فکر را تداعی می کند که ملت آن کشور مطمئن و دلگرم هستند و در آن کشور دموکراسی، ثبات و حقوق بشر وجود دارد. (وارن و ویدریک، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۲) بنابراین بالا رفتن غرور ملی یک ملت از راه ورزش، موجب می شود تا حکومت هایی که به دنبال اهداف خود در سطح یک جامعه هستند، از آن در جهت اجرای قدرت نرم استفاده نمایند.

نقش همگرایانه ورزش در اتحاد مردم

از آنجا که ورزش به دلیل مردمی بودن، موانع فعالیت گروه های مختلف اجتماعی اعم از: جنس، نژاد و سن را کنار می زند، می تواند با تقویت پیوندها و ارتباطات میان توده های مردم و رفع تنش ها و نزاع ها یکی از دلایل قدرت نرم جهت ایجاد اتحاد در بین مردم باشد.

نقش همگرایانه ورزش مدرسه ای در سطح ملی

حکومت های فعلی جهان به دنبال گسترش ورزش مدرسه ای در کشورهای خود جهت توسعه و تقویت ابعاد مختلف رشد دانش آموزان هستند تا بتوانند افراد آینده جامعه خود را از زمان نوجوانی به رشد جسمی و عقلی مطلوب و دلخواه خود برسانند. از آنجا که در بحث قدرت نرم، توجه به قشر نوجوان و جوان جامعه و تربیت آنها یکی از مولفه های اساسی در فرهنگ اجتماعی می باشد، ورزش مدرسه ای می تواند نقش همگرایانه ای در سطح جامعه ایفا نماید.

نقش همگرایانه فدراسیون اسلامی ورزش زنان در سطح بین الملل

به دلیل مغایرت الگوهای رایج با اعتقادات زنان مسلمان جهان در میادین بین المللی و در نتیجه حضور کم رنگ آنان، به پیشنهاد نایب رییس وقت کمیته ملی المپیک ایران در سال ۱۳۶۹، تشکیل "شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی" با هدف پیشبرد مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی مطرح و به تصویب رسید. (باستانی راد، ۱۳۸۶: ۳۵۷)

بی تردید، فرصت های همگرایانه دیگری هم وجود دارد، مانند نقش همگرایانه ورزش در برداشتن شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در سطح بین المللی و یا تأثیر مثبت ورزش برای از بین بردن فاصله ها، قومیت ها و غیره در سطح ملی که طبیعتاً از جمله ضروریات جامعه در بحث قدرت نرم می باشند.

پیامد های مثبت به کارگیری ورزش در قدرت نرم کشورها

امروزه، نیاز روزافزون دولت ها به امر ورزش و توسعه آن در جهت اجرای سیاست ها و خواست های خود با عنوان به کارگیری قدرت نرم برای جذب و اقناع افراد جامعه، جزو ضروریات و ملزومات اداره کشورها شده است. از طرفی، توسعه ورزش از سوی دولت ها، فرصت خوبی برای مردان و زنان و تمام اقشار مختلف جامعه به وجود آورده تا علاوه بر پیشرفت ورزش، تجربه های مثبتی در امر مشارکت، منزلت اجتماعی، خدمت به دیگران، دیدار با مردم دیگر جوامع و ارتباط با آنها داشته باشند. بنابراین، پیامد به کارگیری ابزار

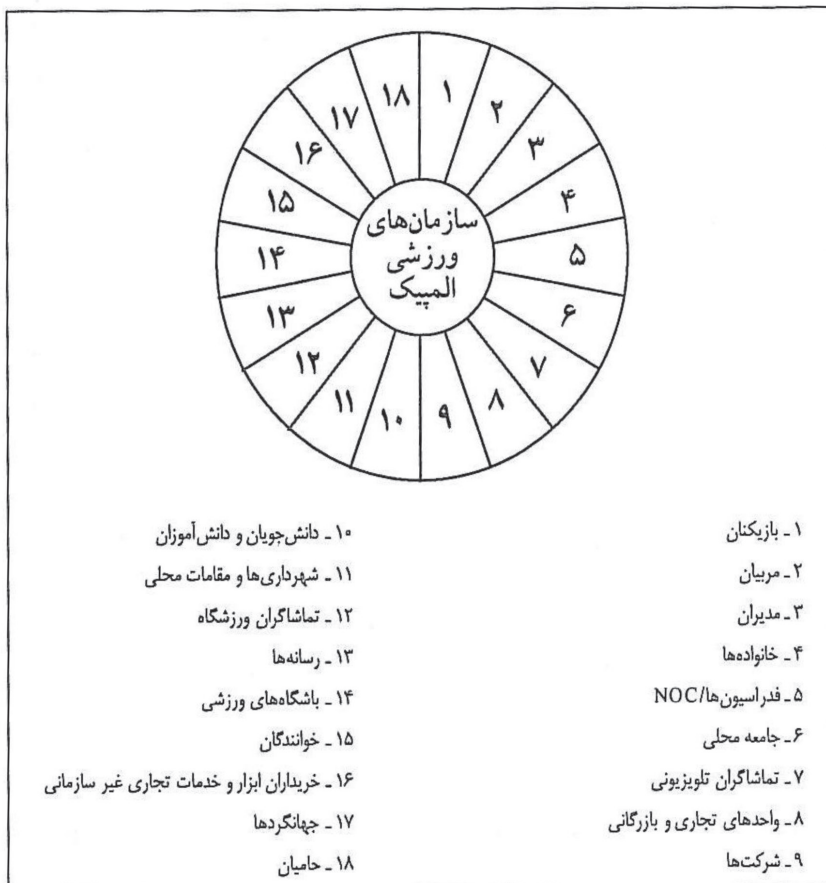
ورزش از سوی دولت، تنها به اقناع و جذب تمام افراد جامعه محدود نمی شود و خود افراد جامعه هم از این فرصت به وجود آمده استفاده خواهند برد. با توجه با پیامدهای به کارگیری ورزش در قدرت نرم کشورها به برخی از مصادیق آنها در این قسمت اشاره خواهد شد:

سازمان های ورزشی المپیک (OSO) و قدرت نرم

در بیشتر کشورهای دنیا به دلیل محیط، ویژگی های خاص و اهمیت اجتماعی زیاد، سازمان های ورزشی المپیک (OSO) مطرح می باشند. این امر به این دلیل است که ورزش پیوسته تحت بررسی دقیق عموم مردم، رسانه ها، احزاب سیاسی و دولت هاست.

در نمودار ۱ برخی از ذی نفعان اصلی سازمان های ورزشی المپیک را مشاهده می کنیم. در این نمودار گروه های زیادی از اقشار جامعه ذی نفع می باشند؛ به طوری که می توان گفت پیامد تقویت و توسعه سازمان های ورزشی المپیک مثبت و حتی دو سویه می باشد، زیرا علاوه بر اینکه اقشار بسیار زیادی از جامعه در آن ذی نفع هستند، دولت ها هم با نفوذ به ورزش می توانند از آن در جهت پیشبرد اهداف قدرت نرم استفاده نمایند.

۱۵۲



نمودار ۱: ذی نفعان سازمان های ورزشی المپیک (OSO) منبع: (چلادورای و مادلا، ۱۳۸۸: ۲۹)

نتیجه اقتصادی ورزش و قدرت نرم

یکی از عوامل اصلی زنده نگه داشتن ورزش در جهان، نتیجه و اثر اقتصادی آن است. نقش ورزش از نظر اقتصادی در جامعه انکارناپذیر می باشد. نتیجه اقتصادی آن در خانواده ها، نهادها و سازمان های مختلف جامعه موجب رونق بخشیدن و توسعه کسب و کار می شود. امروزه برگزاری مسابقات مختلف در سطح داخلی یا بین المللی با توجه به اهمیت آن، علاوه بر ایجاد سرگرمی، ارائه بازده اقتصادی آن نزد دولت هاست. حق پخش بازی ها و فروش بلیت، از منابع مهم درآمدی دولت از طریق توسعه و گسترش ورزش می توان قلمداد کرد. از دیگر منابع تأمین ورزش، حامیان و داوطلبان هستند، مانند شرکت مرسدس (حمل و نقل) یا لوفت هانزا (حمل و نقل هوایی). همچنین، صدور مجوز تولید نشان ها و علائم المپیک به صورت تجاری می تواند درآمدهای زیادی را برای دولت ها به ارمغان بیاورد. (جکسون، ۱۳۸۸: ۲۶۰-۲۵۸) بنابراین، کمک مالی و خدماتی دولت به ورزش همانند هزینه های مسافرت تیم، جلسات فدراسیون، اداره امور، مربیان و کارکنان توسعه ورزش، مخارج آموزش ها و تمرین های ورزشکاران، اردوهای ورزشی، مسابقات و خدمات پزشکی (همان، ۲۶۲) ضمن ایجاد اشتغال و درآمد برای دست اندرکاران امر ورزش در جامعه، می تواند موجب درآمدزایی دولت ها هم گردد. در این صورت، نتیجه اقتصادی ورزش که یکی از مولفه های اساسی قدرت نرم- به همراه فرهنگ و سیاست- است، از پیامدهای مثبت و دوسویه مردم و دولت است که هم برای دولت ها و هم برای اقشار مختلف جامعه سودمند خواهد بود.

رابطه دولت و ورزش در قدرت نرم

در بیشتر کشورها، نوع نگرش دولت نسبت به ورزش، نقش عمده ای را در توسعه ورزش ایفا می کند. دولت در اجرای قدرت (نرم) خود و نیاز افراد ورزشکار به دلیل نیاز مالی با هم در ارتباط هستند. به نظر می رسد این روند متقابل بین دولت و ورزش از پیامدهای مثبت به کارگیری ورزش در عرصه قدرت (نرم) می باشد.

ارتباط ورزش با رسانه ها و فناوری اطلاعات در قدرت نرم

تحول در ارتباط رسانه با ورزش نشان دهنده قدرت و نفوذ تغییر و توسعه فناوری می باشد. لذا ارتباط آنها با ورزش در دنیای توسعه یافته غرب و کشورهای هم سو با آنها و حتی کشورهای ضعیف و یا در حال توسعه موجب رونق بازار و توسعه تجارت شده است. از طرفی، این احتمال وجود دارد که رسانه های ورزشی کشورهای توسعه یافته جهان بر فرهنگ کشورهای در حال توسعه تأثیر بگذارند. (اسدی و کشاورز، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۸۲)

بنابراین، عامل رسانه و فناوری اطلاعات هم در ورزش برای یکپارچگی ملی خوب است و هم ابزاری در دست قدرت نرم سیاسی در عرصه روابط بین الملل می باشد.

نتیجه اینکه، سرمایه گذاری در ورزش اگرچه بر سلامتی، تعهد، یکپارچگی و اتحاد ملی یک کشور تأثیر مثبت می دارد، اما دولت ها با استفاده ابزاری از آن به عنوان عامل قدرت نرم برای اقناع و جذب مردم در سطح ملی و در سطح بین المللی بهره برند. همه آنها بیانگر این موضوع است که ورزش، علاوه بر این که ابزار مناسبی برای توسعه کشورهاست، می تواند بر همگرایی کشورها از بُعد داخلی و بُعد بین المللی اثر مثبت بگذارد.

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: به نظر می رسد در وضعیت کنونی نظام بین الملل، ورزش به عنوان یکی از مولفه های ایجاد

قدرت نرم، ابزار مناسبی برای توسعه اقتصاد کشورها می باشد.

برای تأیید یا رد فرضیه اول، از مبانی نظری تحقیق با عنوان «بررسی تأثیر استفاده از روش قدرت نرم در نظام بین الملل فعلی» استفاده شد. قدرت نرم یا قدرت جذب کنندگی، توانایی تحت تأثیر قرار دادن دیگران برای دستیابی به نتایج مورد نظر می باشد. قدرت نرم تا زمانی که همسو با جریان اصلی نظام بین الملل باشد، توسعه خواهد یافت به خصوص در جامعه مدرن، قدرت نرم رابطه نزدیکی با پیشرفت فناوریانه و عملی جامعه اطلاعاتی و اقتصاد دارد؛ اما به کارگیری اقتصاد در سیاست، در ایجاد واژه اقتصاد سیاسی موثر می باشد که به معنی بخشی از دانش اقتصاد است که از رابطه میان سیاست و اقتصاد و به ویژه نقش قدرت در تصمیم گیری های اقتصادی سخن می گوید. همچنین، بر اهمیت قاطع فعالیت های اقتصادی تولید و مبادله کالا در ابعاد یک جامعه تأکید دارد. برخی از شاخص های اصلی آن می تواند رشد اقتصادی، مبادلات ارزی و تجاری، میزان تولید، تعداد شرکت ها، میزان رفاه، تورم، بدهی های جاری و غیره باشد. در این میان، استفاده ابزاری از ورزش که از مولفه اساسی فرهنگ در قدرت نرم است، می تواند بر شاخص های اصلی توسعه کشورها در نظام بین الملل تأثیر مثبت بگذارد. نمونه های تأثیر اقتصادی ورزش در قدرت نرم می تواند فعالیت شرکت های فراملیتی همچون: آدیداس و مرسدس در سطح نظام بین الملل، یا باشگاه های مطرح جهان نظیر رئال مادرید، منچستر و بایرن مونیخ می باشند. در کنار آنها گردشگران و تماشاگران ورزشی و یا اماکن ورزشی مدرن، نقش موثری در بهبود وضع عمومی اقتصاد کشورها دارند. از این رو، در وضعیت کنونی نظام بین الملل، توجه به قدرت نرم ابزار مناسبی برای توسعه اقتصادی کشورها می باشد. بنابراین در بررسی مجموع عوامل متغیر یاد شده در اقتصاد و نقش اساسی ورزش در آن، فرضیه اول تأیید گردید.

فرضیه دوم: ورزش به عنوان یکی از مولفه های قدرت نرم، بر همگرایی کشورها تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

برای تأیید یا رد این فرضیه، از مبانی نظری و بخش یافته های تحقیق با عنوان «تحلیل مولفه ورزش در قدرت نرم و نقش همگرایی آن در نظام بین الملل» استفاده شد. امروزه، بازیگران ملی و بین المللی با استفاده از تحول در ماهیت قدرت و تأکید بر توانایی جذب دیگران بدون استفاده از زور و ابزار نظامی، در راستای اهداف و منافع ملی خود گام بر می دارند. یکی از متغیرهای اصلی و اساسی قدرت نرم، فرهنگ است. همچنین، یکی از متغیرهای فرعی و وابسته این حوزه، ورزش می باشد.

براساس مطالعات و بررسی های به عمل آمده، ورزش، نقش بزرگی در همگرایی ملت ها و دولت های ملی دارد. از این رو، برای داشتن دنیای بدون معارض و ایده رقابت مسالمت آمیز به جای رقابت های تهدیدآمیز و خشونت گرایی، در نظام بین الملل کنونی اهمیت به ورزش و توجه به جنبه های فراگیر آن در جهان در ایجاد همگرایی کشورها تأثیر مثبت خواهد گذاشت. در بررسی های این تحقیق نشان داده شد که برخی از نقش های همگرایانه ورزش علاوه بر بروز تأثیر مثبت در اخلاق گرایی، غرور ملی و اتحاد مردمی در سطح ملی، در ایجاد همگرایی در سطح بین الملل - همچون فدراسیون های بین المللی مانند فدراسیون اسلامی ورزش زنان - نیز موثرند. در این صورت ورزش به عنوان یکی از مولفه های قدرت نرم، بر همگرایی کشورها تأثیر مثبت بر جای می گذارد و فرضیه دوم هم تأیید می گردد.

بحث و نتیجه گیری

به طور کلی، سه راه عمده برای دستیابی به اهداف و منافع ملی یک کشور وجود دارد: اول، استفاده از تهدید به اعمال قدرت و زور؛ دوم، تطمیع و سوم، جذب و همکاری به طوری که آنچه را می خواهید انجام دهند.

راه حل سوم که گویای شکل قدرت نرم است، نسبت به دو راه حل دیگر همیشه کم هزینه تر است. بدین ترتیب، در سال های اخیر، «نظریه قدرت نرم» در بسیاری از حوزه های سیاسی، اقتصادی و نظامی مطرح شده است. براساس این نظریه، استفاده از قدرت سخت تنها وسیله در دسترس برای نیل به اهداف نیست. مفهوم اساسی قدرت نرم، چیزی بیش از صرف توانایی نفوذ بر دیگران است، بلکه توانایی جذب دیگران به طوری که به آنچه می خواهید بدون ضرورت کاربرد قدرت سخت برسید. قدرت نرم، توانایی یک بازیگر - که البته لزوماً همیشه یک کشور نیست - برای اعمال نفوذ روی دیگران از طریق قانع ساختن آن هاست و در این مسیر ضرورتاً از تهدید یا زور استفاده نمی شود. قدرت نرم بر مردم نفوذ پیدا می کند، ولی این کار را از طریق جذب آن ها - و نه اعمال زور - انجام می دهد. قدرت نرم می تواند شامل فرهنگ ها، ارزش ها و عقاید نیز باشد؛ اما در قدرت سخت، از ابزارهای مستقیم قهریه که نوعاً با اعمال زور و تهدید همراه است، استفاده می شود. بنابراین، «قدرت نرم» واژه ای است که در نظریه روابط بین الملل به منظور توصیف قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت برای نفوذ (بیشتر غیرمستقیم) بر رفتار یا علایق سایر مجموعه های سیاسی از طریق ابزارهای (بیشتر) فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می رود. تئوریسین قدرت نرم، «جوزف نای» محقق آمریکایی است. نای، قدرت نرم را به عنوان بخش مهمی از منابع قدرت ملی آمریکا تلقی می کند و بر ضرورت بهره گیری از آن در سیاست خارجی آمریکا اصرار دارد. او نظریه خود را در این زمینه در سال ۱۹۹۰ در کتابی با عنوان "ماهیت متغیر قدرت آمریکا" مطرح کرد و در آثار متعدد بعدی به تفصیل بیشتری آن را مورد پردازش قرار داد. در نگاه نای، راهبردهای معطوف به قدرت سخت به لحاظ آرمانی در راستای پیشبرد منافع ملی بر «مداخله نظامی»، «دیپلماسی قهری» و «تحریم های اقتصادی» تمرکز کرده اند که به اتخاذ سیاست های تقابلی با کشورهای دیگر منجر می شوند. در مقابل، راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه حل های مشترک بر ارزش های سیاسی مشترک، ابزارهای مسالمت آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند. از این منظر، قدرت نرم ضرورتاً با توانایی نفوذ برابر نیست. نفوذ می تواند بر قدرت سخت، تهدید یا پاداش مبتنی باشد و قدرت نرم بیش از آن که ترغیب یا توانایی به حرکت درآوردن مردم از طریق بحث و استدلال باشد، توانایی جذب کردن است که اغلب به رضایت منجر می شود. بنابراین، براساس معیارهای رفتاری، قدرت نرم، قدرت جذب کردن است و منابع آن نیز مقوله هایی هستند که چنین جاذبه هایی را ایجاد می کنند. با این حال، قدرت جذب کردن نمی تواند بدون توانایی نفوذ تحقق یابد و امکان پذیر گردد. قدرت نرم بدون کاربرد مستقیم قدرت سخت موجب شکل دهی رفتار دیگران می شود. جوزف نای در تعریف قدرت نرم می نویسد: قدرت نرم، توانایی دستیابی به آنچه می خواهی از طریق جذب و اقناع تا تهدید و اجبار و یا اعطای امتیاز است. قدرت نرم از جذابیت ارزش های فرهنگی، باورهای سیاسی و ایدئولوژیکی یک ملت ناشی می شود. وقتی سیاست های یک کشور در نظر دیگران مشروع جلوه کند، قدرت نرم آن کشور افزایش می یابد. قدرت سخت مبتنی بر تاکتیک های اجبار از قبیل تهدید به استفاده از نیروی نظامی، فشار اقتصادی، تحریم، ترور، نیرنگ و دیگر شکل های ارباب می باشد. عصر اطلاعات موجب افزایش اهمیت قدرت نرم شده است. از این پس، تنها داشتن توانایی بالای نظامی و اقتصادی مهم نیست. قدرت در عصر اطلاعات بین دولت ها و بازیگران غیردولتی تقسیم شده است. حقوق بشر، فرهنگ و هنجارهایی که بیشتر جنبه جهانی تا محلی دارند، منابع قدرت نرم هستند. حضور قدرتمندانه و جایگاه مشروع دولت در نهادهای بین المللی نیز به قدرت نرم یک کشور کمک می کند. برای مثال، بریتانیا در قرن نوزدهم و ایالات متحده در نیمه دوم قرن بیستم به بعد توانستند ارزش های خود را از طریق ایجاد ساختارها، قواعد و نهادهای بین المللی توسعه بخشند. قدرت نرم تنها در کنترل دولت ها نیست، بلکه بیش از پیش در کنترل جامعه مدنی است و موجب افزایش قدرت بازیگران غیردولتی می شود. اگرچه، قدرت کامل قدرتی همه جانبه است که شامل

ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری قدرت می باشد، ولی واقعیت های جهانی مبین آن است که اغلب کشورها درصددند قدرت سخت را به قدرت نرم، زور را به قانون و قدرت را به اقتدار مشروع تبدیل نمایند. بنابراین مشخص است که حرکت به سوی بُعد نرم افزاری قدرت در دستور کار بیشتر کشورها قرار دارد. واقعیت کنونی نشان دهنده آن است که تأکید صرف بر قدرت سخت، موفقیت پایداری را در بر ندارد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، قوی ترین کشورها همواره قوی ترین باقی نخواهند ماند، مگر آن که قدرت سخت خود را به قدرت نرم تبدیل نمایند. قدرت نرم، قدرت هدایت کردن، جذب کردن و سرمشق بودن است. قدرت نرم یعنی توانایی یک کشور برای جذب سایر کشورها با ایده ها، ارزش ها و ایدئولوژی خود یا توانایی یک کشور برای واداشتن سایر کشورها به این که آن ها نیز مانند او بیندیشند. قدرت نرم، ارتباط تنگاتنگی با «قدرت های بی شکل» نظیر فرهنگ، ایدئولوژی و ... دارد. جهان شمولی فرهنگی یک کشور و توانایی اش برای تعیین هنجارها، قواعد و رژیم ها- به مثابه عناصر تنظیم کننده رفتار بین المللی آن کشور- از منابع کلیدی قدرت نرم آن کشور به شمار می آید. قدرت نرم، ظاهری آرام، اما باطنی استوار و آهنین دارد. به بیان دیگر، هرچند قدرت نرم بنا بر برخی تقسیم بندی ها در زمره قدرت های نامحسوس جای می گیرد، ولی از آن جا که هدف اصلی آن، جذب قلب ها و ذهن هاست، دارای آثار و تأثیرگذاری بسیار عمیق تری نسبت به قدرت سخت می باشد. قدرت نرم به مثابه گزینه نخست دولت مردان در پرداختن به امور مختلف بین المللی، می تواند به تحقق راهبرد ملی، هدایت اشتیاق ملی، شکل گیری اراده واحد و تقویت قدرت فرهنگی کشور کمک کند که نتیجه آن توسعه قدرت ملی فراگیر، بهبود وضعیت بین المللی و افزایش نفوذ بین المللی خواهد بود.

در این میان، یکی از ابزارهای جدید و تأثیرگذار در چند دهه اخیر، استفاده از ورزش در راهبرد قدرت فرهنگی کشورهاست. به عقیده اندیشمندان این حوزه، شرکت در ورزش، نشانه تمدن، سلامتی و شادکامی یک کشور است. در مطالعات قدرت نرم، فرهنگ ورزشی همان چیزی است که به کشورها اجازه می دهد تا به جایگاه ممتاز در ورزش برسند. در این حالت کشورها به وسیله آن در دنیا شناخته می شوند. همچنین، رقابت های بین المللی مثل بازی های المپیک، همه ملت ها را تشویق می کند تا به دور از اختلافاتشان و با روحیه جوانمردی کنار یکدیگر جمع شوند. این رقابت ها فرصتی را برای تبادل فرهنگی و آرایه آداب و رسوم ملی فراهم می آورد. به طور کلی حکومت ها در ورزش نفوذ دارند، ولی قانون گذاری در ورزش امروز فراتر از مرزهای سیاسی دولت ها و در پیوند با فرایندهای جهانی رخ می دهد. برای مثال، فوتبال که یک ورزش جهانی است به علت اینکه کارگران بریتانیایی، دانشجویان، دانش آموزان و معلمان را در جنوب آفریقا مجذوب خود می کند در قرن نوزدهم آنها را شناساند. امروزه هم ورزش، یکی از ملزومات اساسی زندگی اجتماعی است که حکومت ها به واسطه اجرای قدرت نرم خود با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی - اجتماعی آن، همواره تمایل دارند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره برداری کنند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی، از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه های جمعی از سوی دیگر باعث شده که قلمرو ورزش با سیاست روز به روز به هم نزدیکتر شوند؛ به طوری که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی های سیاسی، دیگر امر ساده ای به نظر نمی رسد. اکنون آشکارا شاهد تأثیر تنش ها و بحران های بین المللی و ملی بر ورزش هستیم و می بینیم که عرصه ورزش به تدریج به صورت محلی برای رقابت ها و رویارویی های کشورها و افراد سیاسی درآمده است؛ چنان که در سیاست گذاری های بین المللی و ملی به صورت هدف مهمی خودنمایی می کند و نقش بسیار با اهمیتی را به خود اختصاص داده است. حتی تعدادی از حکومت ها از آن به عنوان ابزار اعمال فشار بر سایر کشورها استفاده می کنند به ویژه اینکه استفاده از آن نسبتاً سهل و فاقد خطرهای معمول و رایج در رویارویی های بین دیگر کشورها ست. لذا می بینیم که ورزش همواره با سیاست ارتباط دارد. دخالت حکومت ها در ورزش

بسیار گسترده می باشد؛ از انتخاب بازیکن در سطوح ملی گرفته تا حل تعارضات داخلی. از این رو، می توان گفت که اهمیت اجتماعی و فرهنگی ورزش، آن را به عنوان یک محل جذاب برای بهره برداری سیاسی تبدیل کرده است. به عنوان مثال، حکومت کانادا در تلاش برای حذف نگرش های ایالتی نگری، از ورزش به عنوان عامل وحدت بخش و ایجاد هویت در کانادا سود می جوید. اهداف سیاستمداران و حکومت ها برای دخالت و ورود در ورزش در جهت توجیه قدرت خود (نرم) به قرار زیر است: حفظ نظم عمومی، برقراری عدالت و حفظ حقوق انسانی، حفظ سلامتی و تناسب اندام، ارتقای وجهه و قدرت یک جامعه یا ملت، ترویج هویت و وحدت، بازتولید ارزش های همساز با ایدئولوژی سیاست غالب، افزایش حمایت و پشتیبانی از رهبران سیاسی و حکومت و تسهیل توسعه اقتصادی و اجتماعی. (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱ ک ۱۰۷)

بنابراین حکومت ها امور ورزشی را که به ظاهر غیرسیاسی هستند، پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت می دانند. در یک تحلیل کلی می توان گفت مردم داوطلبانه وارد سازمان های ورزشی می شوند و از طریق رقابت و خشونت، خود را تخلیه می کنند. حکومت ها نیز سازمان های ورزشی را به رسمیت می شناسند تا از آن طریق به بسیج توده ها بپردازند. در عین حال، حکومت و ورزش در شیوه های دیگری نیز با یکدیگر در تقابل اند، مانند حفاظت از نظم عمومی در هنگام برگزاری مسابقات ورزشی، تلاش در جهت بهبود سلامت عمومی شهروندان از طریق توسعه فعالیت های ورزشی و گسترش آمادگی جسمانی، تلاش در جهت افزایش حیثیت یک گروه، قوم، نژاد، گسترش حس هویت، تعلق ملی و وحدت اجتماعی، تأکید بر حفظ ارزش ها و ایدئولوژی سیاسی حاکم و یا تغییر عقاید مردم نسبت به مشروعیت یک نظام حکومتی. به بیان دیگر، ورزش و حکومت بر یکدیگر تأثیر دارند. با این همه، نفوذ و تأثیر حکومت ها بر ورزش بیشتر است. به دلیل اینکه حکومت ها اهداف ورزش را در سطوح ملی و بین المللی تعیین می کنند. از بررسی های به عمل آمده، می توان دریافت که دلایل دخالت حکومت ها برای همه کشورها یکسان نیست، زیرا آنها بسته به نحوه اعمال قدرت نرم و وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود در ورزش متفاوت می باشند؛ ولی در کل، حکومت ها در اجرای قدرت نرم از عرصه ورزش، حداکثر استفاده را در جهت تأمین اهداف خود که همان جذب و اقناع می باشد به عمل می آورند.

پیشنهادهای

در پایان چند پیشنهاد برای بهبود ورزش کشور ارائه می شود:

۱. از ورزش به عنوان سلاح حکومتی برای ترویج قدرت و سلطه، ایدئولوژی سیاسی و ساختن هویت ملی استفاده نشود.
۲. از ورزش به عنوان ابزار سیاسی برای ادغام اقلیت ها، کمک به صلح و تشویق ملی گرایی استفاده گردد.
۳. از ورزش به عنوان ابزار دیپلماتیک برای دوستی بین ملت ها، تقویت روابط، حمایت از صلح و بهبود روابط بین المللی استفاده شود.
۴. از ورزش به عنوان ابزار اجتماعی برای ایجاد روحیه جوانمردی، توضیح و تشریح مخالفت ها، تجزیه و تحلیل یک موقعیت، کاهش تعارض موجود، درک آرمان های سیاسی، کاوش در جهان و افزایش صبر و تحمل استفاده گردد.
۵. از ورزش در جهت توسعه اقتصادی استفاده گردد، نه در جهت جذب و اقناع مردم برای یک نظام حکومتی خاص.
۶. بهره گیری از نسخه های مربوط به پیشرفت کشورهای غربی در ورزش برای کشورهای دیگر چندان

نتیجه بخش نخواهد بود؛ چنان که تجاری شدن ورزش حرفه ای که برگرفته از ایدئولوژی سیاست و اقتصاد غرب است، برای ملل مشرق زمین که اساس فکری متفاوتی دارند، الگویی برای پیشرفت محسوب نمی شود. از سوی دیگر، احیای ورزش های بومی و ایجاد نوعی تعادل میان ورزش های جدید و بومی می تواند در تاکید بیشتر به ارزش های مفید اجتماعی و معرفی آنها به نسل های بعد موثر واقع شود.

منابع

- آگوستا هرناندز، روبن (۱۳۸۷) **مدیریت سازمان های ورزشی**. علیرضا الهی و اسفندیار خسروی زاده. چاپ دوم، تهران: نشر بامداد کتاب
- اسدی، حسن و کشاورز، لقمان (۱۳۹۲) **پیوند رسانه و ورزش**. چاپ اول، تهران: نشر حتمی
- باستانی راد، حسین (۱۳۸۶) **تاریخ نامه ورزش ایران زمین (۱)**. چاپ اول، تهران: کمیته ملی المپیک
- بی پارکس، ژانت؛ بورلی آرکی، زنگر و جرومه، کوارترمن (۱۳۸۵) **مدیریت ورزشی معاصر**. سید محمد حسین رضوی و محسن بلوریان. چاپ اول، آمل: نشر شمال پایدار
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹) **قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. چاپ اول، تهران: نشر بوستان کتاب
- جکسون، راجر (۱۳۸۸) **راهنمای مدیریت ورزشی**. محمد خیبری، سید نصر... سجادی، رحمت ا... صدیق سروسستانی، محمد عزیزی، عباسعلی گائینی و شکوه نوابی نژاد. چاپ چهارم، تهران: نشر کمیته بین المللی المپیک
- چلادورای، پاکیناتان و مادلا، البرتو (۱۳۸۸) **مدیریت منابع انسانی در سازمان های ورزشی المپیک**. علیرضا امیدی، سمیه صفری و اسماعیل اسکندری. تهران: بامداد کتاب
- سلطان حسینی، محمد؛ مجتهدی، حسین؛ نادریان، مسعود و عابدین، حجت (۱۳۸۹) **"بررسی آثار اقتصادی اماکن ورزشی بر محیط شهری"**. فصلنامه علمی پژوهشی المپیک. شماره ۳، صص ۶۷-۵۹.
- حوزه وزارتی ورزش و جوانان (۱۳۹۲) **سند راهبردی ورزش و جوانان**. چاپ اول، قم: نشر دارالنشر اسلام
- گودرزی، محمود؛ اسدی، حسن؛ خیبری، محمد و دوستی، مرتضی (۱۳۹۱) **سیاست و ورزش**. چاپ اول، ساری: نشر موج قلم
- کاشف، میرمحمد (۱۳۸۸) **مدیریت اماکن و فضاهای ورزشی**. چاپ اول، تهران: نشر بامداد کتاب
- وات، دیوید سی (۱۳۸۱) **مدیریت و امور اجرایی در اداره ورزش**. نورعلی خواجوند و ارسلان ایرجی راد. چاپ اول، تهران: نشر کوثر
- وارن، سو و ویدریک، مایکل (۱۳۸۴) **جغرافیای ورزش و اوقات فراغت**. زهرا احمدی پور. چاپ اول، تهران: نشر پگاه اندیشه
- هاشمی، سید حمید (۱۳۹۰) **جنگ نرم: نبرد در دنیای معاصر**. چاپ اول، تهران: نشر مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری
- همتی نژاد، مهرعلی؛ رمضانی نژاد، رحیم؛ طباطبایی، حمید و شاهین طبع، مهران و بهروز عابدینی، امیرمحمد (۱۳۸۹) **"منش ورزشی ورزشکاران نخبه مرد ورزش های تیمی و انفراد"**. فصلنامه علمی پژوهشی المپیک. شماره ۴، صص ۳۹-۲۹.

تدوین راهبردها و تعیین موقعیت راهبردی کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران

لقمان کشاورز^۱

ابوالفضل فراهانی^۲

مرتضی رضایی صوفی^۳

حسین ذکایی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

هدف از پژوهش حاضر، تدوین راهبردها و تعیین موقعیت راهبردی کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران بود. روش پژوهش از نوع آمیخته و ترکیبی از دو روش کیفی و کمی بود. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۳۰ تن از اساتید مدیریت ورزشی، مدیران و کارشناسان اجرایی ورزش کشور بود که از دانش و تجربه لازم در زمینه میزبانی رویدادهای ورزشی برخوردار بودند. برای تعیین نمونه تحقیق در بخش کیفی، از نظرات ۲۵ تن از مدیران و متخصصان ورزش قهرمانی و برگزاری رویدادهای ورزشی استفاده شد که به طور هدفمند انتخاب گردیدند. در بخش کمی نیز با استفاده از جدول مورگان ۱۴۱ تن به طور تصادفی برای نمونه تحقیق برگزیده شدند. برای دست یابی به اهداف تحقیق با استفاده از روش دلفی، فهرستی از نقاط قوت، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بین المللی ورزشی در ایران تهیه و در سه مرحله با نظر متخصصان نهایی شد. سپس بر مبنای فهرست تهیه شده، پرسشنامه ۶۹ سئوالی که حاوی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها بود، تهیه و در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه مورد تایید ۲۰ تن از متخصصان قرار گرفت و پایایی آن در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ آزمودنی

E-mail: keshavarzlog@yahoo.com

۱. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

۲. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور

۴. دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور

و با آلفای کرونباخ $0/78$ محاسبه شد. در ادامه برای تدوین راهبردها با روش دلفی اقدام و راهبردها در شورای راهبری نهایی شد. همچنین، برای تعیین موقعیت راهبردی از روش PESTSCAN استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده در بخش کیفی از روش دلفی و در بخش کمی از روش های آماری توصیفی و روش های آماری استنباطی از جمله کلموگروف اسمیرنوف و تحلیل عاملی تاییدی با کمک دو نرم افزار لیزرل و SPSS استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که ایران برای اخذ و میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی دارای ۷ نقطه قوت، نقطه ۱۶ ضعف، ۹ فرصت و ۹ تهدید و ۱۴ راهبرد است و موقعیت راهبردی ایران برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در وضعیت WT قرار دارد.

واژگان کلیدی: SWOT، راهبرد، میزبانی، رویداد ورزشی بزرگ و موقعیت راهبردی

مقدمه

رویدادهای ورزشی بزرگ زیادی همه ساله در نقاط مختلف جهان برگزار می شوند و به دلیل ماهیت جذاب ورزش و علاقمندی بسیار زیاد مردم به تماشای این رویدادها، توجه رسانه ها، سیاستمداران، صاحبان صنایع و دیگر گروه های ذینفع ملی و بین المللی به آن جلب شده است؛ به طوری که این رویدادها به عنوان ابزاری مناسب برای جلب توجه ملت های مختلف جهان به موقعیت جغرافیایی خاص کشور میزبان تبدیل شده است. (گتر^۱، ۱۹۹۷ : ۱۱۷) همچنین، اهمیت میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی بین المللی مانند بازی های المپیک، بازی های آسیایی، یورنیورسیادهای دانشجویی، المپیک نظامیان، المپیک جوانان، مسابقات جام جهانی فوتبال و سایر رویدادهای بزرگ از این قبیل به اندازه ای است که بسیاری از کشورها نگاه ویژه ای به این رویدادها داشته و سعی و تلاش می کنند تا با تدوین برنامه راهبردی، سرمایه گذاری کلان، میزبانی چنین رویدادهایی را اخذ و با اجرای آن به اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دست یابند. در این راستا کشورهای جهان با جدیت و تلاش مضاعف اقدامات توسعه بازاریابی برای بخش های مختلف خود را جهت اخذ میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی متمرکز می کنند تا از این طریق سود بخش های مختلف مانند گردشگری، جذب حامیان مالی، مطرح شدن در رسانه ها، توسعه صنعت ورزش، کیفیت زندگی جامعه میزبان و مواردی دیگری از این دست را به حداکثر برسانند. (کستاس و کاپلانیدو^۲، ۲۰۱۰ : ۱۷۰-۱۸۵) نتایج پژوهش روتا^۳ (۲۰۱۱) نشان می دهد که نه تنها کسب میزبانی این رویدادها دارای منافع فراوانی است، بلکه درخواست میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی نیز دارای اثرات و منافع زیادی می باشد. بید و ماسسون^۴ (۲۰۰۰) نیز در بررسی فواید برگزاری لیگ ملی بستیبال آمریکادر دهه ۱۹۹۰ به این نتیجه رسیدند که برگزاری لیگ حرفه ای بستیبال آمریکا از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۷ موجب ایجاد ۵۳۷ نوع شغل در ایالت متحده شده است. همچنین بید و ماسسون (۲۰۰۶) در پژوهش دیگری به این نتیجه رسیدند که میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی بر روی عوامل اقتصادی، فروش، اشتغال، درآمد سرانه و درآمد هتل ها تاثیر گذار است. آلمرز و مینگ^۵ (۲۰۰۹) نیز در پژوهشی اثرات اقتصادی جام جهانی فوتبال در آفریقای جنوبی را بررسی کردند و دریافتند که این کشور در بخش گردشگری، اسکان و فروش حق پخش تلویزیونی نسبت به درآمد کشورهای آلمان و فرانسه از میزبانی مسابقات جام جهانی فوتبال در سال های ۲۰۰۶ و ۱۹۹۸ درآمد بیشتری کسب کرده است. همچنین، نتایج پژوهش توملینسون^۶ (۲۰۱۰) موید این است که هدف از برگزاری المپیک ۲۰۰۸ در کشور چین، ارتقای چهره چین به عنوان کشوری مدرن و تثبیت فرهنگ و ملیت این کشور در دنیا بود. دیایی و همکاران^۷ (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی دریافتند که برخی از کشورها لزوماً برای گرفتن میزبانی متقاضی نمی شوند، بلکه هدف آنها کسب منافع حاصل از درخواست میزبانی رویدادهای بزرگ است که شامل ایجاد روابط سیاسی، توسعه روابط در دنیای ورزش، موفقیت در رقابت های میزبانی رویدادهای دیگر، شناخت محیط داخلی و توسعه سازمان های داخلی و حرکت به سمت پیشرفت و توسعه ورزشی، شهری، اقتصادی و منابع زیر ساختی است. همچنین، چالپ^۸ (۲۰۰۴) در پژوهشی دریافت که راهبرد های کسب

1. Getz
2. Kostas Karadakis & Kiki Kaplanidou
3. Dino Ruta
4. Baade & Matheson
5. Allmers, S. and Maennig
6. Tomlinson
7. Diaey, T. & etc
8. Chalip

و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی می تواند در بهبود تاثیرات مربوط به برگزاری رویدادها نیز بکار برده شوند. میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی می تواند عامل موثری در بهبود وضعیت کشورها، سیستم مالیاتی و زیرساخت هایی از قبیل حمل و نقل، هتلداری، ورزشگاه ها، پارک ها، مراکز رسانه ای، فرودگاه ها و جذب گردشگر باشد. هیلر^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافت که اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی، افزایش منابع درآمدی شهروندان، بهبود شرایط کار شهروندان و افزایش کیفیت زندگی افراد جامعه را به دنبال دارد. هورن و مانزنرایتر^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که از منظر راهبرد بلندمدت، میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی به دلیل توجه رسانه ای به کشور میزبان، می تواند در جذب گردشگر موثر باشد. نتایج پژوهش بوهلمن^۳ (۲۰۰۶) نیز مویید این است که میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی - در صورتی که توسعه طولانی مدت کشور میزبان را مدنظر داشته باشد - می تواند امری موفقیت آمیز باشد.

علیرغم فواید بسیار زیاد برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی برای کشور میزبان، به طور طبیعی کشورهای میزبان چنین رویدادهایی برای اخذ و برگزاری رویدادها، دارای نقاط ضعف و قوت، فرصت ها و تهدیدهایی هستند و در مراحل مختلف با چالش هایی رو به رو می شوند که ضروری است با شناخت آن ها نسبت به تدوین راهبردهای مناسب برای از بین بردن نقاط ضعف با بهره گیری از نقاط قوت و تبدیل تهدیدها به فرصت ها اقدام نمایند. بسیاری از پژوهشگران و کشورها برای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ضمن شناسایی علمی نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدها، برنامه راهبردی علمی تدوین می نمایند تا در این عرصه به کشور خود خدمت نمایند. نتایج پژوهش هورن^۴ (۲۰۰۷) در این مورد مویید آن است که برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی تاثیرات زیادی از جمله در زمینه اشتغال زایی، جذب گردشگر و بهبود وجهه شهر و یا کشور میزبان به دنبال دارد، ولی این میزبانی می تواند دروازه بدهکاری و مشکلات نیز باشد. از سویی دیگر، کاپلینادیو و کاپلاندیو^۵ (۲۰۱۰) در پژوهشی نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدهای برگزاری بازی های المپیک در کشور میزبان را شناسایی نمودند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که داشتن اقتصاد قوی، امنیت، زیرساخت عالی و ثبات سیاسی به عنوان نقاط قوت، ضعف زیرساخت ها، عدم حمایت اجتماعی، وسعت کم کشورها و عدم ثبات اقتصادی و سیاسی به عنوان نقاط ضعف، توسعه گردشگری، فرهنگ، کیفیت زندگی، میراث زیرساختی رویداد و توسعه ورزش و سلامت در جامعه به عنوان فرصت و تحمیل هزینه، تخریب محیط و خطر ایجاد ناامنی و جابجا کردن ساکنان به عنوان تهدید به شمار می آیند. همچنین، یافته های آنها مبین این بود که علاقمندی تعداد زیادی از داوطلبان و حمایت مردم از برگزاری رویدادها می تواند نقطه قوتی برای شهر و کشور میزبان رویدادهای بزرگ بین المللی باشد و کمبود نیروی انسانی ماهر نیز یک نقطه ضعف در این کشورها محسوب می شود. یافته های گابریل^۶ (۲۰۰۹) نیز در پژوهشی مویید این است که مهم ترین نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدهای موثر در میزبانان رویدادهای بزرگ بین المللی عبارت اند از: مشارکت و علاقه مندی افراد جامعه، وجود امکانات اقامتی و ورزشی مناسب، وجود منابع انسانی آموزش دیده، داشتن امکانات تفریحی و اوقات فراغت مناسب، حمل و نقل مناسب، وجود قوانین حقوقی، مدنی و

1. Hiller

2. Horne & Manzenreite

3. Bohlmann

4. Horn

5. Kostas and Kaplindiou

6. Gabriel

شهروندی مناسب، اعتبار مناسب و وضعیت مالیاتی موجود در کشورها. همچنین، یافته های لئو و همکاران^۱ (۲۰۱۰) بیانگر این است که مهم ترین نقاط ضعف و قوت، تهدیدها و فرصت های برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی علاوه بر شرایط حاکم بر کشورها عبارت اند از: استقبال عمومی از برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی، داشتن برنامه های کوتاه در درون برنامه های راهبردی برای برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی، داشتن برنامه برای حضور در فرآیند اخذ میزبانی، مزایای اقتصادی، وجود منابع کافی برای میزبانی، دانش و علم برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی، الگوبرداری از فرآیند برگزاری بازی های المپیک و جام جهانی فوتبال. در خصوص راهبرد های تدوین شده برای برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی نیز یافته های پیروس^۲ (۲۰۱۲) موید این است که مهم ترین راهبرد های تدوین شده برای میزبانی و برگزاری المپیک ۲۰۱۲ لندن عبارت بودند از: افزایش درآمد از حق پخش تلویزیونی، افزایش فروش بلیت مسابقات مختلف، افزایش تعداد گردشگران، بهبود صنعت هتلداری و رستوران های مختلف، توسعه و بهبود اماکن و تجهیزات و تاسیسات ورزشی، افزایش امنیت و ایمنی مسابقات و ساختار حمل و نقل عمومی و افزایش توان برگزاری مراسم افتتاحیه و اختتامیه رویدادهای ورزشی. یافته های شهرداری ریودوژانیرو (۲۰۱۲) در خصوص برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ موید این است که مهم ترین راهبرد های میزبانی رویداد مزبور در برزیل عبارت بود از: توسعه و ارتقای حمل و نقل شهری، بهبود سیستم بازیافت، بهره‌وری منابع و انرژی‌های تجدیدپذیر و ارتقای جایگاه فوتبال برزیل در دنیا و افزایش درآمد شهروندان برزیلی. همچنین، یافته های گتز^۳ (۲۰۰۵) بیانگر این است که مهم ترین راهبرد برلین برای میزبانی بازی های المپیک ۱۹۳۶ عبارت بود از: بهبود و ارتقای چهره و وجهه کشور آلمان، ترویج ناسیونالیسم هیتلری و افزایش همبستگی و وحدت ملی در بین مردم کشور. یافته های استیونس (۲۰۰۸) نیز نشان داد مهم ترین راهبرد های توکیو برای میزبانی بازی های المپیک ۱۹۶۴ عبارت بودند از: توسعه و ارتقای وجهه کشور ژاپن در سطح بین المللی (به جهت آسیب جدی وارد شده به این کشور در جنگ جهانی دوم)، احداث ۲۲ بزرگراه جدید و نوسازی کامل سیستم آب و فاضلاب شهر توکیو. یافته های گلین (۲۰۰۸) نیز بیانگر این است که مهم ترین راهبرد کشور برزیل برای برگزاری المپیک ۲۰۱۶ عبارت اند از: شکستن رکورد تعداد تماشاگران و بازدیدکنندگان از این کشور در خلال بازی ها، احداث اماکن بزرگ و با شکوه به عنوان میراث رویداد و حضور قدرتمند این کشور در بین کشورهای تراز اول جهان.

اما علیرغم مزایا و امتیازات اخذ و میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی برای کشورها، متاسفانه در ایران تاکنون نگاه راهبردی برای اخذ و میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی کمتر مشاهده شده است. در این مورد می توان به عدم موفقیت میزبانی بازی های کشورهای اسلامی در سال های گذشته اشاره داشت که علیرغم اعطای امتیاز میزبانی آن مسابقات به ایران، عدم پیروی متولیان مسابقات مزبور از یک راهبرد مناسب در مذاکرات با مسولان بین المللی سبب سلب این امتیاز از ایران و واگذاری آن به کشور اندونزی شد. از این رو به نظر می رسد متولیان ورزش کشور باید برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی دارای راهبردی معین و کارآمد باشند و موقعیت راهبردی کشور را برای اخذ چنین رویدادهایی تعیین نمایند تا بتوانند با استناد به آن برای رقابت در اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی وارد میدان شوند. از آن جا که در کشور ما راهبرد معین و مشخصی برای اخذ میزبانی و برگزاری چنین رویدادهای وجود ندارد، پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این سوال است که برای اخذ و میزبانی رویدادهای بین المللی ورزشی در کشور چه راهبردهایی می توان اتخاذ کرد و موقعیت راهبردی کشور در این حوزه چگونه است؟

1. Leo et al

2. Preuss

3. Getz

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع آمیخته و ترکیبی از دو روش کیفی و کمی بود. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران عالی، میانی و پایه وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، فدراسیون های ورزشی و متخصصان صاحب نظر در حوزه ورزش قهرمانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی بود. ($N=230$) برای نمونه تحقیق در بخش کیفی از نظرات ۲۵ تن از مدیران و متخصصان ورزش قهرمانی و برگزاری رویدادهای ورزشی استفاده شد که نمونه ها به طور هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی نیز با استفاده از جدول مورگان، ۱۴۱ نفر به طور تصادفی برای نمونه تحقیق برگزیده شدند. برای دست یابی به اهداف تحقیق با استفاده از روش دلفی فهرستی از نقاط قوت، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدهای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بین المللی ورزشی در ایران تهیه و در سه مرحله با نظر متخصصان فهرست تهیه شده نهایی شد. شایان ذکر است در ابتدا فهرست اولیه از متخصصان اخذ شد. در مرحله دوم، موارد مشابه و مواردی که دارای فراوانی بیشتر بودند فهرست گردید و مجدداً به متخصصان عودت داده شد تا نظرات خود را اعلام نمایند که در این مرحله نیز نظرات آنها اعمال و تغییرات مورد نیاز انجام و برای سومین نوبت مجدداً به متخصصان برگردانده شد. در مرحله سوم، همه متخصصان فهرست تهیه شده را تایید و نهایی کردند. سپس بر مبنای فهرست تهیه شده، پرسشنامه ای که حاوی نقاط قوت (۱۸ سوال)، نقاط ضعف (۲۱ سوال)، فرصت ها (۱۸ سوال) و تهدیدها (۱۲ سوال) بود، تهیه و در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت. شایان ذکر است روایی صوری و محتوایی پرسشنامه مورد تایید ۲۰ تن از متخصصان قرار گرفت. ضمناً برای روایی سازه نیز از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. پایایی پرسشنامه نیز در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ آزمودنی و با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شد. برای تعیین راهبرد های کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران از نظر متخصصان و با روش دلفی اقدام شد و در نهایت راهبرد ها در شورای راهبری نهایی شد. قابل ذکر است برای تعیین راهبردها از مدل برنامه ریزی راهبردی هاروارد استفاده شد. از سویی دیگر برای تعیین موقعیت راهبردی کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی از روش PESTSCAN و ماتریس های ارزیابی داخلی و خارجی استفاده شد. در ادامه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده در بخش کیفی از روش دلفی و استقرا منطقی و در بخش کمی از روش های آماری توصیفی میانگین، درصد فراوانی، جدول توزیع فراوانی و روش های آماری استنباطی از جمله کلموگروف اسمیرنف و تحلیل عاملی تاییدی با کمک دو نرم افزار لیزرل و SPSS استفاده شد.

یافته های پژوهش

یافته های مرتبط با ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ دهندگان در جدول ۱ آمده است :

جدول ۱: توصیف نمونه ها بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی

متغیر	گروه بندی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۰۱	۷۱/۶۳
	زن	۴۰	۲۸/۳۷
رده سنی (سال)	۳۰-۴۵	۸۱	۵۷/۴۵
	۴۶-۵۵	۴۹	۳۴/۷۵
	بالتر از ۵۶	۱۱	۷/۸۰

مدرک تحصیلی	کارشناسی وپایین تر	۴۱	۲۹
	کارشناسی ارشد	۶۵	۴۶
	دکتری	۳۵	۲۵
سابقه کاری(سال)	کمتر از ۱۰	۲۴	۱۷
	۱۱ - ۲۰	۶۳	۴۵
	بیشتر از ۲۱	۵۴	۳۸
سمت	هیئت علمی	۵۵	۳۹
	مدیر	۳۲	۲۳
	کارشناس	۵۴	۳۸

۱۶۷

جدول ۲: نتایج آزمون بارتلت و KMO پرسشنامه مربوط به نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت ها

آزمون کرویت بارتلت			KMO شاخص
p	df	مجذور کای	
۰/۰۰۱	۱۴۰	۱۲۰۸/۱۳۲	۰/۸۴۸

همانگونه که نتایج جدول ۲ نشان می دهد با توجه به اینکه ضریب KMO بیشتر از ۰/۷ می باشد، اندازه نمونه ها برای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین، با توجه به اینکه میزان آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین گویه ها ارتباط معنی داری برای فراهم کردن یک مبنای معقول برای تجزیه و تحلیل عوامل مرتبط با نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدها را دارند. به بیان دیگر، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدهای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران مناسب است.

جدول ۳: نتایج تحلیل عاملی تاییدی مربوط به نقاط قوت

نقاط قوت	سئوالات	بارعاملی	t-value
۵ (۱) ۶۰	وجود نیروهای متخصص در ورزش کشور؛	۰/۶۶۰	۹/۲۳
	وجود تماشاگران مشتاق، پرشور و علاقمند در کشور؛	۰/۳۵۶	۵/۱۷
	وجود افراد باتجربه و آگاه به امر برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛	۰/۷۲۵	۹/۴۷
	حمایت، تعامل و همکاری مناسب رسانه ها برای اطلاع رسانی و پخش مستقیم بازی ها در کشور در بخش آقایان؛	۰/۶۰۲	۸/۶۳
	وجود جاذبه های گردشگری (تاریخی و طبیعی) در کشور؛	۰/۸۲۱	۱۰/۱۶
	وجود شرایط آب و هوایی مناسب در کشور؛	۰/۶۰۷	۹/۰۶
	وجود سابقه میزبانی و برگزاری رویدادهای مهم بین المللی ورزشی در کشور؛	۰/۲۹۲	۱/۷۲

تدوین راهبردها و تعیین موقعیت راهبردی کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران

۱/۵۱	۰/۲۲	وجود انگیزه بالای مدیران جهت برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛	ک ۱ ۶۰
۱/۶۲	-۰/۲۶	نگرش مثبت و حمایت مدیران و مسئولان اجرایی ارشد برای میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛	
۹/۸۵	۰/۷۱۷	اقبال عمومی برای میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛	
۱/۱۹	۰/۱۲	وجود نیروهای داوطلب در بین دانشجویان، دانش آموزان متوسطه و معلمان برای برگزاری رویداد در کشور؛	
۱/۶۱	۰/۲۹	وجود امنیت کافی و مناسب در کشور؛	
۱/۱۷	-۰/۲۱	وجود ورزشکاران نخبه با وجهه جهانی در کشور؛	
۱/۴۳	۰/۲	کسب رتبه ها و افتخارات ورزشی بسیار زیاد در سطوح مختلف بین المللی، جهانی و المپیک؛	
۱/۶۲	-۰/۲۸	شهرت ایرانیان در میهمان نوازی؛	
۱/۰۷	۰/۱۶	وجود ساختار منسجم در سیستم ورزش کشور؛	
۱/۵۸	۰/۲۴	وجود هتل ها، کمپ ها، شهرک ها و اردوگاه های ورزشی استاندارد در کشور.	

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۲ نشان می دهد که از ۱۸ نقطه قوت برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بین المللی بزرگ در کشور فقط ۷ مورد از بارعاملی قابل قبولی برخوردارند و سایر عامل ها به دلیل این که بارعاملی کمتر از ۰/۳ و t-value کمتر از ۲ دارند، حذف می شوند.

جدول ۴: نتایج تحلیل عاملی تاییدی مربوط به نقاط ضعف

نقاط ضعف	سئوالات	بارعاملی	t-value
ک ۱ ۶۰	فقدان هتل های مناسب و کافی در کشور؛	۰/۶۹۷	۸/۳۱
	فقدان زیرساخت های مورد نیاز شهری (حمل و نقل هواپی، زمینی، خدمات و.....) در کشور؛	۰/۷۳۳	۹/۲۲
	کمبود اماکن ورزشی استاندارد و کافی در کشور؛	۰/۵۲۳	۷/۳۷
	بازاریابی ورزشی ضعیف در کشور؛	۰/۹۲۶	۱۲/۱۹
	کم اهمیت بودن و ساده اندیشی مسئولان نسبت به فرآیند اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی؛	۰/۳۷۹	۳/۴۲
	آشنا نبودن مسئولان و دست اندرکاران امر ورزشی به زبان های روز دنیا؛	۰/۳۶۴	۳/۳۹
	اقتصاد دولتی حاکم بر ورزش کشور؛	۰/۴۲۸	۵/۶۸
	نبود سیستم بلیط فروشی مکانیزه در کشور؛	۰/۴۸۳	۵/۹۲

نداشتن پست ها و کرسی های با نفوذ در مجامع بین المللی ورزشی؛	۰/۸۰۵	۱۱/۳۶
محدودیت ها و مشکلات فرهنگی و مذهبی در کشور؛	۰/۶۴۱	۸/۱۴
وجود مشکلات و چالش های سیاسی کشور در سطح بین المللی؛	۰/۵۷۶	۵/۱۰
عدم وجود بخش ویژه میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ساختار ورزش کشور؛	۰/۲۳۵	۱/۳۸
ضعف در فناوری های نوین و روزآمد در کشور؛	۰/۳۲۱	۳/۴۷
عدم تعیین جایگاه بخش خصوصی در امر میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛	۰/۲۸۵	۱/۲۹
فقدان قوانین و نظام مشخص اسپانسر های ورزشی در کشور؛	۰/۳۹۹	۴/۵۲
محدودیت های موجود در امر حضور بانوان ورزشکار خارجی در رقابت های بین المللی ورزشی در کشور؛	۰/۴۳۳	۵/۵۴
فقدان سایت ها و نشریات الکترونیکی ورزشی به زبان روز دنیا در کشور؛	۰/۲۷۰	۱/۱۷
عدم نظام شایسته سالاری در امر گزینش مدیران و متولیان ورزش کشور؛	۰/۲۴۷	۱/۰۹
عدم امکان و ضعف در پخش مسابقات بانوان از رسانه ملی کشور؛	۰/۷۷۹	۹/۲۶
فقدان کتب و منابع ویژه میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در کشور.	۰/۴۰۶	۵/۹۶

ج. س. س.

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۴ نشان می دهد که از ۲۱ نقطه ضعف برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بین المللی بزرگ در کشور فقط ۱۶ مورد از بارعاملی قابل قبولی برخوردارند و سایر عامل ها به دلیل این که بارعاملی کمتر از ۰/۳ و t -value کمتر از ۲ دارند، حذف می شوند.

جدول ۵: نتایج تحلیل عاملی تاییدی مربوط به فرصت ها

فرصت ها	سئوالات	بارعاملی	t-value
ج. س. س.	دیدگاه مناسب دولت جهت توسعه و تجهیز اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی در کشور؛	۰/۴۸۹	۶/۳۸
	ایجاد گرایش میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در دانشگاه های کشور؛	۰/۲۸۴	۱/۰۷
	توسعه و تقویت نظام داوطلبی در فدراسیون های ورزشی کشور؛	۰/۲۹۸	۱/۱۳
	ارتقای فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور؛	۰/۳۴۳	۵/۴۸
	بهبود وضعیت و جایگاه اقتصادی کشور طی سالان اخیر؛	۰/۴۱۲	۶/۷۲
	جایگاه مناسب سیاسی ایران در بین کشورهای اسلامی و در حال توسعه (ریاست جنبش عدم تعهد)؛	۰/۸۰۸	۹/۸۶
	اقبال عمومی از برخی رشته های ورزشی در کشور (مثل کشتی، فوتبال، والیبال، تکواندو)؛	۰/۳۳۲	۵/۳۹

۶/۷۱	۰/۴۲۷	وجود مناطق آزاد گردشگری و اقتصادی در کشور (مثل کیش، قشم، چابهار، انزلی و.....)؛	تهدیدها
۵/۴۶	۰/۳۹۹	فرهنگ مناسب میهمان نوازی در نزد ایرانیان؛	
۶/۳۹	۰/۴۱۳	جهانی بودن برخی از رشته های ورزشی در کشور؛	
۱۱/۱۷	۰/۹۳۲	موقعیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی ایران در منطقه حساس خاورمیانه؛	
۱/۰۷	۰/۲۱۱	وجود اسپانسرها و حامیان مالی ورزشی توانمند در کشور؛	
۱/۱۱	۰/۲۲۷	کیفی و استاندارد بودن اماکن و تجهیزات ورزشی طی سالیان اخیر در کشور؛	
۱/۰۹	۰/۲۱۵	زیر ساخت ها و حمل و نقل مطلوب در کشور؛	
۱/۰۷	۰/۲۲۷	رفتارهای مناسب اجتماعی در کشور؛	
۱/۰۴	۰/۲۱۶	نیروهای داوطلب و تربیت شده در کشور؛	
۱/۱۶	۰/۲۷۰	وضعیت اقتصادی مطلوب در ایران؛	
۱/۱۹	۰/۲۸۴	گردشگری ورزشی مطلوب در ایران.	

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۵ نشان می دهد که از ۱۸ فرصت برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بین المللی بزرگ در کشور فقط ۹ مورد از بارعاملی قابل قبولی برخوردارند و سایر عامل ها به دلیل این که بارعاملی کمتر از ۰/۳ و t-value کمتر از ۲ دارند، حذف می شوند.

جدول ۶: نتایج تحلیل عاملی تاییدی مربوط به تهدیدها

تهدیدها	سئوالات	بارعاملی	t-value
تهدیدها	چالش سیاسی با برخی از کشورهای منطقه (جزایر سه گانه، بیداری اسلامی)؛	۰/۵۷۷	۷/۱۹
	عدم توجه جدی مدیران و مسئولان ورزش کشور به پروتکل ها و قوانین و مقررات بین المللی ورزشی و وجود اساسنامه های غیر استاندارد؛	۰/۶۵۴	۸/۳۲
	تعاملات ضعیف بین مدیران ورزش کشور با نهادهای بین المللی ورزشی؛	۰/۴۳۷	۶/۳۹
	وجود رقبای قوی برای میزبانی رویدادهای ورزشی در سطح منطقه و جهان؛	۰/۸۹۱	۹/۴۹
	تبلیغات منفی رسانه های بیگانه و دشمنان بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران؛	۰/۵۵۴	۷/۱۲
	نبود قوانین حق پخش تلویزیونی؛	۰/۳۱۵	۵/۴۱
	تحریم های اقتصادی و سیاسی؛	۰/۳۷۵	۵/۶۲
	جنگ و هرج و مرج در کشورهای همسایه؛	۰/۳۹۶	۵/۳۷
	محدودیت در خصوص حضور بانوان به ویژه بانوان خارجی تماشاگر در ورزشگاه ها؛	۰/۴۷۲	۶/۸۴

وجود مشکلات و چالش های سیاسی کشور در سطح بین المللی؛	۰/۱۹۷	۰/۸۹
نداشتن اعضای ایرانی در فدراسیون های جهانی؛	۰/۱۸۷	۰/۷۶
به خطر افتادن امنیت جانی ورزشکاران و مسئولان در ایران.	۰/۲۱۱	۱/۲۲

نتایج تحلیل عاملی تاییدی مندرج در جدول ۶ نشان می دهد که از ۱۲ تهدید برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بین المللی بزرگ در کشور فقط ۹ مورد از بارعاملی قابل قبولی برخوردارند و سایر عامل ها به دلیل این که بارعاملی کمتر از ۰/۳ و t-value کمتر از ۲ دارند، حذف می شوند.

جدول ۷: راهبردهای SO و WO برای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی

نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)
S1: وجود جاذبه های گردشگری (تاریخی و طبیعی) در کشور؛ S2: وجود افراد با تجربه و آگاه به امر برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛ S3: اقبال عمومی برای میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛ S4: وجود نیروهای متخصص در ورزش کشور؛ S5: وجود شرایط آب و هوایی مناسب در کشور؛ S6: حمایت، تعامل و همکاری مناسب رسانه ها برای اطلاع رسانی و پخش مستقیم بازی ها در کشور در بخش آقایان؛ S7: وجود تماشاگران مشتاق ، پرشور و علاقمند در کشور.	W1: بازاریابی ورزشی ضعیف در کشور؛ W2: نداشتن پست ها و کرسی های بانفوذ در مجامع بین المللی ورزشی؛ W3: عدم امکان و ضعف در پخش مسابقات بانوان از رسانه ملی کشور؛ W4: فقدان زیرساخت های مورد نیاز شهری (حمل و نقل هوایی، زمینی، و.....) در کشور؛ W5: فقدان هتل های مناسب و کافی در کشور؛ W6: محدودیت ها و مشکلات فرهنگی و مذهبی در کشور؛ W7: وجود مشکلات و چالش های سیاسی کشور در سطح بین المللی؛ W8: کمبود اماکن ورزشی استاندارد و کافی در کشور؛ W9: نبود سیستم بلیط فروشی مکانیزه در کشور؛ W10: محدودیت های موجود در امر حضور بانوان ورزشکار خارجی در رقابت های بین المللی ورزشی در کشور؛ W11: اقتصاد دولتی حاکم بر ورزش کشور؛ W12: فقدان کتب و منابع ویژه میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در کشور؛ W13: فقدان قوانین و نظام مشخص اسپانسرهای ورزشی در کشور؛ W14: کم اهمیت بودن و ساده اندیشی مسئولان نسبت به فرآیند اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی؛ W15: آشنا نبودن مسئولان و دست اندرکاران امر ورزشی به زبان های روز دنیا؛ W16: ضعف در به کارگیری فناوری های نوین و روزآمد در کشور؛

فرصت ها (O)	راهبردهای SO	راهبردهای WO
01: موقعیت راهبردی و ژئوپولیتیکی ایران در منطقه حساس خاورمیانه؛ 02: جایگاه مناسب سیاسی ایران در بین کشورهای اسلامی و در حال توسعه؛ 03: دیدگاه مناسب دولت جهت توسعه و تجهیز اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی؛ 04: وجود مناطق آزاد گردشگری و اقتصادی در کشور (کیش، قشم، چابهار و...) 05: جهانی بودن برخی از رشته های ورزشی در کشور؛ 06: بهبود وضعیت و جایگاه اقتصادی کشور طی سالیان اخیر؛ 07: فرهنگ مناسب میهمان نوازی در نزد ایرانیان؛ 08: ارتقای فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور؛ 09: اقبال عمومی به برخی رشته های ورزشی در کشور (کشتی، والیبال، فوتبال و...)	S1, S5, O1, O4, O7, O8: ارتقای نظام گردشگری و اکوتوریسم ورزشی در کشور؛ S2, S4, S6, O5, O6, O9: ارتقای سطح کیفی رشته های ورزشی بیشتر در کشور؛ S3, S7, O2, O3: ارتقای سطح نگرش مسئولان و متولیان ورزش کشور نسبت به اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی.	W1, W2, W3, W6, W7, W10, W11, O1, O2, O4, O7, O2, O3, O5, O6, O9: ارتقای سطح نگرش مسئولان جهت توسعه کمی و کیفی زیرساخت ها و اماکن ورزشی؛ W15, W16, O8: ارتقا و بهره مندی از IT برای آموزش مدیران و مسئولان ورزش کشور.

نتایج جدول ۷ نشان می دهد برای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران سه راهبرد SO و سه راهبرد WO وجود دارد.

جدول ۸: راهبردهای ST و WT برای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی

نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)
S1: وجود جاذبه های گردشگری (تاریخی و طبیعی) در کشور؛ S2: وجود افراد با تجربه و آگاه به امر برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛ S3: اقبال عمومی برای میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور؛ S4: وجود نیروهای متخصص در ورزش کشور؛ S5: وجود شرایط آب و هوایی مناسب در کشور؛ S6: حمایت، تعامل و همکاری مناسب رسانه ها برای اطلاع رسانی و پخش مستقیم بازی ها در کشور در ورزش آقایان؛ S7: وجود تماشاگران مشتاق ، پرشور و علاقمند در کشور.	W1: بازاریابی ورزشی ضعیف در کشور؛ W2: نداشتن پست ها و کرسی های بانفوذ در مجامع بین المللی ورزشی؛ W3: عدم امکان و ضعف در پخش مسابقات بانوان از رسانه ملی کشور؛ W4: فقدان زیرساخت های مورد نیاز شهری (حمل و نقل هوایی، زمینی، و) در کشور؛ W5: فقدان هتل های مناسب و کافی در کشور؛ W6: محدودیت ها و مشکلات فرهنگی و مذهبی در کشور؛ W7: وجود مشکلات و چالش های سیاسی کشور در سطح بین المللی؛ W8: کمبود اماکن ورزشی استاندارد و کافی در کشور؛ W9: نبود سیستم بلیط فروشی مکانیزه در کشور؛ W10: محدودیت های موجود در امر حضور بانوان ورزشکار خارجی در رقابت های بین المللی ورزشی در کشور؛ W11: اقتصاد دولتی حاکم بر ورزش کشور؛ W12: فقدان کتب و منابع ویژه میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در کشور؛ W13: فقدان قوانین و نظام مشخص اسپانسرهای ورزشی در کشور؛ W14: کم اهمیت بودن و ساده اندیشی مسئولان نسبت به فرآیند اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی؛ W15: آشنا نبودن مسئولان و دست اندرکاران امر ورزشی به زبان های روز دنیا؛ W16: ضعف در به کارگیری فناوری های نوین و روزآمد در کشور.

تدوین راهبردها و تعیین موقعیت راهبردی کسب میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران

WT راهبردهای	ST راهبردهای	T(تهیدها)
W1, W9, W11, W13, T1, T8 ارتقای نظام بازاریابی ورزشی در کشور؛ W2, W14, W15, T6: افزایش تعداد کرسی های بین المللی ورزشی؛ W3, W6, W10, T5: ارتقای سطح نگرش مراجع و مسئولان فرهنگی کشور نسبت به ورزش بانوان؛ W7, W16, T4, T9: ارتقای سطح فعالیت رسانه های ملی در سطوح بین المللی؛ W12, W14, T2, T6: ارتقای سطح نگرش مسئولان ورزشی کشور نسبت به قوانین بین المللی.	S1, S2, S3, S4, S5, T1, T3, T5, T6, T8 ارتقای توان رقابتی کشور جهت اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی؛ S6, T4, T9: ارتقای سطح نظام حقوقی حق پخش تلویزیونی؛ S7, T2: ارتقای سطح باور مسئولان نسبت به محبوبیت ورزش در جامعه.	T1: وجود رقبای قوی برای میزبانی رویدادهای ورزشی در سطح منطقه و جهان؛ T2: عدم توجه جدی مدیران و مسئولان ورزش کشور به پروتکل ها، قوانین و مقررات بین المللی ورزشی و وجود اساسنامه های غیر استاندارد؛ T3: چالش سیاسی با برخی از کشورهای منطقه؛ T4: تبلیغات منفی رسانه های بیگانه و دشمنان بر علیه ایران؛ T5: محدودیت حضور بانوان بویژه بانوان خارجی تماشاگر در ورزشگاه ها؛ T6: تعاملات ضعیف بین مدیران ورزش کشور با نهادهای بین المللی ورزشی؛ T7: جنگ و هرج و مرج در کشورهای همسایه؛ T8: تحریم های اقتصادی و سیاسی؛ T9: نبود قوانین حق پخش تلویزیونی.

نتایج جدول ۸ نشان می دهد برای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران سه راهبرد ST و پنج راهبرد WT وجود دارد.

جدول ۹: ماتریس عوامل داخلی اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران

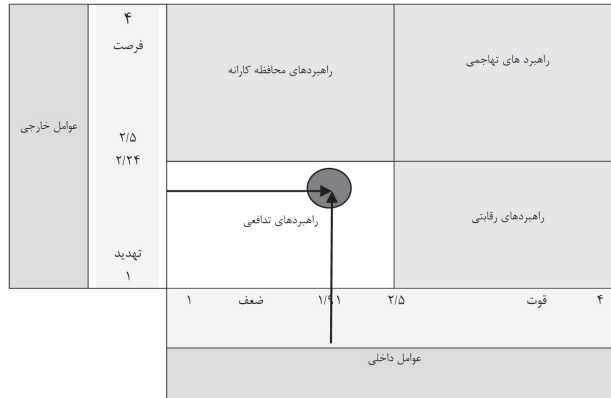
کد	عوامل داخلی اولویت دار	شدت عامل (ن)	شدت عامل	شدت عامل
S1	وجود جاذبه های گردشگری (تاریخی و طبیعی) در کشور	۰/۰۶	۴	۰/۲۴
S2	وجود افراد با تجربه و آگاه به امر برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
S3	اقبال عمومی برای میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
S4	وجود نیروهای متخصص در ورزش کشور	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
S5	وجود شرایط آب و هوایی مناسب در کشور	۰/۰۵	۴	۰/۲
S6	حمایت ، تعامل و همکاری مناسب رسانه ها برای اطلاع رسانی و پخش مستقیم بازی ها در کشور	۰/۰۲	۳	۰/۰۶

१७५

جدول ۱۰: ماتریس عوامل خارجی اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران

عوامل خارجی	کد	عوامل خارجی اولویت دار	اهمیت (وزن)	شدت عامل	ترتیب = اهمیت × شدت عامل
سیاسی	O۱	موقعیت راهبردی و ژئوپولیتیکی ایران در منطقه حساس خاورمیانه	۰/۰۷	۴	۰/۲۸
	O۲	جایگاه مناسب سیاسی ایران در بین کشورهای اسلامی و در حال توسعه	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
	O۳	دیدگاه مناسب دولت جهت توسعه و تجهیز اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی در کشور	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
	O۴	وجود مناطق آزاد گردشگری و اقتصادی در کشور (مثل کیش، قشم، چابهار، انزلی و...)	۰/۰۸	۴	۰/۳۲
	O۵	جهانی بودن برخی از رشته های ورزشی در کشور	۰/۰۶	۴	۰/۲۴
	O۶	بهبود وضعیت و جایگاه اقتصادی کشور طی سالیان اخیر	۰/۰۱	۳	۰/۰۳
	O۷	فرهنگ مناسب میهمان نوازی در نزد ایرانیان	۰/۰۴	۴	۰/۱۶
	O۸	ارتقاء فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
	O۹	اقبال عمومی از برخی رشته های ورزشی در کشور (مثل کشتی، فوتبال، والیبال، تکواندو).	۰/۰۹	۴	۰/۳۶
اقتصادی	T۱	وجود رقبای قوی برای میزبانی رویدادهای ورزشی در سطح منطقه و جهان	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	T۲	عدم توجه جدی مدیران و مسئولان ورزش کشور به پروتکل ها، قوانین و مقررات بین المللی ورزشی و وجود اساسنامه های غیر استاندارد	۰/۰۹	۱	۰/۰۹
	T۳	چالش سیاسی با برخی از کشورهای منطقه (جزایر سه گانه، بیداری اسلامی)	۰/۰۹	۱	۰/۰۹
	T۴	تبلیغات منفی رسانه های بیگانه و دشمنان بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران	۰/۰۹	۱	۰/۰۹
	T۵	محدودیت در خصوص حضور بانوان بویژه بانوان خارجی تماشاگر در ورزشگاه ها	۰/۰۸	۱	۰/۰۸
	T۶	تعاملات ضعیف بین مدیران ورزش کشور با نهادهای بین المللی ورزشی	۰/۰۸	۱	۰/۰۸
	T۷	جنگ و هرج و مرج در کشورهای همسایه	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	T۸	تحریمهای اقتصادی و سیاسی	۰/۰۸	۱	۰/۰۸
	T۹	نبود قوانین حق پخش تلویزیونی	۰/۰۲	۲	۰/۰۴
مجموع ضرایب اهمیت عوامل خارجی			۱		۲/۲۴

شکل ۱: موقعیت راهبردی اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران



نتایج جدول ۹ و ۱۰ و شکل ۱ نشان می دهد موقعیت راهبردی اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی ایران در WT قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، تدوین راهبرد و تعیین موقعیت راهبردی اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در ایران بود. نتایج پژوهش نشان داد برای اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران ۱۶ نقطه ضعف، ۷ نقطه قوت، ۹ فرصت و ۹ تهدید در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی وجود دارد که یافته های تحقیق با نتایج تحقیقات هورن (۲۰۰۷)، واتیسان و هورن (۲۰۰۶)، کاراداکیس و کاپیلاندو (۲۰۱۰)، لئو و همکاران (۲۰۱۰) و گابریل (۲۰۰۹) همخوانی دارد. همان طوی که نتایج پژوهش حاضر و ادبیات پیشینه نشان می دهد کشورهای مختلف از جمله ایران برای برگزاری رویدادهای مختلف ورزشی دارای نقاط ضعف و قوت، فرصت ها و تهدیدهای مختلفی هستند. در این راستا کشور ایران به دلایل مختلف از جمله جنگ تحمیلی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و تحریم های ناجوانمردانه سیاسی و اقتصادی در بسیاری از حوزه ها به ویژه زیرساخت های اقتصادی، ساخت هتل ها و اماکن اقامتی مناسب، راه های ارتباطی و حمل و نقل مناسب، اماکن و تاسیسات و زیرساخت های ورزشی و دست یابی به فناوری های نوین در حوزه های مختلف و حوزه ورزش نتوانسته است توفیق مناسبی داشته باشد. از این رو، با توجه به این که در حال حاضر کشور در برخی از حوزه ها در حال گذر از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب، وضعیت سیاسی کشور در سطح بین المللی در حال بهبود و وضعیت تورم در کشور کنترل شده و رشد اقتصادی رو به مثبت شدن است، توصیه می شود مسئولان و متولیان تاثیرگذار کشور در دولت و مجلس شورای اسلامی در اقدامی هماهنگ و یکپارچه و رویکردی ملی با تدوین برنامه ای جامع در دوره زمانی معین و اجرای مرحله به مرحله آن، توجه خاصی به برطرف کردن نقاط ضعف یاد شده داشته باشند. گرچه ممکن است که رفع این مشکلات در مدت زمان کوتاه میسر نباشد، اما بهره مندی از توان مالی بخش خصوصی به ویژه دعوت از سرمایه گذاران خارجی با یک رویکرد برد-برد و دادن تضمین های لازم

از سوی دولت برای حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی و همچنین سرمایه گذاران خارجی به منظور حفظ امنیت و حفاظت و برگشت سرمایه آنها راهکار مناسبی به نظر می رسد. از سویی دیگر، اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی مستلزم حضور در مجامع و سازمان های تاثیر گذار بین المللی و بین المللی ورزشی از جمله کمیته بین المللی المپیک، فدراسیون های جهانی و آسیایی و شورای المپیک آسیاست. از آنجا که مسئولان ورزشی ایران ضمن عدم تسلط به زبان های روز دنیا از جمله زبان انگلیسی در هیچ نهاد ورزشی تاثیرگذار دارای پست های موثر نمی باشند، لذا چنین ضعف بزرگی در ورزش کشور در اخذ و برگزاری رویدادهای بین المللی بزرگ ورزشی تاثیر زیادی دارد. از این رو به نظر می رسد یکی از معیارهای مهم انتخاب مسئولان ورزشی کشور باید تسلط به زبان انگلیسی باشد تا این ضعف برای برقراری ارتباط موثر با نهادهای تاثیرگذار ورزشی برطرف شود. همچنین، ایجاد کلاس های آموزش زبان انگلیسی اجباری و مستمر در وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، فدراسیون ها و هیئت های ورزشی از دیگر راهکارهای مفید می تواند باشد. اما از مهم ترین ضعف های اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران، موضوع ورزش بانوان و حضور بانوان ورزشکار خارجی بدون حجاب اسلامی و پخش رقابت های آنها از صدا و سیماست. در این راستا به منظور حل این مسئله مهم فرهنگی، ضروری است که مسئولان ورزش کشور ارتباطی موثر، هدفمند و با برنامه با مراجع تقلید و صاحب نظر در این حوزه داشته باشند و با ارائه راهکارهای مفید و عملی توأم با حفظ ارزش های اسلامی، مشکل حضور بانوان کشور در رقابت های خارجی و همچنین حضور بانوان ورزشکار خارجی شرکت کننده در مسابقات بین المللی ورزشی ایران و نحوه پخش این گونه رقابت ها را از صداوسیما برای همیشه حل نمایند. شاید یکی از راهکارهای مفید در این مورد، برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی به طور مشترک با کشورهای همسایه باشد. از سویی دیگر، برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در کشور مستلزم وجود بستر مناسب است. خوشبختانه، در کشور ایران برخی از بسترهای مورد نیاز برای برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی از جمله شرایط آب و هوایی مناسب و چهار فصل، جاذبه های گردشگری متنوع، اقبال عمومی و همچنین صدا و سیمای دولتی که امکان پخش بازی ها و مسابقات را بدون محدودیت فراهم می کند، وجود دارد. از این رو، مسئولان و متولیان تصمیم گیرنده در وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون های مختلف ورزشی می توانند با برجسته کردن این نقاط در سطوح بین المللی برای اخذ و پذیرش رویدادهای بین المللی ورزشی در ایران اقدام نمایند. در حالی این نقاط قوت در ایران وجود دارد که در بسیاری از کشورهای دیگر از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند قطر که میزبانی بازی ها آسیایی و مسابقات جام جهانی فوتبال را تقبل کرده اند، چنین شرایطی وجود ندارد. بنابراین، چنانچه عزم ملی و اتحاد و همدلی در بین مسئولان ورزشی کشور در این راستا به وجود آید و با امکان سنجی نوع رویداد بزرگ بین المللی مانند مسابقات کشورهای اسلامی که مشکلات فرهنگی بانوان در آن کمتر وجود دارد، می توان زمینه برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی را در کشور فراهم کرد. برای حضور در عرصه های بین المللی چند نکته مهم می تواند تاثیرگذار باشد؛ از جمله: وضعیت اقتصادی مناسب کشورها، نفوذ سیاسی دولت ها در مسایل جهانی و موقعیت کشورها از نقطه نظر راهبردی. با توجه به بهبود وضعیت اقتصادی کشور و افزایش نفوذ و تاثیرگذاری آن در بین کشورهای اسلامی به دلیل داشتن ریاست جنبش عدم تعهد، به نظر می رسد که مسئولان ورزشی کشور می توانند از این فرصت ها به نحو شایسته ای استفاده نمایند؛ به طوری که تشکیل شورایی مرکب از افراد حاضر در کمیته های مختلف کشورهای عضو جنبش عدم تعهد برای استفاده از موقعیت مزبور برای تاثیرگذاری در انتخابات و انتصابات پست های تاثیرگذار بین المللی ورزشی و همچنین رای گیری های مختلف برای دادن امتیاز برگزاری رویدادهای بین المللی ورزشی به ایران پیشنهاد می گردد. در این راستا نباید تنها به توانایی مسئولان وزارت ورزش و جوانان، کمیته

ملی المپیک و مسئولان فدراسیون های ورزشی اکتفا کرد، بلکه نقش مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف نیز در ایجاد تعاملات مناسب می تواند مهم و کلیدی باشد. از سویی دیگر، دیدگاه مناسب دولت در به روز کردن اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی توأم با فناوری روز دنیا، از فرصت های مهم است که می تواند پشتوانه بسیار قوی برای میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی در کشور باشد، چرا که اگر همه شرایط سیاسی و اقتصادی فراهم باشد، اما زیرساخت ها و اماکن و تجهیزات ورزشی که لازمه برگزاری شایسته رویدادهای ورزشی است در دسترس نباشد، اعطای میزبانی و امکان برگزاری رویدادهای مختلف ورزشی در کشور میسر نخواهد بود. مسئله مهم دیگر که حضور کشورهای دیگر را در یک رویداد ورزشی بزرگ در سایر کشورها می تواند تضمین نماید، موقعیت و جایگاه ورزشی آن ها در سطح بین المللی است. خوشبختانه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی رشته های ورزشی از جمله کشتی، تکواندو و وزنه برداری از سطح فنی بالا و جایگاه مناسبی در میدا بین المللی برخوردار هستند. همچنین، در سال های اخیر رشته های والیبال، بسکتبال و فوتبال سالنی، ماهیت جهانی گرفته اند و فراتر از سطح آسیا عمل می کنند. این موارد موجب محبوبیت جایگاه این رشته در بین افراد جامعه شده و استقبال خوبی از آنها می شود. از این عوامل می توان در متقاعد کردن تصمیم گیرندگان واگذاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی و حضور کشورهای صاحب سبک در رشته های مزبور در ایران استفاده کرد. در مجموع، می توان گفت که بخشی از تهدیدهای موجود در اخذ میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی در ایران می تواند با یک نگاه ملی به فرصت تبدیل شوند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دوری از هرگونه خصومت، جنگ و تعرض به خاک دیگر کشورها بوده - مسئله تنش با کشور امارات به ویژه بر سر مالکیت جزایر سه گانه موضوعی جدی به شمار نمی آمده- است، در حالی که برخی از کشورهای منطقه و فرا منطقه ای برای ایجاد بی ثباتی سیاسی در منطقه، تسهیل حضور کشورهای فرا منطقه ای در حوزه خلیج فارس و دستیابی به سودهای مختلف، در اقدامی هماهنگ در رسانه های منطقه ای و فرا منطقه ای از وجود جنگ در حوزه خاورمیانه خبر می دهند. در این شرایط، مسئولان سیاسی، ورزشی و رسانه های مختلف ملی می توانند از ورزش به عنوان ابزاری جهت ایجاد دوستی و وفاق بین المللی استفاده کنند و با برگزاری رویدادهای مهم و بزرگ بین المللی ورزشی ضمن خنثی کردن توطئه های استکبار جهانی، واقعیت و ماهیت اصلی جمهوری اسلامی ایران را به جهانیان نشان دهند. همچنین، رسانه های مختلف جمهوری اسلامی می توانند برای از بین بردن تنش های موجود نقش کلیدی داشته باشند و با رساندن پیام صلح جمهوری اسلامی با برنامه های مفید و تاثیرگذار در این رهگذر به اهداف صلح آمیز جمهوری اسلامی کمک شایانی نمایند. در این راستا برگزاری مسابقات ورزشی با حضور کشورهای منطقه در مناطق مورد تنش با شعار و هدف صلح برای همه کشورها راهکار مناسبی می تواند باشد. از سویی دیگر، با توجه به این که در حال حاضر بیداری کشورهای اسلامی منطقه خاور میانه را فرا گرفته و وجود ناامنی، بی ثباتی سیاسی و جنگ در برخی از کشورهای همسایه، برای آن ها تهدیدی جدی و برای کشور ما فرصت مناسبی را فراهم کرده است، مسئولان ورزش کشور می توانند با یک برنامه و عزم ملی از این فرصت استفاده بهینه نمایند و با پذیرش میزبانی برخی از رویدادهای بین المللی که کشورهای مزبور به دلایل ذکر شده از برگزاری آنها ناتوان هستند، امنیت، صلح و آرامش و واقعیت ایران را در سطح منطقه و جهان به نمایش بگذارند. همچنین، با توجه به این که عدم آشنایی برخی مسئولان ورزشی و سیاسی کشور با قوانین بین المللی ورزشی، ورزش کشور را با چالش های جدی رو به رو می سازد و این گونه دیدگاه ها بر عدم اخذ میزبانی رویدادهای بین المللی در کشور نیز تاثیر گذاشته است، آشنا ساختن مسئولان سیاسی و ورزشی کشور با قوانین و مقررات بین المللی و بین المللی ورزشی در باز کردن گره موجود می تواند بسیار مفید واقع شود.

برخی از یافته های پژوهش نشان داد که راهبردهای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران عبارت اند از: ارتقای نظام بازاریابی ورزشی در ورزش کشور، افزایش تعداد کرسی های بین المللی ورزشی، بهبود نگرش مراجع و مسئولان فرهنگی کشور نسبت به ورزش بانوان، افزایش فعالیت رسانه های ملی در سطوح بین المللی، بهبود نظام گردشگری و اکوتوریسم ورزشی در کشور، ارتقای سطح کیفی رشته های ورزشی بیشتر در کشور، بهبود نگرش مسئولان و متولیان ورزش کشور نسبت به اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی، بهبود توان رقابتی کشور جهت اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی، توسعه نظام حقوقی حق پخش تلویزیونی، افزایش باور مسئولان نسبت به محبوبیت ورزش در جامعه که این یافته ها با نتایج پژوهش پریوس (۲۰۱۲)، گتز (۲۰۰۵)، استینوس (۲۰۰۸)، گلین (۲۰۰۸)، وایتسون و هورن (۲۰۰۶) و چالپ (۲۰۰۴) که به تدوین راهبرد اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای در کشورهای مختلف پرداخته و به راهبرد هایی نزدیک به راهبرد اتخاذ شده در کشور ایران دست یافته بودند، همخوانی دارد. همچنین، موقعیت راهبردی اخذ و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی در ایران در موقعیت تدافعی قرار دارد که با نتایج پژوهش پریوس (۲۰۱۲)، گتز (۲۰۰۵)، استینوس (۲۰۰۸)، گلین (۲۰۰۸)، وایتسون و هورن (۲۰۰۶) همخوانی ندارد. موفقیت در اخذ و میزبانی رویدادهای بزرگ توسط هر کشوری به خصوص ایران مستلزم داشتن یک برنامه راهبردی و طولانی مدت است تا با اجرای آن بتوان در اخذ میزبانی و برگزاری آن موفق عمل کرد. در این راستا تدوین راهبردهای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی بر مبنای پژوهش حاضر نکات مهم و راهبردهای خاصی را برای مسئولان در حوزه های مختلف نمایان ساخته است؛ به طوری که راهبردهای تدوین شده بیانگر این است که برای اخذ میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی ضروری است بر مبنای راهبردهای تدوین شده یک سری فرآیندهای به هم پیوسته از جمله ارتباطات بین المللی مناسب در سطوح سیاسی و ورزشی انجام شود. در این راستا به نظر می رسد، مسئولان ورزش کشور ابتدا باید موافقت لازم را از بالاترین مقامات اجرایی همچون هیئت دولت جهت برگزاری چنین رویدادهایی کسب نمایند. سپس با همکاری وزارت خانه های مختلف از جمله وزارت امور خارجه و سفارت خانه های کشور در سایر کشورها نسبت به برقراری ارتباطات سیاسی و اخذ نظر مساعد سایر کشورها نسبت به کشور و همچنین ورزش کشور اقدام کنند. در این رابطه می توان از اقدامات مثبت تیم مذاکره کننده هسته ای که با اقدامی هماهنگ با مسئولان سیاسی کشور نسبت به پیشبرد مذاکرات هسته ای اقدامات موافقی انجام داده اند، الگو برداری کرد. همان طوری که تیم مذاکره کننده هسته ای کشور با هماهنگی کامل با بالاترین مقام کشور یعنی رهبر معظم انقلاب، مسئولان قوه مقننه و قوه مجریه و سازمان انرژی هسته ای در مذاکرات با قدرت و مهارت خاصی اقدام می نمایند و از مهارت های ارتباطی بین المللی مناسبی برخوردار هستند، چنین اقدامی برای اخذ میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی در سطوح بین المللی ضروری به نظر می رسد. از سویی دیگر، ضروری است به طور همزمان متولیان ورزش کشور نسبت به شناسایی افراد واجد شرایط و مسلط به زبان انگلیسی اقدام و با سرمایه گذاری و حمایت های مالی و معنوی نسبت به اخذ کرسی های موثر بین المللی ورزشی اقدام کنند تا با این فرآیند، افراد مزبور ضمن شناسایی توانمندی های کشور و تاثیر مثبت نسبت به نگرش نهادهای بین المللی برای واگذاری امتیاز میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی به ایران اقدام نمایند. همچنین ضرورت دارد در اقدامی هماهنگ مسئولان و متولیان سیاسی کشوری برای بهبود روابط بین المللی با حفظ ارزش های اسلامی و تبعیت از منویات مقام معظم رهبری تلاش نمایند تا تاثیر منفی نگرش نامطلوب سیاسی برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه ای نسبت به اعطای امتیاز میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی خنثی گردد؛ به طوری که عدم ارتباط مناسب در حوزه سیاسی در سطح بین المللی موجب لغو برخی میزبانی های ورزشی از جمله میزبانی بازی ها کشورهای اسلامی در کشور شده است.

برگزاری رویدادهای مهم بین المللی ورزشی در کشور مستلزم نگاه ویژه و فعالیت همه بخش های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی کشور است؛ به طوری که برای ورود به چنین رقابتی در عرصه بین المللی ضروری است که کشور از لحاظ اقتصادی به یک ثبات و رشد معقولی دست یابد تا بر این مینا، نگاه دولت به زیرساخت های ورزشی و غیر ورزشی از جمله ساخت و تجهیز اماکن، تاسیسات و تجهیزات ورزشی تغییر یابد و توان سرمایه گذاری در این بخش به وجود آید. در حالی که بسیاری از گزارش های مسئولان ورزش کشور حاکی از این است که طرح های عمرانی ورزشی نیمه تمام زیادی در کشور وجود دارد و به دلیل مشکلات مالی امکان تکمیل آن ها در حال حاضر برای کشور میسر نیست (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳). ضروری است اهتمام دولت و مسئولین ورزش کشور برای این حوزه تقویت شود و تلاش گردد تا بستر اولیه برای برگزاری رویدادهای مهم ورزشی در ایران فراهم شود.

دلایل فرهنگی و حاکمیت اعتقادات ارزشمند دین مبین اسلام در کشور و عدم برگزاری رویدادهای ورزشی بانوان در ایران، برگزاری چنین رویدادهایی را در کشور با محدودیت های جدی رو به رو ساخته است که به نظر می رسد با شرایط کنونی، به راحتی قابل حل نباشد. در این راستا ضروری است که مشکل ورزش بانوان و برگزاری رقابت های بین المللی در داخل کشور و حضور بانوان در رقابت های خارج از کشور با هماهنگی مراجع تقلید و مسئولان فرهنگی کشور و با اتخاذ راهبرد مناسب برای همیشه مرتفع گردد. همچنین، وضعیت هتلداری، حمل و نقل، توسعه بازاریابی، گردشگری و سایر موارد نیز در کشور باید به حد استانداردهای معقول نزدیک شود.

در پایان می توان گفت که چنانچه راهبردهای به دست آمده در پژوهش حاضر مورد توجه مسئولان ورزش قرار گیرد و یک عزم جدی و ملی برای اخذ میزبانی و برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی ورزشی به وجود آید، نه تنها امکان اخذ امتیاز این گونه رویدادها دشوار نیست، بلکه می توان با بهره گیری از فرصت ها و نقاط قوت، تهدیدها را به فرصت و نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل کرد. بر این اساس، وضعیت تدافعی موقعیت ایران می تواند به وضعیت محافظه کارانه، رقابتی و حتی تهاجمی تغییر یابد و بی تردید، چنین رویکردی می تواند تأثیرات مثبتی را بر بخش های مختلف کشور از جمله گردشگری، عمران، کسب کرسی های موثر بین المللی ورزشی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور در پی داشته باشد.

منابع

- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۳) "مصاحبه با وزیر ورزش و جوانان در خصوص اماکن ورزشی نیمه تمام کشور". ۸ بهمن ماه، کد خبر ۹۳۱۱۰۸۰۴۸۵۴.
- Allmers, S., Maennig, W. (2009) "Economic Impacts of the FIFA Soccer World Cups in France 1998 ,Germany 2006, and outlook for South Africa 2010". Eastern Economic Journal. 35: 500-519.
- Baade, R., Matheson, V. (2006) "Padding Required: Assessing the Economic Impact of the Super Bowl". European sports Management Quarterly. 6(4):353-374.
- Baade, R., Matheson, V. (2000) "An Assessment of the economic impact of the American Football championship, the super Bowl, on host communities". Reflects et perspectives. 34(2): 35-46.
- Bohlmann, H. R. (2006) "Predicting the economic impact of the 2010 FIFA World Cup on South Africa". International Journal of sport management and marketing. vol.3 No.4, pp.383-96.
- Chalip, L. (2004) **Beyond impact: a general model for sport event leverage**. In Ritchie, B.W. and Adair, D. (Eds), Sport Tourism: Interrelationships, Impacts and Issues, Channel View Publications, Clevedon, pp: 226-52.
- Diaey,T., Jerome, J., Tjusevs,P., Zamboni, G. (2011) **Bidding: how can you win even if you lose?: identifying the legacies of lost bids to host a sports mega event**. FIFA master book, pp:57-69
- Gabriel, C. (2009) "The economic importance of major sports events". managing leisure. 5(1): 17-28
- Gelien, M. (2008) **Olympics: the cost; environmental and transportation improvements could send price soaring**. New York Times, p.21.
- Getz, D. (1997) **Event management and event tourism forecasting council**. tourism forecasting council. pp:115-201
- Getz, D. (2005) **Event Management & Event Tourism**. 2nd Edition. New York: Cognizant, pp: 32-47.
- Hiller, H. (2006) "Post-event outcomes and the post-modern turn: the Olympics and urban transformations". European Sport Management Quarterly. Vol. 6 No. 4, pp: 317-32.
- Horne, J. (2007) "The four 'Known' of sports mega-events". Leisure Studies. Vol. 26 No. 1, pp:81-96.
- Horne, J., Manzenreiter, W. (2006) "An introduction to the sociology of sports mega-events". Sociological review. 54(s2), 1-24.
- Kostas, K. Kaplanidou, K. (2010) "Event leveraging of mega sport events: A SWOT analysis approach". International Journal of Event and Festival Management. Vol. 1 No.3, pp. 170-185.
- Leo Jago, Larry Dwyer, Geoffrey Lipman, Daneel Van Lill, Shaun Vorster (2010) "Optimizing the potentialof mega-events: An overview". International Journal of

Event and Festival Management, 1(3): 220 – 237.

- Preuss, H. (2012) **Green economy challengesfor the FIFA World Cup and the Olympic Games**. 2nd version, p. 8.
- Preuss, H. Solberg, H. (2006) “ **Attracting major sporting events: the role of local residents**”. European Sport Management Quarterly. Vol. 6 No. 4, pp. 391-411.
- Rio de Janeiro municipality (2012) **Strategic plan for Rio de Janeiro Government**. 2013-2016
- Ruta, D. (2011) **Legacy of events , presentation**. Milan: SDA Bocconi, 49-51.
- Stevens, A. (2008) "**2012 London Olympics to regenerate one of the poorest areas of the capital**". City Mayors Sport Report. pp. 1-3
- Tomlinson, R. (2010) “**Who’s Accolades? An Alternative Perspective on Motivations for Hosting the Olympics**”. Springer Science, Business Media B.V. pp: 51-80.



مقایسه کیفیت خواب و وضعیت شناختی سالمندان زن و مرد با سطوح فعالیت بدنی متفاوت

مهدی کهندل^۱
افسانه صنعت کاران^۲
آرزو علی کرم^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۵

هدف از تحقیق حاضر، مقایسه کیفیت خواب و وضعیت شناختی سالمندان با سطوح فعالیت بدنی متفاوت بود. روش این تحقیق علی-مقایسه ای، جامعه آماری آن سالمندان زن و مرد تهرانی و حجم نمونه آن ۲۰۰ سالمند زن و مرد با دامنه سنی ۶۰ تا ۸۰ سال بودند. ابزارهای اندازه گیری این تحقیق شامل پرسشنامه های سطح فعالیت بدنی چامپس با ضریب پایایی ۰/۷۶ و اعتبار ۰/۸۱، کیفیت خواب پیتزبرگ با ضریب پایایی ۰/۸۳ و اعتبار ۰/۷۵ و عملکرد شناختی MMSE با ضریب پایایی ۰/۷۸ و اعتبار ۰/۹۱ بود. داده ها با استفاده از تحلیل واریانس دو طرفه و آزمون تعقیبی بونفرونی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که در کیفیت خواب کلی اثر اصلی جنسیت و اثر اصلی سطح فعالیت بدنی معنی دار می باشد ($P/0.05 \geq$). کیفیت خواب کلی و مولفه های آن در سالمندان مرد بهتر از سالمندان زن بود. اختلاف معنی داری بین سه گروه سالمندان با سطح فعالیت بدنی کم، متوسط و بالا در کیفیت خواب کلی و مولفه های آن وجود داشت ($P/0.05 \geq$). همچنین، نتایج نشان داد که سالمندان با سطح فعالیت بدنی بالا میانگین نمرات بهتری نسبت به دو گروه دیگر در کیفیت خواب و مولفه های آن دارند. اثرات اصلی جنسیت و سطح فعالیت بدنی برای عملکرد شناختی معنی دار بود ($P/0.05 \geq$). سالمندان مرد از عملکرد شناختی بالاتری نسبت به سالمندان زن

۱. عضو هیئت علمی گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: mehdi.kohandel@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران

۳. کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران

برخوردار بودند. عملکرد شناختی سالمندان در گروه های تمرین با شدت متوسط و بالا بهتر از گروه تمرین با شدت پایین بود. به طور کلی تحقیق حاضر نشان داد تمرینات بدنی با سطح متوسط و بالا تاثیر مثبتی بر افزایش عملکرد شناختی و بهبود کیفیت خواب دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت خواب، عملکرد شناختی، سالمندان و فعالیت بدنی

مقدمه

قرن بیست و یکم، قرن سالخوردگی جمعیت دنیاست و سالمندی به عنوان یک مسئله چالش برانگیز مطرح شده است. کاهش میزان باروری و ارتقای نظام‌های بهداشتی، نقش عمده‌ای در افزایش درصد سالمندان داشته‌اند. (حسین آبادی و همکاران، ۱۳۸۷) هیچ تعریف کاملی درباره سالمندی وجود ندارد. سازمان جهانی بهداشت، افراد دارای سنین بین ۶۰ تا ۷۵ سال را سالمند تعریف کرده است. سالمندی تنها گذر زمان نیست، بلکه بروز آن دسته از رخدادهای بیولوژیک است که در یک دوره زمانی رخ می دهد. سالمندی، فرآیندی طبیعی است و نباید آن را بیماری دانست. (حسن پور دهکردی، ۱۳۸۵)

محققان اظهار نموده اند یکی از مشکلاتی که به موازات کهنولت سن ایجاد می شود و با نمود خود در سالمندان بر دیگر مسائل روانی و جسمانی تاثیر بسزایی دارد، اختلال در خواب افراد است. خواب، یکی از عناصر مهم در چرخه های شبانه روزی است که با بازسازی قوای جسمانی و روانی همراه است. (هارینگتون و آدویدن^۱ ۲۰۰۵) شیوع مشکلات خواب در سالمندان، بالا و شامل مشکل در به خواب رفتن (۳۹-۱۰ درصد)، بیدار شدن در طول شب (۶۰-۱۸ درصد)، بیدار شدن زود هنگام در صبح (۳۳-۱۲ درصد) افزایش احتیاج به چرت روزانه (۳۶-۱۸ درصد) است. (کریشنان و هاورانیک^۲، ۲۰۰۸) مطالعات نشان داده اند که بیشتر سالمندان برای حل مشکلات در کیفیت ذهنی خواب، تاخیر در به خواب رفتن، طول مدت به خواب رفتن، کارایی و موثر بودن خواب، اختلالات خواب، عملکرد نامناسب در طول روز و کیفیت خواب از داروهای خواب آور استفاده می کنند، (سامی یوشی^۳ و همکاران، ۲۰۱۴) اما توجه به این نکته مهم است که داروهای خواب آور برای مصرف کوتاه مدت مناسب اند و نباید برای مدت طولانی تجویز شوند. (ماتوسک^۴ و همکاران، ۲۰۰۴) به این ترتیب، به نظر می رسد استفاده از داروهای خواب آور به منظور بهبود کیفیت خواب در سالمندان، بهترین روش نمی باشد. (پتیت^۵ و همکاران، ۲۰۰۳)

هرچند اثربخشی روش های درمانی بدون استفاده از دارو، کندتر از اثربخشی مصرف داروهای خواب آور است، اما دوام بیشتری دارند و خطرهای جانبی مصرف دارو مانند اعتیاد را در پی ندارند. پژوهشگران سالمند شناسی^۶ اظهار کرده اند که یکی از این روش ها، فعالیت بدنی به صورت منظم است که موجب آرامش بیشتر و افزایش دمای مرکزی بدن می شود و به عنوان راهی برای آغاز و حفظ خواب خوب، مفید شناخته شده است. (مونتگومری و دنیس^۷، ۲۰۰۲) با وجود اینکه ممکن است تصور شود خواب و فعالیت فیزیکی، رفتارهای مجزایی هستند و به وسیله مکانیزم های فیزیولوژیک مجزایی کنترل می شوند، شواهد رو به افزایشی مبنی بر ارتباط بالینی بین خواب و فعالیت بدنی وجود دارد. (آتکینسون و داونه^۸، ۲۰۰۷) بر پایه نتایج تعدادی از مطالعات، کاهش زمان خواب با کاهش فعالیت فیزیکی و عدم فعالیت در ارتباط است. (چاسنس و یانگ^۹، ۲۰۱۱،

1. Harrington and Avidan
2. Krishnan and Hawranik
3. Sumiyoshi
4. Matousek
5. Petit
6. Gerontology
7. Montgomery and Dennis
8. Atkinson and Davenne
9. Chasens and Yang

کینگ و همکاران^۱ (۲۰۰۸)، پاسوس و همکاران^۲ (۲۰۱۱)، الوسکی و مک آولی^۳ (۲۰۰۷) و رحمانی و همکاران (۱۳۸۸) با استفاده از تمرینات هوازی با شدت متوسط به روش پیاده روی دریافتند که کیفیت و کمیت خواب سالمندان بهبود معنی داری می یابد. همچنین، حسینی و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از تمرینات تای چی، رو ودا و همکاران^۴ (۲۰۱۱) با استفاده از تمرینات استقامتی و قدرتی و فریس و همکاران^۵ (۲۰۰۵) با استفاده از تمرینات مقاومتی تاثیر معنی داری را در کمیت و کیفیت خواب سالمندان گزارش نمودند. اما در پژوهش کینگ^۱ و همکاران (۱۹۹۷) اثر تمرین هوازی به مدت ۱۶ هفته به روش پیاده روی-دویدن، بر کیفیت و کمیت خواب سالمندان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مطالعه آنها نشان داد طول خواب افراد ۴۲ دقیقه بهبود یافته است، در حالی که در کیفیت خواب سالمندان تغییر معنی داری مشاهده نشد.

همچنین، محققان اظهار نموده اند تغییرات منفی در کمیت و کیفیت خواب و افزایش سن می تواند منجر به ظهور پیامدهای روانشناختی منفی مانند اختلال در عملکرد توجه، قدرت حواس، ادراک، یادگیری، حافظه و شناخت در سالمندان شود. (دلجیرنو و همکاران، ۲۰۱۳) علاوه بر اختلال در خواب، اختلالات شناختی از جمله مشکلات رایج دوران سالمندی می باشد که طیف بسیار وسیعی از اختلالات دوران سالمندی را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که حدود ۳۵ درصد از سالمندان درجات متفاوتی از اختلالات شناختی را نشان می دهند که آلزایمر مرحله پیشرونده این اختلال می باشد. یافته های تعدادی از پژوهشگران نشان می دهد کارکردن، مشغول بودن به هر طریق، درگیر کار روزانه بودن و تعامل با اجتماع در زمان سالخوردگی باعث عملکرد شناختی بهتر می شود. (کانتافه و همکاران ۲۰۰۹)

تامپوروفسکی و گانیو (۲۰۰۶)، دل جیورنو^۶ و همکاران (۲۰۱۰)، کولکومب^۸ و همکاران (۲۰۰۶) و لوپنمتین و همکاران^۹ (۲۰۱۴) اظهار کردند که فعالیت های بدنی هوازی با شدت متوسط موجب تسهیل عملکرد پردازش شناختی می شود. لین و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۲) بیان کردند ورزش باعث افزایش تکثیر سلولی و طول عمر سلول ها و افزایش تولید میانجی گرای عصبی در مناطق متفاوت عصبی درگیر در عملکرد شناختی می شود. اما لامبورن و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۰) بیان کردند که فعالیت های بدنی هوازی با شدت متوسط موجب افت عملکرد پردازش شناختی و حافظه در حین فعالیت می شود. لامبورن و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که که فعالیت های بدنی هوازی با شدت متوسط تاثیری بر عملکرد شناختی ندارد. جویس و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۹) بیان کردند که به دست آمدن نتایج ناهمسو در رابطه با تاثیر فعالیت بدنی بر عملکرد شناختی و حافظه در سالمندان احتمالاً به دلیل زمان اجرای تکلیف مربوط به بررسی عملکرد شناختی، مدت و شدت فعالیت بدنی باشد. بر این اساس، شناسایی عواملی که منجر به افزایش کیفیت خواب و عملکرد شناختی سالمندان می شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. محققان در پی یافتن روش هایی هستند که تاثیر مثبت و ماندگاری

1. King et al.
2. Passos et al.
3. Elavsky & McAuley
4. Roveda et al.
5. Ferris et al.
6. King
7. Del Giorno
8. Colcombe
9. Lopnemtin et al
10. lein et al
11. Lambourne et al
12. Joeis et al

بر مولفه های روانی و جسمانی افراد سالمند داشته باشند. به استناد بسیاری از تحقیقات می توان چنین استنباط نمود که پرداختن به فعالیت های جسمانی می تواند به عنوان رویکردی مناسب، سهل الوصول و ارزان در حفظ بهداشت روانی و تندرستی، همچنین در پیشگیری و درمان اختلالات و بیماری های مختلف سالمندان مد نظر قرار گیرد. (مانگومری و لیلی^۱ ۲۰۰۷) اما در تحقیقات انجام شده تنها به یک نوع شدت تمرین و فعالیت بدنی پرداخته شده است و به ندرت می توان تحقیقی را یافت که کیفیت خواب و عملکرد شناختی سالمندان با شدت های مختلف فعالیت بدنی را مورد بررسی قرار داده باشد. لذا یکی از ضرورت های اجرای پژوهش حاضر مقایسه کیفیت خواب و وضعیت شناختی در سالمندان با سطوح فعالیت بدنی متفاوت می باشد تا تعیین کنیم آیا لازم است سالمندان برای تاثیر گذاری بیشتر، فعالیت بدنی و ورزش روزمره را در سطوح بالا و شدید انجام دهند یا اینکه بین تاثیر گذاری داشتن سبک زندگی فعال در سطوح پایین، متوسط و بالا بر عملکرد شناختی و کیفیت خواب سالمندان تفاوت وجود ندارد. به علاوه، اشاره به این نکته ضروری است که اجرای اینگونه تحقیقات می تواند بستر مناسبی را برای کسب اطلاعات در حوزه سالمندان فراهم سازد و به پیشگیری از آسیب های اجتماعی، روانی، جسمانی، مشکلات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کمک کند. از آن جا که تاکنون مقایسه اثربخشی سه سطح فعالیت جسمانی با شدت کم، متوسط و شدید بر عملکرد شناختی و کیفیت خواب سالمندان بررسی نشده است و بیشتر پژوهش های انجام شده در مورد هر دو متغیر تحت بررسی (عملکرد شناختی و کیفیت خواب) بیشتر یک نوع شدت تمرینات هوازی را مد نظر قرار داده اند و نتایج حاصل از آنها در رابطه با تاثیر فعالیت بدنی بر عملکردهای شناختی و کیفیت خواب متناقض است، انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه ضرورت می یابد. از این رو، هدف پژوهش حاضر مقایسه کیفیت خواب و وضعیت شناختی در سالمندان زن و مرد با سطوح متفاوتی از فعالیت بدنی (کم، متوسط و زیاد) می باشد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع علی مقایسه ای است که اطلاعات مربوط به صورت میدانی جمع آوری شد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر را سالمندان زن و مرد بالای ۶۰ سال ساکن در منطقه یک تهران تشکیل دادند. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰۰ سالمندان زن و مرد بالای ۶۰ سال ساکن منطقه یک تهران بودند که بر مبنای ملاک های ورود (داشتن سن بین ۶۰ تا ۷۰ سال، نداشتن سابقه شکستگی در اندام های فوقانی و تحتانی در پنج سال گذشته، نداشتن هرگونه نقص عضو یا استفاده از وسایل کمک حرکتی مانند عصا و ویلچر) به صورت داوطلبانه در این تحقیق شرکت کردند.

ابزار و نحوه جمع آوری داده ها

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر برای سنجش متغیرهای تحقیق شامل پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه کیفیت خواب پترزبورگ، پرسشنامه سطح فعالیت جسمانی چامپس و پرسشنامه معاینه مختصر وضعیت روانی (MMSE) برای سالمندان بود.

۱. پرسشنامه جمعیت شناختی: این پرسشنامه شامل اطلاعاتی مانند سن، جنس، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه، نوع دارو های مصرفی و همچنین معیار های ورود و خروج به مطالعه بود.
۲. پرسشنامه استاندارد کیفیت خواب پیتزبرگ: این مقیاس توسط پترزبورگ و همکاران (۱۹۸۴) جهت

سنجش کیفیت خواب برای میانسالان و سالمندان طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۱۸ سوال است و دارای ۷ مولفه شامل کیفیت ذهنی خواب (۲ سوال)، تاخیر در به خواب رفتن (۲ سوال)، طول مدت به خواب رفتن (۲ سوال)، کارایی و موثر بودن خواب (۲ سوال)، اختلالات خواب (۳ سوال)، مصرف داروهای خواب آور (۴ سوال) و عملکرد نامناسب در طول روز (۳ سوال) و همچنین یک نمره کلی می باشد. امتیاز هر سوال بین صفر تا ۳ و امتیاز هر مولفه نیز حداکثر ۳ می باشد. نمره هر مولفه میانگین نمرات سوالات هر مولفه می باشد. همچنین مجموع میانگین نمرات تمامی مولفه ها نمره کل پرسشنامه را تشکیل می دهد که دامنه آن از صفر تا ۲۱ است. نمره کلی ۵ یا بیشتر به معنای نامناسب بودن کیفیت خواب فرد می باشد. این پرسشنامه توسط بویس و همکاران (۱۹۸۹) اعتبار یابی شده است. آنها پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ $0/83$ و اعتبار آن را نیز $0/75$ گزارش نمودند. در ایران نیز حسین آبادی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خود بر روی سالمندان ۶۰ سال به بالا، پایایی آن را با استفاده از ضریب کاپا $0/87$ گزارش نمودند.

۳. پرسشنامه سطح فعالیت جسمانی چامپس برای سالمندان: این پرسشنامه که توسط استوارت و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شد، فعالیت جسمی را در چهار سطح بی تحرک، فعالیت جسمی با شدت کم، فعالیت جسمی با شدت متوسط و فعالیت جسمی با شدت زیاد مورد ارزیابی قرار می دهد. پرسشنامه دارای ۳۲ سوال می باشد و فعالیت هایی را شامل می شود که فرد سالمند در طول یک هفته مربوط به ماه قبل انجام داده است. این پرسشنامه برای هر سوال، تعداد دفعات فعالیت در یک هفته و برای هر سوال، تعداد ساعاتی (کمتر از ۱ ساعت، ۱ تا $2/5$ ساعت، ۳ تا $4/5$ ساعت، ۵ تا $6/5$ ساعت، ۷ تا $8/5$ ساعت، ۹ ساعت یا بیشتر) را که سالمند فعالیت مورد نظر را در طول یک هفته از ماه جاری انجام داده است، انتخاب می کند. شدت فعالیت فیزیکی بر اساس مت (Equivalent Test=MET Metabolic) محاسبه می شود که واحدی برای تخمین خرج متابولیک در فعالیت جسمی است. چنانچه میزان مت MET فرد مساوی 600 کیلوکالری باشد، یعنی فرد دارای فعالیت بدنی با سطح پایین، اگر بیشتر از 600 و کمتر از 1000 کیلوکالری به دست آید، یعنی فعالیت بدنی با سطح متوسط است، اگر MET بیشتر از 1000 کیلوکالری به دست آید یعنی شدت فعالیت بدنی زیاد است. روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران توسط صحاف و همکاران (۱۳۹۲) مورد قبول گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه $0/76$ و ضریب همبستگی آزمون-آزمون مجدد در دامنه $0/78-0/64$ درصد به دست آمد. ضریب روایی محتوی (CVI) برابر با $0/83$ بود. برای روایی همگرا، ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه چامپس با آزمون شش دقیقه راه رفتن و شاخص توده جسمانی به ترتیب $0/25$ و $0/19$ به دست آمد. برای روایی همزمان، ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه چامپس با کیفیت زندگی و سطح ارتقا دهنده سلامت به ترتیب $0/63$ و $0/52$ به دست آمد.

۴. پرسشنامه معاینه مختصر وضعیت روانی^۱ (MMSE): مقیاس معاینه مختصر وضعیت روانی توسط فولشتاین و همکاران (۱۹۷۵) طراحی و تدوین شده است. این مقیاس ۱۱ گونه دارد که به دو بخش تقسیم می شود. بخش اول پاسخدهی کلامی به پرسش های جهت یابی، حافظه و توجه را در بر می گیرد. بخش دوم، نیازمند خواندن و نوشتن است و شامل توانایی برای نامگذاری، انجام دستورات گفتاری یا نوشتاری، نوشتن یک جمله و کپی کردن یک شکل است. نمره کل از جمع نمرات تکالیفی که با موفقیت انجام شده است، حاصل می شود. نمره بیشینه مقیاس ۳۰ می باشد. نمره بین ۱۸ تا ۱۳ نشان دهنده اختلال شناختی خفیف و نمره زیر ۱۷ نشان دهنده اختلال شناختی شدید است.

سیدیان و همکاران (۱۳۸۶) نسخه فارسی این ابزار را معرفی نمودند. پایایی درونی پرسشنامه بر اساس

ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ بود. در تحقیق فروغان و همکاران (۱۳۸۷) پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شد.

روش اجرای پژوهش

ابتدا ۲۰۰ سالمند داوطلب بر اساس معیارهای ورود به مطالعه از سرای محله ولنجک، بوستان های نگین، بهاره، گلریزان و تندرستی انتخاب شدند. سپس آنها فرم رضایت نامه شرکت در آزمون، پرسشنامه های جمعیت شناختی، کیفیت خواب، عملکرد شناختی و سطح فعالیت بدنی را تکمیل کردند. پرسشنامه های مربوط به سالمندانی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند توسط پرسشگر تکمیل شد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تحلیل داده ها از روش های آماری توصیفی و استنباطی در نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد. به بیان دیگر، از آمار توصیفی برای محاسبه شاخص های پراکندگی و مرکزی استفاده شد. همچنین، از روش های آمار استنباطی مانند تحلیل واریانس دو طرفه و آزمون تعقیبی بونفرونی (توضیح بیشتر) در سطح $P > 0.05$ استفاده شد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

جدول ۱: یافته های توصیفی تحقیق

ردیف	جنسیت		دانش سنی		وضعیت زندگی مشترک		تحصیلات		سطح فعالیت بدنی		
۱	زن	مرد	۶۰-۷۴	۷۵ به بالا	مشترک	تنها	دیپلم و زیر دیپلم	دانشگاهی	پایین	متوسط	بالا
۲	۴۹	۵۱	۵۴/۵	۴۵/۵	۸۱	۱۹	۵۸/۵	۴۱/۵	۴۹	۳۸	۱۳

*اعداد ردیف سوم بر حسب درصد می باشند.

یافته های استنباطی

برای بررسی همگنی واریانس ها از آزمون لوین استفاده شد. نتایج آزمون لوین نشان داد که بین واریانس کیفیت خواب، کیفیت ذهنی، تاخیر در زمان به خواب رفتن، واریانس طول مدت به خواب رفتن، کارایی و موثر بودن خواب، نمره اختلالات خواب، مصرف داروهای خواب آور، عملکرد نامناسب در طول روز در سطوح فعالیت بدنی، تجانس وجود دارد. ($P > 0.05$)

به منظور تعیین تفاوت معنی دار بین کیفیت خواب سالمندان زن و مرد با سطح فعالیت های بدنی متفاوت، از روش تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شد.

جدول ۲: یافته های حاصل از تحلیل واریانس دو طرفه در کیفیت خواب سالمندان زن و مرد با سطوح فعالیت بدنی متفاوت

متغیر	مجموع مربعات	درجات آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی داری
جنسیت	۳۲۶/۱۰	۱	۳۲۶/۱۰	۷۳/۹۱	*۰/۰۰۱
سطح فعالیت بدنی	۵۳۹/۵۷	۲	۲۶۹/۷۸	۶۱/۱۵	*۰/۰۰۱
جنسیت × سطح فعالیت بدنی	۱۶/۹۱	۲	۸/۴۵	۱/۹۱	۰/۱۵
خطا	۸۵۵/۸۷	۱۹۴	۴/۴۱	-----	-----

*معنی داری در سطح (۰/۰۵ > P)

۱۹۲

نتایج آزمون تحلیل واریانس دو طرفه نشان داد که اثر اصلی جنسیت و سطح فعالیت بدنی معنی دار بود، اما اثر تعامل این دو متغیر معنی دار نبود. کیفیت خواب سالمندان مرد بهتر از کیفیت خواب در زنان بود. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی در مورد سطح فعالیت نشان داد بین گروه فعالیت بدنی با شدت بالا با دو گروه دیگر تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$)؛ به طوری که گروه فعالیت بدنی با شدت بالا، دارای کیفیت خواب بهتری نسبت به دو گروه دیگر بودند. همچنین، گروه فعالیت بدنی با شدت متوسط نیز دارای کیفیت خواب بهتری نسبت به گروه شدت پایین بود.

به منظور تعیین تفاوت معنی دار بین عملکرد شناختی سالمندان زن و مرد با سطوح فعالیت های بدنی متفاوت از روش تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس دو طرفه در عملکرد شناختی سالمندان زن و مرد با سطوح فعالیت بدنی متفاوت

متغیر	مجموع مربعات	درجات آزادی	مجذور میانگین	F ارزش	سطح معنی داری
جنسیت	۱۷۹/۳۸	۱	۱۷۹/۳۸	۱۲/۱۲	*۰/۰۰۱
سطح فعالیت بدنی	۳۰۷۱/۳۸	۲	۱۵۳۵/۶۹	۱۰۳/۸۲	*۰/۰۰۱
جنسیت × سطح فعالیت بدنی	۳۸/۵۳	۲	۱۹/۲۶	۱/۳۰	۰/۲۸
خطا	۲۸۶۹/۴۵	۱۹۴	۱۴/۷۹	-----	-----

*معنی داری در سطح (۰/۰۵ > P)

نتایج آزمون تحلیل واریانس دو طرفه نشان داد که اثر اصلی جنسیت و عملکرد شناختی معنی دار بود؛ چنان که عملکرد شناختی سالمندان مرد بهتر از عملکرد شناختی زنان بود.

نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی در مورد سطح فعالیت نشان داد بین گروه فعالیت بدنی با شدت بالا با دو گروه دیگر تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$)؛ به طوری که گروه فعالیت بدنی با شدت بالا دارای عملکرد شناختی بهتری نسبت به دو گروه دیگر بود و عملکرد شناختی گروه فعالیت بدنی با شدت متوسط به طور

معنی دار بهتر از گروه فعالیت بدنی با شدت کم است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق نشان دادند که اثر اصلی جنسیت و سطح فعالیت بدنی معنی دار بود، اما اثر تعامل این دو متغیر معنی دار نبود. مقایسه میانگین ها نشان داد که کیفیت خواب در سالمندان مرد بهتر از کیفیت خواب در زنان بود. علاوه بر این، گروه فعالیت بدنی با شدت بالا دارای میانگین کیفیت خواب بهتری نسبت به دو گروه دیگر بودند. همچنین گروه فعالیت بدنی با شدت متوسط نیز دارای میانگین کیفیت خواب بهتری نسبت به گروه شدت پایین بود.

نتایج به دست آمده با نتایج تحقیقات داداش پور و همکاران (۱۳۹۲)، پاسوس و همکاران (۲۰۱۱) و روتا و همکاران (۲۰۱۱) همسوست. پاسوس و همکاران (۲۰۱۱) و الاوسکی و مک آولی (۲۰۰۷) در این مورد اظهار نمودند که فعالیت های هوازی بر کنترل خودکار سیستم قلبی-عروقی نقش مهمی دارند و منجر به افزایش کنترل پاراسمپاتیک و کاهش کنترل سمپاتیک قلب می شوند. این امر نیز به نوبه خود تاثیر مثبتی بر مکانیزم های فیزیولوژیک فرایند خواب می گذارد؛ به طوری که باعث افزایش کیفیت خواب و به طبع آن طول مدت خواب در سالمندان می شود. رید^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیق خود بر روی سالمندان با میانگین سنی ۶۱/۶ سال دریافتند ۱۶ هفته تمرینات هوازی با شدت متوسط تاثیر معنی داری بر کیفیت خواب داشت. اثر اصلی سطح فعالیت بدنی معنی دار بود. نتایج نشان داد بین گروه فعالیت بدنی با شدت بالا با دو گروه دیگر تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$)؛ به طوری که گروه فعالیت بدنی با شدت بالا دارای میانگین مولفه های کیفیت ذهنی، تاخیر در زمان به خواب رفتن، طول مدت به خواب رفتن و کارایی و موثر بودن خواب بهتری نسبت به دو گروه دیگر بود. نتایج به دست آمده در این قسمت از تحقیق با نتایج تحقیقات داداش پور و همکاران (۱۳۹۲)، پاسوس و همکاران (۲۰۱۱)، رحمانی و همکاران (۱۳۸۸) و لوپنتین و همکاران (۲۰۱۴) همسوست.

محققان، نظریه ها و مدل های مختلفی را درمورد مکانیزم اثرگذاری تمرینات هوازی بر کیفیت خواب و مولفه های آن ارائه نموده اند. براین اساس، نظریه تنظیم گرمایی در ارتباط با پیوند بین خواب و افزایش دمای مرکزی بدن ارائه شده است. براساس این نظریه، با افزایش سن، میزان بیدار شدن ها پس از به خواب رفتن عمیق و پایین آمدن دمای مرکزی بدن، به وجود می آید. (هولفیلد و روتیگ^۲، ۲۰۱۲) لذا فعالیت های هوازی موجب افزایش ترشح ملاتونین در بدن می شود. ملاتونین هورمونی است که در غده صنوبری (پینئال)^۳ - غده کوچکی در مغز- تولید می شود و به تنظیم چرخه خواب و بیداری در بدن کمک می کند. در نتیجه، ملاتونین باعث افزایش در دمای مرکزی بدن می شود که این امر به نوبه خود، افزایش طول مدت خواب در سالمندان را در پی خواهد داشت. (لوپنتین و همکاران، ۲۰۱۴) شایان ذکر است که محققان دریافته اند میزان ترشح ملاتونین از غده پینئال، به شدت و نوع تمرین، سن و زمان تمرین بسیار وابسته است. (گائو و همکاران، ۲۰۱۳) بسیاری از دانشمندان بر این نظر هستند که خواب کارکردهای مهم حیاتی را فراهم و آماده می کند. در خواب، مغز دست به تنظیم فعالیت های خود می زند. حافظه محتویات خود را به یکدیگر مربوط و اطلاعات را بایگانی می سازد. در حین خواب، سوخت و ساز بدن بازسازی می شود و سرانجام سیستم دفاعی بدن تقویت می گردد. (زیگل، ۱۹۹۳)

1 . Reid

2. Holfeld B, Ruthig.

3. Pineal gland

همچنین، ولتمن و همکاران^۱ (۲۰۰۳) نظریه حفظ انرژی بدن را ارائه نمودند. آنها اظهار نمودند که فعالیت هوازی ممکن است تغییرات مطلوبی در ریتم شبانه روزی و افزایش سطوح آدنوزین ایجاد کند و با افزایش آمادگی جسمانی در بدن سالمندان که با ورزش و فعالیت بدنی رخ می دهد، ممکن است به افزایش امواج انسفالوگرافیک دلتا در طول مرحله سوم و چهارم خواب منجر شود که با تحت تاثیر قرار دادن سیستم نورواندوکراین، به ویژه تغییرات متابولیک در مغز موجب بهبود کیفیت خواب شود. (تانگ و همکاران ۲۰۱۰) طبق تحقیقات صورت گرفته توسط یونگ^۲ و همکاران (۲۰۱۲) و وانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۴)، حفظ فعالیت و تحرک روزانه کمتر باعث خواب آلودگی افراد در طول روز و باعث بهبود کیفیت خواب در سالمندان می شود.

یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر، کیفیت خواب پایین تر سالمندان زن فعال نسبت به سالمندان مرد فعال بود. در مطالعه ای که توسط کیجنا^۴ و همکاران (۲۰۰۴) در بین سالمندان زن و مرد لهستانی انجام شد، تفاوت معنی داری بین کیفیت خواب سالمندان زن و مرد مشهود بود و جنسیت یکی از عوامل مهم تاثیر گذار بر کیفیت خواب نمودار شد. لاری^۵ و همکاران (۱۹۹۷)، تربیل و همکاران (۲۰۰۱)، اوهایون^۶ (۱۹۹۶) و کالینن و همکاران (۲۰۰۶) نیز در پژوهش های خود نشان دادند که خانم های سالمند بازنشسته و یائسه، کیفیت خواب پایین تری نسبت به مردان داشتند. کالینن^۷ و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که یائسگی نقش مهمی در بروز کیفیت خواب پایین تر در زنان به نسبت مردان سالمند دارد. در دوران بعد از یائسگی، شروع خواب با تاخیر طولانی، بیداری های مکرر و زمان خواب طولانی تر مشاهده می شود.

نتایج تحقیق نشان داد بین عملکرد شناختی سالمندان زن و مرد با سطح فعالیت های بدنی متفاوت، تفاوت وجود دارد. نتایج نشان داد اثر اصلی جنسیت معنی دار است و میانگین نمره وضعیت شناختی در سالمندان مرد بهتر از میانگین نمره وضعیت شناختی در زنان بود. نتایج نشان داد بین نمره وضعیت شناختی گروه فعالیت بدنی با شدت بالا با دو گروه دیگر تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به طوری که گروه فعالیت بدنی با شدت بالا دارای میانگین نمره وضعیت شناختی بهتری نسبت به دو گروه دیگر بود و عملکرد شناختی گروه فعالیت بدنی با شدت متوسط به طور معنی دار بهتر از گروه فعالیت بدنی با شدت کم است.

نتایج این فرضیه با یافته های اولیف (۲۰۱۳)، گرینسکی و همکاران (۲۰۱۰)، ایتله کوفر^۸ و همکاران (۲۰۱۳)، رحمانی نیا و همکاران (۱۳۸۸) که در پژوهش های خود تاثیر معنی دار فعالیت بدنی با شدت بالا را بر عملکرد شناختی سالمندان نشان دادند، همسوست.

تحقیقات اولیف (۲۰۱۳) نشان داد سالمندانی که یک برنامه تمرینی شامل راه رفتن سریع بر روی نوارگردان را سه بار در هفته و به مدت یک ساعت، در طول چهار ماه انجام می دادند، عملکرد شناختی، حافظه و زمان واکنش، بهبود یافته ای داشتند. اولیف (۲۰۰۰) نشان داد آهسته دویدن، راهپیمایی، دوچرخه سواری و حرکات موزون نیز مانند راه رفتن سریع موجب بهبود حافظه و زمان واکنش در سالمندان می شوند. همچنین، کرافت و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند سالمندانی که در یک برنامه تمرینی قدرتی و انعطافی به مدت یک ساعت، سه بار

1. Weltman et al.
2. Yeung
3. Wang
4. Kiejna
5. Lauri
6. Ohayon
7. Kalleinen
8. Intlekofer et al

در هفته و در طول ۴ ماه شرکت کردند، عملکردشان در اجرای آزمون‌های شناختی، بهبود یافت. در تحقیقی دیگر، سالمندانی که به تازگی بازنشسته شده بودند و زندگی کم تحرکی را آغاز کرده بودند، در طول ۴ سال توسط آزمون‌های شناختی گوناگون مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بررسی‌ها، نشان داد توانمندی‌های شناختی این سالمندان از زمان بازنشستگی تا ۴ سال بعد از آن به طور فزاینده‌ای کاهش می‌یابد. (اریکسون و همکاران ۲۰۱۳)

پژوهشگران معتقدند که تمرینات ورزشی برای سلامت جسم و روان، به یک اندازه، ضرورت دارد. کشف هیجان انگیزی که تا به امروز توسط محققان صورت گرفته این است که تمرینات ورزشی علاوه بر افزایش جریان خون در مغز، میزان تولید مولکول BDNF را هم افزایش می‌دهند. (کولکومب و کرامر^۱، ۲۰۰۳، بلوندل^۲ و همکاران ۲۰۱۴). BDNF نوعی فاکتور رشد است که نرون‌های مغز را در مقابل آسیب و صدمه مقاوم می‌کند و به بقای آنها کمک می‌نماید. این مولکول همچنین می‌تواند از تباهی سلول‌ها در اثر بیماری‌های آلزایمر و پارکینسون جلوگیری کند. بر طبق نتایج آزمایش‌هایی که بتازگی پیرامون تاثیر ورزش بر حافظه انجام شده، افزایش میزان تولید BDNF می‌تواند بر یادگیری و حافظه تاثیر مثبت داشته باشد. بنابراین، در نتیجه تمرینات ورزشی و فعالیت بدنی، میزان جریان خود در مغز، تعداد سلول‌های مغز در ناحیه هیپوکامپ و ترشح مولکول‌های حفاظتی مانند BDNF افزایش می‌یابد. همچنین، افزایش جریان خون موجب اکسیژن رسانی و تغذیه بهتر نرون‌های مغز شده و از تنگ شدن عروق مغز جلوگیری می‌کند. این تاثیرات خود موجب پیشگیری از فراموشی و زوال توانمندی‌های ذهنی و شناختی در سالمندی می‌شود. (ووس^۳ و همکاران ۲۰۱۳، کرافت و همکاران^۴ ۲۰۱۳)

همچنین، در تبیین تأثیرات ورزش، پژوهشگران اظهار کرده اند که کته کولامین‌ها گروهی از مواد شیمیایی مانند نوراپی نفرین، اپی نفرین و دوپامین هستند که به عنوان انتقال دهنده شیمیایی عمل می‌کنند. نوراپی نفرین و دوپامین بر یادگیری و حافظه تاثیر می‌گذارند. تمرینات و فعالیت بدنی منظم، ترشح این ترکیبات را افزایش می‌دهد و مقدار آنها را در پلاسمای خون زیاد می‌کند. (کتی و براون، ۱۹۷۳، ۱۹۶۶) بنابراین، انجام فعالیت بدنی به طور منظم می‌تواند از طریق افزایش ترشح انتقال دهنده‌های شیمیایی، موجب تقویت حافظه و تغییرات خلقی شود. (کرک^۵ و همکاران ۲۰۱۳) گروه دیگری از محققان معتقدند تمرینات ورزشی و بویژه دویدن می‌تواند موجب افزایش اندورفین‌ها شوند. اندورفین‌ها دسته‌ای از مواد شیمیایی هستند که از نرون‌های مغز ترشح می‌شوند و آثار شبه افیونی، ضد درد و آرام‌بخش دارند (کرک و همکاران ۲۰۱۳) اما نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های تامپروسکی و الیس (۱۹۸۶)، اتنیر^۶ و همکاران (۱۹۹۷) و وایت لو و همکاران (۲۰۰۸) همسو نمی‌باشد. در پژوهش تامپروسکی و الیس (۱۹۸۶) و اتنیر و همکاران (۱۹۹۷) در مورد تاثیر ورزش و فعالیت بدنی بر سیستم عصبی مرکزی، مشخص شد که ورزش در ابتدا فرایند شناخت و توجه را بهبود می‌بخشد، اما این تاثیر با افزایش میزان و مدت ورزش، همراه با افزایش خستگی ماهیچه‌ای، خنثی خواهد شد. آن‌ها نتیجه گرفتند که در یک آزمون شناختی یکسان، ورزش ممکن است بسته به سطح سلامت جسمی و روانی آزمودنی و لحظه سنجش وی، تسهیل کننده یا تخریب کننده عملکرد شناختی فرد باشد. همچنین، مطلوب یا نامطلوب بودن نوع تمرینات و احساس خوش آیند و ناخوش آیندی که از طریق

1. Colcombe and Kramer
2. Blondell
3. Voss
4. Craft et al
5. Kirk
6. Etner

فعالیت بدنی و ورزش در افراد ایجاد می شود، می تواند در میزان تاثیر فعالیت جسمانی و ورزش بر مغز نقش عمده‌ای داشته باشد. (یافه ۲۰۰۱) در سالمندان نیز شاید انجام فعالیت های بدنی با شدت بالا و طاقت فرسا منجر به افزایش درد جسمانی شود و در نتیجه، سالمندان تجربه و احساس خوش آیندی با اجرای فعالیت بدنی به دست نیاورده باشند و این دلیلی بر عدم تاثیر گذاری مثبت فعالیت بدنی بر عملکرد شناختی سالمندان باشد. وایت لو و همکاران (۲۰۰۸) و آلبوی و همکاران (۲۰۱۲) پیشنهاد کردند که تاثیر مثبت فعالیت بدنی و ورزش ممکن است در مورد ورزش دائم و نه ورزش موقت، صادق باشد و فعالیت بدنی و ورزشی که به طور موقت انجام شود، تاثیری ناچیز بر عملکرد شناختی خواهد داشت، ولی احتمالاً فعالیت بدنی دائم که منجر به افزایش تندرستی می شود، عملکرد شناختی را بهتر خواهد کرد. این نتیجه، تائیدی بر مکانیزم های فیزیولوژیکی تبیین کننده اثرات سودمند ورزش یا سلامتی بر شناخت است و پیشنهاد می کند که اتخاذ یک برنامه فعالیت بدنی منظم و همیشگی ممکن است مداخله ای سودمند برای تقویت عملکرد شناختی باشد و هر نوع ورزش و سطح فعالیت بدنی به ارتقای عملکرد شناختی منجر نمی شود.

پیشنهادهای

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به آنکه در تحقیق حاضر فعالیت بدنی در سطوح متوسط و بالاتر تاثیر مثبتی بر کیفیت خواب و مولفه های آن داشت، لذا به سالمندان جامعه، پزشکان و مدیران حوزه سلامت، مسئولان مراکز نگهداری سالمندان و همچنین مسئولان سرای محله سالمندان پیشنهاد می شود به جای تجویز داروهای خواب آور که در دراز مدت منجر به ایجاد بیماری های روانی و جسمانی می شوند، سالمندان را به استفاده از ورزش و فعالیت بدنی ترغیب نمایند.

پیشنهادهای پژوهشی

با توجه به علی-مقایسه ای بودن روش اجرای تحقیق حاضر و عدم استفاده از امواج الکتریکی مغز، لذا پیشنهاد می شود تحقیق مشابهی همراه با استفاده از دستگاه الکتروانسفالوگرافی در حین خواب آزمودنی ها انجام شود تا بتوان به نتایج دقیق تری در ارتباط با کیفیت مراحل خواب سالمندان و تاثیر سطح ورزش و فعالیت بدنی بر آن دست یافت.

با توجه به اینکه احتمالاً نوع تکلیف شناختی و شیوه ارزیابی سطح فعالیت بدنی می تواند بر یافته های تحقیق تاثیر داشته باشد، پیشنهاد می گردد این مطالعه با تکالیف شناختی متفاوت دیگر و ابزارهای سنجش سطح فعالیت بدنی عینی، نیز اجرا گردد.

منابع

- حسین آبادی، رضا؛ نوروزی تبریزی، کیان؛ پوراسماعیل، زهرا؛ کریملو، مسعود و سادات مداح، سیدباقر (۱۳۸۷) "بررسی تاثیر ماساژ نقاط فشاری بر کیفیت خواب سالمندان". توانبخشی. ۲. (۳۴)، ۸-۱۴.
- حسن پور دهکردی، علی؛ مسعودی، رضا؛ نادری پور، ارسلان و پور میرضا کلهری، رضا (۱۳۸۶) "تاثیر برنامه ورزشی بر کیفیت زندگی سالمندان شهرستان شهرکرد". سالمند. سال دوم، شماره ششم، صفحه ۴۴۴-۴۳۷.
- رحمانی نیا، فرهاد؛ محبی، حمید و صابریان بروجنی، مصطفی قلی (۱۳۸۸) "اثر پیاده روی بر کیفیت، کمیت و برخی پارامترهای فیزیولوژیک مرتبط با خواب در مردان سالمند". نشریه علوم زیستی ورزشی. ۱ (۳)، ۱۱۱-۱۲۶.
- Atkinson, G., & Davenne, D. (2007) **"Relationships between sleep, physical activity and human health"**. Journal of Physiology and Behavior. 90, 229-235.
- Blondell SJ, Hammersley-Mather R, Veerman JL. (2014) **"Does physical activity prevent cognitive decline and dementia?: A systematic review and meta-analysis of longitudinal studies"**. BMC Public Health. 14, 510- 528.
- Chasens ER, Yang K. (2011) **Insomnia and physical activity in adults with prediabetes**. Clin Nurs Res.
- Colcombe S and Kramer AF. (2003). **Fitness Effects on the Cognitive Function of Older Adults: A Meta-Analytic Study**. Psychological Science, 14, 125-132.
- Craft S, Cholerton B, Baker LD. (2013) **Insulin and Alzheimer's disease: untangling the web**. J Alzheimers Dis ;33 (1), S263-S275.
- Del Giorgio, J.M., Hall, E.E., O'Leary, K.C., Bixby, W.R., Miller, P.C. (2010) **"Cognitive function during acute exercise: a test of the transient hypofrontality theory"**. Journal of Sport & Exercise Psychology. 32, 312-323.
- Elavsky, S. & McAuley, E. (2007) **"Lack of perceived sleep improvement after 4 month structured exercise programs"**. The Journal of the North American menopause society. 14: PP: 535-540.
- Ferris, L., Williams J., Shen L, O'Keefe, K., & Hale, B. (2005) **"Resistance training improves sleep quality in older adults: A pilot study"**. Journal of Sports Science and Med. 4, 354-360.
- Guo X, Zheng L, Wang J, Zhang X, Zhang X, Li J, Sun Y. (2013) **"Epidemiological evidence for the link between sleep duration and high blood pressure: a systematic review and meta-analysis"**. Sleep Med.14(4):324-332.
- Harrington JJ, Avidan AY. (2005) **"Treatment of sleep disorders in elderly patients"**. Curr Treat Options Neurol. 7(5):339-352.
- Holfeld B, Ruthig JC. (2012) **"A Longitudinal Examination of Sleep Quality and Physical Activity in Older Adults"**. Journal of Applied Gerontology. 14, 1-17.
- Hosseini, H., Fakhari, M., Marandi, S. M., Rezaei, A. (2011) **"The effect of Ti Chi exercise on the sleep quality of the elderly residents in Isfahan, Sadeghieh elderly home"**. IJNMR; 16(1): 55-60.

- Kalleinen N, Polo O, Himanen SL, Joutsen A, Urrila AS, Polo-Kantola P. (2006) "**Sleep deprivation and hormone therapy in post menopausal women**". Sleep Med. 7(5): 436-
- Kiejna A, Rymaszewska J, Wojtyniak B, Stokwiszewski J. (2004) **Characteristics of sleep disturbances in Poland– results of the National Health Interview Survey**. Acta Neuropsychiatrica.
- King, A.C., Oman, R.F. Brassington, G.S., Bliwise, D.L. and Haskell, W.L. (1997) **Moderate – intensity exercise and self – rated quality of sleep in older adults. A randomized controlled trial**". Journal of the American medical association, 277, PP: 32-37.
- King, C., Leslie, A., Pruitt, S., Cynthia, M., David, K., Michael, V., Steven, H. & Donald, L.B. (2008) "**Effects of moderate – intensity exercise on polysomnographic and subjective sleep quality in older adults with mild to moderate sleep complaints**". Journal of gerontology series. 63: Pp: 997-1004.
- Kirk-Sanchez NJ, McGough EL. (2013) **Physical exercise and cognitive performance in the elderly: current perspectives**. J Clinical Interventions in Aging. 51-74.
- Krishnan P, & Hawranik P. (2008) "**Diagnosis and management of geriatric insomnia (guide for nurse practitioner)**". Journal of American academy of nurse practitioners. 20(12):590-9.
- Lambourne, K., Audiffren, M., Tomporowski, PD.(2010) "**Effects of Acute Exercise on Sensory and Executive Processing Tasks**". Med Sci Sports Exerc. 42(7): 1396-1402.
- Lauri S, Lepistö M & Kappeli S. (1997) "**Patients' needs in hospital: nurses' patients' views**". J Adv Nurs. 25(2): 339- 46.
- Loppenthin K, Esbensen BA, Jennum P, ostergaard M, Christensen JF, Thomsen T, Bech JS, Midtgaard J. (2014) "**Effect of intermittent aerobic exercise on sleep quality and sleep disturbances in patients with rheumatoid arthritis – design of a randomized controlled trial**". BMC Musculoskeletal Disorders. 15(49), 8-2.
- Matousek M, Cervena K, Zavesicka L, Brunovsky M. (2004) "**Subjective and objective evaluation of alertness and sleep quality in depressed patients**". BMC Psychiatry May. 4(1) :14.
- Montgomery P, Lilly J. (2007) **Insomnia in the elderly**. Clin Evid.
- Montgomery, p, and Dennis. J. (2002) "**Physical exercise for sleep problems in adults aged 60+**". The Cochrane Database of systematic reviews. 4, CD003404.
- Ohayon M. (1996) "**Epidemiological study on insomnia in the general population**". Sleep.19: 7-S15.
- Passos G.S., Poyares D, Santana M, Rodrigues C., Shawn D. Youngstedt d,e, Sergio T., Marco M. (2011) "**Effects of moderate aerobic exercise training on chronic primary insomnia**". Sleep Medicine. 12: 1018–1027.
- Petit L, Azad N, Byszewski A, Sarazan F, Power B. (2003) "**Nonpharmacological**

management of primary and secondary insomnia among older people: review of assessment tools and treatments". Age and Ageing. 32: 19-25.

- Reid KJ, Baron KG, Lu B, Naylor E, Wolfe L, & Zee, PC. (2010) "**Aerobic exercise improves self-reported sleep and quality of life in older adults with insomnia**". Sleep Medicin. 11(9): 934-940.
- Roveda, E., Sciolla, C., Montaruli, A., Calogiuri, G., Angeli, A., Carandente, F. (2011) "**Effects of endurance and strength acute exercise on night sleep quality**". International SportMed Journal. Vol.12 No.3 pp. 113-124.
- Sumiyoshi A, Taki Y, Nonaka H, Takeuchi H, Kawashima R. (2014) "**Regional gray matter volume increases following 7days of voluntary wheel running exercise: A longitudinal VBM study in rats**". NeuroImage . 23(5), 34-52.
- Voss MW, Erickson KI, Prakash RS, et al. (2013) "**Neurobiological markers of exercise-related brain plasticity in older adults**". Brain Behave Immune. 28: 90-99
- Wang X , Youngstedt SD. (2014) "**Sleep quality improved following a single session of moderate-intensity aerobic exercise in older women: Results from a pilot study**". Journal of Sport and Health Science. In Press.
- Weltman, A. Widman, L., Weltman, J.Y., and Veldhuis, J.D. (2003) "**Neuro-endocrine control of GH release during acute aerobic exercise**". Journal of Endocrinological Investigation. 26, 843-850.
- Yeung WF, Chung KF, Poon MM, Ho FY, Zhang SP, Zhang ZJ, et al. (2012) "**Acupressure, reflexology, and auricular acupressure for insomnia: a systematic review of randomized controlled trials**". Sleep Med. 13(8): 971-84.



چالش ها و فرصت های فراوری ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن

حمید رضا صادقی پور^۱

محبوبه جهانیان^۲

سیده راضیه موسوی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۰

عدم تحرک جسمانی بانوان به معنای محروم شدن بخش مهمی از جامعه از سلامتی و بهداشت جسمانی و روانی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی موانع و فرصت های ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه ورزشکاران و مربیان فعال حاضر در تیم های ثبت شده بوشهر تشکیل می دادند که بصورت تصادفی تعداد ۳۷۵ نفر از آن ها به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار تحقیق حاضر، پرسشنامه محقق ساخته موانع و فرصت های ورزش بانوان بود که این پرسشنامه مشکلات ورزش بانوان را در پنج عامل سازمانی و مدیریتی، نیروی متخصص، محیطی، اجتماعی و روانشناختی مورد بررسی قرار داد. پایایی پرسشنامه استفاده شده در این تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کروتباخ ۰/۹۱ به دست آمد. از آمار استنباطی تحلیل عاملی برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد. نتایج نشان داد که مهم ترین عامل به عنوان مانع فراوری ورزش بانوان، عامل سازمانی و مدیریتی با میانگین $3/92 \pm 1/27$ بود. عدم وجود مشاور پزشکی در اماکن ورزشی با میانگین $3/84 \pm 1/23$ در اولویت اول موانع ورزش بانوان از بعد سازمانی و مدیریتی معرفی شد. از نظر نمونه های تحقیق در عامل نیروی متخصص، عدم تخصص مربیان و کمبود مربیان با تجربه با میانگین $3/61 \pm 1/21$ به عنوان اولین مانع ورزش بانوان بوشهر بود. همچنین، کیفیت پایین تجهیزات ورزشی (با میانگین $3/72 \pm 1/33$) و شرایط نامناسب آب و هوایی (با میانگین $3/54 \pm 1/07$) به عنوان مهم ترین اولویت ها در عامل محیطی گزارش شد. در عامل روانشناختی، عدم اطمینان خود و خانواده از امنیت محیط ورزشی با میانگین $3/86 \pm 1/15$ به عنوان مهم ترین اولویت معرفی شد. عدم حمایت و تشویق

E-mail: h.rsadeghi@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر

۳. کارشناس اداره کل ورزش و جوانان، استان بوشهر

خانواده با میانگین $3/27 \pm 1/44$ به عنوان مهم ترین اولویت عامل اجتماعی گزارش شد. بر اساس نتایج این تحقیق، برای رفع موانع ورزش بانوان ابتدا باید بر بخش سازمانی و مدیریتی اداره ورزش و جوانان تاکید کرد.

واژگان کلیدی: ورزش بانوان، موانع ورزشی و فرصت های ورزشی

مقدمه

بدون تردید، امروزه ورزش به عنوان پدیده ای جهانی شناخته می شود که با افزایش سطح آگاهی مردم از اثرات آن بر جنبه های مختلف روحی، جسمی و اجتماعی، شاهد گسترش روزافزون شرکت در برنامه های ورزشی می باشیم. بر همین اساس امروزه دولت ها بیش از پیش به دنبال برنامه ریزی و سرمایه گذاری در امر ورزش در سطوح مختلف تفریحی تا حرفه ای می باشند. (انورالخولی، ۱۳۸۱) توسعه و اعتلای ورزش در جامعه نیازمند برنامه ریزی گسترده مبتنی بر تحقیقات علمی و انطباق برنامه ها با نیازهای اساسی جامعه می باشد. (علم، ۱۳۸۱) در این میان، بر همگان کاملاً واضح و مبرهن است که بدون در نظر گرفتن زنان که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند دستیابی به این امر میسر نمی باشد (منظمی و همکاران، ۱۳۹۰) توسعه و گسترش سازمان های ورزشی بین المللی، ضرورت ایجاد جاذبه و فرصت پرداختن بانوان به ورزش را ضروری ساخته است. امروزه اثرات ورزش و فعالیت بدنی در زنان سنین مختلف از هر دو بعد جسمی و روحی ثابت شده است. یافته های تحقیقی نشان می دهد که ورزش و فعالیت بدنی در زنان باعث کاهش معناداری افسردگی به خصوص در سنین سالمندی می شود (آرمان، ۱۳۹۳). بر اساس نتایج پژوهش ها، در طول دهه های اخیر ورزش بانوان بطور فزاینده ای محبوبیت یافته و تعداد زنان ورزشکار شرکت کننده در مسابقات ورزشی در حال رشد می باشد. (Emeka et al, 2009)

نحوه مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی، مسئله ای پیچیده است که عوامل زیادی در آن دخالت دارند؛ چنان که تحقیقات حاکی از وجود موانع بیشتر برای زنان در جهت مشارکت در فعالیت های ورزشی بخصوص فعالیت های مرتبط با اوقات فراغت در مقایسه با مردان می باشد. (Raedeke and Burton, 1999) تلاش در جهت شناخت و سپس رفع موانع و مشکلات حضور بانوان در ورزش، تضمین کننده دستیابی به سلامت جسمی و روحی بانوان است، ضمن آنکه می تواند زمینه را برای گسترش ورزش حرفه ای بانوان و فواید اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ناشی از آن فراهم آورد. درباره موانع حضور بانوان در ورزش، مدل های مختلفی ارائه شده است. در مدلی که کراوفورد و همکاران ارائه دادند، این موانع بر اساس درجه اهمیت آن ها به سه دسته درون فردی، بین فردی و ساختاری تقسیم شده است. آن ها موانع درون فردی را به خصوصیات بازدارنده روانی که ریشه در تجارب منفی فردی دارد، موانع بین فردی را به عدم تعامل مثبت بین افراد و موانع ساختاری را به کمبود امکانات مرتبط دانستند. (Crawford et al, 1999) بعدها از انگیزه به عنوان عاملی مهم در مشارکت بانوان در ورزش نام برده شد. در مدل توالی انگیزه که از سوی والراند و ولویسر ارائه شد، عوامل اجتماعی بر واسطه های روانی تأثیر می گذارند و واسطه های روانی بر سطح انگیزه اثر گذار می باشند. میزان و نوع انگیزه، تعیین کننده رفتار فرد از جمله سطح مشارکت در فعالیت می باشد. (Vallerand and Losier, 1994) در تحقیقاتی که پیرامون این امر در کشورهای مختلف انجام شده است، دلایل مختلفی به عنوان موانع مشارکت بانوان در ورزش بیان شده است.

در بسیاری از کشورها، وجود برخی از محدودیت ها مانند محدودیت های فرهنگی و اجتماعی، محدودیت های مدیریتی و محدودیت های مالی و امکاناتی به طور ناخودآگاه باعث کم شدن سطح مشارکت بانوان در ورزش و فعالیت بدنی می شود. آنچه که از سوی همگان پذیرفته شده است، برجسته تر بودن این محدودیت ها در ایران به اقتضای شرایط فرهنگی اجتماعی حاکم بر کشور می باشد. (کاشف، ۱۳۷۴) مطالعات نشان می دهد که در سال های قبل، مردان ایرانی بیش از ۶/۸ برابر زنان به ورزش و فعالیت بدنی می پرداختند. (کاشف، ۱۳۷۴) جلیلیان و همکاران (۱۳۸۹) با تحقیق بر روی وضعیت فعالیت بدنی در زنان شاغل گزارش دادند که ۶۵ درصد از زنان شاغل تحرک کافی ندارند و تنها ۸/۷ درصد از آن ها به طور

منظم به ورزش و فعالیت بدنی می پردازند. (جلیلیان و همکاران، ۱۳۸۹) با این حال، آمارها نشان می دهد که در سال های اخیر میزان مشارکت و موفقیت ورزشی بانوان ایرانی رو به رشد بوده است - هرچند با وضعیت مطلوب همچنان فاصله زیادی دارد؛ چنان که طبق گزارش عملکرد برنامه توسعه چهارم، میزان جمعیت ورزش قهرمانی بانوان ایرانی نسبت به هدف پیش بینی شده ۲۱ درصد رشد داشته است. (شاهرخ شاهی، ۱۳۹۰) البته، جهت گیری اصلی برنامه های توسعه کشور تنها پیشبرد ورزش رقابتی نیست، بلکه کسب تندرستی، نشاط و روابط اجتماعی از مهم ترین اهداف مشارکت به شمار می آید. (Frankish et al, 1990) ثابت شده است که شرکت در ورزش و فعالیت بدنی، تاثیر مثبتی بر هر دو بعد جسمی و روحی انسان دارد. از این رو، توجه به این امر در جامعه بزرگ بانوان ایرانی ضروری است. پیشگیری از چاقی، کاهش ابتلا به پرفشاری خون، بیماری های قلبی - عروقی، پوکی استخوان، سرطان کولون و پستان نمونه هایی از اثرات ورزش است که می تواند به سلامت بانوان به عنوان یک جامعه آماری بزرگ در ایران کمک شایانی کند. (Schoenbom et al, 2002) ضمن آنکه با گسترش ورزش بانوان و سوق دادن آن به سمت ورزش قهرمانی، می توان شاهد موفقیت ورزشکاران زن در سطح بین المللی نیز بود. بنابراین تحقیقات و سیاست های راهبردی دولت باید در جهت شناسایی و رفع مشکلات و همچنین شناسایی فرصت های ورزشی هریک از مناطق مختلف کشور باشد تا از این طریق مشارکت ورزشی بانوان گسترش و در نهایت، میزان سلامتی بانوان و حضور در میادین رقابتی ورزشی بانوان در سطوح داخلی و بین المللی گسترش یابد.

میزان حضور، مشارکت و یا عدم مشارکت بانوان در فعالیت های ورزشی به عنوان شاخصی جهانی نشانگر وضعیت اجتماعی زنان در هر جامعه ای می باشد. به طور قطع، اهمیت این موضوع در ایران به علت نیازمندی های محیطی و امکاناتی مستقل و اختصاصی برای زنان کاملاً روشن می باشد (منظمی، ۱۳۸۷) و لازمه دستیابی به این هدف، اتخاذ مدیریت های علمی و عملی دقیق است، اما این مدیریت جدای از ویژگی های تخصصی و فردی مورد نیاز مدیر، خود می تواند متاثر از عوامل مختلفی باشد که بر سطح مشارکت بانوان در ورزش تاثیرگذار است. متفاوت بودن میزان و تعداد نیروهای تخصصی مورد نیاز در مناطق و استان های مختلف، متفاوت بودن بودجه تخصیص یافته از سوی دولت برای نقاط مختلف کشور و ویژگی های خاص هریک از مناطق و استان های کشور همگی می تواند در سطح مشارکت و رشد ورزش بانوان تاثیرگذار باشد. آنچه که مسلم است در برخی از نقاط ایران بنا به دلایلی از جمله: وضعیت محیطی، کاهش سطوح فعالیت بدنی و ... افزایش سطح بیماری های قلبی - عروقی مشاهده شده است. برای مثال، در بوشهر بنابر اظهارات مسئولان مربوطه در برخی از سال ها بیش از ۳۵ درصد فوتی ها بر اثر بیماری های قلبی - عروقی و بیشترین میزان بیماران دیابتی در این شهرستان بوده است که این خود ضرورت ارزیابی و رفع موانع حضور در فعالیت بدنی را نمایان می سازد. در تحقیقات پیشین در این زمینه، نظر ورزشکاران و مربیان زن کشور کمتر مورد ارزیابی قرار گرفته و در استان بوشهر هیچ مطالعه ای صورت نگرفته است. بر همین اساس، هدف از پژوهش حاضر بررسی موانع و فرصت های ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن می باشد.

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را همه ورزشکاران و مربیان زن شهر بوشهر تشکیل می دادند. از مجموع حدود ۱۵ هزار مربی و ورزشکار زن سازمان یافته بر اساس آمار اداره ورزش و جوانان شهرستان بوشهر، تعداد ۳۷۵ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده و بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان^۱،

به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای بود که موانع ورزش بانوان را مورد سنجش قرار می داد. سؤالات استخراج شده این تحقیق ۴۵ سؤال بود که در قالب پرسشنامه ۵ ارزشی لیکرتی (از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) طراحی شد. در مجموع ۴۵ سوال پرسشنامه موانع، در پنج عامل با عنوان موانع سازمانی و مدیریتی، نیروی متخصص، محیطی، روانشناختی و عدم حمایت اجتماعی طبقه بندی شدند. مبنای انتخاب مولفه ها، استفاده از پیشینه تحقیق بود. روایی ابزار تحقیق توسط چند نفر از اساتید مدیریت ورزشی مورد تایید قرار گرفت. میزان ثبات درونی (پایایی) کلی پرسشنامه ۰/۹۱ و ثبات درونی هریک از عوامل بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۳ (عامل سازمانی و مدیریتی ۰/۷۶، نیروی متخصص ۰/۸۴، محیطی ۰/۸۳، روانشناختی ۰/۹۳، و اجتماعی ۰/۸۷) با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمد.

از آمار استنباطی تحلیل عاملی جهت تعیین مهمترین موانع ورزش بانوان از دیدگاه جامعه مورد نظر استفاده شد. برای تأیید پیش فرض های مورد نیاز از آزمون های کفایت حجم نمونه (KMO) و آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS نسخه ۱۹ صورت گرفت.

یافته های پژوهش

بر اساس یافته های تحقیق، میانگین سنی آزمودنی های تحقیق حاضر $24/7 \pm 4/3$ بود. در مجموع، ۵۷/۸ درصد شرکت کنندگان مجرد و ۴۲/۱ درصد نمونه های تحقیق متأهل بودند. ۲۴/۸ درصد شرکت کنندگان دارای مدرک دیپلم یا زیر دیپلم، ۲۲/۴ درصد فوق دیپلم، ۴۶/۱ درصد لیسانس و ۶/۶ درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر بودند. همچنین، از مجموع ۳۷۵ نمونه تحقیق، ۳۱ نفر (۸/۲ درصد) دارای سابقه قهرمانی در سطوح مختلف بودند. (جدول ۱) برای بررسی مناسب بودن داده ها از آزمون KMO استفاده شد که ضریب رضایت بخش ۰/۸۶ به دست آمد. ضمن آنکه در آزمون اندازه گیری کرویت بارتلت، مقدار $\chi^2_{(2)} = 23512/43$ به دست آمد که در سطح $P = 0/001$ معنادار بود.

جدول ۱: توزیع شرکت کنندگان بر اساس جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت تحصیلی

ویژگی جمعیت شناختی	وضعیت	تعداد	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۲۱۷	۵۷/۸
	متأهل	۱۵۸	۴۲/۱
	مجموع	۳۷۰	۱۰۰
وضعیت تحصیلی	دیپلم و زیر دیپلم	۹۳	۲۴/۸
	فوق دیپلم	۸۴	۲۲/۴
	لیسانس	۱۷۳	۴۶/۱
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۵	۶/۶
	مجموع	۳۷۵	۱۰۰

عامل سازمانی و مدیریتی را ۱۴ گویه تشکیل می داد که از نظر نمونه های تحقیق، عدم وجود مشاور پزشکی در اماکن ورزشی با میانگین $3/84 \pm 1/23$ در اولویت اول و عدم حضور مسئولان در فعالیت های ورزشی با میانگین $3/07 \pm 0/96$ به عنوان آخرین اولویت از موانع ورزش بانوان از بعد سازمانی و مدیریتی معرفی شد. (جدول ۲)

جدول ۲: توصیف اولویت گویه های عامل سازمانی و مدیریتی

اولویت	گویه	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین
۱	عدم وجود مشاور پزشکی در زمینه فعالیت بدنی در اماکن ورزشی	$3/94 \pm 1/04$
۲	عدم اختصاص بودجه ورزشی کافی از سوی سازمان ورزش و جوانان	$3/71 \pm 1/18$
۳	عملکرد ضعیف اداره ورزش و جوانان	$3/67 \pm 0/64$
۴	فرهنگ سازی ضعیف در زمینه ورزش و استفاده از امکانات ورزشی	$3/55 \pm 1/24$
۵	عدم برگزاری دوره های آموزشی تخصصی رشته های مختلف ورزشی	$3/52 \pm 1/23$
۶	ضعف بخش روابط عمومی اداره ورزش و جوانان و هیئت های ورزشی	$3/43 \pm 1/21$
۷	عدم توجه به رشته های مورد علاقه مراجعان در اماکن ورزشی	$3/40 \pm 1/32$
۸	برخورد نامناسب دست اندرکاران اماکن ورزشی و فضاهای ورزشی	$3/35 \pm 1/42$
۹	عدم اطلاع رسانی و تبلیغات مناسب درباره فعالیت های ورزشی	$3/35 \pm 0/22$
۱۰	عدم وجود رشته های ورزشی متنوع در اماکن ورزشی	$3/31 \pm 1/36$
۱۱	ضعف اطلاع رسانی رسانه ها درباره فواید فعالیت بدنی و ورزش	$3/31 \pm 0/46$
۱۲	محدودیت های فرهنگی مرتبط با فعالیت های بدنی ویژه بانوان	$3/20 \pm 1/09$
۱۳	پوشش نامناسب خبرگزاری های استانی از فعالیت های ورزشی بانوان	$3/19 \pm 1/22$
۱۴	عدم حضور و شرکت مسئولان در فعالیت های ورزشی	$3/07 \pm 0/96$

در عامل نیروی تخصص، عدم تخصص مربیان و کمبود مربیان با تجربه با میانگین $۳/۶۱ \pm ۱/۲۱$ به عنوان اولین اولویت از سوی بانوان بوشهر معرفی شد. (جدول ۳)

جدول ۳: توصیف اولویت گویه های عامل نیروی تخصص

اولویت	گویه	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین
۱	عدم تخصص مربیان و کمبود مربیان آگاه و با تجربه	$۳/۶۱ \pm ۱/۲۱$
۲	توزیع نامناسب مربی زنان	$۳/۶۵ \pm ۱/۱۸$
۳	آشنا نبودن مربیان زن با علم روز ورزش	$۳/۶۳ \pm ۰/۹۲$
۴	میزان هماهنگی و همدلی بین مربیان استان	$۳/۴۴ \pm ۱/۲۹$
۵	توجه ناکافی به ورزشکاران نخبه زن استان	$۳/۳۱ \pm ۱/۳۲$
۶	عدم تناسب بین فعالیت های ورزشی ارائه شده با نیاز ورزشی بانوان	$۲/۱۸ \pm ۰/۲۷$
۷	عملکرد و دانش ضعیف داوران ورزشی استان	$۲/۲۶ \pm ۱/۳۱$

همچنین، نتایج نشان داد که در ۱۳ گویه عامل محیطی، کیفیت پایین تجهیزات ورزشی (با میانگین $۳/۷۲ \pm ۱/۳۳$) و شرایط نامناسب آب و هوایی (با میانگین $۳/۵۴ \pm ۱/۰۷$) به عنوان مهم ترین اولویت ها و چالش های فراوری ورزش بانوان بوشهر گزارش شده است. نبود تشکیلات ورزشی در سازمان ها (با میانگین $۲/۰۴ \pm ۱/۲۵$) به عنوان آخرین اولویت این عامل گزارش شد. (جدول ۴)

جدول ۴: توصیف داده های مربوط به عامل محیطی

اولویت	گویه	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین
۱	پایین بودن کیفیت وسائل و تجهیزات ورزشی	$۳/۷۲ \pm ۱/۳۳$
۲	نامناسب بودن شرایط آب و هوایی منطقه	$۳/۵۴ \pm ۱/۰۷$
۳	نامناسب بودن وضعیت بهداشتی اماکن و فضاهای ورزشی	$۳/۲۳ \pm ۱/۲۹$
۴	عدم ایمنی فضاها و اماکن ورزشی	$۳/۲۱ \pm ۱/۳۲$
۵	نامطلوب بودن وضعیت ظاهری اماکن و فضاهای ورزشی	$۳/۱۵ \pm ۱/۲۹$
۶	نامناسب بودن ساعات اختصاص اماکن ورزشی استان به بانوان	$۳/۰۷ \pm ۰/۴۴$
۷	نامناسب بودن سیستم های گرمایشی و سرمایشی در اماکن ورزشی	$۲/۶۹ \pm ۱/۴۴$
۸	پراکندگی اماکن ورزشی و کمبود فضا و امکانات ورزشی	$۲/۵۴ \pm ۲/۴۴$
۹	عدم وجود اماکن و فضاهای ورزشی اختصاصی برای بانوان	$۲/۴۲ \pm ۰/۴۴$
۱۰	سختی دسترسی به فضاها و امکانات ورزشی	$۲/۱۷ \pm ۱/۷۶$

۱۱	عدم واگذاری اماکن ورزشی به بخش خصوصی	$2/08 \pm 1/65$
۱۲	نبود تشکیلات ورزشی در سازمان ها برای زنان شاغل	$2/04 \pm 1/25$

عامل چهارم بررسی شده در پرسشنامه این تحقیق مربوط به عامل روانشناختی با ۷ گویه بود که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است. نتایج نشان داد که عدم اطمینان خود و خانواده از امنیت محیط ورزشی با میانگین $3/86 \pm 1/15$ به عنوان مهم ترین اولویت گزارش شد. خجالتی بودن با میانگین $1/92 \pm 1/74$ به عنوان آخرین اولویت گزارش شد. (جدول ۵)

جدول ۵: توصیف داده های مربوط به عامل روانشناختی

اولویت	گویه	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین
۱	عدم اطمینان خود و خانواده از امنیت محیط ورزش	$3/86 \pm 1/15$
۲	خودپنداره منفی (برداشت منفی از خود)	$3/76 \pm 0/49$
۳	ترس از بدتر شدن مشکلات جسمانی	$3/04 \pm 1/25$
۴	ترس از قضاوت دیگران درباره خود	$2/86 \pm 1/31$
۵	ترس از قرار گرفتن در جمع و بودن در اجتماع	$2/72 \pm 1/31$
۶	کم بودن قدرت و توان بدنی	$2/51 \pm 1/27$
۷	خجالتی بودن	$1/92 \pm 1/74$

عامل پنجم بررسی شده در تحلیل عاملی این تحقیق، عامل عدم حمایت اجتماعی بود که شامل ۴ گویه بود. بر اساس نتایج، عدم حمایت و تشویق خانواده با میانگین $3/27 \pm 1/44$ به عنوان مهم ترین اولویت در این عامل گزارش شد. (جدول ۶)

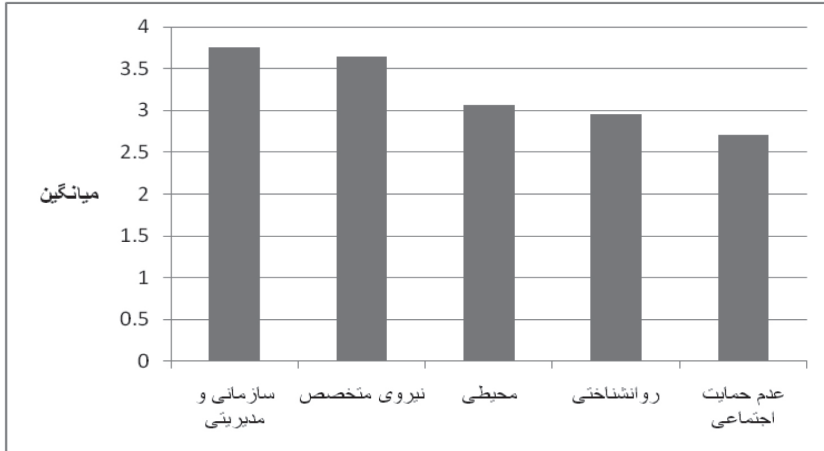
جدول ۶: توصیف اولویت گویه های عامل عدم حمایت اجتماعی

اولویت	گویه	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین
۱	عدم حمایت و تشویق خانواده	$3/27 \pm 1/44$
۲	عدم آگاهی اعضای خانواده از فواید ورزش و فعالیت بدنی	$3/17 \pm 1/25$
۳	بی تحرک بودن و عدم فعالیت بدنی سایر اعضای خانواده	$3/14 \pm 1/20$
۴	عدم تشویق دوستان و همکاران	$3/09 \pm 1/07$

میزان اهمیت هریک از عامل های موانع ورزش بانوان از دیدگاه نمونه های تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است. نتایج نشان داد که مهم ترین عامل به عنوان مانع و چالش فراوری ورزش بانوان، عامل سازمانی و

مدیریتی با میانگین $3/92 \pm 1/27$ است. (شکل ۱)

شکل ۱: اولویت هریک از عامل های تحقیق



بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش موانع و فرصت های ورزش بانوان بوشهر در پنج عامل سازمانی و مدیریتی، نیروی متخصص، محیطی، درون فردی و عدم حمایت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که اولویت این عوامل از دیدگاه شرکت کنندگان به ترتیب عبارت بود از: سازمانی و مدیریتی، نیروی متخصص، عدم حمایت اجتماعی، محیطی و درون فردی. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که از نظر ورزشکاران و مربیان، موانع مربوط به عامل سازمانی و مدیریتی به عنوان مهم ترین مانع فراروی ورزش بانوان بوشهر بوده است. در تحقیق کشر و احسانی (۱۳۸۶)، احسانی و همکاران (۱۳۸۶) و خانی (۱۳۹۲) نیز عامل سازمانی و مدیریتی به عنوان مهم ترین عامل گزارش شد. آسیهل^۱ (۲۰۰۵) نیز موانع مدیریتی را جزو کم اهمیت ترین موانع فعالیت بدنی معرفی کرد.

همچنین، از دیدگاه شرکت کنندگان در این پژوهش، عدم وجود مشاور پزشکی در زمینه ورزش و فعالیت بدنی در اماکن ورزشی مهم ترین موانع مدیریتی و سازمانی بود. احتمالاً شرکت کنندگان در این پژوهش وجود پزشک در اماکن و فضاهای ورزشی جهت تأیید سلامتی، دادن کمک ها و مشاوره های پزشکی در زمینه تأثیر مثبت یا منفی فعالیت بدنی بر بیماری ها یا ناهنجاری های بدنی مختلف، شدت تمرین و تغذیه مناسب را یکی از ضروریات این اماکن می دانند. اتقیا (۱۳۸۷) نیز در مطالعه خود بر لزوم وجود کلینیک حرکات اصلاحی، طب ورزشی و مشاوره تغذیه در اماکن و فضاهای ورزشی تأکید کرده است. شکی نیست که ارائه اطلاعات پزشکی برای ورزشکاران و مربیان در هر سطحی که فعالیت دارند، فوق العاده مهم می باشد. ورزشکاران غیر حرفه ای ممکن است با ترس از به خطر افتادن سلامتی خود به دلیل اجرای برخی حرکات ورزشی و ورزشکاران سطوح نیمه حرفه ای و حرفه ای با ترس از دور ماندن از ورزش و رسیدن به اهداف بلند مدت خود، نبود مشاور پزشکی را از چالش های مهم فراروی ورزش خود بدانند. امروزه، مشاوره های تغذیه ای

1. Asihel

از الزامات تیم های ورزشی است که گاهی از سوی بسیاری از تیم های ورزشی مورد توجه قرار نمی گیرد. در تحقیق اتقیا (۱۳۸۷) نیز ۹۷ درصد از بانوان بر حضور مشاور تغذیه ای در کنار فعالیت های ورزشی خود تاکید داشتند. بدین ترتیب، با قرار دادن مشاوره های پزشکی، تغذیه ای و روانشناسی حداقل برای یک نوبت در هفته برای تیم های ورزشی می توان این مانع ورزش بانوان را به حداقل میزان خود رساند.

عدم تخصص مربیان و کمبود مربیان باتجربه، از دیگر موانعی بود که شرکت کنندگان از موانع مهم ورزش بانوان برشمرده اند. این یافته با یافته های عزیزی و همکاران (۱۳۹۰)، گودرزی و اسدی (۱۳۷۹) و اتقیا و همکاران (۱۳۸۷) هم خوانی دارد. سیرارد^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود مشکلات مربوط به مربیان را از مهم ترین موانع ورزشی بیان کردند. آذریکیان و ترتیبی (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود تاثیر تجربه مربیان را بر کیفیت بازخورد در هنگام آموزش یک مهارت حرکتی ارزیابی کردند و گزارش دادند که مربیان باتجربه، بازخورد افزوده بیشتری توانستند به ورزشکاران بدهند. به هر حال، لازمه دستیابی به موفقیت ورزشی در هر سطحی و با هر هدفی، بهره گیری از مربیان با تجربه و به روز می باشد بر اساس یافته های تحقیقی، یکی از مهم ترین عوامل دوری از ورزش و فعالیت بدنی، ترس از بروز آسیب های ورزشی به دلیلی کمبود مربیان با تجربه می باشد. (آفرینش خاکی و همکاران، ۱۳۸۴) با توجه به یافته های عامل سازمانی و مدیریت که در آن نبود مشاوره پزشکی به عنوان مهم ترین مانع ورزشی یاد شده، می توان دریافت که شاید یکی از علل اصلی این دغدغه، نبود مربی باتجربه بوده است؛ به گونه ای که ورزشکاران در نبود مربی باتجربه به مشاور پزشکی احساس نیازی بیشتری کرده اند.

اولین مانع محیطی مهم از دیدگاه شرکت کنندگان این تحقیق، کیفیت پایین وسایل و تجهیزات ورزشی بود. این نتایج با یافته های خانی (۱۳۹۲) همخوانی داشت. دستیاری (۱۳۸۸) با بررسی کیفیت و کمیت تجهیزات ورزشی استان لرستان گزارش کرد که اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی مدارس استان لرستان از جهت کیفیت، نوع و مرغوبیت ابزار ۳۴/۸ درصد خوب و حدود ۲۶/۱ درصد متوسط گزارش شده است. کوزه چیان و عابدی (۱۳۸۰) نیز کیفیت تجهیزات ورزشی استان مرکزی را ارزیابی کردند و گزارش دادند که کیفیت تجهیزات در وضعیت مطلوبی قرار نداشت. به هر حال، بازیکنان و ورزشکاران نخبه به وسایل، تجهیزات و اماکن ورزشی دارای سطح بالایی از کیفیت نیاز دارند. بنابراین، هرچه سطح ورزشکاران بالاتر باشد، نیاز آنان به تجهیزات با کیفیت تر، محسوس تر می گردد.

عواملی همچون: کمبود وسایل حمل و نقل، عدم دسترسی به فضاها و سالن های ورزشی و عدم سرمایه گذاری در توسعه اماکن ورزشی زنان همگی می تواند از موانع اصلی فراوری ورزش بانوان باشد. تندنویس (۱۳۸۱) معتقد است اگرچه در سال های اخیر قدم های مثبتی برای ایجاد امکانات و تأسیسات ورزشی در کشور برداشته شده است، اما هنوز زنان امکانات ورزشی برابری با مردان ندارند. مشارکت و تخصیص اعتبارات ورزشی از سوی ارگان های دولتی و خصوصی جهت تجهیز وسایل ورزشی سالن های موجود در سطح شهر و در مقابل ارائه سانس های ورزشی به کارکنان و ورزشکاران شاغل در این ارگان ها در قبال این مشارکت، می تواند یکی از راه های افزایش کیفیت و رفع این مانع ورزشی باشد. یکی از پیشنهادات محقق، افزایش مشارکت شرکت نفت و مدیریت فازهای پارس جنوبی در تیم داری و در نتیجه، توسعه امکانات ورزشی در سطح استان بوشهر است.

دومین مانع محیطی مهم از دیدگاه شرکت کنندگان در این پژوهش، شرایط نامناسب آب و هوایی منطقه بود. بدی آب و هوا از جمله شرایطی است که می تواند بر مشارکت افراد در فعالیت های فضاهای روباز

ورزشی اثرگذار باشد. ترگرسون و کینگ^۱ (۲۰۰۲) و الگیلانی^۲ (۲۰۱۱) نیز این عامل را یکی از عوامل مؤثر بر عدم مشارکت افراد در فعالیت های ورزشی معرفی کرده اند. وجود گرما و رطوبت بالا در هوای بوشهر می تواند به عنوان یکی از موانع ورزش بانوان بوشهر باشد که باید در کیفیت ساخت فضاهای ورزشی در این استان مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر، به دلیل محدودیت های فرهنگی موجود در کشور، وجود اماکن و فضاهای اختصاصی برای بانوان بخصوص در شرایط آب و هوایی مانند بوشهر امری ضروری است. توسعه و تجهیز پلاژهای بانوان که در حال حاضر جهت گذراندن اوقات فراغت و تفریحات آبی در ساحل بوشهر قرار دارد، می تواند تا حدودی در رفع این مانع ورزشی به خصوص در فصول گرم سال مؤثر واقع شود.

در عامل اجتماعی، نمونه های تحقیق حاضر عدم حمایت خانواده را به عنوان مهم ترین مانع فعالیت بدنی ورزش بانوان گزارش کردند. این نتایج با یافته های توموسیمه^۳ (۲۰۰۴) و الگیلانی و همکاران (۲۰۱۱) هم خوانی دارد. در تحقیق خانی (۱۳۹۲) عدم آگاهی سایر اعضای خانواده از فواید ورزش و فعالیت بدنی به عنوان مهم ترین عامل شناخته شد و عدم حمایت و تشویق خانواده، به عنوان دومین عامل و مانع ورزش بیان گردید. بدون شک، حمایت خانواده می تواند نقش مهمی در روند پیشرفت ورزش بانوان داشته باشد؛ چنان که بسیاری از قهرمانان ورزشی امروزه از آن به عنوان اولین عامل موفقیت خود یاد می کنند. افزایش آگاهی خانواده ها از فوائد و مزایای ورزش در تمامی سطوح برای خود فرد و کشور می تواند برطرف کننده این عامل فراروی ورزش بانوان باشد. افزایش برنامه های مرتبط با این امر در رسانه های عمومی به خصوص صدا و سیما با استفاده از کارشناسان اساتید تربیت بدنی و برگزاری کارگاه های آموزشی در ارگان های دولتی و خصوصی از سوی اساتید و کارشناسان تربیت بدنی و ورزش می تواند در افزایش آگاهی والدین و در نتیجه، مشارکت بیشتر ورزشی بانوان نقش داشته باشد.

از نظر نمونه های این تحقیق، عدم اطمینان خود و خانواده از امنیت محیط ورزش به عنوان مهم ترین اولویت مربوط به عامل روانشناختی گزارش شد. نوع و میزان فعالیت های بدنی و ورزشی افراد به ویژه زنان با نگرانی آنها در مورد امنیت فیزیکی و روانی محدود می شود. به نظر می رسد عوامل فرهنگی مرتبط با جامعه ما بر این نگرش تاثیر گذار باشد. نادریان جهرمی و هاشمی (۱۳۸۸) عوامل و نگرش های فرهنگی را از مهم ترین موانع ورزشی بانوان بیان کردند. ترس و نگرانی از امنیت ورزش، جدای از عوامل فرهنگی می تواند مؤثر از عوامل دیگری نیز باشد. آسیهل (۲۰۰۵) معتقد است کمبود وسایل حمل و نقل مناسب می تواند نگرانی های مربوط به امنیت را افزایش دهد. مطالعات نشان می دهد که زنان نسبت به مردان ترس بیشتری از محیط های ناامن دارند و از فعالیت ها یا موقعیت هایی که در آن احساس امنیت ندارند، دوری می کنند و عدم امنیت فضاهای ورزشی را یکی از دلایل مهم عدم مشارکت خود در فعالیت های بدنی بیان می دارند. ورزشکاران و مربیان زن بوشهری معتقد بودند که این عامل نسبت به سایر موانع، برای آنان محدودیت کمتری جهت پرداختن به فعالیت های ورزشی ایجاد می کند؛ اما در مطالعه تاتار (۲۰۰۹) این عامل به عنوان مهم ترین مانع معرفی شده بود.

در مجموع می توان گفت که از دیدگاه نمونه های این تحقیق، عامل سازمانی و مدیریتی به عنوان مهم ترین مانع و عامل عدم حمایت اجتماعی به عنوان کم اهمیت ترین مانع ورزش بانوان معرفی شدند. آنچه مسلم است این نتایج می تواند بر این نکته تاکید نماید که برای رفع موانع ورزش بانوان ابتدا باید در بخش سازمانی و مدیریتی اداره ورزش و جوانان اقداماتی صورت پذیرد؛ به گونه ای که با رفع موانعی که از سوی

1. Tergerson, and King

2. El-Gilany

3. Tumusiime

ورزشکاران و مربیان به عنوان اولویت های موانع ورزشی یاد شده، در این زمینه قدم های موثری برداشته شود. در قدم بعدی، با افزایش فعالیت در زمینه فرهنگ سازی ورزش بانوان از بعد اجتماعی به حل مشکلات فرا روی ورزش بانوان کمک کرد. به طور کلی، موانع فعالیت ورزشی بانوان در جامعه، زنجیروار به هم مرتبط اند و ضروری است که در برنامه ریزی برای رفع این موانع، به ماهیت و میزان اهمیت آنها از دیدگاه شرکت کنندگان توجه نمود تا زمینه مشارکت فعال و هر چه بیشتر این قشر از جامعه در فعالیت های ورزشی فراهم گردد. بدیه است که نیل به موفقیت در این اقدامات، شکوفایی همه بخش های جامعه را در پی خواهد داشت.

منابع

- اذریچیان، عاطفه و طاهری ترتیبی، حمید رضا (۱۳۹۳) "تاثیر تجربه مربیان بر کیفیت بازخورد افزوده در آموزش یک مهارت حرکتی". پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. در نوبت چاپ.
- آرمان، مرضیه (۱۳۹۳) "مقایسه میزان افسردگی، اضطراب و استرس زنان سالمند فعال و غیرفعال شهر اصفهان". فصلنامه علمی پژوهشی طب توانبخشی. ۳: ۸۸-۸۲
- آفرینش خاکی، اکبر؛ تندنویس، فریدون و مظفری، سید امیر احمد (۱۳۸۴) "مقایسه دیدگاه های اعضای هیئت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی". نشریه علوم حرکتی و ورزش. جلد اول. شماره ۵. ص: ۲۲-۱.
- اتقیاء، ناهید (۱۳۸۷) "نیازسنجی ورزشی بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائه راهکارهای کاربردی". نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال ششم. جلد اول. شماره ۱۱. ص ۹۶-۷۹.
- احسانی، محمد؛ کوزه چیان، هاشم و کشکر، سارا (۱۳۸۶) "بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت های ورزش تفریحی". پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۱۷. ص ۸۷-۶۳.
- انور الخولی، امین (۱۳۸۱) ورزش و جامعه. حمید رضا شیخی. تهران: انتشارات سمت
- تندنویس، فریدون (۱۳۷۸) "جایگاه ورزش در اوقات فراغت دانشجویان کشور". نشریه حرکت. سال اول. شماره ۲: ۱۱۱-۹۳.
- جلیلیان، فرزاد؛ امدادی، شهره؛ میرزایی علویجه، مهدی و براتی، مجید (۱۳۸۹) "بررسی وضعیت فعالیت جسمانی زنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی همدان: رابطه بین منافع، موانع، خودکارآمدی و سطوح مراحل تغییر". فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد. ۳۰، ص: ۹۹-۸۹.
- دستیاری، صحبت اله (۱۳۹۲) "بررسی و شناخت کمی و کیفی اماکن، فضاها و تجهیزات ورزشی مدارس ستان لرستان از دیدگاه ایمنی و شرایط زیستی محیطی".
- علم، شهرام (۱۳۸۱) "بررسی عوامل مؤثر در افزایش کارایی درس تربیت بدنی" پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، پژوهشکده آموزش و پرورش استان خوزستان.
- خانی، ندا (۱۳۹۲) "بررسی موانع مشارکت شهروندان تهرانی در فعالیت های ورزش همگانی و ارائه راهکارهای رفع آنها". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.
- شاهرخ شاهی، محمد باقر (۱۳۹۰) "گزارش عملکرد برنامه چهارم توسعه بخش تربیت بدنی و ورزش طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸". هفته نامه خبری تحلیلی برنامه. سال دهم، شماره ۴۴۳.
- عزیزی، بیستون؛ جلالی فراهانی، مجید و خبیری، محمد (۱۳۹۰) "بررسی نگرش دانشجویان ساکن خوابگاه های دانشگاه تهران به ورزش همگانی". مدیریت ورزشی. شماره ۸. ص ۹۱-۷۵.
- کاشف، مجید (۱۳۷۴) بررسی وضعیت ورزش در استان تهران. اداره کل تربیت بدنی استان تهران.
- کشکر، سارا و احسانی، محمد (۱۳۸۶) "بررسی اهمیت عوامل بازدارنده ی زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی". مطالعات زنان. سال ۵. شماره ۲. ص ۱۳۴-۱۱۳.
- کوزه چیان، هاشم و عابدی، بهرام (۱۳۸۰) "بررسی وضعیت کمی و کیفی تربیت بدنی و ورزش استان مرکزی از دیدگاه مسوولان و مربیان ورزشی". نشریه حرکت. شماره ۷: ۹۹-۹۱.
- گودرزی، محمد و اسدی، حسن (۱۳۷۹) "تحلیل میزان و نوع فعالیت-های فراغتی و ورزشی استادان دانشگاه تهران". حرکت. سال دوم. شماره ۴. ص ۳۶-۲۱.

- منظمی، مریم؛ علم، شهرام و شتاب بوشهر، سیده ناهید (۱۳۹۰) **"تعیین عوامل موثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران"**. نشریه مدیریت ورزش. شماره ۱۰: ۱۶۸-۱۵۱.
- منظمی، مریم (۱۳۸۷) **طرح و دستورالعمل اجرای همایش بزرگ پیاده روی کوثر**. اداره کل تربیت بدنی استان خوزستان.
- نادریان جهرمی، مسعود و هاشمی، هاجر (۱۳۸۸) **"عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند شهر اصفهان"**. پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲۳: ۱۵۰-۱۳۷.
- Asihel, S.G. (2005) **Perceptions of Constraints to Recreational Sports Participation: A Case Study of the University of the Western Cape (UWC) Undergraduate Female**. Electronic Theses and Dissertations Repository.
- Crawford, D, Jackson, E, Godbey, G. (1999) **"A hierarchical model of leisure constraints"**. Leisure Sciences. 13: 309-320.
- El-Gilany, A.H. Badawi, K. El-Khawaga, G. Awadalla, N. (2011) **"Physical activity profile of students in Mansoura University, Egypt"**. Eastern Mediterranean Health Journal. 17(8). 694-702.
- Emeka. A. Anaza., Meungguk, Park. Taeho, Yoh. (2009) **"An Examination of Constraints that Influence Spectators' Attendance in Women's Intercollegiate Sporting Events"**. North American Society for Sport Management Conference. p: 450.
- Frankish C.J., C.Dawn Millgan and Collen Reid (1998) **"A review of relationships between active living and determinants of health"**. Soc. Sci. Med, vol.47, no. 3, pp. 301-287.
- Schoenbom, A. Charlott, Barnes M. (1997) **"Leisure time physical activity among adults: United States, 1997-98"**. Advance Data. 2002 April 27; 325: 1-24.
- Sirard, J. Pfeiffer, K. Pate, R. (2006) **"Motivational factors associated with sports program participation in middle school students"**. Journal of Adolescent Health. 38:696-703.
- Raedeke, T. Burton, D (1999) **"Personal investment perspective on leisure-time physical activity participation: Role of incentives, program compatibility, and constraints"**. Leisure Sciences.
- Tatar, F.M. (2009) **"Perceived barrier to physical activity among Iium students: self-efficacy as mediator"**. Master degree thesis. Kuliyah of Islamic Revealed Knowledge and Human Sciences. International Islamic University Malaysia.
- Tergerson, J.L. King, K.A. (2002) **"Do cues, benefits, and barriers to physical activity differ between male and female adolescents?"**. Journal of School Health. 72. 374-381.
- Tumusiime, D.K. (2004) **"Preceived benefits of, barrier and helpful cues to physical activity among tertiary institution students in Rwanda"**. Thesis of Master of Science degree in Physiotherapy. University of Western Cape.
- Vallerand and Losier (1994) **"Self-determined motivation and sportsmanship orientations: An assessment of their temporal relationship"**. Journal of Sport and Exercise Psychology. 16: 229-245.

تدوین الگوی ساختاری مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون و هیئت های کشتی ایران

سیده فریده هادوی^۱

ابوالفضل فراهانی^۲

حمید سیفی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۵

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی الگوی ساختاری شاخصه های مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون و هیئت های کشتی کشور بود. مدیریت کیفیت جامع شامل سازماندهی کلیه ارکان و منابع سازمان برای نیل به کیفیت و برآورده کردن نیازهای مشتریان و منافع کارکنان است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کمی و از حیث اجرا از نوع پژوهش های کاربردی بود. برای جمع آوری داده ها، از روش توصیفی - تحلیلی در قالب پیمایش استفاده شد. آزمودنی های این پژوهش را پس از تعیین تعداد کل افراد فعال در حوزه پژوهش (۳۸۰ نفر به استناد دبیرخانه فدراسیون)، ۱۵۷ نفر از کارشناسان نخبه کشتی کشور به صورت تصادفی تشکیل دادند. برای پاسخگویی به سوالات پژوهش، از ابزار اندازه گیری (پرسشنامه) که در بر گیرنده هشت مولفه مدیریت کیفیت جامع (برمبنای تحلیل عاملی اکتشافی) بود، استفاده شد.

نتایج پژوهش نشان داد ساختار تعریف شده برای مدیریت کیفیت جامع ۶۴/۴۱ درصد از کل واریانس را تبیین کرده و درصدهای واریانس برای هر یک از عوامل هشتگانه به ترتیب برای پشتیبانی مدیریت ارشد (۵/۵۱)، ارتباط با مشتری (۵/۲۹)، ارتباط با تامین کنندگان (۳/۲۲)، مدیریت منابع انسانی (۳/۰۲)، رفتارهای کارکنان (۲/۶۹)، فرایندهای طراحی (۲/۶۸)، فرایندهای تولید (۲/۴۳) و تضمین کیفیت (۲/۰۷) بود. همچنین، با توجه به شاخص ها و خروجی های نرم افزار لیزرل می توان گفت که داده ها نسبتاً با مدل انطباق دارند و شاخص های ارائه شده، نشان دهنده آن اند که در مجموع مدل ارائه شده، مدل مناسبی است. در نهایت به نظر

۱. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران (نویسنده مسئول) E-mail: Seifidhamid126@yahoo.com

می رسد حصول به کیفیت و اثربخشی که دور از دسترس نباشد، داشتن تحصیلات ورزشی، سابقه مدیریتی مرتبط با حوزه کاری، ثبات شغلی، توجه به پویایی و تغییر نظام مند سازمان، مدیریت مبتنی بر کار انفرادی، اهمیت دادن به نظرات و تصمیمات کارکنان، ارزشیابی مداوم و دیگر عواملی که می توان آن ها را در سازمان های پویا و پیشرفته یافت، در زمره عوامل مهم کیفیت در فدراسیون کشتی ایران به شمار می آیند.

واژگان کلیدی: بهره وری سازمانی، مدیریت کیفیت جامع، فدراسیون کشتی ایران و الگوی ساختاری

مقدمه

بتازگی قلمرو مدیریت و سازمان به لحاظ نظری و عملی، تحت تاثیر نیرویی قدرتمند با عنوان "مدیریت کیفیت"^۱ قرار گرفته که اگر به درستی اداره و هدایت شود، از ظرفیت لازم برای منجر شدن به ژرف ترین تشریک مساعی، نه تنها در زمینه های حرفه ای، بلکه برای بروز انسانیت تمام عیار برخوردار است. اگر چه تا چند دهه قبل، باور غالب بر این استوار بود که این نیروی عظیم برای جهان مدیریت مناسب نیست و این موضوع منحصر در ادبیات عامه پسند مورد بحث و گفتگو قرار می گرفت، اما اکنون به عنوان موضوع پژوهش های دانشگاهی و علمی به طور جدی مطرح است. (رستگار و وارث، ۱۳۸۷)

در محیط امروزی که ویژگی اصلی آن، پیچیدگی توأم با تغییرات بسیار است، سازمان ها نه تنها برای رقابت، بلکه به منظور بقای خود، ناچار به تجدید نظر در بسیاری از امور و روال های حاکم بر نحوه انجام فعالیت اصلی شان هستند. در این محیط پیچیده و متغیر، سازمان باید برای ادامه حیات خود، به پیشواز تغییرات برود و خود را با آنها منطبق کند. به دلیل دشوار بودن ایجاد تغییرات در محیط، سازمان باید تغییرات را از خود شروع کند. از این رو، انتخاب جهت گیری تغییرات بسیار مهم است و سازمان باید نیاز های متغیر مشتریان، استراتژی ها، اهداف بلند مدت و سایر عوامل موثر را مد نظر داشته باشد. این امر نه تنها برای سازمان به صورت یک کل، بلکه برای هر یک از واحدهای درونی سازمان نیز صدق می کند. در همین راستا برای برنامه ریزی و ایجاد تغییرات، روش های نوین مدیریتی در سال های گذشته توسعه یافته است که هر یک در موقعیت های ویژه ای کاربرد دارد. (انصاری، ۲۰۰۷) سازمان ها می توانند با افزایش خروجی، کاهش هزینه ها، افزایش سریع تر خروجی نسبت به هزینه ها و ترکیبی از این روش ها، بهره وری خود را افزایش دهند. بررسی نظریه اندیشمندان سازمان و مدیریت در دو دهه اخیر، انباشته از مفاهیمی است که همگی تاکید بر تغییر در محیط سازمان ها، و شرایط و شیوه های کسب و کار دارند. امروزه، شیوه های انجام کسب و کار، وضعیتی جهانی به خود گرفته است و استفاده از فرایندهای کیفیت^۲، یکی از ابزار مهم این تغییر و تحولات است. (کیرنر، ۱۳۸۱) در این راستا به منظور بهبود کیفیت، کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری، ابزارهای مختلفی توسط سازمان ها به کار گرفته می شود که از معتبرترین و متداول ترین آنها می توان به مدیریت کیفیت جامع^۳ (TQM)، نگهداری و تعمیرات بهره ور فراگیر (TPM)^۴، مهندسی مجدد فرایندهای سازمان (BPR)^۵ و غیره اشاره کرد (وستون، ۲۰۰۱).

از آنجا که مفاهیم کیفیت، برگرفته از دیدگاه های مختلفی می باشد، توصیف مدیریت کیفیت چندان ساده و آسان نمی باشد. در ادبیات مدیریت، مفهوم مدیریت کیفیت به عنوان یک فلسفه و یا نگرش مدیریتی (آهیره و همکاران^۶، ۱۹۹۵)، یک سیستم ساختار یافته (ماله و کالورچیو^۷، ۲۰۰۵)، مجموعه ای از بهترین اقدامات (سیلا و ابراهیم پور^۸، ۲۰۰۵)، و بالاخره یک فرهنگ مشارکتی^۹ (داهلگارد و همکاران^{۱۰}، ۱۹۹۸) تعریف شده است.

1. Quality management
2. Quality Process
3. Total Quality Management
4. Total productive maintenance
5. business process re-engineering
6. Ahire, et al.
7. Mele & Colurcio
8. Sila & Ebrahimpour
9. Participatory Culture
10. Dahlgaard, et al.

مدیریت کیفیت جامع، یک نوع روش انجام کار و اداره سازمان است که برای بهبود مستمر و مداوم کیفیت و بهره وری در سازمان، با استفاده از معیارهای مشخصی، از تمام قابلیت ها، توانایی ها و استعداد های بالقوه مدیران و کارکنان بر پایه همیاری و مشارکت فعالانه، بهره می برد (ریاحی، ۱۳۸۱). دمی‌نگ^۱ کیفیت را «میزان یکنواختی و یکسانی کالا یا خدمت مربوط» تعریف می کند. بهبود کیفیت خدمات، صرفه جویی هزینه و توجه به مشتری به عنوان مبنای روش TQM آن را به صورت یک روش موثر حفظ سلامت مالی سازمان، به خصوص در مواقع محدودیت منابع معرفی می کند (ریاحی، ۱۳۸۱). از این رو در دنیایی که مهمترین سلاح رقابت و مهمترین ابزار برای حفظ بقا، کیفیت خدمات می باشد، TQM در حقیقت راه و روش مدیریت آینده است (یوچی، ۱۳۸۰). بر اساس آنچه مارتینز (۲۰۰۳) در مورد عوامل اصلی TQM بیان می دارد، شاخصه های اصلی مدیریت کیفیت جامع عبارت اند از: پشتیبانی مدیریت ارشد^۲، ارتباط با مشتری^۳، ارتباط با تامین کننده^۴، مدیریت منابع انسانی^۵، مشخصه ها و رفتارهای کارکنان^۶، فرآیند طراحی محصول^۷، مدیریت فرآیند تولید^۸ و واحد تضمین کیفیت^۹ (مارتینز، ۲۰۰۳).

معرفت و فتحی (۲۰۱۵) در بررسی رابطه بین فناوری اطلاعات و مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون های ورزشی ایران، بیان داشتند که فناوری اطلاعات همه بخش ها و عملکردهای شرکت را تحت تأثیر قرار می دهد و در کل می توان گفت استفاده از فناوری اطلاعات، مدیریت کیفیت جامع را نیز تحت تأثیر خود قرار خواهد داد (معرفتی و فتحی، ۲۰۱۵). همچنین، کاراستازیس و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۴) در بررسی مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون های ورزشی یونان دریافتند که با اینکه فرایندهای مدیریتی در سطح فدراسیون ها به خوبی به کار گرفته می شوند، اما بر اساس یک نظام سیستماتیک صورت نمی گیرند. همچنین، تفاوت های دیدگاهی در بین مدیران برای پذیرش مدیریت کیفیت وجود دارد و در صورتی یک مدیر قادر است به خوبی ایفای نقش نماید که بتواند درمیان زیر مجموعه سازمانی خود تعامل و همفکری مثبتی ایجاد نماید و زمینه ایجاد درک مشترک از مفاهیم کیفیت خدمات را فراهم آورد.

ارزشمند و مهدی پور (۲۰۱۲) نیز در بررسی مدیریت کیفیت جامع و مدیریت کاربردها در بین سازمان های ورزشی بیان داشتند که هرچه سطح آمادگی بالاتر باشد، فرایندهای به کارگیری مدیریت کیفیت جامع سهل الوصول تر خواهد بود. همچنین، مسئولیت ۸۰ درصد مشکلات در پذیرش، فهم و به کارگیری مدیریت کیفیت جامع بر عهده مدیران و تنها ۲۰ درصد آن مربوط به کارکنان می باشد. همچنین، اصول کیفیت بر عملکرد سازمانی تأثیرگذار است و مدیریت کیفیت جامع به عنوان یک فرهنگ و نه ابزار، نقش مهمی را در پیش برد اهداف سازمان های ورزشی دارد.

کزازی و شوال (۱۳۹۲) نیز در بررسی مدیریت کیفیت جامع و نقش یادگیری سازمانی و نوآوری دریافتند که یادگیری سازمانی نقش واسطه ای بین مدیریت کیفیت فراگیر و عملکرد نوآوری دارد. بنابراین، ارائه

1. W. Edward Deming

2. Top management support

3. Customer relationship

4. Supplier relationship

5. Workforce management

6. Employee attitudes & behaviour

7. Product design process

8. Process flow management

9. Quality data and reporting

10. Martinez

11. Dimitris Karastathis, Yiannis Afthinos, Dimitris Gargalianos, Nicholas D. Theodorakis

مقدمه ای از مدیریت کیفیت فراگیر از سوی مدیران عالی سازمان می تواند نیروی متحرکی برای سازمان و گسترش یادگیری سازمانی باشد. شریفی مقدم (۱۳۹۱) در ارزیابی مدیریت کیفیت جامع (TQM) در بخش تولیدی صنعت ورزش کشور اظهار داشت که ورود مدیریت کیفیت جامع در این شرکت ها به عنوان یک اصل پایه محسوب می شود و وضعیت این عوامل در صنعت تولید ورزش کشور در سطحی متوسط قرار دارد. در بین عوامل مورد بررسی، عامل استراتژی و خط مشی دارای نامطلوب ترین وضعیت می باشد. همچنین، ذاکرین، فراهانی و اسد (۱۳۹۲) در بررسی مدیریت کیفیت جامع و اثربخشی در فدراسیون های ورزشی موفق بیان داشتند که پذیرش اصول مدیریت کیفیت جامع و دستیابی به اثربخشی ابزار و لوازم، پیش نیازهایی را می طلبد که اگر مدیران و روسای فدراسیون از آنها برخوردار باشند، حصول کیفیت و اثربخشی دور از دسترس نخواهد بود. در فدراسیون هایی که روسای آنها دارای شاخص های تحصیلی، تجربی و پویایی ثابت شغلی باشند، تصمیمات منطقی تر و برنامه های مدون و طولانی تری طراحی خواهند شد و به نتایج ارزشمندتری خواهند رسید.

فدراسیون ها و هیئت های ورزشی کشتی استان ها از جمله مراکز مهم پرورش نیروی انسانی برای ورزش کشور و همچنین متولی توسعه ورزش کشتی در استان ها هستند. با توجه به این وظایف خطیر و نقش مهمی که در پیش برد اهداف فدراسیون کشتی دارند، بازده کم این سازمان ها در قبال منابع بیشتری که به آنها اختصاص می یابد- که البته ناشی از فقر کیفیت در نظام ورزش کشتی و فعالیت های آن است- نمی تواند نوید بخش آینده ای روشن برای ورزش کشتی استان ها و در نهایت ورزش کشتی کشور باشد. از این رو، کشور ها برای حل این گونه مشکلات از یک استراتژی کلیدی به نام "مدیریت کیفیت جامع" بهره می برند؛ روشی برای مدیریت سازمان ها با هدف ایجاد بهبود در بهره وری و کارایی کلی سازمانی در جهت رسیدن به بالاترین سطح کیفی موجود. باید توجه داشت که مدیریت کیفیت جامع، درمانی نیست که فوراً قابل اعمال باشد و به گفته هارت و ماسفلد (۲۰۰۹) قبل از اجرای آن باید به بررسی سازمان برای پذیرش مدیریت کیفیت جامع همت گمارد.

اکنون با توجه با اینکه کیفیت در فدراسیون ورزشی کشتی نیز همانند سایر سازمان ها یک عامل مهم و اساسی تلقی می شود، بررسی نقش فراگیر فدراسیون و هیئت های ورزشی کشتی به عنوان یکی از تخصصی ترین نهادهای ورزشی کشور، حائز اهمیت بسیار خواهد بود. شناسایی ذینفعان در فدراسیون ها و هیئت های کشتی کشور اعم از قهرمانان و نخبگان به عنوان مهمترین محصولات فرآیند تخصصی فدراسیون، جوانان و نوجوانان به عنوان پشوانه با ارزش فعالیت های بلندمدت فدراسیون و همچنین کلیه مربیان و داوران، مدیران، سرپرستان در محیط داخلی فدراسیون و حامیان مالی، رسانه ها، تولیدکنندگان در محیط خارجی فدراسیون و بالاخره سایر ذینفعان که هر یک به نوعی یا در تولیدات و خدمات فدراسیون ها دخالت دارند و یا مشتریان آن محسوب می شوند، اهمیت وجود شاخص هایی برای ارزیابی کیفیت قابلیت مدیریت و اداره امور را ضروری می سازد. مشکل کنونی بسیاری از سازمان های ورزشی از جمله فدراسیون و هیئت های کشتی کشور این است که امکان توصیف کارایی^۱ و اثربخشی^۲ مناسب برای مدیران و سازمان بر اساس معیارها^۳ و شاخص های استاندارد وجود ندارد. بنابراین تحقیق حاضر در چالشی عظیم و ملی سعی بر آن دارد تا پاسخی برای این سوال بیابد: میزان به کارگیری شاخص های^۴ مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون و هیئت های کشتی تا چه

1. efficiency
2. Effectiveness
3. Criteria
4. Indexes

اندازه بوده است و در صورت بهره گیری از این فرایند، الگوی ساختاری شاخص های مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون و هیئت های کشتی چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی بوده و در آن به تدوین الگوی ساختاری مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون و هیئت های کشتی کشور پرداخته شده است. این پژوهش به صورت آمیخته و در دو بخش کیفی و کمی انجام گرفته است. در بخش کیفی، ضمن مطالعه مقالات علمی متعدد مرتبط با موضوع پژوهش و مصاحبه حضوری- به منظور تایید گویه های به دست آمده- با اساتید مدیریت ورزش کشور، فهرستی از مرتبط ترین و شناخته شده ترین متغیرهای مطرح در این زمینه - که بیشترین تکرار و تاکید را در مقالات داشتند- تهیه گردید. پس از دریافت نظر کارشناسی اساتید رشته مدیریت ورزشی، پرسشنامه پژوهش برای جمع آوری داده ها طراحی گردید. سعی شد تا در تدوین پرسشنامه ابعاد مختلف سیاسی، شرایط فرهنگی و اجتماعی هم خوان با جامعه ایران مدنظر قرار گیرد. در بخش کمی (ساخت پرسشنامه) نیز روش مطالعه از نوع پیمایشی بود که اطلاعات حاصل از پرسشنامه های تکمیل شده، با بهره گیری از مشاوره آماری، مورد تجزیه و تحلیل های آماری قرار گرفت.

جامعه آماری این تحقیق با توجه به ماهیت اجرایی کار شامل کلیه کارشناسان، معاونان و روسای هیئت های کشتی شهرستان ها و کارشناسان فدراسیون کشتی کشور می شد که بنا بر آمار موجود در فدراسیون، حدود ۳۸۰ نفر گزارش شدند. نمونه های آماری به روش نمونه گیری تصادفی ساده بر مبنای حضور در همایش سالانه کشتی در سال ۱۳۹۳ انتخاب شدند. از این رو، ۷۰ نفر از حوزه کارشناسان صاحب نظر رشته ورزشی کشتی، ۸۰ نفر از کارشناسان، معاونان و روسای هیئت های کشتی سراسر کشور و ۲۰ نفر از کارشناسان و مسئولان فدراسیون کشتی کشور به عنوان نمونه در این پژوهش شرکت داشتند.

ابزار اندازه گیری این تحقیق، پرسشنامه ای شامل دو بخش بود که قسمت نخست شامل اطلاعات و ویژگی های فردی آزمودنی ها نظیر جنسیت، سنوات خدمت، رشته تحصیلی و هیئت ورزشی محل کار و قسمت دوم در برگیرنده مولفه های چهار گزینه ای پیرامون نظر آزمودنی ها راجع به وضعیت مؤلفه های هشت گانه مدیریت کیفیت جامع (پشتیبانی مدیریت ارشد، ارتباط با مشتری، ارتباط با تامین کنندگان، مدیریت منابع انسانی، رفتارهای کارکنان، فرآیند طراحی، مدیریت فرآیند تولید و خدمت رسانی و واحد تضمین کیفیت) بود که در قالب ۴۲ سؤال با عنوان "میزان پذیرش اصول مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون کشتی" در یک مقیاس پنج طیفی اندازه گیری شد. لازم به توضیح است که در جمع آوری داده ها از پرسشنامه مدیریت کیفیت فراگیر اسپینوال (۱۹۹۴) - که توسط فرید فتحی (۱۳۹۱) بر روی ادارات ورزش و جوانان بررسی شده بود- در ترکیب با مولفه های مستخرج از روش کتابخانه ای، بهره گیری شد. به منظور توصیف اطلاعات، از آمار توصیفی و به منظور برآورد ضریب واریانس مولفه های مستخرج، از تحلیل عاملی اکتشافی و جهت برازش مدل نهایی از تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ و لیزرل ۸/۵ استفاده شد.

یافته های پژوهش

بررسی مشخصات جمعیت شناختی آزمودنی های تحقیق نشان داد که میانگین سنی آزمودنی ها ۴۷/۴ سال، حداقل سن کارشناسان ۲۶ سال و حداکثر سن آن ها ۷۰ سال، بالاترین سابقه خدمت کارشناسان رشته کشتی، ۴۶ سال و کمترین سابقه، ۱۲ سال بوده است. ۳۶ درصد از کارشناسان رشته کشتی دارای سطح تحصیلات

دیپلم، ۳۰/۵ درصد لیسانس و ۱۹/۸ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و دکتری بودند. همچنین بر اساس یافته های تحقیق، از دیدگاه کارشناسان پراهمیت ترین گویه مدیریت کیفیت جامع "علاقه مندان رشته کشتی نسبت به نتایج رشته کشتی عکس العمل نشان می دهند." ($\bar{X}=4/23, SD=\pm 0/94$) و "رئیس فدراسیون شخصا در پروژه بهبود وضعیت رشته کشتی در کشور مشارکت می کند." ($\bar{X}=4/07, SD=\pm 1/02$) بوده و کم اهمیت ترین آنها "ایمنی و بهداشت فضاهای ورزشی به طور روزانه بررسی می شود." ($\bar{X}=2/56, SD=\pm 1/2$) و گویه "نظرات و پیشنهادات مراجعه کنندگان توسط پرسشنامه سنجیده می شود." ($\bar{X}=2/68, SD=\pm 1/1$) بوده است. (جدول ۱)

جدول ۱: خلاصه ای از پراهمیت ترین و کم اهمیت ترین گویه های مدیریت کیفیت جامع

میزان اهمیت	گویه های مربوط به مدیریت کیفیت جامع	میانگین	انحراف معیار
۳	علاقه مندان رشته کشتی نسبت به نتایج رشته کشتی عکس العمل نشان می دهند.	۴/۲۳	۰/۹۴
	رئیس فدراسیون شخصا در پروژه بهبود وضعیت رشته کشتی در کشور مشارکت می کند.	۴/۰۷	۱/۰۲
۴	ایمنی و بهداشت فضاهای ورزشی به طور روزانه بررسی می شود.	۲/۵۶	۱/۳
	نظرات و پیشنهادات مراجعه کنندگان توسط پرسشنامه سنجیده می شود	۲/۶۸	۱/۱

برای شناسایی ساختار داخلی ابزار و عوامل مربوط به آن از تحلیل عاملی اکتشافی همراه با چرخش متعامد استفاده شد. هشت عامل با استفاده از ترکیب چندین معیار به دست آمد. هم چنین نتایج آزمون کیسز، میر و آلکین (KMO) برای کفایت حجم نمونه و آزمون کرویت بارتلت نشان داد که حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی مناسب و ماتریس همبستگی ها از کرویت برخوردار است (جدول ۲).

جدول ۲: نتایج آزمون بارتلت و کیسز - می یر و اوکلین

مقدار	پیش فرض	
۰/۹۳۵	مقدار کیسز - می یر و اوکلین (کفایت حجم نمونه)	
۴۰۱۷/۸۳	مقدار مجذور کای	آزمون کرویت بارتلت
۸۶۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

- در سطح $P < 0.01$ معنادار است

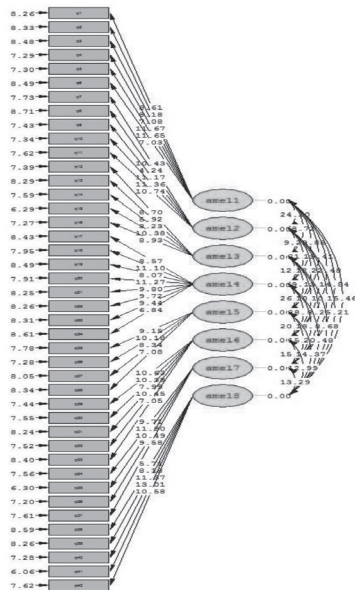
علاوه بر این، یافته های تحلیل عامل اکتشافی این مطالعه نشان داد که میزان سهم پذیری واریانس هر یک از مولفه های ابعاد مدیریت کیفیت جامع در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج سهم واریانس هر یک از عامل های شناسایی شده

شماره عامل	نام عامل	مربعات بارهای استخراج شده		
		واریانس کل	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	مولفه ۱ (پشتیبانی مدیریت ارشد)	۵/۵۱	۱۳/۱۴	۱۳/۱۴
۲	مولفه ۲ (ارتباط با مشتری)	۵/۲۹	۱۲/۶۱۱	۲۵/۷۵
۳	مولفه ۳ (ارتباط با تامین کنندگان)	۳/۳۲	۷/۹۱	۳۳/۶۷
۴	مولفه ۴ (مدیریت منابع انسانی)	۳/۰۲	۷/۲۱	۴۰/۸۸
۵	مولفه ۵ (رفتارهای کارکنان)	۲/۶۹	۶/۴۱	۴۷/۲۹
۶	مولفه ۶ (فرایندهای طراحی)	۲/۶۸	۶/۴	۵۳/۶۹
۷	مولفه ۷ (فرایندهای تولید)	۲/۴۳	۵/۷۸	۵۹/۴۸
۸	مولفه ۸ (تضمین کیفیت)	۲/۰۷	۴/۹۳	۶۴/۴۱

همان طوری که در جدول ۳ ملاحظه می شود بر مبنای مقادیر ویژه، واریانس عامل ها و درصد واریانس تجمعی، توان پیشگویی عوامل بر اساس مجموع واریانس عامل ها برابر با ۶۴/۴۱ درصد است؛ یعنی، سوالات مدیریت کیفیت جامع در کل ۶۴/۴۱ درصد از کل واریانس را شامل می شود- درصدهای واریانس برای هر یک از عوامل هشتگانه ارائه شده است.

در ادامه مدل مفهومی پژوهش با استفاده از نرم افزار لیزرل به آزمون تجربی در آمد. ضرایب استاندارد شده خروجی لیزرل در نمودار مربوط به نمرات تی هر یک از ضرایب مسیر درج شده است. علاوه بر خروجی لیزرل، ضرایب مسیر در روی مدل مفهومی پژوهش قرار گرفته است و در جدولی جداگانه هریک از ضرایب مربوطه گزارش شده و توضیحات مربوط به هر یک از آنها در پایین جدول ارائه شده است.



Chi-Square=1429.62, df=791, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

در نهایت، به منظور تعیین برازش شاخصه ها و تدوین الگوی ساختاری و با توجه به به مقادارهای معنی داری (t-value) برای هشت مولفه مدیریت کیفیت جامع به این دلیل که در بازه (۱/۹۶- تا ۱/۹۶) قرار گرفته اند و با توجه به خروجی لیزرل که در نمودار فوق ارائه شده، مقدار x^2/df محاسبه شده ۱/۸ است که وجود x^2/df کوچکتر از ۳ نشان دهنده برازش مناسب مدل است. همچنین، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب، باید کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۷۲ است. میزان مولفه های GFI و AGFI و NFI و CFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۷۸ و ۰/۷۴ و ۰/۹۵ و ۰/۹۷ است. با توجه به شاخص ها و خروجی های نرم افزار لیزرل می توان گفت که داده ها نسبتاً با مدل منطبق هستند و شاخص های ارائه شده نشان دهنده آن اند که در مجموع مدل ارائه شده مدل مناسبی است و داده های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق می باشند.

بحث و نتیجه گیری

طبق نتایج تحقیقات صورت گرفته، بسیاری از سازمان ها در پاسخ به فشارهای تجاری، تلاشی مداوم جهت ارتقای کیفیت و بهره وری خود دارند. سازمان ها می توانند با افزایش خروجی، کاهش هزینه ها، افزایش سریع تر خروجی نسبت به هزینه ها و ترکیبی از این روش ها، بهره وری خود را افزایش دهند. بررسی نظریه های سازمان و مدیریت در دو دهه اخیر، انباشته از مفاهیمی است که همگی تأکید بر تغییر در محیط سازمان ها و شرایط و شیوه های کسب و کار دارند. امروزه، شیوه های انجام کسب و کار، وضعیت جهانی به خود گرفته است و استفاده از فرایندهای کیفیت^۱، یکی از ابزار مهم این تغییر و تحولات است. اگر چه موضوع کیفیت در بسیاری از سازمان های داخل کشور و در بخش هایی نظیر انرژی هسته ای، دارو، فناوری نانو و هوا فضا به خوبی به اجرا درآمده است، ولی علی رغم وجود بیش از چهار میلیون سازمان و سرمایه ای عظیم و ارزان، دستاوردهای عملی حاصل از بهره گیری اصول کیفیت در عرصه ورزش و تربیت بدنی چندان جنبه عملی و میدانی به خود نگرفته است. لذا برای دست یافتن به نتایج بهتر و افزایش ارتباط بین سازمان های فعال در حوزه ورزش و مراکز علمی و دانشگاهی باید ساز و کارهای مؤثرتری فراهم گردد.

کلیه یافته های این مطالعه پیرامون اهمیت عامل پشتیبانی با نظریات بیان شده در مطالعات نوح پیشه (۱۳۸۷)، پسند (۱۳۸۸)، کاراستازیس و همکاران^۲ (۲۰۱۴) و معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) همسو می باشد؛ به طوری که کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) بیان داشتند با این که فرایندهای مدیریتی به خوبی در سطح فدراسیون ها به کار گرفته می شود، اما این اقدامات بر اساس یک نظام سیستماتیک صورت نمی گیرد. منظور این است که محققان، مدیریت کیفیت فراگیر را در مورد نمونه هایی شامل مراکز و سازمان های آموزشی - ورزشی مورد تحقیق قرار داده اند. برخی دیگر از پژوهشگران به دلیل کیفیت بد خدمات، کمبود انگیزه های کاری، عدم شباهت مدیریت کیفیت جامع با سازمان مربوطه، کمبود رقابت در محل کار و عدم کفایت مدیریت کیفیت فراگیر در چنین سازمان هایی، موسسه تحت نظر خود را سازمان های آموزشی خوانده اند. همچنین، ریاحی (۱۳۹۲) اذعان می دارد که پشتیبانی مدیریت ارشد برای اجرای موفقیت آمیز مدیریت کیفیت جامع و نیز به کارگیری فناوری اطلاعات ضروری است. در برخی موارد، استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات باعث بروز مشکلاتی در بین کارکنان می شود. در این مواقع، هوشیاری مدیریت ارشد برای جلوگیری از تضاد و دوگانگی در بین خواسته های فناوری اطلاعات و فلسفه مدیریت کیفیت جامع امری ضروری است.

1. Quality Process

2. Dimitris Karastathis¹, Yiannis Afthinos², Dimitris Gargalianos³, Nicholas D.Theodorakis⁴

بر اساس نتایج، موضوع ارتباط با مشتری از طریق ارتباط نزدیک فدراسیون با مشتریان و علاقه مندان رشته، عکس العمل علاقه مندان رشته کشتی نسبت به نتایج رشته، توجه و اصرار فدراسیون برای پاسخگویی به نیاز های علاقه مندان رشته، بررسی منظم نیازهای تماشاگران و علاقه مندان رشته کشتی توسط فدراسیون و استفاده فدراسیون از نظرسنجی برای اطلاع از نظریات علاقه مندان و متخصصان رشته کشتی به عنوان مهمترین موارد برشمرده شده که با نتایج تحقیقات مارتینز (۲۰۰۹)، ذاکرین، فراهانی و اسد (۱۳۹۲)، کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) و معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) همسوست؛ به طوری که جمع بندی نتایج تحقیقات انجام شده موید این مطلب است که لازمه دسترسی به کیفیت در سازمان ها- چه سازمان های ورزشی و چه سازمان های دیگر- توجه و تمرکز مطلق به نیازهای جامعه مخاطب و افزایش انعطاف پذیری سازمان در برابر تغییرات ناگهانی است. لی^۱ و دیگران (۲۰۱۰) نیز با بررسی رابطه بین مدیریت کیفیت با رضایت و اراده مشتریان در باشگاه های گلف نشان دادند که مدیریت کیفیت، یکی از عوامل مهم برای رضایت مشتریان است. اما انتظار مشتریان نسبت به عوامل کیفیت بر اساس جنسیت متفاوت است. به عنوان مثال، زنان نسبت به مردان بیشتر به جنبه های فیزیکی کیفیت از قبیل تمیزی محیط اهمیت می دهند.

بر اساس نتایج، موضوع ارتباط با تامین کنندگان با عواملی چون: تدوین معیارهای مستند برای انتخاب حامیان یا اسپانسرها در فدراسیون، انتخاب کیفیت به عنوان مهمترین معیار گزینش تامین کنندگان، بهره گیری فدراسیون از حامیانی که سابقه معتبری دارند، معتبر بودن برند حامیان فدراسیون کشتی و نظارت مدیریت فدراسیون بر روند انتخاب حامیان و اسپانسر مرتبط است و با نتایج تحقیقات مارتینز (۲۰۰۹)، تادس فاسیل و همکاران (۲۰۱۱)، کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) و معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) همخوانی دارد. بنا به گفته مارتینز (۲۰۰۹) مدیریت کیفیت جامع از دیدگاه فرایند عملیات، تأمین کنندگان را بخش مهمی از کل فرایند تولید به شمار می آورد و معتقد است که همانند مشتری، تأمین کنندگان باید در فرایند سازمان به طور مستقیم درگیر شوند و در آن مشارکت کنند. تادس فاسیل و همکاران (۲۰۱۱) نیز با بررسی مدیریت کیفیت جامع برای توسعه بیان داشتند که مدیریت کیفیت جامع بر توافق بهبود تدریجی فناوری جدید، توسعه محصولات، فرایند تولید و دانش و معلومات تامین کنندگان متمرکز شده است.

بر اساس نتایج، موضوع مدیریت منابع انسانی فدراسیون به آگاهی و هماهنگی روسای هیئت های استانی و کادر فدراسیون نسبت به اهداف فدراسیون، تفویض اختیار لازم رئیس فدراسیون به زیردستان، تشویق لازم برای افزایش انگیزه زیر دستان توسط رئیس فدراسیون و نظارت رئیس فدراسیون بر میزان ساعات کار کادر فدراسیون مرتبط است که با نتایج یافته های پژوهش زیاد التهنایه (۲۰۱۴) ارزشمند و مهدی پور (۲۰۱۲) و کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد؛ به طوری که بنا به گفته کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) در صورتی مدیریت قادر است تا در مجموعه خود به خوبی ایفای نقش نماید که بتواند با زیر مجموعه خود سازمان تعامل و همفکری مثبتی را ایجاد نماید و درک مشترکی را از مفاهیم کیفیت خدمات به دست دهد. ویزاس و سایچوجیوس (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که بهبود مستمر و آموزش، تفویض اختیار به همه کارمندان و دخالت دادن آنان در امور و فرهنگ پیش برنده کیفیت، ارایه دهنده کل مفهوم مدیریت کیفیت جامع است. زیاد التهنایه (۲۰۱۴) نیز با تشریح بیانیه هایی با محوریت مدیریت کیفیت جامع در مدارس، راهکارهای مناسبی جهت همکاری با منابع انسانی و کارکنان بیان کرد و بهره گیری از آنها را باعث افزایش آگاهی و درک همگانی بخصوص در بین روسا و کارکنان و دانش جویان دانست. ارزشمند و مهدی پور (۲۰۱۲) نیز بیان داشتند که هرچه سطح آمادگی بالاتر باشد، فرایندهای به کارگیری مدیریت کیفیت جامع سهل الوصول تر

خواهد بود. همچنین، ۸۰ درصد مشکلات را باید در پذیرش، فهم و به کارگیری مدیریت کیفیت جامع از سوی مدیران و تنها ۲۰ درصد آن را از سوی کارکنان دانست. علاوه بر این، اصول کیفیت بر عملکرد سازمانی موثر است و مدیریت کیفیت جامع به عنوان یک فرهنگ و نه ابزار، نقش مهمی را در پیش برد اهداف سازمان های ورزشی بر عهده دارد.

بر اساس نتایج، موضوع رفتارهای کارکنان فدراسیون به علاقه مندی کادر فدراسیون به پیشرفت رشته در کشور، رابطه دو طرفه روسای هیئت های استانی با رئیس فدراسیون، مدرک تحصیلی مرتبط کارکنان با وظایف خود و تعهد و علاقه مندی کارکنان نسبت به وظایف خود مرتبط می باشد که با نتایج تحقیقات هازلت (۲۰۰۶)، فادل (۲۰۱۲) و چانگ و همکاران (۲۰۱۰) همسوست؛ به طوری که فادل (۲۰۱۲) در بررسی موانع به کارگیری مدیریت کیفیت جامع در باشگاه های ورزشی بیان داشت که فقدان چشم انداز، ماموریت و اهداف کاری برای باشگاه های ورزشی و فقدان برنامه های کاری برای کارکنان از جمله مهمترین موانع بهره گیری مدیریت کیفیت جامع به حساب می آیند. همچنین، چانگ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان "تاثیر به کارگیری اصول مدیریت کیفیت جامع بر رضایت کارکنان و وفاداری دولت" نشان دادند که اختیار و پاداش کارمند، کار تیمی و رهبری مدیریت، رابطه مثبت و معناداری با رضایت کارمند دارد و وفاداری کارکنان از این طریق می تواند افزایش یابد. با توجه به نتایج پژوهش و اهمیت اصل کارکنان و رفتارهای آنان، مدیریت کیفیت می تواند در رسیدن به اهداف و در نهایت، بهره وری و اثربخشی فدراسیون های ورزشی که متولی ورزش قهرمانی در کشور محسوب می شوند، مؤثر باشند.

بر اساس نتایج، موضوع فرایندهای طراحی فدراسیون با بهره گیری از گروه های مشاوره ای برای انتخاب یا تغییر، هماهنگی لازم بین مربیان رده های سنی مختلف، تعهد هیئت های استانی نسبت به پرورش قهرمانان رشته، اطلاع رئیس فدراسیون از مشکلات و موانع ورزشکاران رده های سنی و برپایی منظم مسابقات رده های پایه ارتباط دارد و با نتایج یافته های آتکینسون (۱۹۹۵)، فلین و همکارانش (۱۹۹۵)، معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) همسوست؛ به طوری که فلین و همکارانش (۱۹۹۵) دریافتند که مدیریت موثر فرایند باعث افزایش درصد محصول نهایی سالم بدون نیاز به دوباره کاری می گردد. افزایش در کیفیت تولید به بهبود کیفیت محصول و بهبود در زمینه های دیگر منجر می گردد و افزایش قدرت رقابت (کاهش هزینه و تحویل سریع) را در پی دارد. بعلاوه، مدیریت فرایند مستقیماً و به طور مثبت کیفیت محصول/ خدمات را تحت تاثیر قرار می دهد. معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) نیز با اشاره به اهمیت شناسایی مشکلات فدراسیون های ورزشی و بهره گیری از گروه مشاوران بیان داشتند که فناوری اطلاعات، بیشترین رابطه را با مولفه مدیریت فرایند طراحی تولید و خدمت رسانی دارد. همچنین، از میان ابعاد مختلف فناوری اطلاعات، دو بُعد سیستم های پشتیبانی مدیریت و سیستم های خودکار کردن فعالیت های اداری، از بیشترین قدرت پیش بینی برای مدیریت کیفیت جامع برخوردار بودند. رضائیان، ملایی و آبسالان (۱۳۹۲) در بررسی چابکی سازمانی در ادارات ورزش و جوانان استان ها دریافتند که مدیران سازمان های ورزشی با آگاهی از ابعاد و شاخص های چابکی سازمانی می توانند به انطباق بیشتر سازمان های ورزشی با تغییرات محیطی و بهره مندی از فرصت های موجود در محیط های پویای امروزی کمک کنند و در جهت ارتقا و توسعه همه جانبه ورزش گام بردارند.

بر اساس نتایج، موضوع فرایندهای تولید فدراسیون به اطلاع مربیان از قوانین و تکنیک های روز، اطلاع رئیس فدراسیون از فرایند تربیت مربی در کشور، وجود آمار دقیقی از فعالان ورزشی رشته در کشور و برگزاری منظم کلاس های مربیگری در همه سطوح مرتبط می باشد و با نتایج تحقیقات شریفی، شریفیان و صیادی (۱۳۹۱)، گالاردو و همکاران (۲۰۰۸)، کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) و معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) همخوانی دارد؛ به طوری که گالاردو و همکاران (۲۰۰۸) بیان داشتند که توجه به برنامه های تولیدی در سطح

کلان می تواند سازمان های ورزشی را در جنبه هایی مانند مدیریت ساعت کار، تمرینات، شرح مشاغل، رضایت شغلی، تقسیم پرسنل، مدیریت بحران و ... که از جمله شاخص های مهم مدیریت کیفیت جامع است، یاری رسانند. همچنین شریفی، شریفیان و صیادی (۱۳۹۱) بیان داشتند که ورود مدیریت کیفیت جامع در شرکت های ورزشی و تاثیر آن بر دو عضو اصلی یعنی ورزشکار و مسابقه، نشان می دهد که مدیریت کیفیت جامع یک اصل پایه برای صنعت ورزش به خصوص صنعت تولیدی ورزشی به شمار می آید.

بر اساس نتایج، موضوع تضمین کیفیت فدراسیون به ساختمان مناسب و فضای کافی فدراسیون، سنجیده شدن نظرات و پیشنهادات مراجعه کنندگان، بررسی پیشنهادات و نظرات مراجعه کنندگان توسط رئیس فدراسیون، سنجیده شدن سطح رضایت تماشاگران و علاقه مندان کشتی و بررسی ایمنی و بهداشت فضاهای ورزشی مرتبط است و با نتایج تحقیقات مارتینز (۱۹۹۸)، یزدخواستی و همکاران (۱۳۸۸)، کاراستازیس و همکاران (۲۰۱۴) و معرفتی و فتحی (۲۰۱۵) همخوانی دارد؛ به طوری که مارتینز (۱۹۹۸)، نشان داده است که متغیر هایی از قبیل اندازه و وسعت سازمان یا نوع سیستم تولید سازمان بر کاربرد مدیریت کیفیت جامع تاثیر می گذارد. او بیان کرد که سازمان های پیشرفته تر در ابعاد گسترده تری از مدیریت کیفیت جامع استفاده می کنند. در نتیجه، انتظار می رود ارتباطی مثبت بین هر دو متغیر مشاهده شود. یزدخواستی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره داشتند که فرهنگ های سلسله مراتبی و عقلانی با میزان پذیرش مدیریت کیفیت فراگیر ارتباط بالایی دارند. همچنین، در اجرای اصول مدیریت کیفیت جامع، بررسی فرهنگ سازمانی در درجه اول و توجه به تضمین شاخص های مهم کیفیت در درجه دوم، به عنوان ضروری ترین اقدامات به شمار می آیند.

الگوی کلی شاخص های مدیریت کیفیت فراگیر

ساختار هر فدراسیون ورزشی در کشور به مثابه سازمانی تنظیم کننده کلیه فعالیت ها برای نیل به اهداف تعیین شده در هیئت ها و سایر سازمان های مرتبط به شمار می آید که ضمن ایجاد هماهنگی بین بخش های مختلف، بستر مناسب را برای حل مسائل و مشکلات مخاطبان و حسن جریان امور جاری فراهم می نماید. اصلاح نظام ساختاری و تحول در ساختار زیر بنایی ارائه خدمات، کمابیش در اندیشه تمامی فدراسیون های ورزشی قرار دارد؛ چنان که کلیه روسای فدراسیون ها تمایل دارند که سطح رضایت مندی مخاطبان خود (مربیان، ورزشکاران و حتی کارشناسان) را افزایش بخشند و به حفظ و پایداری ارزش های ورزشی کمک نماید.

در این میان، تغییرات شگرف سالیان اخیر در فدراسیون کشتی و کسب موفقیت های بین المللی، ضرورت بازنگری در شیوه خدمت رسانی این فدراسیون را بیش از گذشته نمایان ساخته است. از آن جا که مدیریت کیفیت، دستاوردهای مطلوبی را برای بخش خصوصی به ارمغان آورده است، بخش دولتی نیز با درک ضرورت این مهم و ارائه خدمت با کیفیت به مخاطبان و تامین کنندگان، سعی نموده تا موجبات رضایت عمومی و مشارکت هر چه بیشتر آنان را در صحنه های ورزشی فراهم آورد.

یک برنامه موفق مدیریت کیفیت جامع معمولاً در بر گیرنده اقدامات زیر است:

۱. ایجاد تغییر اساسی در فرهنگ سازمانی؛

۲. اعمال رهبری قدرتمند از سوی مدیران ارشد؛

۳. آموزش کارکنان؛

۴. تفویض اختیار به سطوح پایین؛

۵. انجام کار گروهی.

- با شناسایی دقیق تر واژگان مدیریت کیفیت جامع در فدراسیون کشتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. مدیریت: متعهد بودن رئیس فدراسیون در قبال تمامی فعالیت های تحت مدیریت؛
 ۲. کیفیت: برآورده کردن انتظارات نهان و آشکار فدراسیون و مخاطبان؛
 ۳. جامع: درگیر بودن تمامی اعضای فدراسیون- این افراد مشتریان و تأمین کنندگان را در بر می گیرد- در مسائل و اقدامات بهبود مستمر.

منابع

- اولیاء، محمد صالح (۱۳۸۷) "مدیریت کیفیت جامع و جایگاه آن در آموزش عالی". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. سال ششم، ص ۲۷.
- انصاری، محمد اسماعیل؛ استادی، حسین، مطهری، معصومه (۱۳۸۸) "تأثیر مدیریت برداشت بر عملکرد شرکت مخابرات بر اساس مدل کارت امتیازی متوان در مخابرات اصفهان". مدیریت فرهنگ سازمانی. سال هفتم، شماره بیستم، ص ۱۷۱.
- ذاکریان، علی؛ فراهانی، ابوالفضل و اسد، محمد رضا (۱۳۹۲) "ارتباط TQM و اثربخشی در فدراسیون های ورزشی انفرادی منتخب کشور". مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۰، صص ۲۷-۳۵.
- رستگار، عباسعلی و حارث، حامد (۱۳۸۷) "خدا در سازمان: تلفیق و یکپارچگی زندگی معنوی و زندگی کاری". فصلنامه علوم مدیریت ایران. دوره ۳، شماره ۱۱.
- رمضانیان، محمد رحیم؛ ملایی، مینا و آبسالان، شکوفه (۱۳۹۲) "بررسی ابعاد چابکی سازمانی در ادارات تربیت بدنی استان های کشور". مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۱۸۵-۲۰۴.
- سلطانی، ایرج (۱۳۸۶) الگوی جامع سرآمدی چهاربعدی با تاکید بر تعالی کارکنان. اصفهان: انتشارات ارکان دانش
- سمیعی نیستانی، ابوالفضل؛ فارسبیجانی، حسن و ابوالحسنی، آتنا (۱۳۸۹) "تبیین اثرات مدیریت کیفیت جامع بر عملکردهای سازمان در محیط های تحقیق و توسعه". فصلنامه مدیریت صنعتی. سال پنجم، شماره ۱۴.
- شریفی، مهدی؛ شریفیان، اسماعیل؛ صیادی، عمادالدین و آدمزاه، میثم (۱۳۹۳) "ارزیابی مدیریت کیفیت جامع در بخش تولیدی صنعت ورزش کشور". مجموعه مقالات اولین همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- فرح بخش، مصطفی؛ نیک نیاز، علیرضا و تاج الدینی، نازیلا (۱۳۸۹) "مقایسه استمرار مدیریت کیفیت جامع و اجرای همزمان مدیریت کیفیت جامع و برنامه اثربخشی مدیریت در بهبود مدیریت سازمان های سلامت". فصلنامه مدیریت سلامت. سال سیزدهم، شماره ۴۲.
- فرید فتحی، اکبر (۱۳۹۰) "بررسی رابطه فناوری اطلاعات با مولفه های مدیریت کیفیت جامع (TQM) در فدراسیون های ورزشی منتخب". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کرینر، استوارت (۱۳۸۱) دیدگاه های کلیدی در مدیریت. محمدعلی حسین نژاد. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- وحید نیا، فرج اله؛ باورصاد، بلقیس و صنوبری، محمد (۱۳۹۲) "بررسی تأثیر مدیریت کیفیت جامع (TQM) بر عملکرد نوآورانه با نقش میانجی یادگیری سازمانی مورد مطالعه شهرک صنعتی ایلام". دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی.
- یزد خواستی، گیسو؛ قاسمی، وحید و وحید، فریدون (۱۳۸۸) "رابطه تماس های فرهنگی و هوش فرهنگی". فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات فرهنگی. دوره چهارم، شماره ۲.
- AL- Khalifa, K.M. & Aspinwall, E.M. (2012) "Using the competing values Framework to investigate the culture of Qatar industries". Total Quality Management. Vol. 83, No. 4, PP. 417-28.
- Arzeshmand, Mansoureh, Mahdipoor, Abdolrahman (2012) Reasons for accepting Total Quality Management (TQM) by the managers of physical education

organization.

- Chang, C.C. C.M. Chiu, C.A. Chen(2010) **“The effect of TQM practices on employee satisfaction and loyalty in government”**. Total Quality Management & Business Excellence. 21(12): 1299-1314.
- Chang, T.H., Wang, T.C. (2009) **“Using the Fuzzy Multi-Criteria Decision Making Approach for Measuring the Possibility of Successful Knowledge Management”**. Information Sciences. 179, 355–370.
- "Ementing total quality management (TQM) on the higher education institutions: A conceptual model". Journal of Finance and Economics. 1(1), 42-60.
- Karastathis, Dimitris., Afthinos, Yiannis., Gargalianos, Dimitris., Theodorakis, Nicholas D. (2015) **“The EFQM Excellence Model: An Exploratory Attempt for Assessing the Hellenic National Sport Federations”**. International Journal of Sport Management, Recreation & Tourism.
- Marefat, Daryush, Faridfathi, Akbar, (2015) **“Relationship between Information Technology and Total Quality Management in Sport Federations”**. Journal of Applied Environmental and Biological Sciences. 5(3)52-58.
- Prajogo,D. I. McDermott, C. M. (2005) **“The relationship between total quality management practices and organizational culture”**. Journal of Operations & Production Management. Vol, 52, SL, No.11, pp. 72-89.
- Sila, I.; Ebrahimpour, M. (2005) **“Critical linkages among TQM factors and business results”**. International Journal of Operations & Production Management. 25 (11), 1123-1155.
- Watson, J., Korukonda, A.R. (1995) **“The TQM jungle: a dialectical analysis.”** International Journal of Quality & Reliability Management. Vol. 12, NO. 9, pp. 100-9.
- Ziad Lutfi, Altahayneh (2014) **“Implementation of Total Quality Management in Colleges of Physical Education in Jordan”**. International Journal of Business and Social Science. Vol. 5 No. 3.
- Zhongjun, Tang, Xiaohong, Chen, Zhengwen, Wu. (2010) **“Using behavior theory to investigate individual-level determinants of employee involvement in TQM”**. 21(12): 1231-1260.

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکرکدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

شغل: شغل:

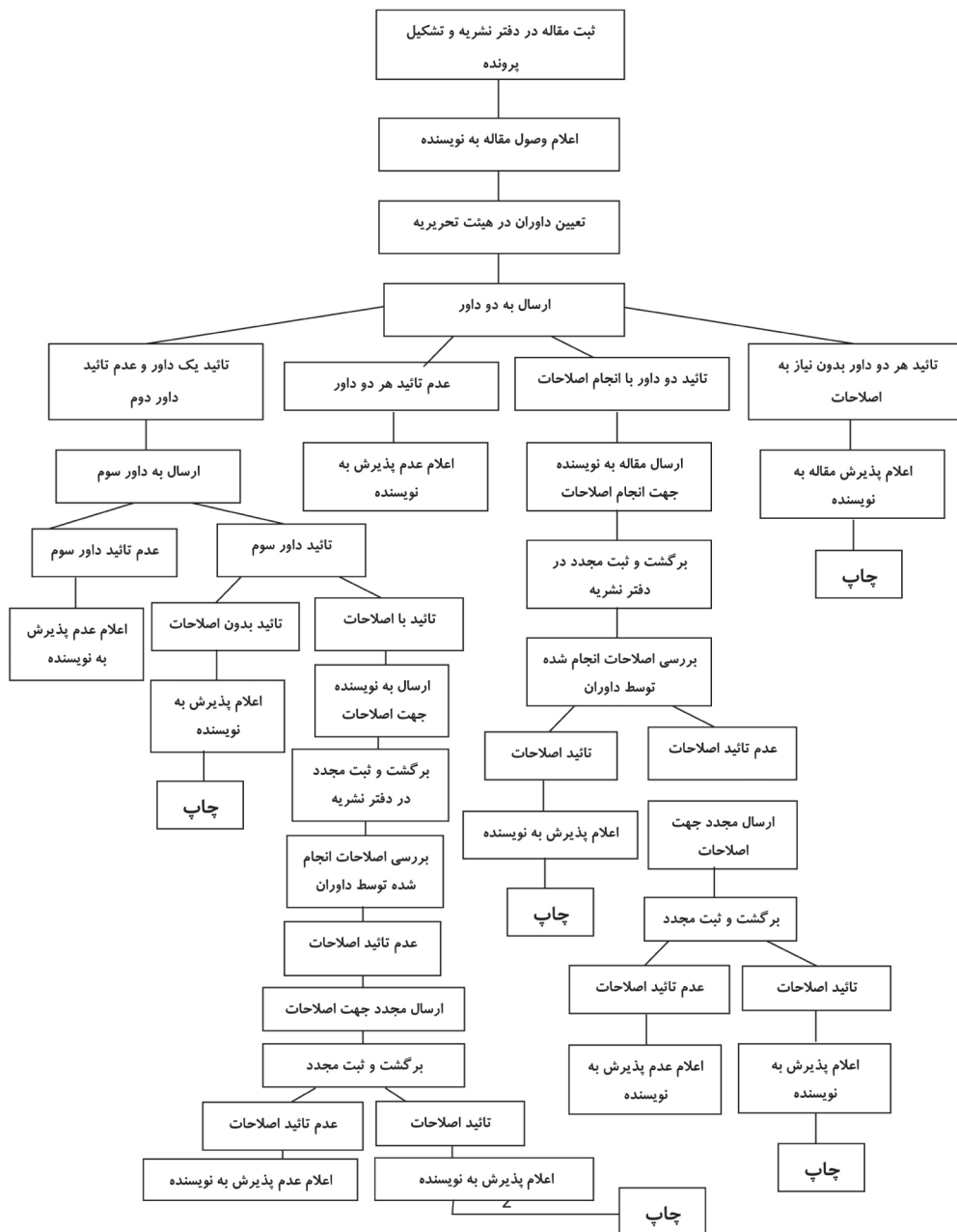
خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:
تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن مرد

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):

تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):

نشانی:

کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:

واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نمابر (با ذکر کد شهر):

امضای مسئول و مهر مؤسسه:

based on individual work, attention to the comments and decisions employees, continuous evaluation and other factors that can be found in dynamic and advanced organizations, are the important quality factors in Iranian Wrestling Federation.

Key words: Organizational Efficiency, Total Quality Management, Iranian Wrestling Federation and Structural Model

Structural Model of Total Quality Management in Iranian Wrestling Federation

Seyyede Faride Hadavi

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Islamic Azad University, Islamshahr Branch

Abolfazl Farahani

Ph.D., Full Professor in Sport Management, Payam-e-Noor University, Tehran

Hamid Seifi

Ph.D. Student in Sport Management, Payam-e-Noor University, Tehran

Received: 9 Dec. 2015

Accepted: 26 Dec. 2015

23

The study is to investigate the parameters of a comprehensive quality management in wrestling Federation. Total Quality Management includes all elements of organization and resources to achieve quality and meet customer needs and interests of employees. The aim of this study in terms of quantity and in terms of implementation of applied research to collect data from the type of research method - an analysis of aspects of the survey.

Subjects after determining the total number of people working in the field of study (380 cases, according to the Federation Secretariat), 157 elite experts formed randomly. To answer the research question, the measuring tool (questionnaire), which includes eight components of total quality management (based on exploratory factor analysis), was used.

The results showed that the structure has been defined for total quality management 64/41% of the total variance and variance percentages for each of the eight factors in order to support senior management (5/51), customer relationship (5/29), supplier relationship Recent (3/22), HRM (3/02), the behavior of staff (2/69), process design (2/68), production processes (2/48) and quality assurance (2/07).

Also according to the indicators and outputs LISREL software can be fairly said that the data are consistent of a model and the proposed indices indicated that the overall model is a good one.

Finally, it seems far from achieving the quality and effectiveness altogether with sports, education, management experience related to the field of work, job stability, according to the dynamism and change, systematic organization,

Challenges and Opportunities of Women's Sport in Bushehr and their Removal Solutions

Hamid Reza Sadeghipour

Persian Gulf University, Boushehr, Iran

Mahboobeh Jahanian

Islamic Azad University, Boushehr, Iran

Seyyede Razieh Moosavi

Expert, Boushehr Province Sport and Youth Organization, Boushehr, Iran

Received: 27 Jan. 2015

Accepted: 10 May 2015

22

The purpose of this study was to examine the barrier and opportunities of women's sport in Bushehr and presenting their removal solutions. The research population was all of the athletes and coaches Bushehr, which 375 of whom were randomly selected as sample. The research instrument was a five-point likert-type scale that consist of 45 items and its face and content validity verified by the experts and its reliability was calculated using Cronbach's alpha ($\alpha=0.91$). Exploratory factor analysis was used to analysis of data. Results showed that the most important factor as an obstacle of women's sports was organizational and managerial factors by an average of $3/94 \pm 1/08$. No medical adviser at sporting venues, with average of $3/84 \pm 1/23$ was the first priority of the managerial and organizational barriers. Lack of expertise experienced coaches with an average of $3/61 \pm 1/21$ was an first priority in expert team factors. Also the low quality sports equipment (mean $3/72 \pm 1/33$) and climatic conditions (mean $3/54 \pm 1/07$) as the most important in environment factor. In psychological factor, uncertainty about the safety sports halls with an average $3/94 \pm 1/08$ was reported as the most important priority. Lack of family support and encouragement ($3/27 \pm 1/44$) was reported as the most important priority for social support factor. These results emphasize the need to meet the challenges of women's sports, it should be emphasize in organizational and managerial of sports and youth department.

Keywords: Sport Challenge, Women's Sport and Barriers to Physical Activity

medical method for improve the sleep quality; cognition performance and their components among community older adults. In general, this study showed that physical exercise with moderate and high level has a positive impact on cognitive performance and improve the quality of sleep.

Key words: Cognition Performance, Sleep Quality, Older Adults and Different Physical Activity Levels

The Comparison of Cognition Performance and Sleep Quality in Older Adults with Different Physical Activity Levels

Mahdi Kohandel

Ph.D., Member of Faculty of Physical Education & Sport Science, Islamic Azad University, Karaj Branch

Afsaneh Sanatkaran

Ph.D., Member of Faculty of Physical Education & Sport Science, Islamic Azad University, Karaj Branch

Arezoo Alikaram

Masters degree in Physical Education and sport science, Islamic Azad University, Karaj Branch

Received: 6 Dec. 2014

Accepted: 4 Apr. 2015

The purpose of present research was to compare of cognition performance and sleep quality in older adults with different physical activity levels.

The research method was cross sectional. The statistical sample in this research included 200 volunteer elderly men with age range of 60-80 years that divided in three groups with low, moderate and high physical activity levels and elder adults completed physical activity questionnaire. All subjects completed the Petersburg Sleep Quality Index (PSQI) and the mini mental-cognition questionnaire. The collected data were analyzed by inferential statistical tests such as two-way ANOVA and Boinferoni Post Hoc tests at the $P < 0/05$ significant level with SPSS version 19.

findings showed that there were significant differences between groups with low, moderate and high physical activity levels in cognition performance, sleep quality and their components ($P < 0.05$). Also, the boinferoni Post Hoc showed that the high and moderate intensity group scores in cognition performance, sleep quality and their components were better than other groups ($P < 0/05$). Finally, the moderate intensity group scores were better than moderate intensity group ($P < 0/05$).

Generally, the present research showed that the aerobic exercises with high and moderate intensity have positive and significant effects on cognition performance, sleep quality and their components. Thus, based on these findings, the aerobic exercises with high and moderate intensity were recommended. As a useful and

international mega sporting events in Iran. Also, Iran is located in WT positions for these events.

Keywords: SWOT, Strategy, Hosting, Mega Sporting Event and Strategic Condition

Codification Strategies and Determining Strategic Position of Bidding and Hosting International Mega Sporting Events in Iran

Loghman keshavarz

Ph.D., Associate Professor, Sports Management Dept., Payam-e-Noor University

Abolfazl Farahani

Ph.D., Full Professor, Sports Management Dept., Payam-e-Noor University

Morteze Rezaee Soufi

Ph.D., Assistant Professor, Sports Management Dept., Payam-e-Noor University

Hossein Zokaee

Ph.D. in Sports Management, Payam-e-Noor University

Received: 4 Feb. 2015

Accepted: 14 Feb. 2015

The purpose of research was the codification strategies and determining strategic situation of bidding and hosting international mega sporting events in Iran. The research was based on mixed methods of qualitative and quantitative. The statistical population of the research was 230 persons. They were sport management faculty members, managers and experts of sport organizational who were familiar with hosting sporting events. 25 managers and elite sport experts who were familiar with hosting mega sporting events were chosen purposely to qualitative samples. 141 persons were randomly chosen to quantitative sample based on Morgan table. To achieve the research objectives, the list of strengths, weaknesses, opportunities, and threats of bidding and hosting mega sporting events in Iran were provided, and the final list was completed in 3 times on Delphi method and experts' opinion. Then, the self-made questioner with 61 questions was distributed among quantitative samples. Validity of the questionnaire was confirmed by 20 experts and the reliability was studied in a pilot study with 30 subjects and calculated as 0.78 respectively. Then, Delphi method was used for compiling strategies and finally the strategies were confirmed at the strategic council. Also, PESTSCAN method was used for determining strategic situation. For data analysis, the descriptive statistics and inferential statistics methods, including Kolmogorov- Smirnov, confirmed factor analysis by application of Lisrel software and SPSS software were used. A Delphi method was used for qualitative section too. Research findings showed that there are 7 strengths, 16 weaknesses, 9 opportunities, and 9 threats, 14 strategies for bidding and hosting

A Study on the Effects of Sport Diplomacy on the Soft Potential in International System

Mohammad Babaei

Master degree Student in International Relations, Pardis University of Political Science and International Relations, Gilan, Iran and Ph.D. Student in Physical Education Management and Planning, Research in Science Unit, Tehran

Reza somber

Ph.D. in Political Science, Pardis University of Political Science and International Relations, Gilan, Iran

Maryam Rezaee

Master degree in International Relations, Pardis University of Political Science and International Relations, Gilan, Iran

Sajjad solaimani Keshaye

Student in Sport Management, Shomal University, Amol

Received: 27 Oct. 2014

Accepted: 17 Oct. 2015

Nowadays, the usage of soft potential and its neutralization is undeniable in world economic and political changes that could be studied in three cultural, economical and political dimensions. One of the sub-variables in cultural part is sport. This research is an analytic- descriptive one and the researcher has used library studies after analyzing the soft potential in sport and its effect on isotropy of countries. The research is to answer these questions: Will sport put positive effects on economical development of some countries as a component of creating soft potential? Why does sport put effect on isotropy countries as a component of creating soft potential?

The results of research showed that identification and advantage of one country to others in the field of power, rooted in sport competition that is nowadays as a professional and commercial way, is the symbol of advantage and effectiveness of sport in creating of soft potential. Therefore, use of dominance strategy, absorption and satiation in sport that is one of the aims of soft potential, can be effective on national and international relations. In addition, it may lead to association, national timidity and cultural accretion and finally, economical development.

Keywords: Sport Diplomacy, Hard Potential, Soft Potential, Culture, Sport and International System

Identify and Prioritize the Strategies of Developing Environmental Culture

Sara Boozhmehrani

Ph.D. Candidate in Sport Management, Mazandaran University, Iran

Seyyed Mohammad Hossein Razavi

Ph.D., Professor in Sport Management, Mazandaran University, Iran

Received: 8 Nov. 2014

Accepted: 7 Mar. 2015

16

The purpose of the study is to identify and prioritize the strategies of developing environmental culture and to enhance the participation of athletes in environmental protection activities. Due to the mutual influence of sport and environment, the need of more environmental knowledge in sport community is obvious. So, the provided strategies in the survey can be used for all levels of sport. Final data are the result of mixed methodology (qualitative and quantitative) and Friedman ANOVA. The population was the elite athletes in different kinds of sports and non-random goal oriented sampling were been used for qualitative interviews. Finally, the strategies classified in three main branches and mentioned the top ten specifically. These three branches were: educational and research strategies, managerial and structural strategies and cultural and national strategies.

Keywords: Environment, Environmental Culture, Sustainable Development and Sport

ranking state officials and ineffective teachers had have been negative results on the students' religious identity formation.

Findings suggest that family education and religious upbringing of children to education be taken seriously and religious organizations should organize students with proper planning.

Keywords: Sources of Identity, Religious Identity, Mixed Methods and High School Students

High School Students' Point of View about the Effective Sources on their Religious Identity (Case Study: Karaj City)

Fateme Abedi

Ph.D. Student in Educational Psychology, Alzahra University

Morteza Monadi

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, Alzahra University

Received: 10 Jun. 2015

Accepted: 12 Jul. 2015

14

The aim of this study was to identify factors influencing the formation of religious identity of Karaj's students. The population consisted of Karaj's high schools with cluster sampling from three regions uptown, downtown and inner-town, three schools were selected.

The method of research was mixed method and research tools were questionnaire and interview. At first for selecting the research sample, we used the Khodayarifard et al (2010) religiosity questionnaire that was executed on the high school fourth-grade students those were totally 230 individuals with the age average of 17 and acquired in theory field (mathematics, science and humanities). After the execution of religiosity questionnaire, 65 individuals who received the highest score in the religiosity questionnaire were selected and each person responded separately to the questions about effective religious identity formation resources which were made by the researcher (a Semi-structured questionnaire were adjusted according to contributing sociological factors to the formation of religious identity and the final form was used after using the highly qualified experts' opinions) in a 15-minute session. Descriptive content analysis was used in evaluating of the interview data.

The findings of analysis performed on the sample of interviews showed these effects on students' religious identity: (1) school (teacher's characteristics, educational activities, and curriculum) (2) families (economic issues, cultural level, religiosity, the type of the job and ...) (3) social factors (media issues, cultural programs of mosques, government officials, and religious bodies)

The results showed that orderly the most important factors in the formation of students' religious identity was parents' religiousness, participating in religious organizations and student clubs. The results also showed that a number of high-

The Prediction of Youth Successful Marriage: The Role of Effective Marital Factors on the Socio-Cultural Context

Javad Khodadadi sangdeh

Ph.D., Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Ali mohammad Nazari

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Khodabakhsh Ahmadi

Ph.D., Associate Professor, Baqiyatallah University of Medical Sciences

Received: 13 Jul. 2015

Accepted: 6 Sep. 2015

13

Considering the importance of assessing and identifying effective couple Factors on healthy marriage, this study aimed to determine the predictive role of factors marital in the successful marriage among youth couples. This is a descriptive- correlational research in which 853 couples in Tehran with at least one child were selected through random cluster sampling method and then assessed by Iranian Family Health Questionnaire (IFHQ) and Demographic Characteristic Questionnaires. Data analyzed using Pearson correlation and stepwise multiple regression analysis. The results of Pearson's correlation coefficient showed that there was a significant and positive relation between marriage health and couple factors. In addition, the results indicated that marital factors could predict 59 percent of successful marriage. Hence, a number of different factors can contribute to building a successful marriage including reciprocal caring, intimacy, acknowledgment, commitment, attempt to satisfying one another, sexual satisfaction, and agreement. These factors are of fundamental role in successful marriage. Therefore, with regard to marriage, it is necessary to pay more attention to social and cultural contexts.

Key words: Successful Marriage, Marital Factors, Couples and Socio-Cultural Context

The Role of Youth «NGOs» in the National Interests of the Islamic Republic of Iran

Rohollah modaber

Ph.D. Student in International Relations, Department of Political Science & international Relations, Tehran Science and Research Brannch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehdi zakerian

Ph.D., Assistant professor, department of political Science & International Relations, College of Political Science & International Relations, Tehran Science and Research Brannch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 30 Aug. 2015

Accepted: 18 Nov. 2015

NGOs are one of the manifestations of civil society with the rule of democratic values that most people's participation in various social affairs which can help with issues such as policy making, implementation and follow-up activities involved in the conduct of public affairs YNGOs situation. In this paper, (youth NGOs) in Iran are studied in documentation and library methods. we try to express the role and importance of youth NGOs in the national interests. YNGOs are non-profit and voluntary youth activities in terms of welfare and public services. By the definition of the United Nations, NGOs are organizations to reduce pain and enhance the interests of the poor and protecting the environment, providing social services and development indicators. Due to the efforts of NGOs in humanitarian and food aid, medical care, clothing and other necessities in case of events that cause damage to natural factors and human societies, including war and acts of terrorism or extremist groups, it should be said that they are of great important. Therefore, the public measures, particularly by youth NGOs in other countries of the world for natural influence foreign audiences, will share the understanding of the country's philanthropic programs for others.

Key words: Non-Governmental Organizations, Youth NGOs, National Security and Public Diplomacy

Objective and Subjective Youth Exclusion in Iran

Maryam Ghazinejad

Ph.D., Associate Professor, Social Sciences Department, Alzahra University

Fatemeh Rahnama

Master degree in Research in Social Sciences, Alzahra University

Kiana Kalhour

Master degree in Research in Social Sciences, Alzahra University

Received: 31 Oct. 2015

Accepted: 17 Nov. 2015

Opening the "population window" by young people born in 1980s (baby boom) in Iran, as an transitional and changing society over the last decades, has resulted challenges for youth welfare and national development, instead of golden opportunity to benefit them, due to lack of earlier and long term planning and policies to support the young generation's needs in life cycle (from childhood to adults). In this context, measurement and providing a comprehensive image of youth situation in Iran, through the new and rights - centered approach named "Social Exclusion/Inclusion" can be useful, as it reveals knowing and assessing youth socio-economic condition and difficulties, moreover, can suggest to policy makers relevant social policies affecting youth affairs.

This paper aims to operationalize and apply "social exclusion" to measure Iranian youth deprivations and insufficient social inclusion/integration in social system as objectively and subjectively. Objective social exclusion is operationalized in 3 dimensions: 1- material deprivations 2- lack of basic social rights 3- lack of socio-cultural integration . Subjective social exclusion has been extracted from the gap between youth's expectations and real life.

This study is a descriptive- explanatory national survey over years 2012 - 2014. The population consisted of 15-29 years old youths. Using the multi-stage cluster sampling method, 4522 participants were selected from 12 provinces .They received the standard - localized questionnaire.

Findings revel that near the half of youth(45%) participants have been suffering objective social exclusion (mean score 34 in a 0-100 grading scale) over their life course & mean score for subjective social exclusion was about 2 times (68/7%) higher than objective one. Therefore, about half of them (49/2%) had the hard sense of subjective exclusion. Observed differences in levels and dimensions of social exclusion between youths in different groups have been analyzed.

Keywords: Social Exclusion, Objective Exclusion, Subjective Exclusion, Deprivation, Youth and Iran

A Study on the Status of Iranian Youth Employability

Zohre Tohidi

Master degree in Sociology

Ali Akbar Soroush

Ph. D. in History, Researcher in Historical Psychology

Seyyed Mohamad Alhoseini

Ph. D. in Management

Received: 31 Aug. 2015

Accepted: 17 Nov. 2015

10

The research was done to identify the factors affecting youth employability, investigate youth employability and provide the best advices for improving youth employability. This project aims to answer these questions: “What is the best definition for employability?” “What features or scales can be utilized to measure Iranian young people’s employability?” “Is it necessary to provide indigenous scales?” “What is the relationship between employability and issues as academic and vocational education?” “According to the definition of employability, how is the status of employability of Iranian young people?” and “According to the research findings, how can youth employability be improved?”

Quantitative (survey with 1500 samples) and qualitative (interview and focus group) methods have been chosen for answering these questions. Findings have shown that there is significant difference between the basic knowledge and employability scales and province location of youth; for example, youth who are living in developed or underdeveloped province have different level of employability. Furthermore, work culture (because of hardworking and perseverance not being as a value), financial deprivation (because of being deprived of knowledge or skill and starting up occupation), performance of educational system (because of inattention to vocational education and imbalance labor market) and instability macro-policy are major factors in decreasing employability of Iranian youth. Also, this research asserts that youth unreal assumptions about their status of employability and business environment have caused decreasing their employability.

Key Words: Employability, Individual Factors, Personal Circumstances and External Factors

An Integrated and Participatory (Network-based) Model of Policy Making and Management for Youth Affairs in Iran

Ali Akbar Tajmazinani

Ph.D., Assistant Professor in Social Policy, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 28 Jul. 2015

Accepted: 15 Nov. 2015

The system of policy making and planning in the field of youth affairs experiences multiple challenges and problems which prevents its full efficiency despite various attempts. These challenges are of various dimensions and nature, but many of them are rooted in structural aspects of organizing youth affairs. The present paper seeks to address these challenges focusing on structural issues with a view to suggest a proper structure for optimizing its functions. It builds on two theoretical foundations namely the evolution of public management theories and youth participation theories to justify the suggested model for organizing youth affair in Iran. The methods used in this paper and the related paper research consist of comparative study, content analysis and literature review.

Findings of the comparative identified six main models of structural arrangements for governmental institutions and bodies responsible for organizing youth affairs. Various factors were identified at the domestic level which had caused the inefficiency and failure of the system of policy making and planning in the field of youth affairs; these factors could be classified in four categories, namely contextual, behavioral, normative and structural.

Accordingly, a new model called the Integrated and Participatory (Network-based) Model of Organizing Youth Affairs in the country has been suggested. This model is aimed to tackle the above mentioned challenges of the past to a considerable extent while contributing to further development of this field by benefiting from international experiencing.

Keywords: Youth, Youth Policy and Planning, Integrated and Participatory (Network-based) Model of Organizing Youth Affairs, Youth Affairs Management and Development Organization

Islamic Azad University, Karaj Branch

Afsaneh Sanatkaran / Ph.D., Member of Faculty of Physical Education & Sport Science,
Islamic Azad University, Karaj Branch

Arezoo Alikaram / Masters degree in Physical Education and sport science, Islamic Azad
University, Karaj Branch

..... 20

Challenges and Opportunities of Women's Sport in Bushehr and their Removal Solutions

Hamid Reza Sadeghipour / Persian Gulf University, Boushehr, Iran

Mahboobeh Jahanian / Islamic Azad University, Boushehr, Iran

Seyyede Razieh Moosavi / Expert, Boushehr Province Sport and Youth Organization,
Boushehr, Iran

..... 22

Structural Model of Total Quality Management in Iranian Wrestling Federation

Seyyede Faride Hadavi / Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Islamic Azad
University, Islamshahr Branch

Abolfazl Farahani / Ph.D., Full Professor in Sport Management, Payam-e-Noor
University, Tehran

Hamid Seifi / Ph.D. Student in Sport Management, Payam-e-Noor University, Tehran

..... 23

..... 13

High School Students' Point of View about the Effective Sources on their Religious Identity (Case Study: Karaj City)

Fateme Abedi / Ph.D. Student in Educational Psychology, Alzahra University

Morteza Monadi / Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, Alzahra University

..... 14

Identify and Prioritize the Strategies of Developing Environmental Culture

Sara Boozhmehrani / Ph.D. Candidate in Sport Management, Mazandaran University, Iran

Seyyed Mohammad Hossein Razavi / Ph.D., Professor in Sport Management, Mazandaran University, Iran

..... 16

A Study on the Effects of Sport Diplomacy on the Soft Potential in International System

Mohammad Babaei / Master degree Student in International Relations, Pardis University of Political Science and International Relations, Gilan, Iran and Ph.D. Student in Physical Education Management and Planning, Research in Science Unit, Tehran

Reza somber / Ph.D. in Political Science, Pardis University of Political Science and International Relations, Gilan, Iran

Maryam Rezaee / Master degree in International Relations, Pardis University of Political Science and International Relations, Gilan, Iran

Sajjad solaimani Keshaye / Student in Sport Management, Shomal University, Amol

..... 17

Codification Strategies and Determining Strategic Position of Bidding and Hosting International Mega Sporting Events in Iran

Loghman keshavarz / Ph.D., Associate Professor, Sports Management Dept., Payam-e-Noor University

Abolfazl Farahani / Ph.D., Full Professor, Sports Management Dept., Payam-e-Noor University

Morteze Rezaee Soufi / Ph.D., Assistant Professor, Sports Management Dept., Payam-e-Noor University

Hossein Zokaee / Ph.D. in Sports Management, Payam-e-Noor University

..... 18

The Comparison of Cognition Performance and Sleep Quality in Older Adults with Different Physical Activity Levels

Mahdi Kohandel / Ph.D., Member of Faculty of Physical Education & Sport Science,

CONTENTS

An Integrated and Participatory (Network-based) Model of Policy Making and Management for Youth Affairs in Iran

Ali Akbar Tajmazinani / Ph.D., Assistant Professor in Social Policy, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

9

A Study on the Status of Iranian Youth Employability

Zohre Tohidi / Master degree in Sociology

Ali Akbar Soroush / Ph. D. in History, Researcher in Historical Psychology

Seyyed Mohamad Alhoseini / Ph. D. in Management

10

Objective and Subjective Youth Exclusion in Iran

Maryam Ghazinejad / Ph.D., Associate Professor, Social Sciences Department, Alzahra University

Fatemeh Rahnema / Master degree in Research in Social Sciences, Alzahra University

Kiana Kalhour / Master degree in Research in Social Sciences, Alzahra University

11

The Role of Youth «NGOs» in the National Interests of the Islamic Republic of Iran

Rohollah modaber / Ph.D. Student in International Relations, Department of Political Science & international Relations, Tehran Science and Research Brannch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehdi zakerian / Ph.D., Assistant professor, department of political Science & International Relations, College of Political Science & International Relations, Tehran Science and Research Brannch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

12

The Prediction of Youth Successful Marriage: The Role of Effective Marital Factors on the Socio-Cultural Context

Javad Khodadadi sangdeh / Ph.D., Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Ali mohammad Nazari / Ph.D., Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, kharazmi University

Khodabakhsh Ahmadi / Ph.D., Associate Professor, Baqiyatallah University of Medical Sciences

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Quarterly of
**STRATEGIC STUDIES ON
YOUTH AND SPORTS**

No.28.Autumn2015

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Reza Fazli

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel:+98(21)22662369

Fax: +98(21)22662260

E- mail: strategic.studies@msy.gov.ir

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*